



زنان هرات

جایگاه و توانمندی زنان در
خانواده و حوزه عمومی

علی احمد کاوه

انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان



زنان هرات

جایگاه و توانمندی زنان در خانواده و حوزه عمومی



مطالعات زنان ۱

© ۱۳۹۹ انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان

انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان (AISS) یک نهاد مستقل پژوهشی است که در میزان سال ۱۳۹۱ به هدف فراهم سازی زمینه‌ی علمی و اکادمیک پیرامون موضوعات راهبردی افغانستان در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی تاسیس شده است. انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان تلاش دارد با انجام دادن پژوهش‌های مستقل، ترجمه و چاپ کتاب‌ها و مقالات علمی، برگزاری همایش‌ها و کنفرانس‌های ملی و بین‌المللی به رشد و بهبود دموکراسی، امنیت، صلح، حکومتداری خوب و ... در جامعه کمک کند.

رفع مسؤولیت

تحلیل ارائه شده در این پژوهش صرفاً نظر نویسنده است و دیدگاه انستیتوت را بازتاب نمی‌دهد.



زنان هرات؛ جایگاه و توانمندی زنان در خانواده و حوزه عمومی

نویسنده: علی احمد کاوه

شماره نشر: ۲۰۲۱-۰۳۷-AISS-P

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

تاریخ چاپ: ۱۳۹۹، هرات

نشانی کابل: قلعه ۹ برج، کارته پروان، کابل، افغانستان

نشانی هرات: چهارراهی بلندآب، جاده عارف خان، هرات، افغانستان

ISBN 978-9936-655-15-7



9 789936 655157

فهرست مطالب

.....	سپاس‌گزاری	أ
.....	خلاصه گزارش	۱

فصل اول

.....	کلیات	۵
.....	مقدمه و طرح مسأله	۵
.....	ضرورت و اهمیت تحقیق	۸
.....	اهداف و پرسش‌ها	۹
.....	پیشینه تحقیق	۱۱

فصل دوم

.....	مباحث نظری	۱۵
.....	تبیین فرودستی زنان	۱۶
.....	سنت بلورن	۱۷
.....	تغییر بلورن	۲۰
.....	توانمندی زنان	۲۷
.....	مفهوم توانمندسازی زنان	۲۹
.....	شاخص‌های سنجش نابرابری جنسیتی و توانمندی زنان	۳۲
.....	مقیاس‌ها و شاخص‌های توانمندی زنان	۳۵
.....	موانع قدرتمند شدن	۳۹
.....	کدام قدرت، کدام زنان؟ جنسیت و طبقه اجتماعی	۴۳

فصل سوم

۴۵..... روش تحقیق

فصل چهارم

۵۰..... یافته‌های تحقیق

۵۰..... توانمندسازی زنان در افغانستان

۵۵..... جایگاه اقتصادی زنان

۵۸..... مشارکت زنان

۶۳..... مشارکت در نیروی کار

۶۳..... مولف و چالش‌های مشارکت زنان

۶۴..... زنان و آموزش

۷۶..... صحت زنان

۷۸..... خشونت علیه زنان

۸۱..... توانمندی زنان هرات

۸۱..... معرفی ولایت هرات

۸۲..... بخش اول: توانمندی زنان هرات در حوزه عمومی

۸۲..... فعالیت‌های اقتصادی و مشارکت زنان هرات

۸۹..... آموزش زنان هرات

۹۶..... صحت زنان هرات

۱۰۱..... خشونت علیه زنان

۱۰۳..... توصیف و تحلیل داده‌های تحقیق پیمایشی

۱۰۳..... توصیف متغیرهای جمعیت‌شناختی

۱۱۰..... سهم زنان در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی

۱۱۵..... توصیف شاخص‌ها

۱۱۵..... ۱. شاخص سهم‌گیری مردان در کارهای خانه

۱۱۷..... ۲. شاخص خشونت خانوادگی

۳. شاخص فرعی جایگاه و ارزش زنان در خانه..... ۱۱۸
۴. شاخص فرعی صحت و بهداشت..... ۱۲۰
۵. شاخص فرعی تبعیض جنسیتی بین فرزندان..... ۱۲۱
۶. شاخص فرعی اجاره بیرون رفتن و تفریح..... ۱۲۳
۷. شاخص فرعی استقلال مالی..... ۱۲۴
۸. شاخص فرعی آزادی فردی..... ۱۲۵
۹. شاخص فرعی حق انتخاب..... ۱۲۷
۱۰. شاخص عمومی توانمندی زنان..... ۱۲۸
- تحلیل استنباطی داده‌های تحقیق..... ۱۳۰
۱. آزمون رابطه توانمندی با سن زنان..... ۱۳۰
۲. آزمون همبستگی توانمندی با سطح تحصیلات زنان..... ۱۳۱
۳. آزمون همبستگی بین توانمندی و درآمد زنان..... ۱۳۲
۴. مقایسه شاخص کلی توانمندی با متغیرهای جمعیت‌شناختی (شغل، حالت مدنی، سکونت اصلی و مذهب)..... ۱۳۳
۵. مقایسه شاخص سهم‌گیری مردان در کارخانه با متغیرهای جمعیت‌شناختی (شغل، سواد و میزان درآمد)..... ۱۳۴
۶. مقایسه شاخص خشونت خلودگی با متغیرهای جمعیت‌شناختی (شغل، سواد و میزان درآمد)..... ۱۳۶

فصل پنجم

- نتیجه‌گیری..... ۱۳۷
- سفارش‌ها..... ۱۴۳
- پیوست‌ها..... ۱۵۱
- درباره نویسنده..... ۱۵۷

فهرست جدول‌ها

- جدول ۱: ماتریکس‌ها و شاخص‌های توانمندی زنان ۳۸
- جدول ۲: تعداد زنان و مردان در بخش دولتی بین سال‌های ۱۳۹۷-۱۳۸۳ ۵۸
- جدول ۳: درصد کارمندان ادارات دولتی به تفکیک جنس بین سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۷ ۵۹
- جدول ۴: تعداد شاگردان مکاتب تعلیمات عمومی بین سال‌های ۸۱ تا ۹۷ به تفکیک جنس ۶۶
- جدول ۵: فیصدی شاگردان مکاتب تعلیمات عمومی بین سال‌های ۸۱ تا ۹۷ به تفکیک جنس ۶۷
- جدول ۶: آمار شاگردان مکاتب دولتی در تعلیمات عمومی به تفکیک دوره تعلیمی و جنس ۶۹
- جدول ۷: فیصدی معلمان زن و مرد در مکاتب کشور بین سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۷ ۷۰
- جدول ۸: تعداد محصلان دانشگاه‌های دولتی کشور بین سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۷ به تفکیک جنس ۷۲
- جدول ۹: فیصدی محصلان دختر و پسر در دانشگاه‌های دولتی کشور بین سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۷ ۷۳
- جدول ۱۰: تعداد استان دانشگاه‌های دولتی کشور بین سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۷ به تفکیک جنس ۷۴
- جدول ۱۱: فیصدی استان زن و مرد در دانشگاه‌های دولتی کشور بین سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۷ ۷۵
- جدول ۱۲: آمار خشونت علیه زنان در افغانستان در سال ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ ۸۰
- جدول ۱۳: معلمان و کارکنان ریاست معارف هرات در سال ۱۳۹۷ ۸۴
- جدول ۱۴: مشارکت در دانشگاه‌های خصوصی هرات با تفکیک جنس در سال ۱۳۹۷ ۹۳
- جدول ۱۵: لیست مراکز صحتی در ولایت هرات ۹۶
- جدول ۱۶: استفاده از ابزارهای جلوگیری در سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷ ۹۸
- جدول ۱۷: دسترسی مادران به خدمات صحتی ۹۸
- جدول ۱۸: دسترسی مادران به خدمات صحتی در هنگام ولادت ۹۹
- جدول ۱۹: سکونت اصلی پاسخگویان با تفکیک ولایات ۱۰۳
- جدول ۲۰: تفکیک پاسخگویان بر اساس سکونت اصلی شهری و غیرشهری ۱۰۳
- جدول ۲۱: محل سکونت اصلی پاسخ‌دهندگان با تفکیک ولسوالی‌ها و ناحیه‌های شهری ۱۰۴
- جدول ۲۲: توزیع پاسخ‌دهندگان بر اساس وضعیت تأهل ۱۰۵
- جدول ۲۳: توزیع پاسخ‌دهندگان بر اساس قومیت ۱۰۷
- جدول ۲۴: میزان درآمد پاسخگویان ۱۰۸
- جدول ۲۶: شاخص‌های توانمندی سطوح فردی/خانوار در مطالعات تجربی که کاربرد بیشتری داشته‌اند ۱۰۹

- جدول ۲۷ : سهم مردان و زنان در تصمیم گیری های خانواده ۱۱۳
- جدول ۲۸ : میزان روایی شاخص های تحقیق ۱۱۴
- جدول ۲۹ : شاخص سهم گیری مردان در کار خانه ۱۱۵
- جدول ۳۰ : شاخص خشونت خانوادگی ۱۱۶
- جدول ۳۱ : شاخص جایگاه، ارزش و صمیمیت ۱۱۸
- جدول ۳۲ : شاخص فرعی صحت و بهداشت ۱۱۹
- جدول ۳۳ : شاخص فرعی تبعیض جنسیتی بین فرزندان ۱۲۰
- جدول ۳۴ : شاخص فرعی بیرون رفتن و تفریح ۱۲۲
- جدول ۳۵ : شاخص فرعی استقلال مالی ۱۲۳
- جدول ۳۶ : شاخص فرعی آزادی فردی ۱۲۴
- جدول ۳۷ : شاخص فرعی حق انتخاب ۱۲۶
- جدول ۳۸ : شاخص کلی توانمندی زنان هرات ۱۲۷
- جدول ۳۹ : شاخص های فرعی و مقیاس کلی توانمندی زنان هرات ۱۲۸
- جدول ۴۰ : آزمون اسپیرمن برای سنجش میزان همبستگی توانمندی با سن زنان ۱۲۹
- جدول ۴۱ : آزمون اسپیرمن برای سنجش همبستگی توانمندی با سطح تحصیل زنان ۱۳۰
- جدول ۴۲ : آزمون اسپیرمن برای سنجش همبستگی توانمندی با سطح درآمد زنان ۱۳۱
- جدول ۴۳ : آزمون تی برای سنجش میزان همبستگی توانمندی زنان با متغیرهای دیگر ۱۳۲
- جدول ۴۴ : آزمون تی برای سنجش میزان همبستگی کار خانه مردان با متغیرهای دیگر ۱۳۵

فهرست شکل‌ها و نمودارها

- نمودار ۱: آمار کارمندان دولت به تفکیک جنس از ۱۳۸۳ تا سال ۱۳۹۷ ۶۰
- نمودار ۲: درصد کارمندان زن و مرد در وزارت‌خانه‌ها بین سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۷ ۶۲
- نمودار ۳: فیصدی شاگردان مکاتب کشور به تفکیک جنس از ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۷ ۶۸
- نمودار ۴: فیصدی معلمان زن و مرد در مکاتب کشور بین سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۷ ۷۰
- نمودار ۵: فیصدی محصلان دانشگاه‌های دولتی به تفکیک جنس ۱۳۸۲-۱۳۹۷ ۷۳
- نمودار ۶: فیصدی استادان دانشگاه‌های دولتی به تفکیک جنس ۱۳۸۲-۱۳۹۷ ۷۵
- نمودار ۷: میزان مرگ و میر مادری در جنوب آسیا ۷۷
- نمودار ۸: کارکنان معارف ولایت هرات در سال ۱۳۹۷ ۸۳
- نمودار ۹: حضور زنان در ادارات دولتی هرات با تفکیک بست‌ها ۸۶
- نمودار ۱۰: فیصدی دانشجویان در دانشگاه هرات با تفکیک جنسیت ۹۰
- نمودار ۱۱: فیصدی جدیدالشمولان در دانشگاه هرات با تفکیک جنسیت ۹۱
- نمودار ۱۲: فیصدی فارغان دانشگاه هرات با تفکیک جنسیت ۹۲
- نمودار ۱۳: فیصدی استادان دانشگاه هرات با تفکیک جنسیت ۹۲
- نمودار ۱۴: فیصدی استادان دانشگاه هرات با تفکیک جنسیت ۹۲
- نمودار ۱۵: مقایسه فیصدی دانش‌آموزان و معلمان اناث هرات و افغانستان ۹۴
- نمودار ۱۶: تعداد مکاتب در هرات ۹۵
- نمودار ۱۷: تعداد دانش‌آموزان مدارس دینی ولایت هرات ۹۶
- نمودار ۱۸: فیصدی داکتران و پرسونل صحتی در ولایت هرات با تفکیک جنسیت ۹۷
- نمودار ۱۹: تعداد ورزشکاران در ولایت هرات با تفکیک جنسیت ۱۰۰
- نمودار ۲۰: خشونت علیه زنان در ولایت هرات در سال ۱۳۹۷ ۱۰۱
- نمودار ۲۱: مقایسه فیصدی خشونت علیه زنان در هرات و افغانستان در سال ۱۳۹۷ ۱۰۲
- نمودار ۲۲: درصد پاسخ دهنده‌گان با تفکیک سن ۱۰۵
- نمودار ۲۳: توزیع پاسخ‌دهنده‌گان بر اساس سطح سواد ۱۰۶
- نمودار ۲۴: درصدی پاسخ‌دهنده‌گان با تفکیک مذهب ۱۰۷
- نمودار ۲۵: سهم مردان و زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده ۱۱۳

- نمودار ۲۶ : شاخص سهم‌گیری مردان در کار خانه ۱۱۲
- نمودار ۲۷ : شاخص سهم‌گیری مردان در کار خانه ۱۱۵
- نمودار ۲۸ : شاخص فرعی خشونت خانوادگی ۱۱۷
- نمودار ۲۹ : شاخص فرعی جایگاه و ارزش زنان در خانه ۱۱۸
- نمودار ۳۰ : شاخص فرعی صحت و بهداشت ۱۲۱
- نمودار ۳۱ : شاخص فرعی تبعیض جنسیتی ۱۲۱
- نمودار ۳۲ : شاخص فرعی بیرون رفتن و تفریح ۱۲۲
- نمودار ۳۳ : شاخص فرعی استقلال مالی - میراث ۱۲۳
- نمودار ۳۴ : شاخص فرعی آزادی فردی ۱۲۵
- نمودار ۳۵ : شاخص فرعی حق انتخاب ۱۲۷

سپاس‌گزاری

این پژوهش کار مشترکی است که بدون همکاری این عزیزان نمی‌توانست امروز به این صورت مقابل چشم شما باشد.

آقای عصمت‌الله جعفری دانش‌آموخته عزیز و شایسته رشته جامعه‌شناسی دانشگاه هرات که از اولین روزهای طراحی پژوهش تا آخرین روز در تهیه مطالب، نوشتن و بازخوانی متن همکار نزدیک پژوهشگر بود و بدون همکاری‌های او این تحقیق شکل امروزی را نداشت.

از مرورگران پژوهش، خانم آگاه و توانمند، خالده خرسند که در طراحی ابتدایی تحقیق و تعیین مسیر آینده آن نقش همکار جدی و رهنمای خوبی داشتند؛ دوست فرهیخته آقای دکتر سید جواد رامیار، استاد دانشگاه و خانم صدیقه بختیاری، پژوهشگر، که در امر مرور و بازنگری پژوهش نگاه عالمانه داشتند، نیز سپاس‌گزارم.

از همسر عزیزم، مژگان کاوه و فرزندانم، آیدا و رایان کاوه، که در این مدت من و کمپیوتر و کاغذ و کتاب‌های اطرافم را صبورانه تحمل کردند سپاس‌گزارم.

و در نهایت از همه دوستان، همکاران و عزیزانی که به نحوی در اجرای این تحقیق و درآمدن آن به صورت امروزی نقش داشتند سپاس‌گزارم و خودم را مرهون لطف همه عزیزان و همکاران می‌دانم.

علی احمد کاوه

خلاصه گزارش

هدف کلی این تحقیق نشان دادن جایگاه و توانمندی زنان هرات در خانواده و جامعه (حوزه خصوصی و عمومی) بر اساس شاخص‌های توانمندی زنان است. تحقیق با استفاده از روش‌های تحقیق اسنادی و کمی پیمایشی (داده‌های موجود آماری و داده‌های دست اول پرسش‌نامه‌ای) صورت گرفته است.

بخش اول گزارش، به طرح کلیات موضوع (مقدمه، ضرورت و اهمیت و نیز پرسش‌های تحقیق) می‌پردازد و می‌کوشد نگاهی اجمالی به وضعیت زنان در کشور و بویژه هرات داشته باشد و ضرورت پژوهش‌های بیشتر درباره وضعیت زنان را تبیین نماید.

بخش دوم (مباحث نظری)، عناوینی مرتبط با نظریه‌های جنسیت و فمینیستی برای تبیین فرودستی و بی‌قدرتی زنان بیان شده تا در روشنایی آن‌ها بهتر بتوان عوامل فرودستی تاریخی زنان و جایگاه شان در جامعه و خانواده را درک و تحلیل نمود. در این بخش به گونه کلی دو دسته از نظریه‌ها و نظریه‌پردازان و تبیین‌های شان برای فرودستی زنان آورده شده است. سنت‌باوران و محافظه‌کاران و تلاش آن‌ها برای طبیعی جلوه دادن فرودستی زنان، و تغییرباوران (فمینیست‌ها و بسیاری دیگر از اندیشمندان اجتماعی) و تلاش‌شان برای نشان دادن عوامل و زمینه‌های تاریخی، اجتماعی، روانی و ساختاری فرودستی زنان و پدرسالاری به عنوان ایدئولوژی حاکم در تاریخ و جغرافیای جوامع انسانی. در ادامه این بخش، برای آشنایی بیشتر با مفهوم توانمندی یا قدرت‌یابی زنان، دیدگاه‌ها و نظریات مختلفی مرتبط با موضوع آورده شده و در نهایت چندین شاخص و مقیاس سنجش و ارزیابی توانمندی و نابرابری جنسیتی معرفی شده تا این تحقیق با استفاده از این مقیاس‌ها بهتر بتواند به مطالعه موضوع (توانمندی زنان هرات) بپردازد.

بخش سوم گزارش پیشینه تحقیق است که در آن تحقیقات و گزارش‌های پژوهشی درباره زنان هرات و بعضاً افغانستان که در این پژوهش از آن‌ها به گونه‌ای استفاده شده، معرفی شده‌اند. تعدادی از این تحقیقات اسنادی-کتابخانه‌ای اند و تصویر کلی‌تری از زنان افغانستان به دست می‌دهند در حالی که تعداد دیگری که میدانی و تجربی اند بیشتر به مسایل مربوط به وضعیت، جایگاه و

توانمندی زنان شهر و ولسوالی‌های هرات پرداخته‌اند. با مرور مختصر این پژوهش‌ها و تشخیص نقاط قوت و ضعف‌شان، راه برای طراحی این پژوهش روشن‌تر می‌گردد.

بخش چهارم گزارش به شرح روش تحقیق این پژوهش و چگونگی جمع‌آوری، توصیف و تحلیل اطلاعات اختصاص داده شده است. در این بخش پس از توصیف روش‌های به کار برده شده در این تحقیق (اسنادی و پیمایشی کمی) ابزار تحقیق (پرسش‌نامه) و بخش‌ها و شاخص‌های آن توصیف شده است.

بخش پنجم و نهایی اثر به شرح و توصیف و تحلیل داده‌های به دست آمده از تحقیقات اسنادی و تجربی درباره وضعیت توانمندی و جایگاه زنان هرات اختصاص داده شده است. این مبحث در دو بخش جداگانه (حوزه عمومی و خانواده) وضعیت زنان هرات را با استفاده از اطلاعات اسنادی و پرسش‌نامه‌ای توصیف نموده می‌کوشد تا پاسخی به پرسش‌های اصلی و فرعی تحقیق ارائه کند. در مقدمه بخش یافته‌های تحقیق بخش ویژه‌ای به توصیف وضعیت توانمندی زنان در افغانستان در ابعاد و حوزه‌های مختلف بر اساس شاخص‌های توانمندی زنان اختصاص یافته تا مقدمه‌ای باشد بر شناخت زنان کشور و زنان هرات.

در بخش داده‌های اسنادی میزان مشارکت زنان در آموزش، اشتغال، صحت، اقتصاد و تجارت به عنوان فکتورهای توانمندی اجتماعی زنان بررسی شده و نگاهی هم به آمار خشونت به عنوان عامل تضعیف‌کننده جایگاه زنان انداخته شده است. یافته‌های تحقیق اسنادی نشان می‌دهد که توانمندی زنان هرات (و در کل افغانستان) بر اساس شاخص‌های شکاف و نابرابری جنسیتی در سطح پایینی قرار دارد و به صورت نسبی می‌توان آن‌ها را کم‌قدرت تلقی نمود. یافته‌های اطلاعات و داده‌های اسنادی ولایت هرات نشان می‌دهد که مشارکت زنان هرات در نیروی کار رسمی دولتی در سطح خیلی پایینی (کمی بالاتر از ۱۰ درصد) قرار دارد و در بیرون شهر (ولسوالی‌ها) این میزان به صفر می‌رسد. اگر حوزه معارف و آموزش (جایی که حضور زنان بیشتر است) را نیز در نظر بگیریم، میزان سهم زنان در نیروی دولتی به ۳۴ درصد می‌رسد که البته چشم‌گیر است. در مؤسسات غیر دولتی به نظر می‌رسد حضور زنان بیشتر و قوی‌تر باشد و حدود ۳۷ درصد نیروی کار این بخش را تشکیل می‌دهد. در بخش خصوصی (شرکت‌های تولیدی شهرک صنعتی) حدود

۲۵ درصد زنان (اغلب در بخش تولیدی به عنوان کارگر) مصروف کاراند. در حوزه تجارت و اقتصاد، سهم زنان در مقایسه با مردان بسیار ناچیز است؛ قسمی که هیچ زنی در تجارت‌های بزرگ به عنوان مالک و مدیر شرکت‌ها و تجارت‌خانه‌ها نیست و فقط در بخش تجارت‌های کوچک (صنایع دستی، تولیدی‌های کوچک و زراعتی) تعدادی از زنان متشبت وارد شده‌اند که باز هم در مقایسه با مردان حضور بسیار شکننده و کم‌رنگی دارند. در حوزه آموزش، حضور دختران و زنان هرات در مقایسه با سطح ملی پررنگ‌تر است؛ قسمی که حدود ۵۰ درصد از معلمان و ۴۶ درصد از شاگردان مکاتب را زنان و دختران تشکیل می‌دهند. در سطح تحصیلات عالی هم گرچه حضور دختران به عنوان دانشجو در مرز ۴۶ درصد رسیده حضور زنان به عنوان استادان دانشگاه همچنان در سطح پایین (۲۶ درصد) قرار دارد و در چند سال اخیر هیچ رشدی نکرده است. ارقام مربوط به سکتور صحت نمایانگر آن است که گرچه بیشترین زنان هرات به خدمات صحتی دسترسی دارند تعداد دکتوران زن و کارمندان خدمات صحتی در مقایسه با مردان هنوز کم است و به طور ویژه، در سکتور صحت زنان کمی تصمیم‌گیرنده‌اند. میزان خشونت علیه زنان در ولایت هرات در سال ۱۳۹۷ بیش از ۳۰۰۰ مورد گزارش گردیده است که در مقایسه با آمار ملی رقم بالایی است. خشونت علیه زنان فاکتور مهمی در تشخیص قدرتمندی زنان می‌تواند باشد. میزان بالای خشونت خانوادگی نشان‌دهنده میزان پایین قدرتمندی زنان در خانواده و جامعه است.

در بخش پیمایشی این پژوهش بیش از ۴۵۰ تن از زنان ساکن شهر هرات که بین سنین ۱۸ تا ۵۷ سال سن داشته‌اند شرکت نموده بودند. داده‌های تحقیق پیمایشی متمرکز بر حوزه‌هایی مثل قدرت تصمیم‌گیری، کار خانه، خشونت علیه زنان، و شاخص کلی قدرتمندی زنان (با ۷ شاخص فرعی) بود. یافته‌های پرسش‌نامه نشان می‌دهد که به طور کلی، بیشترین تصمیم‌های مهم خانواده را مردان می‌گیرند و زنان در تصمیم‌گیری‌های غیر مهم دخیل‌اند. این یافته‌ها همچنان نشان می‌دهد که مردان "خیلی کم" در کار خانه سهم می‌گیرند. در مورد میزان خشونت خانوادگی مردان علیه زنان از نظر خود زنان، مردان در حد "کم" یا "خیلی کم" از انواع خشونت فیزیکی، کلامی، روانی و تهدید علیه آن‌ها استفاده می‌کنند. یافته‌های شاخص قدرتمندی زنان از نظر خودشان نشان می‌دهد که زنان هرات به طور نسبی توانمند‌اند و نیروهای ناتوان‌ساز (خشونت، محدودیت‌ها و...) به صورت کل کمتر از فرصت‌ها و توانایی‌های آن‌هاست. نکته جالب البته مورد

انتظار در بخش داده‌های پیمایشی پرسش‌نامه این است که زنان باسواد و شاغل در مقایسه با زنان بی‌سواد و غیر شاغل دارای توانمندی بیشتر در خانواده‌اند.

فصل اول

کلیات

مقدمه و طرح مسأله

وضعیت زنان افغانستان در تاریخ معاصر کشور، بویژه قرن بیستم، مثل بسیاری از مسایل اجتماعی و سیاسی دیگر این مرزوبوم، فراز و نشیب‌هایی را پیمود که به تعبیر بعضی‌ها (کاظم، ۲۰۰۵: ۱) غیر از هدر رفتن صد سال در برخورد متواتر گرایش‌های "عنعنه" و "تجدد" حاصل جدی دیگری نداشته است. با نگاهی به اوایل قرن بیستم، بویژه پس از استرداد استقلال و اصلاحات امانی، همگام با دگرگونی‌های اجتماعی منطقه و جهان، خواسته‌های ترقی‌خواهانه برای دگرگونی جایگاه و وضعیت زنان در جامعه سنتی افغانستان مطرح شد که بلافاصله و به زودی با واکنش‌های محافظه‌کار سنتی روبه‌رو شد و به دلیل مساعد نبودن شرایط اجتماعی فرهنگی و زمانی (فرهنگ، ۱۳۹۰: ۵۳۴) و یا هم‌بی‌کفایتی و فساد دولت‌مردان (غبار، ۱۳۸۳: ۷۹۰) به شکست انجامید. در طول قرن بیستم، با وجود فراز و نشیب‌های متعدد، وضعیت و جایگاه زنان کشور نه تنها تغییر زیادی نکرد که در دهه آخر این قرن، شدیدترین واکنش محافظه‌کارانه، زنان را تا مرز محرومیت کامل از بسیاری از حقوق اساسی انسانی و شهروندی به پیش برد تا در نتیجه حادثه‌ای نامرتبط (۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱) توجه جامعه جهانی به این گوشه فراموش‌شده جهان و جامانده در تاریخ جلب شد. حالا، پس از یک سده، این خواسته‌های ترقی‌خواهانه و حق‌خواهانه زنان تغییر چندانی نکرده و مسیر زیادی به پیش نرفته است. خواسته‌هایی چون حق آموزش و کار و مشارکت تا مقابله با خشونت و تعیین سرنوشت خود و قائل شدن حقوق بشری برای زنان و... همچنان مطرح است. به هر حال، با کنفرانس بن ۲۰۰۱ و پی‌ریزی نظام جدید پساتالبانی و مردم‌سالار، مبارزات و تلاش‌ها برای بهبود وضعیت زنان و نجات‌شان از پرتگاه سقوط شروع شد و در طول نزدیک به دو دهه پیشرفت‌ها و دستاوردهای چشم‌گیری را رونما کرده است. در این مدت، صدها و هزاران برنامه و پروژه کوچک و بزرگ از طرف سازمان‌های بین‌المللی و ملی و جامعه جهانی، بویژه امریکا، به کمک دولت افغانستان و سازمان‌های غیر دولتی برای تغییر مثبت در وضعیت و جایگاه زنان افغان طراحی و اجرا شده و صدها میلیون دالر در این حوزه هزینه شده تا زنان افغان توانمند شوند و دیگر این کشور «بدترین جا برای زنان در جهان» (The Guardian, ۲۰۱۱) نباشد. در پهلوی

این برنامه‌ها و پروژه‌ها و همگام با آنها، دولت افغانستان تغییرات ساختاری و قانونی برای بهبود وضعیت زنان و توانمندتر ساختن آن‌ها در نظام جدید روی دست گرفت. مواردی چون قانون اساسی ۱۳۸۲ و تسجیل برابری زنان و مردان افغان؛ ایجاد وزارت امور زنان برای نخستین بار در افغانستان؛ تعیین سهمیه برای مشارکت زنان در شورای ملی و سنا و شوراهای ولایتی؛ ایجاد برنامه عمل ملی برای زنان افغانستان (۱۳۹۷-۱۳۸۸)، تسوید قانون منع خشونت علیه زنان؛ و طرح دهه‌ها مقرر، پالیسی و لوایح مختلف در حمایت از زنان جزء دستاوردهای نظام جدید پسا طالبانی برای بهبود جایگاه و وضعیت زنان افغانستان بود که در این مدت اجرایی شد. علی‌رغم این‌ها، با گذشت نزدیک به دو دهه، در وضعیت زنان افغان به گونه کلی و زنان هرات به طور خاص، تغییر چندانی رونما نشده و شواهد نشان می‌دهد که به تناسب برنامه‌ها و پروژه‌ها و هزینه‌های نجومی بسیار زیاد، در زندگی واقعی زنان بهبود چشم‌گیری به وجود نیامده و زنان افغانستان و هرات، آنچنان که برنامه‌ریزی شده بود و انتظار می‌رفت توانمند نشده‌اند. نبود یک استراتژی جامع و حساب‌شده از طرف دولت افغانستان و جامعه جهانی و سایر بازیگران این حوزه و چالش‌های اجرای پالیسی‌ها و برنامه‌های موجود تا حد زیادی مؤثریت این برنامه‌ها را کاهش داده است. به‌علاوه، در موارد زیادی، چه در طراحی و تطبیق این برنامه‌ها و چه در نتایج و پیامدهای آن، مشکلات، چالش‌ها و مقاومت‌های زیادی وجود داشته تا جایی که برخی از این برنامه‌ها را از اصل اهداف و دورنمای‌شان دور ساخته و حتا پیامدهای ناگوار و منفی را بر بهبود وضعیت زنان افغان در جای گذاشته است.

گرچه شواهد آماری نشان می‌دهد که طی سال‌های اخیر شاخص‌های برابری جنسیتی در کشور در مواردی رشد داشته و حضور زنان در آموزش، اقتصاد، و سیاست افزایش یافته است. از سایر ابعاد زندگی زنان نیز آمار و ارقامی در دست است که از افزایش مشارکت و بهبود وضعیت زنان حکایت دارد (بربریچ و همکاران، ۱۳۹۵؛ اداره احصائیه مرکزی، ۱۳۹۳ و وزارت صحت عامه، ۱۳۹۲). با آنهم، هنوز افغانستان در ته لیست کشورها از نگاه برابری جنسیت و وضعیت مناسب زنان است. بر اساس یافته‌های UNDP شاخص نابرابری جنسیتی^۱ در افغانستان ۰.۶۵۳ است که این کشور را در ردیف ۱۵۳ از میان ۱۶۰ کشور در سال ۲۰۱۷ قرار می‌دهد. بر این اساس، جایگاه زنان در جامعه افغانی یکی از پایین‌ترین‌ها در جهان به حساب می‌آید؛ خشونت‌های مبتنی بر

^۱ Gender Inequality Index - GII

جنسیت همچنان در سطح بالایی وجود دارد و در مواردی حکایت از افزایش می‌کند؛ قانون منع خشونت علیه زنان (۲۰۰۹) در خطر رد از طرف پارلمان قرار دارد؛ نرخ مرگ‌ومیر مادران، بویژه در مناطق دوردست هنوز بسیار بالا است؛ مرگ‌ومیر مادران در اثر وضع حمل، هنوز اصلی‌ترین علت مرگ مادران در کشور است؛ مشارکت سیاسی زنان، علی‌رغم پیشرفت در سال‌های اخیر، بویژه در سطح ولایتی و ولسوالی‌ها هنوز پایین است و زنان در بیشترین مجامع تصمیم‌گیری ملی حضور جدی و فعال ندارند.

ولایت هرات یکی از ۳۴ ولایت افغانستان و دومین ولایت از نگاه جمعیت، رشد صنعتی و اقتصادی و سرمایه‌گذاری و یکی از گهواره‌ها و مراکز اصلی فرهنگ و تمدن باستانی این سرزمین است. علی‌رغم تفاوت‌های جغرافیایی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ولایات مختلف کشور، وضعیت توصیف شده در مورد زنان افغانستان، کم و بیش، در همه ولایات کشور، از جمله هرات، صادق است. در بعضی از موارد و با در نظر داشت بعضی از شاخص‌ها وضعیت هرات (بویژه در مورد زنان و جنسیت) در مقایسه با ولایات دیگر و یا سطح ملی متفاوت است (مثلاً بالا بودن میزان و درصد حضور دختران و زنان در مکاتب و دانشگاه و حتا محیط کار و یا مواردی چون آمار بالا خشونت خانوادگی و...) ولی این تفاوت ضرورتاً به معنای خاص بودن هرات یا وضعیت زنان هرات نسبت به سایر ولایات کشور نیست بلکه عوامل و دلایل خاص خود را دارد که در صورت تفاوت بسیار بالا و معنادار، نیازمند تمرکز و مطالعه ویژه است. شهر هرات یکی از مهاجرپذیرترین شهرهای کشور است که نزدیک به نیمی از جمعیت آن (۴۷ درصد) را مهاجران (از ولسوالی‌ها و ولایات دیگر) تشکیل می‌دهند (اداره مرکزی احصائیه، ۱۳۹۵: ۲۷). حتا از این زاویه (جمعیت‌شناختی) هم ببینیم، معلوم می‌شود که هرات امروز با داشتن جمعیت مهاجر و فرهنگ نامتجانس و گوناگون، علی‌رغم ویژه بودنش در موارد خاص، شباهت زیادی با سایر ولایات کشور دارد. به همین دلیل هم، در نبود اطلاعات و داده‌ها محلی و ولایتی خاص، در بسیاری از موارد، برای شناخت کلی از وضعیت مردم و یا زنان این ولایت، به داده‌ها و اطلاعات ملی مراجعه شده تا تصویری، هرچند نه دقیق، از وضعیت زنان هرات و در کل افغانستان ارائه شود. در این تحقیق هم، بنا به ضرورت، در موارد زیادی به جای مراجعه به اطلاعات محلی و ولایتی که متأسفانه یا در دسترس نبود و یا هم غیر دقیق و غیر قابل اعتبار بود، به داده‌های ملی مراجعه شده و در مواردی هم بین داده‌ها و آمار

ملی و ولایتی مقایسه شده است. متأسفانه در نبود چنین آمار دقیق و جامع از وضعیت زنان در سطح ملی و بویژه در سطح محلی و ولایتی، تا حال یک تصویر جامع و دقیق از جایگاه زنان و میزان توانمندی شان در جامعه افغانی و جامعه هرات در دست نداریم. نبود چنین شناخت و تصویری از وضعیت، پالیسی‌سازی و طراحی برنامه‌های انکشافی مثبت و مؤثر را به مشکل جدی مواجه کرده است و همین امر، به خودی خود، یکی از چالش‌های توانمندی و بهبود وضعیت زنان در نزدیک به دو دهه اخیر کل کشور و بویژه ولایت هرات بوده است.

مسائل طرح شده نشان‌دهنده‌ای آن است که وضعیت زنان در کشور و هر ولایت از جمله هرات را بایستی با استفاده از مقیاس‌های توانمندسازی جنسیت^۲ و زنان که توسط سازمان‌های بین‌المللی مثل UNDP، بانک جهانی و سایر سازمان‌هایی معتبر و مرتبط طرح شده، توصیف و تبیین نمود. منظور از قدرتمندی (توانمندی) قابلیت افزایش یافته‌ای است برای گرفتن تصمیمات مستقل و خودمختار که روابط قدرت نابرابر را تغییر می‌دهد، کارکرد دارد (وی و شهید، ۱۳۹۳: ۷۸). برای نشان دادن وضعیت و جایگاه زنان در یک جامعه، مطالعه میزان توانمندی شان بر اساس شاخص‌های موجود یکی از معمول‌ترین و پذیرفته‌شده‌ترین روش‌هاست. بنابراین، این پژوهش از این زاویه (توانمندی زنان)، وضعیت زندگی زنان ولایت هرات، و در مواردی افغانستان، را توصیف و بررسی می‌نماید.

ضرورت و اهمیت تحقیق

وضعیت زنان، جایگاه و توانمندی‌شان یکی از مسایل بارز و مورد توجه جامعه معاصر در سراسر دنیا، بویژه کشورهای رو به توسعه و مهمتر از آن کشورهای پس از جنگ یا درگیر جنگ است. افغانستان یکی از کشورهای پسمانزعه (یا بهتر بگوییم، درگیر منازعه) است که بر اساس شاخص‌ها و استندردهای جهانی، بویژه در حوزه جنسیت و زنان، در لیست پایین‌ترین کشورهای جهان قرار دارد و به همین دلیل یکی از بدترین جاها برای زنان شناخته شده است. برای تحقق بخشیدن به یکی از اهداف توسعه هزاره که افغانستان نیز بدان متعهد شده است "بالا بردن سطح برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان" لازم است پیش از آن تصویری از چگونگی توانمندی زنان در کشور

^۲ Gender Empowerment Measures

و جامعه خود را داشته باشیم. در میان ولایات ۳۴ گانه افغانستان، هرات با داشتن برخی از ویژگی‌ها و شاخص‌ها در زمینه زنان (آمار بلند حضور دختران و زنان در مکاتب و ادارات و هم‌زمان آمار بلند خشونت خانوادگی و خودسوزی زنان در سطح کشور) در جایگاه ویژه‌ای قرار گرفته و نیازمند شناخت دقیق‌تر وضعیت زنان در این ولایت است. این نیاز وقتی ملموس‌تر می‌گردد که دیده می‌شود متأسفانه اطلاعات و داده‌های دقیق آماری و کیفی و تحقیق‌های جامع حرفه‌ای در این زمینه کمتر صورت گرفته یا صورت نگرفته و سازمان‌های پالیسی‌ساز و اجرایی (ریاست امور زنان و سازمان‌های غیر دولتی فعال در حوزه توانمندی و حقوق زنان) نیازمند شناخت دقیق‌تری از وضعیت زنان اند تا بر اساس آن بتوانند برنامه‌ها و پروژه‌های مؤثرتر و مناسب‌تری را طراحی و اجرا نمایند. بر این اساس و ضرورت، این تحقیق طراحی شده تا تصویری جامع‌تر از وضعیت زنان و توانمندی آن‌ها بر اساس شاخص‌ها و معیارهای توانمندسازی زنان ارائه دهد و شناخت دقیق‌تری از وضعیت زنان و جنسیت در این ولایت به دست دهد.

اهداف و پرسش‌ها

هدف اصلی این تحقیق شناسایی وضعیت و جایگاه زنان هرات بر اساس شاخصه‌های بین‌المللی توانمندی زنان است. پرسش اصلی این تحقیق این است:

جایگاه و توانمندی زنان ولایت هرات بر اساس شاخص‌های توانمندی چگونه است؟

برای پاسخ به این پرسش اصلی، طرح پرسش‌های زیر و پاسخ دادن به آن‌ها ضروری است.

- میزان مشارکت زنان در بازار کار و سازمان‌های رسمی (دولتی و غیر دولتی) چگونه است؟
- میزان شمولیت و حضور زنان در معارف و تحصیلات عالی در ولایت هرات چگونه است؟
- زنان به چه اندازه به صحت و خدمات صحتی و ورزشی دسترسی دارند؟
- گونه‌ها و آمار خشونت علیه زنان در هرات چگونه است؟
- زنان هرات در خانواده چه جایگاهی دارند و نقش‌شان در تصمیم‌گیری‌های خانواده به چه اندازه است؟
- زنان هرات به چه اندازه آزادی فردی برای انتخاب در مسایل شخص‌شان دارند؟

- چه رابطه‌ای بین متغیرهای مختلفی چون تحصیل، اشتغال، درآمد و قدرت‌مندی زنان و نیز تجربه‌ی خشونت در خانواده وجود دارد؟
- چه رابطه‌ای بین میزان سهم‌گیری مردان در کار خانواده با ویژگی‌های جمعیت‌شناختی زنان (سواد، اشتغال، درآمد...) وجود دارد؟

پیشینه تحقیق

با نگاهی پژوهش‌های انجام شده در زمینه زنان افغانستان و هرات و سایر حوزه‌های اجتماعی کشور به زودی به این نتیجه می‌رسید که به علت نبود زمینه و فرهنگ تحقیق اجتماعی، در این زمینه‌ها پژوهش‌های چشم‌گیری صورت نگرفته و این حوزه هم مثل سایر حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور دست‌نخورده باقی مانده است. هرچند در چند سال اخیر، با افزایش دانشگاه‌ها و دانشجویان در مقاطع مختلف لیسانس، ماستری و دانشگاه و نیز سازمان‌های غیردولتی ملی و بین‌المللی، تمایل به مطالعه پدیده‌های اجتماعی (آسیب‌ها، چالش‌ها و نیز فرصت‌ها) بویژه در حوزه زنان بیشتر شده و محصول آن یک مجموعه پایان‌نامه‌ها، تیزس‌ها و نیز مقالات علمی و گزارش‌های تحقیقی درباره مسایل زنان هرات و افغانستان است. در پی، تعدادی از این آثار مهم و یا مرتبط در این زمینه که از آن‌ها به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در طراحی این تحقیق سوده برده شده معرفی می‌گردد.

ریاست امور زنان ولایت هرات با همکاری دیپارتمنت جامعه‌شناسی دانشگاه هرات در سال ۱۳۹۷ پژوهشی زیر نام «وضعیت مشارکت زنان در ادارات دولتی ولایت هرات» انجام داده در پی شناسایی ضعف‌ها، قوت‌ها، چالش‌ها و فرصت‌های موجود در زمینه مشارکت زنان در سازمان‌های دولتی در ولایت هرات بوده‌اند. این پژوهش با استفاده از روش مختلط کیفی و کمی صورت گرفته جامعه آماری مرحله کمی، زنان شاغل در ادارات دولتی ولایت هرات بوده با استفاده از پرسش‌نامه طیف لیکرت صورت گرفته است. مرحله کیفی با ۲۰ تن از فعالان و کارمندان زن در ولایت هرات با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختارمند صورت گرفته است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که در ادارات دولتی ولایت هرات قوت‌ها و فرصت‌های کاری برای زنان، از دید خودشان، بیشتر از ضعف‌ها و چالش‌هاست. گرچه یافته‌های مصاحبه‌های کیفی چالش‌ها و مشکلات ویژه‌ای در محیط کاری برای زنان چون فساد اداری-اخلاقی را نشان می‌دهد که مانع مشارکت و گاه پیشرفت زنان در این سازمان‌هاست.

دیپارتمنت جامعه‌شناسی دانشگاه هرات با همکاری ریاست امور زنان پژوهش دیگری درباره تأثیر پروژه‌های توانمندسازی زنان بر وضعیت زنان در ولایت هرات در سال ۱۳۹۷ انجام داده است. این پژوهش با استفاده از روش کیفی و مصاحبه نیمه‌ساختارمند با ۷۰ تن از زنان مستفیدشونده از

پروژه‌های توانمندسازی زنان که توسط سازمان‌های غیردولتی NGO اجرا شده صورت گرفته است. یافته‌های این تحقیق تأثیر مثبت تطبیق پروژه‌های توانمندسازی زنان بر افزایش مهارت‌ها، توانایی‌ها و نیز آگاهی‌های آن‌ها در زندگی فردی و اجتماعی نشان می‌دهد.

علی احمد کاوه در سال ۱۳۹۷ در پژوهشی به سفارش و همکاری ریاست امور زنان ولایت هرات به بررسی وضعیت زنان ولایت هرات بر اساس پلان کاری ملی برای زنان افغانستان (NAPWA) با استفاده از روش‌های مختلف اسنادی و میدانی (داده‌های دست دوم و دست اول) پرداخته است. جامعه مورد هدف این تحقیق سازمان‌ها و ادارات دولتی ولایت هرات بوده که بر اساس اهداف و بخش‌های شش‌گانه پلان عملی ملی NAPWA (حراست حقوقی و حقوق بشر، مشارکت سیاسی، مشارکت اقتصادی، امنیت، آموزش و پرورش، و صحت) و مطابقت آن با پیشرفت‌های به دست آمده بعد از تطبیق ده‌ساله پلان ده‌ساله در ادارات دولتی ولایت هرات صورت گرفته است. این تحقیق که با استفاده از داده‌ها و گزارش‌های مستقیم سازمان‌های دولتی، داده‌های سالنامه‌ها و اطلاعات احصائی مرکزی، و مصاحبه با کارمندان و مسؤولان ادارات دولتی ولایت هرات صورت گرفته نشان داد که بیشترین ناکامی در نزدیک شدن به اهداف تعیین شده نیوا سکتور امنیتی است و در اکثر قریب به اتفاق این سازمان‌ها در ولایت هرات در برآورده کردن اهداف پیش‌بینی شده پلان عملی ملی برای زنان به درجات مختلف ناکام بوده‌اند.

انجمن خدمات اجتماعی زنان (WASSA) در سال ۱۳۹۷ پژوهشی برای بررسی نیازها و اولویت‌های زنان و لیسوالی‌های ولایت هرات انجام داده است. اطلاعات این پژوهش با استفاده از روش کمی و پرسش‌نامه تفصیلی وضعیت موجود و نیازمندی‌های زنان در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، صحتی، آموزشی، روانی، و ازدواج از دید خود زنان ۱۸ تا ۶۰ سال در ۱۵ ولسوالی ولایت هرات (۱۰ قریه از هر ولسوالی) مجموعاً با ۳۱۱۹ نمونه جمع‌آوری شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که زنان غیرشهری و روستایی ولایت هرات در حوزه‌های مختلف یادشده در مقایسه با وضعیت زنان شهری و نیز پلان‌ها و برنامه‌های طراحی شده برای بهبود وضعیت زنان (مثل پلان عمل ملی برای زنان افغانستان) وضعیت مطلوبی نداشته‌اند. در پایان گزارش نیازها و اولویت‌های زنان در حوزه‌های شش‌گانه یادشده از دید خودشان برجسته شده است.

فاطمه جعفری، عضو پیشین شورای ولایتی هرات در سال ۱۳۹۵ تحقیقی زیر نام مشارکت سیاسی زنان در افغانستان انجام داده که به صورت کتابی در ۳۲۱ صفحه به چاپ رسیده است. این تحقیق با روش اسنادی کتابخانه‌ای و با استفاده از آمار و اطلاعات سالنامه‌ها و گزارش‌های ملی و بین‌المللی اجرا شده است. خانم جعفری در این اثر به مسایل مختلف مرتبط با زنان و مشارکت سیاسی آن‌ها از بعد تاریخی، و حقوقی-قانونی پرداخته بایدها و نبایدها، موانع، فرصت‌ها و چالش‌های مشارکت زنان و نیز نقش نهادهای بین‌المللی در این زمینه را توضیح داده است. در آخر این اثر هم چند کشور الگو با مشارکت سیاسی زنان در حکومت‌داری معرفی شده است.

صدیقه رضایی در اثری به نام زنان افغانستان، مشارکت و توسعه در سال ۱۳۹۱ کوشیده به وضعیت زنان افغان و مشارکت سیاسی آن‌ها در قدرت بپردازد. این اثر هم به روش اسنادی-کتابخانه‌ای در ۳۸۵ صفحه نوشته شده و در آن به مسایل مختلفی مرتبط با مشارکت سیاسی زنان افغانستان چون وضعیت سیاسی و اجتماعی، مشارکت سیاسی، حقوقی و اجتماعی و نیز مسایل اجتماعی و اخلاقی مرتبط با فعالیت‌های سیاسی زنان افغانستان پرداخته است.

صدیقه رضایی در اثر دیگری با عنوان آسیب‌شناسی اجتماعی زنان افغانستان به بررسی مشکلات و آسیب‌های زنان در جامعه افغانستان پرداخته است. این تحقیق هم با روش اسنادی-کتابخانه‌ای صورت گرفته و در سال ۱۳۹۰ به چاپ رسیده است.

علی احمد کاوه در تیزس ماستری رشته جامعه‌شناسی در دانشگاه پونای هندوستان در سال ۱۳۸۷ به بررسی وضعیت زنان افغانستان در حوزه فرهنگی و خصوصی پرداخته است. وی با ساختار شکنی رمان معروف خالد حسینی به نام "هزاران خورشید تابان" در پی نشان دادن وضعیت زندگی زنان افغان در محیط خصوصی خانواده بوده است. این رمان روایت‌کننده داستان زندگی و پستی و بلندی‌های یک دختر هراتی در نیمه دوم قرن بیستم است که به صورت داستان و با تخیل‌های هنری و داستانی روایت شده است. محقق کوشیده هنجارها، باورها، رفتارها و ارزش‌های فرهنگی مرتبط با جنسیت و زنان و عوامل تعیین‌کننده و تعریف‌کننده چیرستی، هویت و جایگاه زنان در خانه و فرهنگ افغانی را از روایت‌ها و حوادث مختلف رمان درآورده به عنوان توصیفی از واقعیت زندگی زنان در حوزه خصوصی و خانواده، که اغلب بر دیگران پنهان و پوشیده است، آشکار کند.

نگاهی به پژوهش‌های انجام شده در حوزه زنان در افغانستان و هرات نشان می‌دهد که این تحقیقات قوت‌ها و ضعف‌های خود را دارند. تحقیق‌های کتابخانه‌ای محض بیشتر یک تصویر خیلی کلی و انتزاعی از زندگی زنان افغان و یا هرات را نشان می‌دهند که گاه دور از واقعیت موجود زندگی زنان است و یا امکان تعمیم‌دهی آن وضعیت بر همه اقشار و گروه‌های زنان وجود ندارد. از طرفی، تحقیق‌های اسنادی محض و وابسته به آمار و اطلاعات رسمی هم نمی‌تواند همه زوایای وضعیت زنان را نشان دهند، بویژه که بخش بزرگی از زندگی زنان وابسته به خانه و مسایلی است که در چارچوب محیط نسبتاً خصوصی خانه اتفاق می‌افتد. به همین دلیل لازم است تا در قدم اول، پژوهش‌های مرتبط با وضعیت زنان ولایت هرات بر پایه چارچوب‌های تعریف شده مشخص (مثل شاخص‌های نابرابری جنسیتی یا توانمندسازی زنان) صورت گیرد، و از طرف دیگر، حوزه خانواده که بر زندگی زنان بسیار تأثیر دارد و اغلب اطلاعات زیادی از آن در دست نیست باید مورد توجه و تمرکز قرار گیرد. این پژوهش در صدد استفاده از شاخص‌های تعریف شده جهانی در حوزه نابرابری جنسیتی و توانمندسازی زنان برای شناسایی میزان توانایی زنان این ولایت در حوزه عمومی و نیز خانواده است و در نظر دارد تصویری، هرچند کلی و عمومی، از وضعیت زنان ولایت هرات به دست دهد.

فصل دوم

مباحث نظری

بدون شک مسأله جایگاه زنان در جامعه یکی از مسایل بنیادین اجتماعی (سیاسی، اقتصادی، حقوقی، دینی، فرهنگی و حتا علمی و فلسفی) جهان مدرن است. دگرگونی نگاه به زنان و جایگاه آن‌ها در دنیای معاصر ما، مستلزم بازنگری و تغییر در بسیاری از ساختارها، پیش‌فرض‌ها، روابط و اصولی بود که بر این حوزه‌ها حاکم بود و از نگاهی شاید بتوان آن را چهارمین انقلاب بزرگ تاریخ جهان تا عصر ما دانست: انقلاب کشاورزی، شهرنشینی، صنعتی (نولان و لنسکی، ۱۳۸۶) و انقلاب زنانه. البته این موضوع بدان معنا نیست که وضعیت و جایگاه زنان در گذشته و جامعه‌های پیشامدرن مسأله نبوده و فقط انسان و جامعه مدرن به این مسأله روبرو شده و به این تغییر تن در داده، بلکه حجم دگرگونی‌ها، آگهی‌ها و مبارزات جمعی برای تغییر در حوزه‌های مختلف اجتماعی در عصر مدرن به پیمانهای بوده که به نظر می‌رسد در گذشته پیشینه نداشته و دنیای معاصر را از گذشته‌های جامعه‌های انسانی تمایز می‌بخشد. شواهد تاریخی و پیشاتاریخ (لنسکی و نولان، ۱۹۹۸، دورانت ۱۹۹۰، صفا ۱۳۶۰، احمد ۲۰۱۰) نشان می‌دهند که زنان به گونه فردی یا گروهی در دوره‌ها و فرهنگ‌های مختلف برای دگرگون ساختن روابط اجتماعی و جایگاه خود در جامعه و قدرت‌یابی بیشتر تلاش و مبارزه می‌نمودند، قربانی می‌دادند و گاه دستاوردهای چشم‌گیری کمایی می‌نمودند که برخی تا نسل‌های بعد تأثیرگذار بوده و به زمان ما هم رسیده است. ولی در بسیاری از موارد، ایدئولوژی مردانه به کمک ساختارهای قدرت اجتماعی (سیاست، اقتصاد، دین، فرهنگ و حتا هنر) به فرجام‌خواهی برخاسته با بازسازی دوباره روابط اجتماعی مبتنی بر جنسیت و فرودستی زنان، قدرت و منزلت برتر خود را دوباره تحکیم می‌نمودند و گاه حتا فراتر از گذشته پیش می‌رفتند و مناسبات جدیدی برای تضمین پدرسالاری و مردسالاری ایجاد می‌کردند.

ولی چرا چنین بوده؟ وضعیت زنان چرا این گونه است؟ مسأله چیست و از کجا شروع شده؟ چرا تغییر این مناسبات و روابط اجتماعی مبتنی بر جنسیت این چنین هزینه‌بر بوده و واکنش‌های شدید محافظه‌کارانه مردانه برمی‌انگیخته است؟ بدون شک، این‌ها و پرسش‌های زیاد دیگری در این زمینه مطرح شده و دانشمندان اجتماعی و فعالان حوزه زنان خواسته‌اند با تورق تاریخ و جستجوی پیشاتاریخ و تأمل در طبیعت انسان و جامعه‌های انسانی بدان‌ها پاسخ یا پاسخ‌هایی

بیابند. در پی، برخی از پاسخ‌های مطرح شده توسط انسان‌شناسان و جامعه‌شناسان و مکاتب مختلف فمینیستی به این پاسخ‌ها، ویژه مهم‌ترین آنها (چرایی نابرابری جنسیتی) آورده می‌شود. بدون شک دیدگاه‌ها و مکاتب و نظریه‌ها و مفاهیم مختلف و متنوع دیگری (غیر از آن‌هایی که اینجا آورده شده) برای تبیین فرودستی زنان و فرادستی مردان و نابرابری جنسیتی ارائه شده که این نوشته یارای پرداختن مبسوط به همه را ندارد. هدف کلی این نوشته نسبتاً کوتاه این است که تصویری، هرچند کلی و مختصر، از فرودستی تاریخی و جهانی زنان، از دیدگاه‌های مختلف ارائه کند. داشتن حداقل تصویر نظری از عوامل نابرابری جنسیتی در جوامع انسانی برای فهم بهتر و دقیق‌تر مسایل خاص و در زمان و مکان خاص (مثلاً توانمندی زنان معاصر هرات) ضروری به نظر می‌رسد؛ چون بدون آشنایی با زمینه‌های نظری و پیشینی مبحث نابرابری جنسیتی، احتمالاً نتوانیم تصویر درستی از وضعیت موجود ارائه کنیم و بتوانیم آن را در پس‌زمینه بزرگتر موضوع تاریخی-اجتماعی جنسیت و نابرابری‌های جنسیتی قرار دهیم و تفسیر و تبیین نماییم.

در طرح مباحث نظری کوشش شده تا دو نوع دیدگاه و نظریه‌ی متناسب با موضوع تحقیق (جایگاه و توانمندی زنان) طرح شود. دیدگاه‌های اول در پی تبیین چرایی فرودستی زنان در تاریخ و جامعه‌های انسانی است و نظریه‌های دوم در پی شرح و چگونگی توانمندی زنان در جوامع معاصر اند که بیش از این که ناتوانمندی زنان را تبیین کنند راه‌ها و ابعاد و ابزارها و شاخص‌های توانمندی زنان را بیان نموده جایگاه و اهمیت هر کدام در قدرت‌مند شدن زنان شرح می‌دهند.

تبیین فرودستی زنان

به طور کلی دو دیدگاه بزرگ در پاسخ به پرسش "فرودستی زنان" وجود دارد. سنت‌باوران (محافظه‌کاران) و تغییرباوران. سنت‌باوران وضعیت موجود (فرودستی زنان) را اغلب ذاتی و طبیعی می‌دانند و در پی توجیه آن با توسط به دیدگاه‌های تاریخی، پیشاتاریخ و علمی اند؛ در حالی که تغییرباوران، که بیشتر فمینیست‌ها و بسیاری از دانشمندان علوم اجتماعی امروزه هستند، این فرودستی را امری تاریخی و ساخته اجتماعی (نه ذاتی و طبیعی) دانسته در پی تبیین آن (و البته تغییر آن، بویژه در مورد فمینیست‌ها) برآمده‌اند. در پی شرح کوتاهی از این دو دیدگاه آورده می‌شود.

سنت باوران

هم‌چنان که گفته شد، «سنت باوران، خواه در قالب مذهبی بیندیشند یا «علمی»، فرمان‌بری زنان را جهان‌روا، خدادادی، طبیعی و نتیجتاً تغییرناپذیر می‌دانند. پس نیازی به تردید در این باره نمی‌دانند. آنچه هست بهترین بوده و باید به همین شکل حفظ شود» (لرنر، ۱۳۹۵: ۴). در این جا منظور از سنت باوران همهٔ محافظه‌کاران و سنت‌گرایانی است که معتقد به حفظ وضعیت موجود بوده و در تلاش‌اند که از منظر دین، یا فرهنگ و یا هم علم نوین، مناسبات و روابط اجتماعی مبتنی بر جنسیت و جایگاه زنان و مردان در جامعه را توجیه کنند و تمایلی به تغییر این مناسبات ندارند و حتی می‌کوشند با استفاده از ابزار و روش‌های مختلف این روابط را تحکیم، تقویت و بازتولید نمایند. برای تبیین علت سنت‌باوری و مخالفت با دگرگونی عوامل مختلف می‌توان آورد که مهم‌ترین‌شان این‌ها خواهند بود: کارایی، کارکرد و سودمندی سنت و روش‌های قدیمی (حداقل برای گروه غالب)، ترس از دگرگونی و هراس از عواقب احتمالاً سنگین آن، عادت نمودن افراد و جامعه به سنت‌ها و هنجارهای دیرپا، هزینه‌بر بودن تغییر و دگرگونی و غیره (نولان و لنسکی: ۱۳۸۶: ۸۸).

در کل، پاسخ سنت باوران به چرایی نابرابری جنسیتی در جامعه‌های انسانی این است که فرادستی مردان و فرودستی زنان امری جهان‌روا و طبیعی است. دلیل ساده و کلی آن هم از این منظر (بویژه از دید دین‌داران و مذهبیون، این است که این یک ساخته و خواسته الهی است و در نتیجه نباید در حقیقی بودن آن شک نمود و برای دگرگون ساختنش تلاشی کرد. «سنت باوران بی‌تقارنی جنسی تخصیص وظایف و نقش‌های متفاوت به مردان و زنان که در تمام جوامع انسانی پیداست را گواهی بر صحت دیدگاه‌شان و طبیعی بودن این تفاوت‌ها می‌انگارند. از آنجا که کارکرد زیستی زن - بنا بر تدبیر الهی - متفاوت از مرد است، بایست وظایف اجتماعی متفاوتی هم بر عهده بگیرد» (لرنر، ۱۳۹۵: ۶). تأکید سنت باوران بیشتر بر باروری زنان است و تأثیرات و الزاماتی که این ویژه‌گی بر زنان و نقش آن‌ها در خانواده و جامعه ایجاد و ایجاد می‌کند. در نتیجه، تقسیم جنسیتی نقش‌ها و وظایف زنان و مردان در جامعه و خانواده و مرتبط با آن جایگاهی که هر جنس به خود اختصاص داده (یا به وی اختصاص داده شده) امری طبیعی و مناسب است و نیازی به چون و چرا و شک و تردیدی هم نیست.

به باور سنت‌باوران، علت دیگر این فرادستی مردان در تاریخ و جوامع انسانی ویژگی‌های جسمانی و فیزیکی مردان و قدرت بدنی آنها برای به عهده گرفتن نقش‌های مهمتر در جامعه است. نیروی بدنی برتر مردان و توانایی آنها در دویدن و حمل بارهای سنگین و تعقیب و گریز حیوانات کوچک و بزرگ (شکار) آنها را به شکارچیان ماهری مبدل ساخت که نقش و وظیفه مهم تهیه غذای خوش‌مزه و پرکالری را به عهده گرفتند که این به خودی خود آنها را در مقام و جایگاه برتر اجتماعی نسبت به زنان قرار می‌داد. حتا ویژگی خشونت‌ورزی مردان نیز عامل دیگری بر این برتری جویی و سلطه‌گری آنها بر زنان بود. سنت‌باوران برای تقویت این دیدگاه خود به شواهد مختلف علمی، قوم‌نگارانه و تاریخی استدلال می‌کنند. برخی از این استدلال‌ها را تعدادی از فمنیست‌ها (مثل سیمون دوبورا در کتاب معروف جنس دوم) هم آورده و با پذیرش کلیت آن، خواستند علت فرودستی تاریخی زنان در جوامع و فرهنگ‌های مختلف دور و نزدیک را توجیه نمایند (دوبورا، ۱۳۸۴).

در قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ تبیین سنت‌باورانه از فرودستی زنان رنگ‌وبویی علمی گرفت و نظریه‌های تکاملی داروین و روان‌کاوی فروید به کمک این نظریه شتافتند. نظریه‌های داروینی این باور را تقویت کردند که بقای گونه مهم‌تر از کامروا کردن خود است... زنان به سبب ساختار زیست-شناختی و کارکرد مادرانه‌شان، برای تحصیلات عالی و بسیاری از مشاغل نامناسب قلمداد شدند. قاعده‌گی، یائسگی و حتا بارداری‌شان نوعی ضعف، بیماری یا حالت غیرنورمال به حساب می‌آمد که از زنان سلب صلاحیت می‌کرد و عملاً در موقعیت فرودست نگاه‌شان می‌داشت» (لرنر، ۱۳۹۵: ۷).

روان‌شناسی و روان‌کاوی، بویژه نظریه‌های زیگموند فروید، دیدگاه سنت‌باورانه مبنی بر طبیعی بودن تفاوت‌های جنسیتی و نقش‌های زنان و مردان تقویت نمود. فروید ساختار شخصیتی متفاوت زنان و مردان را به تفاوت‌های اساسی جنسی و تناسلی و برآیندهای شناختی و عاطفی این تفاوت‌ها که محصول آگاهی از آن نزد کودکان است مرتبط می‌داند (ریترز، ۱۳۷۵: ۴۷۱). این گفته فروید که «آناتومی سرنوشت [زنان] است» روح تازه‌ای بر کالبد استدلال برتری مرد دمید. انسان نورمال فروید مرد بود؛ زن، بنا به تعریف فروید، انسان ناهنجار و غیرنورمالی است که آلت مردانه ندارد و کل ساختار روان‌شناختی‌اش بر تقلا جهت جبران این نقص متمرکز است (لرنر، ۱۳۹۵: ۸).

همان چیزی است که عقدهٔ اختگی نامیده می‌شود و منظور از آن این است که بسیاری از زنان، از کودک گرفته تا بالغ، موقتاً یا دائماً از نوع جنسیت‌شان رنج می‌برند و این نارضایتی و رنج محصول آگاهی از نداشتن آلت تناسلی مردانه است که از همان دوران کودکی در دختران شکل می‌گیرد (هورنالی، ۱۳۸۴: ۴۱).

به‌علاوه، اخیراً دیدگاه «زیست‌شناسی اجتماعی» ادوارد ویلسون و پیروانش با بکارگیری ایدهٔ انتخاب طبیعی و باور به کدگذاری شدن ژنتیکی رفتارهایی که برای بقای گروه انطباقی‌اند، نظیر مادری و نوع‌دوستی، وفاداری و... بر مزیت فرگشتی تقسیم کار جنسیتی و طبیعی بودنش تأکید کردند و مدعی شدند که پدیده‌هایی مثل بچه‌داری و پرورندگی زنان به بخشی از ماهیت ژنتیکی ما بدل شده و متناسب با نیازهای روانی و تنانی ما است. (لرنر، ۱۳۹۵: ۹). این دیدگاه‌ها همه به نوعی جبرباوری زیست‌شناختی و طبیعی بودن تفاوت‌های جنسی و تقسیم نقش‌های جنستی را تقویت می‌کنند و بدان تأکید دارند و در نتیجه نوعی نگاه محافظه‌کارانه برای توجیه وضع موجود نابرابری جنسیتی و جایگاه و نقش زنان و مردان در ساختار اجتماعی است و دفاع علمی و اعتقادی و حتا سیاسی از وضع موجود و حتا تلاش برای تقویت و تحکیم و بازسازی دوباره این مناسبت‌ها. این دیدگاه بدون شک، مورد انتقادهای مخالفانی قرار گرفته که با توسل به یافته‌های باستان-شناختی، زیست‌شناختی و نیز تاریخی و قوم‌نگارانه کوشیدند نظریه و «اسطورهٔ» مرد شکارگر را رد کنند و جایگاه و نقش عمده و ویژهٔ زنان در تولید غذا و معیشت جوامع را نشان دهند. «الیز بالدینگ نشان می‌دهد که اسطورهٔ مرد شکارگر و تداومش جعلیاتی اجتماعی-فرهنگی‌اند که میل به حفظ برتری و سروری مردان دارند» (لرنر، ۱۳۹۵: ۷). به‌علاوه، فمنیست‌ها در مخالفت با استدلال‌های جبرباورانهٔ زیست‌شناختی فرضیات مردمدار پنهان در رشته‌های علمی را به چالش کشیدند.

انسان‌شناسان و جامعه‌شناسان فمنیست و مکاتب فمنیستی هم با رد دیدگاه سنت‌باورانه و نقد آن در تلاش تبیین فرودستی تاریخی زنان و پدیدهٔ مردسالاری شدند. بسیاری از فمنیست‌ها باور دارند که اندک تفاوت میان مردان و زنان به صورت مبالغه‌آمیز دست‌آویز سنت‌باوران شده تا تفاوت‌های جنسیتی ساختهٔ فرهنگ و جامعه را با آن توجیه نمایند. این برخورد طبیعی با جنسیت (هاوکزورث، ۱۹۹۷: ۶۴۹) دیگر مورد قبول بسیاری از دانشمندان غیرفمنیست نیز نمی‌باشد.

امروزه بیشتر صاحب‌نظران بر این باور اند جنبه‌های زیست‌شناختی و یا ژنتیکی مردانگی و زنانگی را نمی‌توان متمایز از فرایندهای اجتماعی که بدانها معنا می‌بخشند در نظر گرفت (سفیری و ایمانیان: ۱۳۸۸: ۳۰).

تغییر باوران

در مقابل دیدگاه‌ها و نظریه‌های سنت‌باورانه، نظریه‌های فمینیستی و هم‌غیر فمینیستی وجود دارند که یا جهان‌روایی فرمان‌بری زنان را نمی‌پذیرند و یا هم‌توجه‌شان از این فرمان‌بری تاریخی و فرهنگی و یا روان‌شناسانه است؛ اما به صورتی متفاوت و مخالف «برخورد طبیعی با جنسیت» و دیدگاه‌های محافظه‌کارانه و سنت‌باورانه. پاتریشیا مدو لنگرمن و ژیل نیبروگ برنتلی دسته‌بندی سه‌گانه از نظریه‌ها و مکاتب فمینیستی دارند که با بسیاری از دسته‌بندی‌های دیگر متفاوت است و می‌کوشند بر اساس حوزه تمرکز این دیدگاه‌ها آنها را به سه دسته تفاوت، نابرابری و ستم‌گری دسته‌بندی نمایند (ریتزر و گودمن، ۱۳۹۰: ۴۵۵). نظریه‌ها تفاوت در پی تبیین اجتماعی-زیستی تفاوت زنان با مردان اند و می‌کوشند چپستی و چرایی این تفاوت‌ها را با مطالعات زیست‌شناختی و جامعه‌شناختی و تاریخی مشخص نمایند (نظریه‌های اجتماعی-زیستی و اجتماعی-روان-شناختی). نظریه‌های نابرابری بر نابرابری اجتماعی مبتنی بر جنسیت در جوامع و فرهنگ‌های مختلف تمرکز دارند و در پی تبیین عوامل این نابرابری و راه‌های کاهش نابرابری‌های جنسیتی در جوامع معاصر اند (نظریه‌های فمینیسم لیبرال، فمینیسم مارکسیستی و نومارکسیستی). در نهایت، تعدادی از مکاتب فمینیستی از این فراتر رفته بر این تأکید می‌کنند که زنان برعلاوه تفاوت با مردان و دست‌رسی نابرابر به منابع و امتیازات اجتماعی، همیشه تحت ستم مردان قرار داشته‌مورد انواع خشونت و حق‌تلفی و سوءاستفاده قرار گرفته‌اند (نظریه‌های فمینیستی روان‌کاوانه، رادیکال و سوسیالیزم).

به باور ایگلی (۱۹۹۵)، انگیزه بسیاری از مطالعات اولیه جنبش زنان به چالش کشاندن کلیشه‌های فرهنگی منفی درباره زنان و تفاوت‌های جنسی‌یی بود که وضعیت و جایگاه موجود زنان بر اساس آنها توجیه و تبیین می‌گردید. این مطالعات علمی با به چالش کشاندن باورهای کلیشه‌ای گذشته درباره میزان و علت این تفاوت‌ها بین زنان و مردان کوشید نشان بدهند که اولاً تفاوت‌های بین زنان و مردان به آن پیمانانه نیست که تصور می‌شود یا کلیشه‌های فرهنگی نشان می‌دهند؛ و ثانیاً

علت بسیاری از این تفاوت‌های کوچک و بزرگ نه فزیک و جنس مردان و زنان بلکه تکامل تاریخی و نقش‌های اجتماعی آنان است و در نتیجه ساخته‌های اجتماعی‌اند که در طول تاریخ و در نتیجه تحولات اجتماعی دگرگون می‌شوند. ایگلی تفاوت‌های مردان و زنان را در سه سطح در نظر می‌گیرد: تفاوت‌های کوچک (۸۵ درصد هم‌پوشانی بین مردان و زنان)، تفاوت‌های متوسط (۶۵ درصد هم‌پوشانی) و تفاوت‌های بزرگ (حدود ۵۰ درصد هم‌پوشانی) (ایگلی ۱۹۹۵، به نقل از سفیری و ایمانیان، ۱۳۸۸: ۳۷). ایگلی به این نتیجه می‌رسد که بیشتر تفاوت‌های زنان و مردان از نوع تفاوت‌های کوچک‌اند که معمولاً تحت تأثیر کلیشه‌های فرهنگی بزرگ جلوه داده می‌شوند. در کل، نظریه‌های فمینیستی این تفاوت‌های جنسی بین مردان و زنان را به حدی نمی‌دانند که بتواند تفاوت قدرت و جایگاه این دو جنس در جامعه را تبیین کنند. تعدادی هم (از جمله فمینیسم فرهنگی) (ریترز و گودمن، ۱۳۹۰: ۴۵۵) به برجسته ساختن این تفاوت‌ها و جنبه‌های مثبت آن تمرکز کرده آنها را قدر می‌نهند و بر ای باوراند که زنان مزیت‌های ویژه‌ای بر مردان دارند که باید آن‌ها را قدر بشناسند و بها دهند. در کل این نظریه‌پردازان شیوه‌های متمایز زندگی زنان با مردان را نه به عنوان انحراف‌هایی از شیوه‌های بهنجار، بلکه به منزله شقوق کارآمدی که می‌توانند جای شیوه‌های مردانه را بگیرند نگاه می‌کنند و پیشنهاد می‌کنند که این شیوه‌ها و تفاوت‌ها باید به رسمیت شناخته شوند (ریترز، ۱۳۸۲: ۴۷۳). تعدادی از نظریه‌های روان‌شناختی اجتماعی از جمله نظریه یادگیری اجتماعی و اجتماعی شدن تفاوت‌های جنسیتی بین مردان و زنان را نه نتیجه تفاوت‌های جنسی بلکه نتیجه یادگیری الگوهای متفاوت رفتاری و شخصیتی می‌دانند که کودکان از طریق پروسه اجتماعی شدن و بر اساس انتظارات متفاوت جامعه از زنانگی و مردانگی یاد می‌گیرند و درونی می‌کنند. به باور میشل (۱۹۷۰)، نقش‌های جنسیتی از طریق تقویت مثبت یا منفی (تشویق یا تنبیه) کودکان برای پرداختن به رفتار شایست و ناشایست جنسیتی فراگرفته می‌شود. این نظریه چگونگی تربیه دختران و پسران و انتظارات متفاوت والدین و جامعه از هر کدام را عامل اصلی تفاوت‌های جنسیتی در بزرگ‌سالی و جامعه می‌داند.

همچنان که آمد، امروزه، بسیاری از فمینیست‌ها و دانشمندان غیر فمینیست، بر این باور اند که تفاوت‌های جنسی بین زنان و مردان قادر به توجیه تفاوت پایگاه و قدرت اجتماعی زنان و مردان نیست و حکایت فرودستی زنان را نمی‌تواند روایت کند. همین جاست که نظریه‌پردازان نابرابری پا

به میدان می‌گذارند و از تفاوت فراتر می‌روند و در پی تبیین چرایی نابرابری اجتماعی بین زنان و مردان در طول تاریخ و جوامع معاصر بر اتکاء به شواهد و مستندات مختلف علمی و نظریه‌های جامعه‌شناختی و اجتماعی برمی‌آیند. نظریه‌های نابرابری چهار مضمون شاخص دارند: (۱) نخست آن که، زنان و مردان نه تنها موقعیت‌های متفاوتی در جامعه دارند، بلکه در موقعیت‌های نابرابری نیز قرار دارند. (۲) دوم آن که این نابرابری از سازمان جامعه سرچشمه می‌گیرد و از هیچ تفاوت مهم زیست‌شناختی یا شخصیتی میان زنان و مردان ناشی نمی‌شود. سومین مضمون نظریه نابرابری این است که هرچند افراد انسانی ممکن است از نظر استعدادها و ویژگی‌های‌شان با یکدیگر تا اندازه‌ای تفاوت داشته‌باشند، اما هیچ‌گونه الگوی تفاوت طبیعی مهمی وجود ندارد که دو جنس را از هم متمایز سازد. (۴) چهارم این که هم مردان و هم زنان می‌توانند در برابر ساختارها و موقعیت‌های اجتماعی برابانه‌تر، واکنشی آسان و طبیعی از خود نشان دهند، بدین معنا که دگرگون ساختن موقعیت و وضعیت زنان امری ممکن است. دو گونه عمده نظریه فمینیستی برابری جنسیتی عبارت‌اند از لیبرال فمینیسم و فمینیسم مارکسیستی.

فمینیسم لیبرال با چهره‌های شاخصی چون مری ولستون کرافت، جان استوارت میل، هریت تیلور و بتی فریدان (تانگ، ۱۳۸۷: ۳۲) شناخته می‌شود. آنها با تمرکز روی دوگانه عرصه خصوصی و عرصه عمومی، ارزش ویژه‌ای به عرصه خصوصی زنان قائل نمی‌شوند و آن را رشته بی‌پایانی از توقعات، وظایف خانه‌داری بی‌اجر و مزد، بدون ارزش و بی‌اهمیت، مراقبت از کودکان، خدمات عاطفی، عملی و جنسی به مردان و... می‌دانند که زنان را محصور خود نموده و آنها را از عرصه عمومی (عرصه پول، قدرت، منزلت، آزادی، فرصت‌های رشد و...) محروم می‌سازد. در واقع این همان نظامی است که نابرابری جنسی را به بار می‌آورد. جسی برنارد، یکی از پیش‌گامان نظریه لیبرال فمینیسم، در کتاب آینده زناشویی، با تمرکز ویژه به پدیده ازدواج و پیامدهای متفاوت آن بر زندگی زنان و مردان پرداخته نشان می‌دهد که چگونه - حتا در جامعه آمریکا - ازدواج که به معنای یک نوع عقد و پیمان هم‌زیستی برابانه میان زن و شوهر است به شوهر اقتدار و آزادی می‌بخشد که بتواند فراتر از محیط خانگی جولان دهد و از همسران می‌خواهد تا سازشگر، وابسته و توخالی باشند و اساساً به فعالیت‌های خرده‌کاری‌های خانه‌داری و ارائه خدمات خانگی، عاطفی

و جنسی به شوهران بپردازند و از فرصت‌های اجتماعی عرصه عمومی محروم شوند. (لنگرمن و برنت‌لی. به نقل از ریتزر، ۱۳۸۲: ۴۷۶).

چشم‌انداز فمینیسم مارکسیستی که با مارکس و انگلس شروع می‌شود توسط فمینیست‌های مارکسیست در قرن ۲۰ تکامل یافت و تفسیری از نابرابری و ستم‌گری جنسیتی را ارائه می‌کند که بیشتر رنگ‌وروی طبقاتی و اقتصادی دارد. مارکس و انگلس در کتاب منشاء خانواده، مالکیت خصوصی و دولت، شکست تاریخی و جهانی زنان را ریشه‌یابی می‌کنند و آن را به جایگزینی اقتصاد شبانی، کشاورزی و مزرعه داری به جای اقتصاد شکار و گردآوری می‌دانند. این دو باور دارند که بر اثر این دگرگونی مالکیت خصوصی پدیدار شد و برخی اعضای جامعه مدعی مالکیت منابع اساسی تولید اقتصادی (زمین، حیوانات اهلی و...) شدند. مردان به دلیل تحرک، نیرومندی و انحصار برخی ابزار از برتری برخوردار بودند و ادعای مالکیت نمودند. این مردان به عنوان مالکان دارایی، نیاز به نیروی کار مطیع و وارثانی برای نگهداشت و انتقال دارایی و مالکیت‌های خود داشتند. بدین سان، واحد خانواده متشکل از خدایگان (پدر) و بردگان خدمتکار، همسران خدمتکار و فرزندان خدمتکار پدید آمد و تداوم یافت (ریتزر، ۱۳۸۲: ۴۸۱). مارکس و انگلس، این چنین ریشه خانواده پدرسالار و جامعه مردسالار را در به وجود آمدن مالکیت خصوصی و خانواده می‌دانند. مارکسیست‌های فمینیست معاصر با تمرکز بر جامعه‌های سرمایه‌داری و طبقاتی، موقعیت طبقاتی را مقدم بر جنسیت دانسته آن را هم‌بافته با نظام طبقاتی می‌دانند. آنان با تأکید بر این که در درون هر طبقه (بالا، متوسط، کارگر...) زنان از جهت دسترسی به کالاهای مادی، قدرت، منزلت، و امکانات تحقق نفس، از مردان آن طبقه برخوردار کمی دارند، وضعیت زنان در درون هر طبقه را به گونه مستقل بررسی نموده فرودستی‌شان را نشان داده‌اند. در نتیجه، از نظر فمینیست-های مارکسیست، زنان، نه به خاطر هرگونه اختلاف منافع اساسی و مستقیم میان دو جنس، بلکه بر اثر اعمال ستمگری طبقاتی و همراه با آن، نابرابری در مالکیت، استثمار کار و از خودبیگانگی، با مردان نابرابر شده‌اند (ریتزر، ۱۳۸۲: ۴۸۲).

نظریه‌های ستم‌گری جنسی موقعیت زنان را پیامد رابطه قدرت مستقیم میان زنان و مردان می‌انگارند، رابطه‌ای که طی آن، مردان که منافع عینی و بنیادی در نظارت، سوءاستفاده، انقیاد و سرکوبی زنان دارند، از طریق اعمال ستم جنسی بر زنان، این منافع را برآورده می‌سازند. این الگوی

ستم‌گری به عمیق‌ترین و فراگیرترین اشکال در سازمان جامعه عجین شده و یک ساختار تسلط بنیادی تشکیل داده است که عموماً پدرسالاری خوانده می‌شود. پدرسالاری نوعی پیامد غیر عمد و ثانوی برخی عوامل دیگر مانند عوامل زیست‌شناختی، اجتماعی شدن، یا نقش‌های جنسی یا طبقه اجتماعی نیست، بلکه بیشتر یک ساختار قدرت است که با یک نیت عمومی و قوی ابقاء می‌شود. (ریتزر، ۱۳۸۲: ۴۸۴). اکثریت نظریه‌پردازان فمینیست معاصر نوعی نظریه‌پرداز فمینیسم ستم‌گری‌اند و زیربخش یکی از این سه مکتب قرار می‌گیرند: فمینیسم روانکاوانه، فمینیسم رادیکال و فمینیسم سوسیالیستی.

گرچه فمینیست‌های روانکاو می‌کوشند با کاربرد نظریه‌های فروید و وارثان فکری‌اش پدرسالاری را تبیین کنند، نظریه غبطه قضیب (یعنی این که دخترها خود را اخته‌هایی حقیر می‌دانند) (تانگ، ۱۳۸۷: ۲۲) را آشکارا رد می‌کنند. فروید آشکارا گرایشی پدرسالارانه داشت و زنان را انسان‌های درجه دومی می‌دانست که سرشت بنیادین روانی‌شان آنها را برای یک زندگی نازل‌تر از زندگی مردان سازگار ساخته است (ریتزر، ۱۳۸۲: ۴۸۵). فمینیست‌های روانکاو پدرسالاری را نظامی می‌انگارند که در آن مردان زنان را تحت انقیاد درمی‌آورند، نظامی فراگیر در همه زمان‌ها و مکان‌ها... در حالی که همه مردان طی کنش‌های فردی روزانه‌شان پیوسته و فعالانه در جهت خلق و نگهداشت این سازمان (پدرسالاری) می‌کوشند، زنان نیز (علی‌رغم مقاومت گاهگاهی) بیشتر به آن تن درمی‌دهند و یا در جهت انقیاد خودشان فعالانه عمل می‌کنند. معمایی که فمینیست‌های روانکاو در صدد حل آن برآمدند همین بود که چرا مردان همه تلاش‌شان برای حفظ این نظام به خرج می‌دهند و چرا زنان به جای مقابله با این فرایند، بیشتر در جهت تحکیم و تقویت آن کار می‌کنند. فمینیست‌های روان‌کاو تبیین‌های ساختاری جامعه‌شناختی را کافی ندانسته برای توضیح این مسأله، به پیروی از فروید و پیروان او، به ابعاد دیگری (عواطف بشری، آرزوها و هراس‌های نیمه‌تشخیص داده یا غیر تشخیص داده و حوزه روان‌رنجوری یا آسیب‌شناسی انسان) توجه کردند. این فمینیست‌ها برای تبیین پدرسالاری دو تبیین‌ارایه کردند: هراس از مرگ و محیط اجتماعی-عاطفی که شخصیت کودکان در آن شکل می‌گیرد. فمینیست‌های روان‌کاو باور دارند که همه انسان‌ها از مرگ هراس دارند ولی زنان به خاطر درگیری وسیعی که با زایش و پرورش زندگی‌های تازه دارند، نوعاً بسیار کمتر از مردان از تشخیص میرایی‌شان رنج می‌برند... مردان در برابر مرگ با

وحشت عمیق تری روبرو می‌شوند و یک رشته تدابیر دفاعی برای خود در پیش می‌گیرند که بیشتر آن‌ها به تسلط بر زنان می‌انجامد، مثل روی آوردن به تولید چیزهای ماندنی‌تر چون هنر، معماری، اسلحه، ثروت، علم و دین. تبیین دوم فمینیسم روان‌کاو از چرایی مردسالاری بر محور مراحل رشد شخصیت و دوران کودکی دختر و پسر بازمی‌گردد. بچه مذکر از همان دوران کودکی در فرهنگی پا می‌گذارد و بزرگ می‌شود که به مردانگی بهای بیشتری می‌دهد و زنانگی را بی‌ارزش یا کم‌ارزش جلوه می‌دهد و پسران پس از آگاهی از هویت مردانه خود، میکوشند بیش از پیش از هویت زنانه و یا مادر خود جدا کنند. ولی دختران هم در همین فرهنگ خود را کشف می‌کنند، فرهنگی که به زنان و زنانگی بهای کمی می‌دهد. این چنین دچار احساسات دوپهلوی در خود و زنانگی و مادری می‌شوند و بسیاری از توانایی‌های بالقوه‌شان را از دست می‌دهند و بر آن می‌شوند تا در دوران بزرگسالی با جذابیت جنسی و وابستگی به یک مرد این احساسات را به تحلیل ببرند. این چنین، فمینیست‌های روان‌کاو، فرودستی زنان و ستم‌گری مردان بر زنان را بر حسب نیازهای عاطفی عمیق مردان به تحت نظارت درآوردن زن‌ها تبیین می‌کنند، برداشتی که مبتنی است بر روان-رنجوری‌های تقریباً جهانی مردان که ریشه در هراس از مرگ و رابطه دوپهلوی با مادرانی دارند که آن‌ها را پرورش می‌دهند (لنگرمن و برنت‌لی. به نقل از ریتزر، ۱۳۸۲: ۴۸۷).

فمینیسم رادیکال با قایل شدن ارزش بسیار مثبت به زنان و زنانگی خشم عمیق خود درباره ستم‌گری مردان علیه زنان بیان می‌دارد. به باور فمینیست‌های رادیکال، ستم جنسی به مثابه قدیمی‌ترین و حتماً شدیدترین شکل نابرابری تلقی می‌شود که دیگر صورت‌های قدرت (به طور مثال صورت‌های نابرابری اقتصادی سرمایه‌دارانه) نشأت گرفته از پدرسالاری است (بیسلی، ۱۳۸۵: ۹۰). این فمینیست‌ها ستم‌گری را اصلی‌ترین شاخص جامعه می‌دانند و بنیادی‌ترین ساختار ستم-گری را به جنسیت و رابطه مردان و زنان نسبت می‌دهند که در آن مردان به گونه سازمان‌دهی شده و برنامه‌ریزی شده و جهانی در پی اعمال سلطه و ستم‌گری بر زنان‌اند. به همین دلیل، فمینیست‌های رادیکال، شدیدتر از تمام سنت‌های فمینیستی، مردان را به مثابه یک گروه، «دشمن اصلی» (Delphy, ۱۹۸۴) قلمداد می‌کنند. مردان نه تنها به خاطر در دست داشتن منابع قدرت و سلطه بر زنان (اقتصادی، سیاسی، دینی، فرهنگی - مادی و معنوی) پدرسالاری را ایجاد و حفظ می‌کنند بلکه به این دلیل که از این سلطه‌گری نفع می‌برند. این سلطه‌گری و ستم بر زنان چه به

صورت آشکار (تجاوز، بدرفتاری، بردگی جنسی، بدرفتاری با همسر، آزار واذیت، لت و کوب و قتل و سوزاندن زنان) و چه به صورت پنهان تر و پیچیده تر استثمار و اعمال نظارت بر زنان (به صورت معیارهای مد و زیبایی، آرمان‌های بیدادگرانه مادر بودن، آزار جنسی، حق تلفی و محرومیت زنان از حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی، مالی و اقتصادی و...) می‌تواند تحقق یابد (ریتزر، ۱۳۸۲: ۴۸۹).

فمینیسم سوسیالیستی با نگاهی تلفیقی به مسأله جنسیت و سلطه‌گری و ترکیب ایده‌های فمینیسم مارکسیستی و رادیکال بیشتر ترسیمی از سازمان اجتماعی به دست می‌دهند که در آن، ساختارهای اجتماعی کلان اقتصاد، سیاست و ایدئولوژی با فراگردهای اجتماعی خصوصی، نزدیک و سطح خرد تولید مثل انسان، امور خانگی، جنسیت و ذهنیت، برای حفظ یک نظام سلطه چندجانبه، کنش متقابل برقرار می‌کنند. فمینیست‌های سوسیالیست، به طور مثال قضیه تولید اقتصادی یا پویایی‌های اقتصادی مارکسیستی را گرفته و فراتر از آن می‌رود و آن را با مفهوم سلطه و استثمار (تأکید فمینیسم رادیکال) پیوند می‌زند و از شرایط گسترده‌تری سخن می‌گوید که زندگی بشر را ایجاد و حفظ می‌کنند: جسم انسان، جنسیت و نقش آن در تولید مثل و پرورش فرزندان، خانه‌داری بدون اجر و مزد، وظایف خانگی نامریی و تغذیه عاطفی. در همه این فعالیت‌های حفظ زندگی، تنظیم‌های استثماری باعث می‌شوند برخی سود بگیرند و برخی زیان... (ریتزر، ۱۳۸۲: ۴۹۴-۴۹۳). این فرایند نه تنها تولید اقتصادی چون کالا را تبیین می‌کند که تولید اجتماعی چون جنسیت را نیز در بر می‌گیرد و توضیح می‌دهد که چگونه تحت همین شرایط سلطه و استثمار، مفاهیم و پدیده‌های اجتماعی چون جنسیت تولید و بازتولید می‌شوند و گروه خاصی (مردان) از آن نفع می‌برند و گروه دیگری (زنان) قربانی و استثمار می‌شوند.

در پی، برخی از مهم‌ترین مفاهیم و مدل‌ها و مقیاس‌های توانمندسازی زنان (که موضوع این تحقیق است) آورده می‌شود تا در روشنی این مدل‌ها و مقیاس‌ها، ابزار تحقیق (پرسش‌نامه) طراحی گردد و به کمک داده‌های موجود و پیمایشی پرسشنامه‌ای به توصیف وضعیت موجود زنان هرات پرداخته شود.

توانمندی زنان

قدرتمند شدن به گسترش توانایی افراد برای اتخاذ تصمیم‌های مهم و راه‌بردی زندگی در زمینه‌های بازمی‌گردد که پیش‌تر از این توانایی از آن‌ها دریغ شده بود. (کبیر و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۵) این یکی از معروف‌ترین تعریف‌هایی است که در حوزه توانمندسازی زنان شده است. زنان، در جامعه‌های انسانی، و تا آن جایی که شواهد نشان می‌دهد در طول تاریخ، به تناسب مردان، از نگاه اجتماعی، اقتصادی، حقوقی، سیاسی و... ضعیف‌تر و کم‌قدرت‌تر بوده‌اند. این موضوع در سده‌های اخیر توسط زنان و مردانی که متأثر از ایده‌های نوین آزادی‌خواهی و برابرخواهی و حقوق بشر و... بودند به چالش کشیده شد. تحت تأثیر فشارها و فعالیت‌ها و مبارزات آن‌ها، دولت‌ها و سازمان‌های مختلف ملی، محلی و بین‌المللی برای تغییر این وضع و رابطه نابرابر ایجاد گردیده در پی توانمندسازی زنان در سطح محلی، ملی و جهانی شده‌اند. در نتیجه، می‌توان ادعا کرد که توانمندسازی زنان و جنبش برابرخواهی جنسیتی یک پدیده مدرن و نوینی است که در حال گسترش در سراسر جهان است. گرچه جنبش حق‌خواهی و مبارزه برای برابری جنسیتی در غرب سابقه نزدیک به دو سده دارد (میشل، ۱۳۸۳: ۸۸)، برنامه‌ها و پالیسی‌های توانمندسازی زنان از طرف دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی مثل ملل متحد سابقه زیادی ندارد و فقط چند دهه است که راه افتاده است. بعد از جنگ جهانی دوم، تلاش‌ها و پیمان‌های جهانی تمرکز ویژه‌ای به توسعه کشورها و حقوق بشر نمودند؛ گرچه با گذشت زمان، مشخص شد که توجه ویژه‌ای باید به حقوق زنان صورت گیرد. علت آن هم این بود که با تطبیق برنامه‌های توسعه‌وی در کشورهای مختلف توسعه‌نیافته یا کمتر توسعه‌یافته، معلوم شد که این بیشتر مردان اند که از پیامدهای اجرای این برنامه‌ها سود می‌برند و زنان به پیمانۀ خیلی ناچیزی از اثرات مثبت پروژه‌ها و برنامه‌های توسعه‌وی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی بهره می‌برند. در نتیجه، از اوایل دهه ۷۰، دادخواهی‌های زیادی برای حقوق زنان و توانمندسازی‌شان به راه افتاد. مسایلی چون زنانه شدن فقر شدید و اختلاف و شکاف در سیاست، آموزش و سرمایه توجیه مناسبی برای کمک و به رسمیت شناختن توانمندسازی زنان به دست داد. اعلامیه پکن و پلان کاری ۱۹۹۵ حرکتی را به سوی توانمندسازی زنان بنیان نهاد. این اعلامیه با جلب توجه‌ها به مشارکت زنان در همه حوزه‌های جامعه، نابرابری و شکاف جنسیتی به هدف تضمین حقوق زنان، تمرکز ویژه‌ای بر این حوزه نمود. در سال ۲۰۰۰، اهداف توسعه‌وی هزاره،

کمپاین حقوق زنان را به حوزه‌های آموزش، صحت و فقر بیشتر متمرکز کرد (M.La Follette. et. al; ۲۰۱۳: p ۱۲).

با وجود تلاش بیش از نیم قرن اخیر برای توانمندسازی زنان در سراسر جهان، هنوز این یک واقعیت آزردهنده است که تا حال هیچ کشوری نتوانسته شکاف جنسیتی را از میان بردارد. مقیاس‌های GDI^۳، GEM^۴ سازمان UNDP و مقیاس GGI^۵ انجمن اقتصاد جهانی^۶ این واقعیت را نشان می‌دهد (Jager & Rohwer, ۲۰۰۹: ۴۵).

عوامل و فکتورهای مختلف پشت مفهوم "توانمندسازی زنان"^۷ وجود دارد. از طرفی نفس آگاهی زنان و مردان از نابرابری جنسیتی و قدرت و جایگاه متفاوت زنان و مردان در جامعه و از طرف دیگر ضرورت بهبود وضعیت زنان برای توسعه همگانی کشور، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی را واداشت تا توجه ویژه‌ای به شامل ساختن زنان در روند توسعه داشته باشند. مهمترین شاخصه رقابتی یک کشور در روند توسعه استعدادهای انسانی است - مثل مهارت‌ها، آموزش و پرورش و بهره‌وری یا سودمندی نیروی کار. زنان نیمی از استعدادهای بالقوه‌ی سراسر جهان را تشکیل می‌دهند. امروزه بیشتر از پیش، توان رقابتی ملت‌ها وابسته به این است که تا کجا و چگونه از نیروی زنان بهره می‌برد. کشورها به هدف افزایش توان رقابتی و توسعه جامعه به برابری جنسیتی بیشتر روی می‌آورند و برای زنان حقوق، مسؤولیت‌ها و فرصت‌های برابر با مردان می‌دهند. "برابری جنسیتی یکی از اهداف توسعه است و تحقیقات نشان داده است که برای توسعه درآمدت و رشد جامعه یک ابزار لازمی است" (Jager & Rohwer, ۲۰۰۹) این روند که از اواخر قرن بیستم شروع شده بود، در قرن ۲۱ هم ادامه یافت. در نشست سران هزاره‌ی ملل متحد در سال ۲۰۰۰، بیش از ۱۵۰ کشور جهان خود را متعهد به اجرای هشت هدف هزاره دانستند که یکی از این اهداف هشت‌گانه تقویت برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان است. (UN, ۲۰۰۰) باور همگانی

^۳ Gender Development Index

^۴ Gender Empowerment Measure

^۵ Gender Gap Index

^۶ World Economic Forum

^۷ Women's Empowerment

بر این است که برای دست‌یابی به هریک از اهداف توسعه‌ای هزاره، برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان امری محوری‌اند (Demetriades, ۲۰۰۹; p ۵).

مفهوم توانمندسازی زنان

برای واژه انگلیسی Empowerment معادل‌های متفاوتی به زبان فارسی استفاده کرده‌اند. برخی از مفهوم "توانمندی" استفاده می‌کنند؛ برخ دیگر از "توانمندسازی" و عده‌ای هم از مفهوم "قدرتمندی" یا حتی "قدرت‌یابی" استفاده کرده‌اند. در حالی که هر اصطلاح مفهوم تقریباً متفاوت و نزدیک به هم را القاء می‌کند، آنچه مهم است تعریف‌های اصطلاحی این مفاهیم است که از طرف دانشمندان، پالیسی‌سازان و یا سازمان‌های جهانی در این عرصه ارایه شده است. در پی به برخی از تعاریف و تبیین‌های این موضوع می‌پردازیم.

نایلا کبیر قدرتمندشدن را به معنای "گسترش توانایی افراد برای اتخاذ تصمیمات کلان و راه‌بردی زندگی در زمینه‌ای می‌داند که پیش‌تر از این توانایی از آن‌ها دریغ شده بود. (کبیر و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۵) کبیر، مشخصاً به تغییرات در سه بعد مرتبط به یکدیگر نظر دارد: منابع، عاملیت و دستاورد. منابع که شرایطی را به وجود می‌آورند که تحت آن انتخاب امکان‌پذیر می‌شود... ممکن است این منابع مادی، اجتماعی یا انسانی باشد. عاملیت که در مرکز فرایندی قرار دارد که به واسطه آن انتخاب صورت می‌گیرد... عاملیت یعنی توانایی تعریف اهداف فردی و عمل کردن بر اساس آنها؛ و در نهایت، دستاوردها، که عبارت‌اند از نتایج انتخاب‌ها. (کبیر و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۵)

از نظر ویویان وی و فریدا شهید قدرتمندی قابلیت افزایش‌یافته‌ای است برای گرفتن تصمیمات مستقل و خودمختار که روابط قدرت نابرابر را تغییر می‌دهد. (وی و شهید، ۱۳۸۹: ۷۸) وی و شهید تأکید ویژه‌ای بر تغییر روابط قدرت از طریق توانایی زنان در انتخاب‌های مستقل برای خودشان دارند. بسیاری دیگر هم قدرتمندی را با شاخص توانایی زنان در انتخاب و تصمیم‌گیری در خانوار و مسایل مختلف دیگر تعریف کرده و شناخته‌اند.

کلر و ام. بی. وو (۱۹۹۱) توانمندسازی زنان را فرایندی تعریف می‌کند که به وسیله آن زنان برای سازماندهی خودشان توانمند می‌شوند و اعتماد به نفس خود را افزایش می‌دهند و از حقوق خود

برای انتخاب مستقل و کنترل بر منابع، که منجر به از بین رفتن جایگاه فرودستی ایشان می‌گردد، دفاع می‌کنند (مالهاترا، ۲۰۰۲: ۵ به نقل از شکوری و دیگران، ۱۳۸۶)

اگبومه توانمندسازی را به معنای دستیابی بیشتر زنان به منابع و کنترل بر زندگی خود می‌داند که موجب احساس استقلال و اعتماد به نفس بیشتری در آن‌ها می‌شود. این فرایند موجب افزایش عزت نفس زنان می‌گردد، به این معنا که موجب بهبود تصویری می‌شود که زنان از خودشان می‌بینند (اگبومه، ۲۰۰۱: ۲۳۹ شکوری و دیگران، ۱۳۸۶).

فارست توانمندسازی را به معنای به چالش کشیدن مناسبات سنتی قدرت بین زن و مرد و تلاشی برای بازتوزیع قدرت و منابع جهت یاری به فقرا تعریف می‌کند (فارست، ۱۹۹۹: ۱۰۱ شکوری و دیگران، ۱۳۸۶).

سه عنصر مشترک و مهم در این تعاریف همان عناصری است که نایلا کبیر هم در تعریف خود به آن‌ها تأکید نموده بود: منابع، عاملیت و دستاورد. منابع از عوامل تسریع‌کننده توانمندسازی و شامل متغیرهایی مانند آموزش و اشتغال؛ دوم عاملیت، به این معنا که زنان تنها دریافت‌کننده خدمات نیستند بلکه خود به عنوان بازیگران اصلی در فرایند اصلی تغییر به حساب می‌آیند؛ سومین عنصر هم دستاورد یا نتایج و پیامدهاست که در اثر فرایند توانمندسازی ایجاد می‌شود.

معمولاً توانمندسازی زنان به توانایی زنان در تصمیم‌گیری و تأثیرگذاری بر نتایج مهمی که زندگی-شان و زندگی خانواده‌های شان را متأثر می‌سازد اطلاق می‌شود. در این میان، تأکید ویژه‌ای روی زندگی شخصی و روی منابع است. در نتیجه، معمولاً به توانایی افراد در تأثیرگذاری بر صحت-مندی‌شان و تصمیم‌گیری‌های استراتژیک زندگی‌شان ارجاع داده می‌شود (Malorta, Schuler & Boender, ۲۰۰۲: ۵). زنان باید قادر باشند منافع و انتخاب خود را تعریف کنند و نه تنها خود را توانا بدانند، بلکه خود را در انتخاب نیز ذی‌حق بدانند (آ. سن ۱۹۹۹؛ گ. سن ۱۹۹۳؛ کبیر ۲۰۰۱؛ رولاندز ۱۹۹۵؛ نوسباوم ۲۰۰۰؛ چن ۱۹۹۲) (مالوتره و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۵۸). وینی کلاسن و میلر (۲۰۰۰) توانمندسازی زنان را به عنوان پروسه‌ای تعریف می‌کنند که به واسطه آن زندگی زنان و دختران از حالتی که قدرت محدودی دارند به حالتی که قدرت‌شان افزایش یافته تغییر کرده است (lombardini, Bowman and Garwood; ۲۰۱۷: P۱۶).

گ. سن (۱۹۹۳)، توانمندسازی را این گونه تعریف می‌کند: «تغییر روابط قدرتی که گزینه‌ها و استقلال زنان را محدود کرده و تأثیر نامطلوبی بر سلامت و سعادت آنان دارد.» (مالوتره و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۵۷)

از نظر کلر و مبوو (۱۹۹۱)، به نقل از لولاندز، (۱۹۹۵) توانمندی فرایندی است که به موجب آن زنان توانا می‌شوند تا خود را جهت افزایش اتکاء به نفس سازمان‌دهی نمایند؛ بر حق مستقل خود در انتخاب تأکید نمایند؛ و کنترل منابع را به دست گیرند که به آن‌ها در مقابله با و از میان برداشتن وابستگی‌شان کمک کند» (مالوتره و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۵۷).

با توجه به تعاریف و اجزای توانمندسازی زنان، اصولاً توانمندسازی یک فرایند محسوب می‌شود، یعنی معرف پیشرفت از یک موقعیت (نابرابری جنسیتی) به موقعیت دیگر (برابری جنسیتی) می‌باشد (مالهاترا، ۲۰۰۳: ۷). این فرایند از سطح فردی (احساس ذهنی و توان عینی برای انجام امور) شروع می‌شود و تا سطوح اجتماعی (توان مشارکت در فعالیت‌های گروهی و جمعی)، سیاسی (کنترل بر تصمیمات سیاسی)، اقتصادی (توان کنترل تصمیم‌گیری اقتصادی) و نهادی (به چالش کشیدن نهادها و ساختاری نابرابر موجود) را در بر می‌گیرد (شکوری و دیگران، ۱۳۸۶).

به باور ویویان وی و فریدا شهید، "موضوع اصلی در قدرت‌یابی زنان، تغییر روابط جنسیتی شده قدرت است، یعنی روابطی که زنان را به گونه‌ی روشمند با حساب و کتاب ناتوان می‌سازد. از نظر آن‌ها، راه میان‌بر جادویی وجود ندارد تا از آن طریق زنان با اجتناب از درگیر شدن با مسایل بنیادی قدرت توانمند گردند. زنان با تردستی و ترفندهای زیرکانه قدرتمند نمی‌شوند" (وی و شهید، ۱۳۸۹: ۸۶). به این معنا که زنان برای توانمندی و قدرت‌یابی باید ساختارهای قدرت اجتماعی را تغییر دهند و این امر بدون شک نه آسان است و نه راه حل جادویی دارد. تنها راه مبارزه فردی و گروهی و سازمانی مداوم در حوزه‌های مختلف و به کمک ابزار و منابع مختلف است تا وضع موجود به نفع برابری جنسیتی تغییر یابد. به همین دلیل، از نظر این دو، "زنان خود باید به سازوکارهای قدرت که موجب ناتوانی‌شان شده مقابله کنند و آن‌ها را قواعدی مشروع، کهن و خدادادی که خواهی نخواهی باید در مقابل آن تسلیم گردید تلقی نکنند" (وی و شهید، ۱۳۸۹: ۸۴). از جایی که توانمندی و نیروهای ناتوان‌ساز زنان بیشتر در سطح اجتماعی کار می‌کنند، از

نظر وی و شهید، زنان باید نه تنها در سطح فردی، بلکه بیشتر در سطح عمل جمعی نقش مؤثرتر به عهده گیرند.

شاخص‌های سنجش نابرابری جنسیتی و توانمندی زنان

هم‌زمان با اجرای برنامه‌های توانمندسازی زنان در کشورهای مختلف و به کمک سازمان‌های بین‌المللی در سراسر جهان، نیاز به ابزار سنجش میزان و نوع نابرابری جنسیتی و قدرت‌یابی زنان بیشتر از پیش حس می‌شود. همان بود که سازمان‌های بین‌المللی چون ملل متحد و نهادهای دیگر حوزه توانمندسازی زنان در پی ساختن ابزار و سنجه‌هایی برای اندازه‌گیری میزان نابرابری جنسیتی و نیز توانمندی زنان شدند. هدف اصلی از ساختن این شاخص‌ها و سنجه‌ها به دست آوردن تصویر درستی از نوع و میزان نابرابری جنسیتی در جوامع مختلف بوده که زمینه را برای طرح و اجرای پالیسی‌های توانمندسازی هموار می‌کند. در چند دهه اخیر، چندین سنجه و ابزار اندازه‌گیری نابرابری جنسیتی ساخته و استفاده شده است که هرکدام معیارها و شاخص‌های کم و بیش متفاوتی برای این اندازه‌گیری در نظر گرفته‌اند. بدون شک، هرکدام از این شاخص‌ها نواقص و کمبودهایی نیز دارند و بیشتر آن‌ها در این مدت مورد نقد و اصلاحاتی هم قرار گرفته‌اند. "گرچه، تحقیقات نشان می‌دهد که ضعف‌هایی در اندازه‌گیری‌های این مقیاس‌ها وجود دارد و نیاز است تا ابعاد و متغیرهای تبعیض‌آمیز بیشتری شناسایی شود. در درازمدت و برای قابل قبول بودن، این مقیاس‌ها باید توسعه یابند... برای بهبود بیشتر، این شاخص‌ها باید دگرگونی‌های اجتماعی کشورها را در نظر بگیرند و شاخص‌های جداگانه‌ای برای کشورهای توسعه‌یافته و رو به توسعه باید ایجاد شود تا توانایی شناسایی شکاف‌های جنسیتی در همان کشورها را داشته باشند" (Jager & Rohwer, ۲۰۰۹: ۴۸).

شاخص‌ها می‌توانند کمی یا کیفی باشند. شاخص‌های کمی نتایج کمی را محاسبه می‌کنند مثل نرخ شمولیت به مکتب و یا درصد حضور زنان در پارلمان. داده‌های کیفی تفاوت‌هایی را که نمی‌شود به وسیله ارقام نشان داد مثل تفاوت‌های کیفی پالیسی‌ها، توصیف می‌کند. شاخص‌های کمی که بر اساس داده‌های کمی جداگانه برای زنان و مردان تهیه و اندازه‌گیری می‌شود. شاخص‌های کیفی به هدف اندازه‌گیری تغییرات کیفی مثل افزایش سطح توانمندی زنان و یا هم تغییرات وضعی نسبت به برابری جنسیتی. اندازه‌گیری برابری جنسیتی مسایلی چون روابط بین

زنان و مردان، نتایج پالیسی‌های مردسالارانه، برنامه‌ها و فعالیت‌هایی برای مردان و زنان، و یا تغییر در جایگاه و وضعیت مردان و زنان مثل سطح فقر و یا مشارکت (Demetriades, ۲۰۰۹; p ۱). هر دو شاخص کمی و کیفی می‌توانند تفاوت‌های جنسیتی را با دو رویکرد کلان اندازه‌گیری نمایند. اولین رویکرد این است که تفاوت‌ها بین زنان و مردان را بررسی و مقایسه نماید (مثل میزان شمولیت دختران در مکتب در مقایسه با میزان شمولیت پسران). رویکرد دوم، بررسی تأثیر نابرابری جنسیتی بر سلامت عمومی جمعیت است، با این استدلال که نابرابری جنسیتی تنها زنان را نه بلکه جامعه را به طور کلی متأثر می‌سازد. P۱۲. (Klasen ۲۰۰۴) و (M.La Follette. et. al; ۲۰۱۳: p ۱۲)

شاخص‌های کمی به خودی خود برای نشان دادن تغییرات در نتایج و مسایل جنسیتی کافی نیست. همچنان که کبیر هم باور دارد، دیدگاه‌های آماری در مورد تصمیم‌گیری راه حل‌های ساده‌ای برای واقعیت پیچیده اند (کبیر و دیگران، ۱۳۸۹: ۳۸). شاخص‌های کیفی آزمون‌هایی عمیق‌تر پروسه‌های اجتماعی، ارتباطات اجتماعی، پویایی قدرت و نابرابری جنسیتی را ممکن می‌سازد. این شاخص‌ها درک، دیدگاه‌ها و تجربیات را به دست می‌آورند که می‌شود از طریق بحث‌های گروه متمرکز، نقشه‌کشی اجتماعی، مصاحبه و سروی صورت گیرد. (Moser ۲۰۰۷) (p۱۲).

از نگاه دیگر، توانمندسازی زنان در حقیقت محصول مبارزه‌ها، فشارها، حق‌طلبی‌ها و تلاش‌های چندین دهه فمینیست‌ها در غرب و متقاعد ساختن دولت‌ها، سازمان‌ها، پالیسی‌سازان و در نهایت جامعه به ضرورت برنامه‌ریزی برای تغییر جایگاه و بهبود وضعیت زنان در خانواده و جامعه است. در نتیجه، فرایند قدرتمندی زنان «مستلزم ترجمهٔ بینش‌های فمینیستی به گفتار تکنیکی سیاست-گذارانه است... کمی‌سازی یک وجه از این فرایند است. توانمندسازی زنان برای بسیاری از سیاست-گذاران نمونهٔ اعلائی ورود ناخواسته مفاهیم متافزیک به جهان عینی و عملی سیاست‌گذاری توسعه است. (کبیر و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۲) در هر صورت، برای طراحی پالیسی‌های مناسب، کشورها به اطلاعاتی دربارهٔ قوت‌ها، ضعف‌ها و جایگاه‌شان در مقایسه با سایر کشورها نیاز دارند. مقیاس‌ها مثل شاخص‌ها بر اساس داده‌ها استوارند و پیشرفت‌ها را اندازه‌گیری می‌کنند و اطلاعات لازم برای سنجش میزان توانمندی زنان در جوامع را به دست می‌دهند (M.La Follette. et. al;

(p ۱۵: ۲۰۱۳). مقیاس‌های جنسیتی متعدد اند و این اطلاعات را به روش‌های مختلف جمع‌آوری و ارایه می‌کنند. مقیاس‌های GDI^8 ، GEM^9 سازمان UNDP و مقیاس GGI^{10} انجمن اقتصاد جهانی^{۱۱} به عنوان مثال مقیاس‌هایی برای سنجش شکاف جنسیتی است. مقیاس GDI به دسته-بندی‌های کلی نظر دارد: امید به زندگی، آموزش و پرورش و درآمد. مقیاس GEM اطلاعاتی درباره وضعیت توانمندی زنان در حوزه‌های سیاست و اقتصاد به دست می‌دهد. مقیاس اخیراً معرفی شده GGI دو شاخص بالا را با هم ترکیب می‌کند و متغیرهای جدید نابرابری جنسیتی را به آن اضافه می‌کند (Jager & Rohwer, ۲۰۰۹: ۴۸).

برخی نگاه انتقادی شدیدتری به این مقیاس‌ها و شاخص‌ها دارند و در توانایی آن‌ها برای نشان دادن وضعیت واقعی نابرابری جنسیتی و کمک به طراحی پالیسی‌های مناسب شک دارند. هم‌چنان که کبیر هم باور دارد، شاخص‌های قدرتمند شدن باید صرفاً جهت تغییر را «مشخص کنند» نه آن که امکان سنجش دقیق آن را فراهم آورند. این شاخص‌ها ممکن است غیردقیق و حتا گمراه‌کننده باشند. (کبیر و دیگران، ۱۳۸۹: ۶۷) به عنوان مثال، "بالا رفتن تحصیل و شاخص‌های بهداشت ممکن است وضعیت زنان را بهبود بخشد ولی مستقیماً بر قدرت‌مند شدن زنان در ساختارهای قدرتی که در آن قرار دارند اثری ندارد (وی و شهید، ۱۳۸۹: ۸۲). وی و شهید تا آنجا پیش می‌روند که اظهار می‌کنند "شکل‌های تصنعی قدرت‌یابی در واقع ناتوان‌سازی در لباس مبدل است. توان‌مندی چیزی نیست که کسی به دیگری اهدا کند" (وی و شهید، ۱۳۸۹: ۸۴).

پروسة توانمندسازی زنان، با وجود نقدها و مخالفت‌ها و نیز حمایت‌ها و مشکلات ادامه یافت و در تلاش کاهش فاصله بین زنان و مردان در حوزه‌های مختلف سیاست، اقتصاد و اجتماع است. نهادهای بین‌المللی نظیر بانک جهانی این مفهوم را برای پر کردن خلاهای نظری پس از شکست جدی سیاست‌های توسعه در دهه ۱۹۸۰ سودمند یافتند و از آن پس به طور مستمر در هزاران سند و بیانیه ملی و بین‌المللی آن را به عنوان ابزاری برای سنجش اثرات سیاست‌های توسعه بر

⁸ Gender Development Index

⁹ Gender Empowerment Measure

¹⁰ Gender Gap Index

¹¹ Global Economic Forum

وضعیت گروه‌های محروم و مورد تبعیض از جمله زنان به کار گرفتند. در این جا نگاهی کوتاهی به برخی از مهم‌ترین مقیاس‌های توانمندسازی زنان می‌اندازیم.

مقیاس‌ها و شاخص‌های توانمندی زنان

شاخص‌ها و مقیاس‌های مختلفی برای سنجش میزان و چگونگی توانمندی زنان از طرف سازمان‌های بین‌المللی و نیز کشورهای مختلف طراحی و استفاده شده است که در پی به مهم‌ترین‌های آن‌ها اشاره می‌شود.

شاخص توسعه انسانی^{۱۲} HDI و توسعه جنسیتی^{۱۳} GDI

برنامه توسعه سازمان ملل UNDP برای نخستین بار مقیاس توسعه جنسیتی GDI را در گزارش توسعه انسانی سال ۱۹۹۵ معرفی نمود. هدف از وارد کردن این مقیاس، در نظر گرفتن میزان توزیع دقیق‌تری به مقیاس توسعه انسانی HDI بود. شاخص GDI میزانی برای سنجش توسعه انسانی است که مقیاس HDI را به جهت حساس بودن به نابرابری بین مردان و زنان تنظیم می‌نماید (Klasen and Schuler ۲۰۰۹, ۴).

شاخص توسعه مسايل مرتبط با جنسیت GDI شاخص توسعه انسانی را به جهت محاسبه نابرابری جنسیتی در سه بعدی که توسط HDI پوشش داده تنظیم نموده است: امید به زندگی، آموزش و درآمد. باید فراموش نکنیم که GDI مختص سنجش نابرابری جنسیتی نیست.

مقیاس توانمندسازی جنسیت GEM

شاخص GEM^{۱۴} در صدد اندازه‌گیری توانمندی زنان و مردان در حوزه فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی است. این مقیاس شکاف جنسیتی در مشارکت سیاسی، مقام‌های مدیریتی و حرفه‌ای و میزان درآمد را در نظر می‌گیرد. در نتیجه، GEM بیشتر روی فرصت‌های زنان تمرکز می‌کند تا ظرفیت‌های‌شان. با این کار، GEM روی سه حوزه تمرکز می‌کند:

^{۱۲} Human Development Index

^{۱۳} Gender Development Index

^{۱۴} Gender Empowerment Measure

مشارکت سیاسی و قدرت تصمیم‌گیری، که با شمارش کرسی‌های مردان و زنان در پارلمان به دست می‌آید.

۱. مشارکت اقتصادی و قدرت تصمیم‌گیری که با دو شاخص اندازه‌گیری می‌شود:
۲. درصد مردان و زنان در مقام‌های قانون‌گذاران، مدیران و کارمندان بلندرتبه،
۳. درصد مردان و زنان در موقعیت‌های حرفه‌ای و تخریکی،
۴. قدرت روی منابع اقتصادی، که با مقدار تخمینی درآمد مردان و زنان سنجش می‌شود (Klasen and Schuler ۲۰۰۹، ۴۰-۴۲)

سنجه‌توانمندی جنسیتی GEM در تلاش اندازه‌گیری مشارکت نسبی زنان در قدرت اقتصادی و سیاسی است. این سنجه شکاف جنسیتی نمایندگی سیاسی و موقف‌های مدیریتی و حرفه‌ای و نیز در مسأله درآمد در نظر می‌گیرد. (Klasen, ۲۰۰۶: P ۶)

سنجه‌های GDI و GEM باید با احتیاط بیشتری مورد استفاده قرار گیرند. این سنجه‌ها ابزار خوبی برای تشخیص شکاف جنسیتی در کشورهای رو به توسعه است نه یک تصویری از رشد و آموزش. یک نگرانی این است که این شاخص‌ها وسیع‌اند و نمی‌توانند ابعاد متعدد برابری جنسیتی را منعکس سازند. یکی از راه‌ها برای جبران این نقیصه این است که شاخص‌های GEM و GDI با سنجه‌های ابعاد دیگر نابرابری مثل امنیت و هویت شخصی، اوقات فراغت زنان، و موازنه جنسیتی در تصمیم‌گیری استفاده شود. (Demetriades, ۲۰۰۹; p ۷)

مقیاس شکاف جنسیتی GGI انجمن اقتصادی جهانی

مقیاس GGI^{۱۵} از طرف انجمن اقتصاد جهانی به این هدف معرفی شد که به عنوان ابزاری برای معیاری‌سازی و مسیریابی نابرابری جهانی مبتنی بر جنسیت در سطح اقتصاد، سیاست، آموزش و معیارهای صحی استفاده شود (Hausmann et al. ۲۰۰۷، ۳). در نتیجه، این مقیاس به عنوان بدیل مقیاس GDI و GEM قرار می‌گیرد و هر دو مقیاس را با هم ترکیب می‌نماید و اطلاعات بیشتری درباره نابرابری جنسیتی به دست می‌دهد.

^{۱۵} Gender Gap Index

در جمع‌بندی GGI چهار بعد مهم توانمندسازی زنان در نظر گرفته شده است: مشارکت و فرصت-های اقتصادی، دستاوردهای آموزشی، توانمندی سیاسی، و صحت و زنده‌ماندن. (Klasen and Schuler ۲۰۰۹, ۴۲-۴۳)

شاخص شکاف جنسیتی انجمن اقتصادی جهان حوزه وسیعی از شاخص‌ها و ابعاد مختلف را استفاده می‌کند که داده‌های کمی را با سنج‌های کیفی ترکیب می‌کند (Demetriades, ۲۰۰۹; p ۷).

شاخص‌های GGI ابعاد زیر را شامل می‌شود:

۱. مشارکت اقتصادی: میزان بی‌کاری مردان و زنان، میزان فعالیت‌های اقتصادی و دست‌مزد کارهای مشابه؛
۲. فرصت‌های اقتصادی: مدت زمان رخصتی بارداری (زایمان)، تعداد زنان در بست‌های مدیریتی، دسترسی به مراقبت‌های کودکان توسط دولت، نابرابری دست‌مزد بین زنان و مردان.
۳. توانمندسازی سیاسی: تعداد زنان وزیر، تعداد چوک‌های پارلمان برای زنان، تعداد زنان در پست‌های قانون‌گذاری و مدیریتی، تعداد سال‌هایی که زنان وزیر ایالت (والی) بودند.
۴. تداوم آموزش: نرخ سواد، نرخ ثبت نام در مکاتب ابتدایی، متوسطه و لیسه، میانگین سال‌های مدرسه رفتن دختران.
۵. صحت و تندرستی: مؤثریت تلاش‌های حکومت‌ها برای کاهش فقر و نابرابری، نرخ باروری جوانان، درصد تولدهایی که با حضور کارمندان ماهر صحتی صورت می‌گیرد، نرخ مرگ و میر نوزادان و مادران.

گرچه این شاخص ابعاد مختلف توانمندی زنان جامعه را ارزیابی می‌کند، ولی باید در نظر داشت که شاخص‌های بین‌المللی ضرورتاً و همیشه در سطوح محلی و منطقه‌ای مفید به نظر نمی‌رسند. نابرابری‌های جنسیتی وابسته به زمینه‌هایی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، به روش‌های متفاوتی ظاهر می‌شوند (Lopez-Claros and Zahidi, ۲۰۰۵ P ۷).

شاخص توانمندسازی زنان WEI

شاخص توانمندسازی زنان WEI^{۱۶} یک شاخص ترکیبی است که به هدف اندازه‌گیری پیشرفت‌ها در ابعاد چندوجهی توانمندی زنان است. این شاخص، توانمندی را مجموع دستاوردهای زنان و تفاوت جنسیتی با مردان به حساب می‌آورد. شاخص WEI پیشرفت در توانمندی زنان را از یکجا کردن نتایج در پنج حوزه کلیدی اندازه‌گیری می‌کند. هر حوزه از مجموعه‌ای از ماتریکس‌ها و شاخص‌هایی ساخته می‌شود که اجزای آن حوزه را مشخص می‌کند.

- نمایندگی: زنان توانایی تصمیم‌گیری و کنترل بر منابع را دارند و می‌توانند بدون هراس از واکنشی این تصمیم‌ها را بگیرند.
- درآمد: زنان توانایی بهره‌وری از فعالیت‌های اقتصادی و دسترسی مناسب به بازار و منابع مالی دارند.
- رهبری: زنان توانایی مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی را دارند و برای سخن گفتن از/ برای اجتماعات شان ترغیب می‌شوند.
- منابع: زنان و دختران به منابع و مهارت‌هایی که برای مشارکت برابر در جامعه لازم است دسترسی دارند.
- زمان: زنان و دختران ساعات کمتری به کار (حمالی) خانه اختصاص می‌دهند (زمانی که صرف کارهای سخت، پست و دلگیر خانه صرف می‌شود) و وقت بیشتری برای تلاش‌های مفید، آموزش، پرورش اطفال و تفریح دارند (World Bank; ۲۰۰۲).

وزن	شاخص	دامنه
۷	مردان و زنان مسؤولیت مشترک برای تصمیم‌گیری‌های اجتماعی دارند.	نمایندگی
۷	مردان و زنان مسؤولیت مشترک برای تصمیم‌گیری‌های خانواده دارند.	
۶	برداشت درباره‌ی خشونت علیه زنان	
۱۰	مالکیت و مدیریت تجارت	درآمد
۱۰	دسترسی به خدمات مالی	
۱۰	عضویت در سازمان‌ها/ گروه‌های اجتماعی	

^{۱۶} Women Empowerment Index

۱۰	راحت صحبت کردن در حوزه عمومی	رهبری
۱۰	نرخ باسوادی	منابع
۱۰	حداقل نوبت مراجعه به دکتر قبل از ولادت	
۱۰	زمانی که صرف سوخت آشپزی می‌شود	زمان
۱۰	تقسیم کار خانوار در کارهای حمالی خانه	

جدول ۱: ماتریکس‌ها و شاخص‌های توانمندی زنان منبع: بانک جهانی

موانع قدرتمند شدن

در سه دهه گذشته، شاهد افزایش تدریجی آگاهی از توانمندسازی زنان با استفاده از مقیاس‌های اندازه‌گیری و برابری اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و نیز مهیا ساختن دسترسی بیشتر به حقوق اساسی و بشری و صحت و آموزش ابتدایی هستیم. در حالی که در سال‌های اخیر، در نتیجه توجه‌ها و اجرای برنامه‌های ملی و بین‌المللی در کشورهای مختلف، پیشرفت‌های زیادی در راستای رسیدن به برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان به دست آمده است (افزایش زیاد دسترسی دختران به مکاتب در سال‌های اخیر و...) وضعیت زنان تا حد زیادی هنوز، بویژه در کشورهای رو به توسعه، رضایت‌بخش نیست. در این کشورها، هنوز زنان به شکل وسیعی از دسترسی به بازار کار محروم‌اند، فرصت‌های برابری برای دسترسی به فرصت‌های شغلی بالاتر ندارند، و احتمال کمتری دارد به شغل‌های مدیریتی و اداری بالا دست پیدا کنند. (Jager & Rohwer, ۲۰۰۹).

سازمان‌های بین‌المللی مثل ملل متحد، درک این مهم که نابرابری جنسیتی و جنسیت در همه حوزه‌ها و بخش‌های زندگی همیشه تولید و بازتولید می‌شود، و با هدف وادار کردن دولت‌ها و سازمان‌های غیر دولتی برای مقابله با این "بازسازی همیشه‌گی جنسیت"^{۱۷} مفهوم "جریان‌سازی جندر"^{۱۸} را مطرح نمودند به هدف "استفاده از منظرگاه جنسیت در همه نورم‌ها و استندردهای حقوقی، اجتماعی، در همه پالیسی‌سازی‌ها، تحقیقات، برنامه‌ریزی‌ها، دادخواهی‌ها، اجراءات و نظارت‌ها" (UNDP ۲۰۰۷). این مفهوم بیشتر به این خاطر به وجود آمد که مسایل جنسیت و

^{۱۷} Gender recast

^{۱۸} Gender mainstreaming

برنامه‌های توانمندسازی زنان به حوزه‌هایی مثل آموزش، صحت، اقتصاد، مشارکت سیاسی- اجتماعی محدود نشود و همه برنامه‌ها و ابعاد برنامه‌ریزی‌ها و کار در جامعه را در بگیرد.

از آن طرف، در برابر پروسهٔ توانمندسازی زنان همیشه موانع متعددی وجود داشته است که از آدرس‌ها و منابع مختلف ایجاد و تقویت می‌شود. باورهای سنتی محافظه‌کارانه و مردسالارانه در پی همهٔ این موانع و شاید مادر همه باشد. این عامل اصلی در حوزه‌های دینی، سیاسی، اجتماعی و پالیسی‌سازی و... تجلی می‌کند و ظاهر می‌شود. پروسه‌ی توانمندسازی زنان توسط محافظه‌کاران گاه به بهانهٔ غربی بودن و یا وارداتی بودن انکار و سرکوب می‌شود. "اسلام‌گرایان سیاسی و دیگران پدرسالاران در جوامع مسلمان مدعی‌اند قدرت‌یابی زنان امری نامشروع و وارداتی است و تلاش جدی زنان جهت کسب حقوق خود در این جوامع اغلب با خشونت سرکوب می‌شود" (وی و شهید، ۱۳۸۹: ۸۷). این گروه‌ها اغلب از اسلام برای مشروعیت بخشیدن یا سلب مشروعیت به نفع یا علیه زنان استفاده می‌کنند (همان: ۹۰). تقریباً پشت همهٔ واکنش‌های سنتی به قدرتمندسازی زنان، توجیه‌های اغلب دینی و مذهبی محافظه‌کاران به هدف حفظ وضعیت موجود قرار داشته و سیاست‌مداران و پالیسی‌سازان را وادار می‌کنند یا در برنامه‌های توانمندسازی زنان تجدید نظر کنند و یا خواهان حداقل تغییر، آن‌هم در چوکات تفسیر سنتی آن‌ها از دین و منابع دینی، باشند.

یکی دیگر از موانع توانمندسازی زنان در کشورهای رو به توسعه عدم شناخت درست مسألهٔ جنسیت و زنان و نابرابری جنسیتی و در نتیجه برنامه‌ریزی‌های ناموفق است. در بیشتر موارد، برنامه‌ریزان در این کشورها، بدون مطالعه و شناخت واقعیت موجود و خاص جامعه در زمینهٔ نابرابری جنسیتی و یا بدون در نظر داشت حساسیت‌ها و ارزش‌های حاکم بر فرهنگ مردم، در پی کاپی کردن و تطبیق برنامه‌های توانمندی از کشورها و جوامع دیگر در جامعه خود می‌شوند و انتظار تغییرات سریع و کوتاه‌مدت و آرمانی در این زمینه اند که اغلب با واکنش‌های محافظه‌کارانه و یا هم در نتیجهٔ نواقص درونی به شکست روبرو می‌شوند. تعدادی بر اساس یافته‌های پژوهش خود در کشورهای در حال توسعه نشان داده‌اند که برنامه‌های توسعهٔ بکارگرفته شده در این کشورها نه تنها ناموفق بوده، بلکه در جهت عکس توسعه عمل کرده است، چرا که برنامه‌ریزان به معنای واقعی نابرابری جنسیتی پی نبرده‌اند (لانگه، ۱۳۷۲: ۲۴ شکوری و دیگران، ۱۳۸۶).

یکی دیگر از چالش‌های برنامه‌های توانمندسازی زنان نفس اجرا و حمایت از آن در سطوح پایین‌ها و جایی است که باید اجرا شود و شامل سطوح میانی (حکومت‌های محلی) و پایینی (اجتماعات) می‌شود. "تجربیات جوامع مختلف حاکی از آن است که ساختار و روش‌های اعمال قدرت در سطح میانی می‌تواند دارای استقلال نسبی از دولت مرکزی بوده و در مواردی حتا موجودیت آن را تهدید کند (وی و شهید، ۱۳۸۹: ۸۰). شواهد این امر در بسیاری از کشورهای رو به توسعه از جمله افغانستان را به سادگی می‌توان دید. در این کشورها، اغلب قوانین و برنامه‌های کلان آرمان‌گرایانه و ترقی‌خواهانه برای توانمندسازی زنان در سطح ملی ساخته و تصویب می‌گردد ولی در جایی که باید تطبیق گردد (سطوح میانی و پایینی) متأسفانه به مشکل روبرو شده و بی‌اثر می‌گردند. یکی از دلایل این امر دولت‌های ضعیف و ناتوانی این دولت‌ها برای تطبیق قوانین و پالیسی‌های تدوین شده است. "هرچه دولت در این کشورها در پاسخ‌گویی به شهروندان و انجام وظایف خود در قبال آن‌ها ناتوان‌تر باشد، فضای بیشتری برای رقبا (اسلام‌گرایان سیاسی، ناسیونالیست‌های مذهبی، ناسیونالیست‌های قوم‌گرا و...) در طرح ادعاهای سیاسی و جلب هواداری و آرای مردم مهیا می‌شود (همان: ۸۰). شواهد نشان می‌دهد که رقبا در سطح میانی بیش از سطوح دیگر فعال هستند، زیرا سطح میانی هم از مراکز قدرت کلان فاصله دارد و هم در عین حال فرصت‌های اجتماعی و فرهنگی زیادی برای مداخله در زندگی افراد و خانوارها در سطح خرد فراهم می‌کند.

یکی دیگر از مشکلات برنامه‌های توانمندسازی زنان باور غلط سیاست‌گذاران و پالیسی‌سازان در اهمیت ندادن به عاملیت زنان و دخالت فعالانه‌شان در پروسه توانمندسازی و توسعه است. "باید این باور غلط نهفته در سیاست‌های کلان که رابطه مردم با روند توسعه را همچون رابطه «بیمار» و دارو تلقی می‌کند بی‌اعتبار شود. این بی‌توجهی به عاملیت مردم، شالوده‌قدرتمند شدن را از بین می‌برد و موجب شکست مستمر سیاست‌های توسعه‌ای می‌شود. بنابراین، باید بر استراتژی‌های بومی زنان برای قدرت‌یابی در جوامع مسلمان متمرکز گردید تا با تضعیف فرهنگی که اسلام‌گرایان سیاسی به منظور محروم ساختن زنان از الگوهای جایگزین برای یافتن نقش مؤثر بر آنان تحمیل می‌کنند مقابله شود (وی و شهید، ۱۳۸۹: ۸۸). ویویان وی و فریدا شهید با طرح این مسأله دو نکته مهم را در نظر دارند: در قدم اول، اجتناب از نسخه پیچیدن برای بهبود وضعیت زنان به عنوان بیماران منفعل و به جای آن تأکید بر سهم آگاهانه زنان در تشخیص مشکلات و اولویت‌های

توسعه‌وی آنان؛ نکتهٔ دوم هم تلاش برای توانمندسازی بر اساس الگوها و ارزش‌ها و زمینه‌های بومی، بویژه برای کوتاه کردن دست انتقاد محافظه‌کاران و وارداتی خواندن پروسه توانمندسازی زنان در جوامع اسلامی.

محافظه‌کاران سنتی و همه گروه‌ها و افرادی که در پی متوقف ساختن و خنثی نمودن تلاش‌ها و برنامه‌های توانمندسازی زنان هستند از ابزار و روش‌های مختلف به این منظور استفاده می‌کنند. از جمله سازوکارهای مهار که نیروهای ناتوان‌ساز آنها را به کار می‌گیرند شامل این‌ها استند:

۱. شکل‌های مختلف خشونت مبتنی بر جنسیت،
۲. توزیع نابرابر منابع، شامل محدود کردن زنان در دسترسی و کنترل منابع،
۳. شیوه‌های مشروعیت‌بخشی به ناتوان‌سازی زنان از جمله تفاسیر ضد زن در فرهنگ و مذهب،
۴. محروم ساختن و طرد زنان از مجاری دسترسی به قدرت و مجامع تصمیم‌گیری.

در مقابل این سازوکارها و موانع، انتظار می‌رود زنان و برنامه‌ریزان و فعالان حوزهٔ توان‌مندی زنان سازوکارهای مقابله‌ای را روی دست گرفته تا تأثیر این واکنش‌های محافظه‌کارانه را به حداقل برسانند. برخی از مواردی را که می‌توانند و باید انجام دهند این‌ها اند:

مقاومت و اجتناب زنان از خشونت مبتنی بر جنسیت و ریشه‌کن ساختن آن: انتخاب‌ها، گفتارها و استراتژی‌های زنان در مقابله با خشونت جنسیتی باید به مثابه نوعی ابزار کنترل مستند شود و واکنش زنان با توجه به زمینه‌ها محلی، سیاسی، فرهنگی و تاریخی تحلیل گردد و عوامل حمایتی یا محدود کنندهٔ مؤثر بر قدرت انتخاب گزینه‌های مختلف توسط آن‌ها به نحو مؤثر و کارآمد بررسی شود.

دسترسی و نظارت فزایندهٔ زنان بر منابع سازندهٔ قدرت: دو گونه منابع اهمیت دارد: اول، منابع معیشتی، دسترسی به اشتغال، دسترسی و کنترل بر درآمد و سرمایه؛ و دوم، فرصت‌های آموزشی (دسترسی به آموزش رسمی)، دسترسی به اطلاعات و دانش، و منابع فرهنگی و اجتماعی (از جمله دانش مذهبی) دسترسی و کنترل زنان بر منابع معیشت، نقش بنیادی در توان‌مندی‌شان ایفا می‌کند.

تفاسیر برابری‌گرای زنان از فرهنگ و مذهب و مشروعیت‌بخشی به احقاق حقوق خود: منابع مشروعیت و شیوه‌های مشروعیت‌بخشی متنوع است. منابع فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، مذهبی و سکولار می‌توانند به گفتارهای له و علیه توان‌مندی زنان مشروعیت بخشند. مجموعه‌های مختلف قانون (قوانین دولتی، قوانین اسلامی، و همچنین عرف و عاداتی که جایگاه شبه قانون دارند) و دسترسی و استفاده زنان از آن‌ها اهمیت دارد. تفاسیر متفاوت از فرهنگ و مذهب شامل روایت‌های شفاهی و کتبی و نظام‌های ارزشی رقیب و «تاریخ» برای توجیه نیروهای ناتوان‌ساز و همچنین قدرت‌مند شدن زنان توسط خودشان مورد استفاده قرار می‌گیرند.

دسترسی به مجاری و مجامع قدرت: موضوع مشارکت زنان در سیاست و دستگاه‌های دولتی برای مثال عضویت در احزاب یا کسب منصب و موقعیت در حکومت محلی اهمیت دارد. موضوعات مهم دیگر علاوه بر مشارکت سیاسی زنان و دسترسی زنان به ساختار رسمی و غیر رسمی سیاسی، در این زمینه عبارت‌اند از تفسیر زنان از اهمیت حضور در ساختار قدرت و تغییر نقش‌ها در این زمینه، تحرک زنان در فضاهای عمومی، نحوه حضور و رفتار در این فضاها، عرصه‌های جدید حضور زنان در حوزه عمومی (ورزش، رسانه‌ها و فضاهای مجازی)، موضوع حجاب و تغییرات و منازعات مرتبط با آن. (وی و شهید، ۱۳۸۹: ۹۳-۹۵)

کدام قدرت کدام زنان؟ جنسیت و طبقه اجتماعی

یکی از مسایل مطرح در حوزه توانمندی زنان این مسأله مهم است که کدام قدرت و برای کدام زنان؟ بدون شک، فمینیسم، جنسیت، توسعه و هر پدیده دیگر اجتماعی برای گروه‌ها و طبقات مختلف جامعه الزامات و بایسته‌ها و نیز پیامدهای متفاوتی در پی دارد. هم‌چنان که فمینیسم پس‌مدرن پس از سال‌ها و دهه‌های متمادی مبارزه فمینیستی به میان آمد تا اعتراف و آشکار نماید که زنان، آنچنان که ادعا می‌شود، یک گروه و کتله واحد اجتماعی با نیازها و مسایل تعریف شده واحد نیستند (تانگ، ۱۳۸۷: ۳۴۶) و بسته به گروه اجتماعی (خرده‌فرهنگ، مذهب، قوم، ملیت، نژاد، زبان، رنگ پوست، طبقه اجتماعی، حتا شهری و غیر شهری و...) هم نیازها تغییر می‌کند، هم خواسته‌ها و هم آگاهی‌ها و انتظارات. این امر در جامعه‌های رو به توسعه بیشتر نمود پیدا می‌کند که فاصله طبقاتی و شکاف اقتصادی و اجتماعی حتا بین گروه‌های بزرگی مثل شهرنشین و غیر شهرنشین و یا تحصیل کرده و غیر تحصیل کرده در مواردی چنان زیاد است که به نظر می‌رسد

جنسیت و هیچ پدیده دیگری نتواند این گروه‌ها را نزدیک به هم کند و علی‌رغم شباهت‌ها، دنیایی تفاوت بین مشکلات، نیازها، خواسته‌ها و دیدگاه‌های زنان در این گروه‌ها وجود دارد. گرچه دولت‌ها و سازمان‌های غیر دولتی بین‌المللی و ملی فعال در حوزه توانمندسازی می‌کوشند علی‌رغم این تفاوت‌های موجود بین زنان، حداقل استندردها یا خدمات و بایسته‌های توانمندی (آموزش، بهداشت، مشارکت و...) را برای همه فراهم کنند تا همه بتوانند از این فرصت‌ها بهره‌برند، ولی واقعیت این است که خواسته یا ناخواسته پیامدهای تطبیق این برنامه‌ها برای زنان متفاوت است و گاه اصلاً چیزی نیست که انتظارش را دارند یا می‌خواهند. از جایی که بیشتر زنان، بویژه طبقات پایین، غیر تحصیل‌کرده و غیر شهری در مرحله طراحی و تصمیم‌گیری غائب‌اند، حتی پروژه‌ها و برنامه‌هایی که توسط خود زنان برای توانمندی زنان و پاسخ به نیازهای اساسی‌شان تعریف می‌شود، در عمل برای تعدادی یا بیشتر زنان (بویژه طبقات پایین‌تر، کارگر، غیر شهری و بی‌سواد) پیامدهای مورد انتظار و زیاد مثبت ندارد. به همین دلیل هم همیشه بخش قابل توجهی از زنان از پروسه توانمندی نفعی نمی‌برند و به گونه ساختاری کنار گذاشته می‌شوند.

فصل سوم

روش تحقیق

برای اجرای این تحقیق و پاسخ به پرسش‌های آن (وضعیت زنان هرات در جامعه و خانواده)، داده‌ها و اطلاعات مختلف آماری و اسنادی و نیز پیمایشی از هر دو حوزه (خانواده و جامعه) لازم بود. به همین دلیل، در این پژوهش، متناسب با اهداف، نوعیت و جمعیت تحقیق، از روش‌های تحقیق اسنادی^{۱۹} و پیمایشی^{۲۰} برای گردآوری و تحلیل داده‌ها سود برده شده است.

روش‌های اسنادی در زمره روش‌ها یا سنجه‌های غیر مزاحم و غیر واکنشی به شمار می‌آید (ساروخانی، ۱۳۸۷: ۲۵۴). از روش اسنادی در تحقیقات اجتماعی بیشتر زمانی استفاده می‌شود که به اطلاعات جامع و متنوع آماری نیاز باشد و این اطلاعات در اسناد و گزارش‌های رسمی و منابع تحقیقاتی موجود باشد. گرچه روش‌های اسنادی در مقایسه با روش‌های میدانی و پیمایشی چالش‌ها و مسایل کمتری دارند، با آنهم در کشوری مثل افغانستان که بیشتر اوقات بسیاری از مراکز و سازمان‌ها و حتا نهادهایی مثل احصائیه و مرکز معلومات داده‌های ناقص و تخمینی دارند پژوهش‌های اسنادی هم چالش‌های خاص خود را دارند و نیازمند دقت و تلاش زیاد برای جمع-آوری داده‌ها و اطلاعات مؤثق از منابع معتبر است.

روش دوم استفاده شده در این تحقیق پیمایش کمی است که با استفاده از پرسش‌نامه صورت گرفته است. پیمایش شیوه ساختمند و منظمی برای به دست آوردن و توصیف و تحلیل داده‌های غالباً کمی و آماری است که به هدف اندازه‌گیری و سنجش پدیده‌های اجتماعی صورت می‌گیرد و معمولاً با نمونه‌گیری^{۲۱} سروکار دارد (دواس، ۱۳۸۵: ۱۳؛ نیومن، ۱۳۸۹: ۳۰۳). اصلی‌ترین ابزار در تحقیقات پیمایشی استفاده از پرسش‌نامه^{۲۲} است ولی محدود به آن نیست (دواس، ۱۳۸۵: ۱۳).

^{۱۹} Documentary

^{۲۰} Survey

^{۲۱} Sampling

^{۲۲} Questionnaire

با توجه به این موضوع و شیوه جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات، یافته‌های تحقیق در دو بخش کلی دسته‌بندی شده است: (۱) وضعیت/توانمندی زنان هرات در حوزه عمومی (در سطح ملی و محلی) که با استفاده از داده‌های اسنادی و دست دوم^{۲۳} توصیف و تحلیل شده است. (۲) وضعیت و توانمندی زنان هرات در خانواده که با استفاده از روش پیمایشی کمی پرسشنامه‌ای به دست آمده است.

(۱) **تحقیق اسنادی:** داده‌ها و اطلاعات اسنادی برای توصیف وضعیت توانمندی زنان در برابر شاخص‌ها و حوزه‌های ویژه جمع‌آوری و تحلیل شده است. چنان که در بخش دوم (مباحث نظری) توضیح داده شد، شاخص‌ها و مقیاس‌های مختلفی از طرف سازمان‌های جهانی و دانشمندان حوزه توسعه و مطالعات زنان برای شناسایی میزان قدرت‌مندی زنان انکشاف یافته است. برای شناسایی میزان قدرت‌مندی زنان هرات لازم بود با در نظر داشت این شاخص‌ها و مراجعه به آمار و اسناد موجود در حوزه‌های مختلف، این وضعیت بررسی می‌شد تا تصویری از جایگاه زنان هرات در جامعه به دست می‌آمد. از جایی که هیچ یک از شاخص‌های تعریف شده ضرورتاً کامل و متناسب به شرایط همه کشورهای نیست لازم است برای استفاده در زمینه یا جامعه خاص به صورت ترکیبی متناسب با شرایط اجتماعی-فرهنگی جامعه از آن‌ها بهره برد. به همین منظور، در این تحقیق، برای توصیف میزان قدرت‌مندی زنان در جامعه از شاخص شکاف جنسیتی GGI^{۲۴} انجمن اقتصاد جهانی^{۲۵} استفاده شده است. شاخص شکاف جنسیتی به عنوان بدیل مقیاس‌ها و شاخص‌های GEM^{۲۶} و GDI^{۲۷} در نظر گرفته شده این دو شاخص را با هم ترکیب می‌کند و از آن دو جامع‌تر است. شاخص شکاف جنسیتی به صورت کلی چهار بعد مهم توانمندی زنان را اندازه‌گیری و بررسی می‌کند: مشارکت و فرصت‌های اقتصادی، مشارکت سیاسی، دستاوردهای آموزشی، صحت و زنده ماندن. (Klasen and Schuler ۲۰۰۹, ۴۲-۴۳) از جایی که یکی از معیارهای نشان‌دهنده میزان توانمندی یا ناتوانی زنان میزان خشونت است که علیه آنان در جامعه و خانواده واقع می‌شود، تصمیم

^{۲۳} Secondary data

^{۲۴} Gender Gap Index

^{۲۵} Global Economic Forum

^{۲۶} Gender Empowerment Measure

^{۲۷} Gender Development Index

بر آن شده که در پهلوی ابعاد چهارگانه شاخص شکاف جنسیتی، آمار رسمی موجود خشونت علیه زنان نیز آورده شود تا به تکمیل نمودن این تصویر کمک نماید.

برای نشان دادن جایگاه و وضعیت توانمندی یا قدرتمندی زنان هرات بر اساس شاخص شکاف جنسیتی به اطلاعات و آمار کمی (و حتا کیفی) جامع و زیادی در چهار حوزه تعریف شده لازم بود. متأسفانه اطلاعات و آمار محلی موجود درباره زنان هرات در نهادها و سازمان‌های مربوط (احصائیه، ریاست امور زنان، ریاست اقتصاد، کارشناسی جندر ولایت، سازمان‌های دولتی و غیر دولتی) جامعه و کامل نیست که بتواند تصویر کاملی از وضعیت زنان هرات به ما نشان دهد. در نتیجه، تصمیم بر آن شد که برای جبران این نقیصه به داده‌های سطح ملی درباره زنان افغانستان، که کامل‌تر بود، مراجعه شود و در قدم اول تصویری کلی‌تری از زنان افغانستان (که شامل زنان هرات نیز می‌شود) ارایه گردد. به دنبال آن، با استفاده از داده‌های موجود محلی در زمینه، وضعیت زنان هرات با در نظر داشت شاخص‌ها و حوزه‌های تحقیق توصیف و تحلیل گردد.

به این منظور و به هدف نشان دادن میزان قدرتمندی زنان افغانستان و هرات به اطلاعات و داده‌های مرتبط دست دوم در سطح ملی به آمار و ارقام زیادی نیاز بود که با مراجعه به اسناد و گزارش‌هایی چون سالنامه‌ها و اسناد احصائیهی مختلف دیگر اداره ملی احصائیه و معلومات کشور و نیز گزارش‌های تحقیقی و ارزیابی سازمان‌های خارجی و داخلی جمع‌آوری، استخراج و تحلیل شده است. از سالنامه‌های احصائیه‌وی و سایر گزارش‌ها و آمار مرکز احصائیه و معلومات افغانستان در این بخش زیاد سود برده شده است؛ چون تنها منبع بسیاری از آمار و اطلاعات رسمی و ملی در کشور است.

از جایی که بیشتر اطلاعات احصائیهی مرکزی متأسفانه در سطح ملی است و در مورد ولایات به گونه جداگانه - به استثنای موارد اندک - داده‌ها و اطلاعات زیادی ندارد لذا، برای به دست آوردن اطلاعات وضعیت زنان در سطح محلی (ولایت هرات) از اسناد و گزارش‌های چاپ شده و غیر چاپی رسمی دولتی (چون پروفایل ولایتی هرات^{۲۸} و نیز آمار و اطلاعات چاپ نشده به صورت مستقیم از ریاست امور زنان، آمریت/کارشناسی جندر مقام ولایت هرات و سایر ریاست‌ها و ادارات دولتی

^{۲۸} پروفایل ولایتی هرات تهیه و چاپ ریاست اقتصاد ولایت هرات در سال ۱۳۹۷

ولایت هرات) و گزارش‌های تحقیقی نهادهای مستقل و غیر دولتی مرتبط با وضعیت زنان ولایت هرات سود برده شده است. این اطلاعات دست دوم بیشتر مربوط به وضعیت زنان در حوزه عمومی و اجتماعی است و از جایگاه و توانمندی زنان در خانواده و حوزه خصوصی تصویری به دست نمی‌دهد.

۲) تحقیق پیمایشی: برای به دست آوردن اطلاعات در مورد وضعیت زنان هرات در خانواده به اطلاعات و داده‌های دست اولی نیاز بود که باید مستقیم از طریق تحقیق پیمایشی به دست می‌آمد. به این منظور، با استفاده از روش کمی پیمایشی تلاش شده تا جایگاه و توانمندی زنان در محیط خانواده توصیف و تحلیل شود. ابزار جمع‌آوری داده‌ها در این مرحله از تحقیق، پرسش‌نامه ساختارمند بوده که توسط پژوهشگر، برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های تحقیق و با در نظر داشت مباحث نظری فرودستی و توانمندی زنان، طراحی و اجرا شده است. پرسش‌نامه در ۵۵ گویه و سه بخش طراحی شده است. از این میان، ۱۰ گویه اطلاعات جمعیت‌شناختی، ۱۲ گویه دربارهٔ تصمیم‌گیری کارهای خانه و ۳۳ گویه به شاخص کلی قدرتمندی (با ۷ شاخص فرعی) اختصاص داده شده است.

جامعه آماری تحقیق پیمایشی زنان ساکن شهر هرات بوده که بین سنین ۱۸ و ۶۵ سال سن داشته‌اند. نمونه آماری با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران ۳۸۴ انتخاب شده؛ ولی با در نظر داشت میزان پایین پاسخ‌دهی و احتمال ریزش در جریان جمع‌آوری داده‌ها و نیز احتمال ناقص بودن و خارج شدن تعدادی از پرسشنامه‌ها از چرخهٔ تحلیل، بیش از ۴۰۰ پرسش‌نامه بین زنان خانه در نواحی ۱۵ گانهٔ شهر هرات به گونهٔ برابر توزیع شد. در هر ناحیه، تلاش شده تا پرسش‌نامه‌ها به گونهٔ اتفاقی در خانه‌های محله‌ها و گذرهای فقیرنشین، متوسط‌الحال و ثروت‌مندنشین توزیع شود. به دلیل عدم حضور زنان کارمند در طول روز و هنگام خانه‌پری پرسش‌نامه‌ها در خانه، تصمیم بر آن شد که برای جلوگیری از سوگیری ساختاری در توزیع پرسش‌ها و عدم حذف ساختاری بخشی از نمونه (زنان کارمند) تعدادی از پرسش‌نامه‌ها به صورت آنلاین بین زنان تحصیل‌کرده و کارمند توزیع و خانه‌پری گردد تا سهم زنان کارمند و تحصیل‌کرده در نمونه کم نباشد و نمونه معرف گردد. در نهایت، از میان مجموع پرسش‌نامه‌های خانه‌پری شدهٔ حضوری و

آنلاین، و پس از کنار گذاشتن پرسش‌نامه‌های مشکل‌دار و ناقص، تعداد ۴۵۷ پرسش‌نامه (۴۰۰ نمونه در خانه‌ها و ۵۷ نمونه آنلاین) برای توصیف و تحلیل وارد برنامه احصائیه‌وی^{۲۹} SPSS گردید. داده‌های تحقیق پیمایشی در قدم اول با استفاده از نمودارها و جداول یک‌متغیره و دو متغیره توصیف شده‌اند. پس از معرفی و توصیف متغیرهای جمعیت‌شناختی، بخش‌های سه‌گانه پرسش-نامه با شاخص‌ها و گویه‌ها به صورت جداگانه و باهم در جداول و نمودارها توصیف شده‌اند. به دنبال آن با استفاده از آزمون‌های مناسب آماری (با توجه به اهداف و پرسش‌های تحقیق و نوعیت داده‌ها) مورد تجزیه و تحلیل استنباطی قرار گرفته‌اند. در بخش تحلیل‌های استنباطی، با توجه به پرسش‌های تحقیق، بیشتر از آزمون‌های همبستگی و مقایسه متغیرها (آزمون اسپیرمن^{۳۰}، و آزمون تی^{۳۱} برای نمونه‌های مستقل) استفاده شده است.

^{۲۹} Statistical Package for Socil Science

^{۳۰} Spearman Correlation Test

^{۳۱} Independent Sample T test

فصل چهارم

یافته‌های تحقیق

در این بخش، یافته‌های این تحقیق که از منابع اسنادی و پیمایشی به دست آمده در دو بخش جداگانه ارائه می‌گردند. ابتدا و قبل از وارد شدن به توصیف وضعیت توانمندی زنان هرات، با استفاده از داده‌ها و آمار در سطح ملی، تصویری از وضعیت زنان افغانستان با تمرکز به پیشرفت‌ها و دستاوردهای دورهٔ پساتالبان (۱۳۸۱ تا ۱۳۹۷) ارائه می‌گردد. این بخش مقدمه‌ای است بر شناخت جامع‌تر زنان هرات که خود بخشی از زنان کشوراند. به دنبال آن، وضعیت زنان هرات در دو بخش جداگانه (حوزهٔ عمومی و حوزهٔ خانواده) با استفاده از آمار و داده‌های موجود و جمع‌آوری شده توسط پرسش‌نامه توصیف و تحلیل می‌شود.

توانمندسازی زنان در افغانستان

وضعیت زنان افغانستان در تاریخ معاصر کشور، بویژه قرن بیستم، مثل بسیاری از مسایل اجتماعی و سیاسی دیگر این مرزوبوم، فرارزونشیب‌هایی را پیمود که به تعبیر بعضی‌ها (کاظم، ۲۰۰۵: ۱) غیر از هدر رفتن صد سال در برخورد متواتر گرایش‌های "عنعنه" و "تجدد" حاصل جدی دیگری نداشت. با نگاهی به اوایل قرن بیستم، بویژه پس از استقلال و اصلاحات امانی، همگام با دگرگونی‌های اجتماعی منطقه و جهان، خواسته‌های ترقی‌خواهانه برای دگرگونی جایگاه و وضعیت زنان در جامعهٔ سنتی افغانستان مطرح شد و به زودی با واکنش محافظه‌کار سنتی روبرو شد و به دلیل مساعد نبودن شرایط اجتماعی فرهنگی و زمانی (فرهنگ، ۱۳۹۰: ۵۳۴) و یا هم بی‌کفایتی و فساد دولت‌مردان (غبار، ۱۳۸۳: ۷۹۰) به شکست انجامید. حالا پس از یکصد سال، این خواسته‌های ترقی‌خواهانه و حق‌خواهانه تغییر چندانی نکرده و مسیر زیادی پیش نرفته و از حق آموزش و کار و مشارکت شروع تا مقابله با خشونت و تعیین سرنوشت و قائل شدن حقوق بشری برای زنان و... همچنان مطرح است. در طول قرن بیست وضعیت و جایگاه زنان نه تنها تغییر زیادی نکرد که در دههٔ آخر این قرن، شدیدترین واکنش محافظه‌کارانه زنان را تا مرز محرومیت کامل از بسیاری حقوق اساسی انسانی و شهروندی به پیش برد تا در نتیجهٔ حادثه‌ای غیر مرتبط (۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱) توجه جامعهٔ جهانی به این گوشهٔ فراموش‌شدهٔ جهان و جامانده در تاریخ جلب شد. به هر حال، با کنفرانس بن ۲۰۰۱ و پی‌ریزی نظام جدید پساتالبانی و مردم‌سالار و متجدد، مبارزات و

تلاش‌ها برای بهبود وضعیت زنان و نجات‌شان از پرت‌گاه سقوط شدت گرفت و در طول نزدیک به دو دهه پیشرفت‌ها و دستاوردهای چشم‌گیری را رونما کرده است. از جمله دستاوردهای مهم دولت افغانستان جامعه جهانی و جامعه مدنی نوپای کشور در راستای مسایل زنان در این یک و نیم دهه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

- ۲۰۰۱: مجلس زنان افغان برای دموکراسی در بروکسل؛
- ۲۰۰۱: ایجاد وزارت امور زنان برای نخستین بار در افغانستان؛
- ۲۰۰۲: اعلامیه حقوق اولیه زنان افغان؛ و برنامه ملی انکشاف ساحوی؛
- ۲۰۰۲: تأسیس کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان؛
- ۲۰۰۳: برنامه همبستگی ملی؛
- حضور ۲۰ درصد از زنان در لویه جرگه قانون اساسی افغانستان؛
- تعیین ۲۷ درصد سهمیه برای حضور زنان در ولسی جرگه؛
- تعیین ۱۷ درصد سهمیه برای حضور زنان در مشرانو جرگه؛
- ۲۰۰۴: تصویب قانون اساسی؛
- ۲۰۰۵: استراتیژی موقت انکشاف ملی افغانستان؛
- ۲۰۰۵: اهداف انکشافی هزاره برای افغانستان و افزایش نمایندگی سیاسی زنان در آن؛
- ۲۰۰۶: برنامه کاری برای صلح، آشتی و عدالت در افغانستان؛
- ۲۰۰۷: برنامه ملی کاری برای زنان افغانستان (۲۰۰۷-۲۰۱۷)؛
- ۲۰۰۸: استراتیژی توسعه ملی افغانستان (۲۰۰۸-۲۰۱۳)
- ۲۰۰۸: اهداف انکشافی هزاره برای افغانستان (۲۰۰۸ تا ۲۰۱۳)؛
- ۲۰۰۹: قانون منع خشونت علیه زنان؛
- ۲۰۱۰: برنامه‌های دارای اولویت ملی

هر یک از برنامه‌های یادشده روی بخش‌های مختلف وضعیت زنان و جامعه تأثیرات متفاوتی داشته است و توانسته کم و بیش زمینه را برای دگرگونی‌های بنیادی‌تر در وضعیت و جایگاه زنان برای کوتاه‌مدت و میان‌مدت آماده کند. در عین حال، چه در تطبیق این برنامه‌ها و چه در نتایج و پیامدهای آن، مشکلات، چالش‌ها و مقاومت‌های زیادی وجود داشته تا جایی که برخی از این

برنامه‌ها را از اصل اهداف و دورنمای‌شان دور ساخته و حتا پیامدهای ناگوار و منفی را بر بهبود وضعیت زنان افغان در جای گذاشته است و افغانستان را هم‌چنان یکی از "بدترین جاها برای زنان در جهان" (The Guardian, ۲۰۱۱) ساخته است. جایگاه زنان در جامعه افغانی یکی از پایین‌ترین‌ها در جهان به حساب می‌آید؛ خشونت‌های مبتنی بر جنسیت همچنان وجود دارد و در مواردی حکایت از افزایش می‌کند؛ قانون منع خشونت علیه زنان (۲۰۰۹) در خطر رد از طرف پارلمان قرار دارد؛ نرخ مرگ‌ومیر مادران، بویژه در مناطق دوردست هنوز بسیار بالا است؛ مرگ‌ومیر مادران در اثر وضع حمل، هنوز اصلی‌ترین علت مرگ مادران در کشور است؛ مشارکت سیاسی زنان، علی‌رغم پیشرفت در سال‌های اخیر، هنوز پایین است، بویژه در سطح ولایتی و ولسوالی‌ها زنان در بیشترین مجامع تصمیم‌گیری ملی حضور ندارند. دو عامل مهم مرتبط با هم در این میان، مخالفت شدید محافظه‌کاران مذهبی و عدم حمایت همراهان مرد است.

بر اساس رتبه‌بندی UNDP، شاخص نابرابری جنسیتی برای افغانستان ۰.۷۱۲ است که این کشور را در مقام ۱۴۷ از بین ۱۸۶ کشور دنیا قرار می‌دهد. شاخص‌های دیگری هم برای سنجش وضعیت جنسیت و زنان و نابرابری جنسیتی وجود دارد که یکی دیگر از آن‌ها شاخص انکشاف جنسیت است. شاخص انکشاف جنسیت نشان‌دهنده وسعت نابرابری حضور زنان و مردان در حیات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است. شاخص بلند انکشاف جنسیت انعکاس دهنده سطح بلند انکشاف برای زنان و مردان بوده در حالی که سطح پائین شاخص جنسیت نشان‌دهنده میزان بالای نابرابری بین زنان و مردان می‌باشد. شاخص انکشاف جنسیت در افغانستان و پنج کشور دیگر جنوب آسیا که آن‌ها هم وضعیت مناسبی ندارند، نشان می‌دهد که افغانستان در سال ۱۳۸۹ و ۱۳۹۴ در بین کشورهای انتخاب شده (پاکستان، نیپال، بنگلادیش و هند و سریلانکا) پائینترین سطح را دارا بوده که نشان دهنده تفاوت عمیق در قابلیت‌های اساسی بین زنان و مردان است. و در درجه‌بندی بین‌المللی در سال ۱۳۹۴ با داشتن شاخص انکشاف جنسیت به اندازه ۴۶۵,۰ در بین ۱۸۲ کشور در درجه ۱۷۱ قرار گرفته است. (اداره مرکزی احصائیه، ۱۳۹۶: ۱۲)

نباید حضور رقمی زنان و مردان در آموزش، اقتصاد، سیاست و یا دیگر ابعاد زندگی اجتماعی را با بالا بودن جایگاه زنان و عاملیت آنها در معادلات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی یکسان بدانیم.

واقعیت زندگی اجتماعی زنان به آن سادگی نیست که بتواند تنها در قالب آمار و ارقام نمود یابد. به عبارتی، دیدگاه‌های آماری راه حل‌های ساده برای واقعیت پیچیده ارائه می‌کند (کبیر و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۸). در واقع، نابرابری جنسیتی و فرودستی زنان به چیزی فراتر از مشارکت محض و نمادین بستگی دارد. توزیع نابرابر قدرت، زنان را در معادلات اجتماعی-سیاسی و اقتصادی در موقعیتی نامتوازن با مردان قرار داده است. این عدم توازن قدرت از سوی ساختارهای مردسالارانه حمایت می‌گردد؛ طوری که ایدئولوژی مردانه مانند صافی مشارکت زنان را پالایش داده، حضورشان را کم‌تأثیر و مدیریت می‌نماید (ریتزر و گودمن، ۱۳۹۰: ۴۹۱-۵۰۳). شکل‌های تصنعی قدرت‌یابی در واقع ناتوان‌سازی در لباس مبدل است (وی و شهید، ۱۳۹۳: ۸۴). شاید یکی از مناسب‌ترین مثال‌ها در این زمینه حضور زنان در پارلمان افغانستان باشد. با وجود اینکه ۲۸٪ از اعضای ولسی جرگه زنان هستند که البته آن‌ها هم از طریق پالیسی اقدام مثبت وارد پارلمان گردیده اند، به اعتراف خودشان حضورشان در فرایند تصمیم‌گیری از سوی نمایندگان مرد جدی گرفته نمی‌شود و روی همین لحاظ است که آنها در ممانعت از تصویب قوانین زن‌ستیز مانند بعضی از مواد قانون احوال شخصیه اهل تشیع موفق ظاهر نمی‌شوند. از طرفی، بالا رفتن تحصیل و شاخص‌های بهداشت ممکن است وضعیت زنان را بهبود بخشد ولی مستقیماً بر قدرت‌مند شدن زنان در ساختارهای قدرتی که در آن قرار دارند اثری ندارد (وی و شهید، ۱۳۹۳: ۸۴). در افغانستان، حضور زنان در مشاغل خدماتی از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶ سه برابر گردیده است. در حالی که مشارکت زنان در میان مالکان بنگاه‌های اقتصادی کشور تنها ۲.۲٪ می‌باشد.

در خصوص قوانین و پالیسی‌ها نیز باید در نظر داشت که تصویب قوانین و تدوین سیاست‌های جنسیت‌محور به خودی خود نمی‌تواند بهبود جایگاه زنان در جامعه را تضمین کند. به عبارتی، قوانین و پالیسی‌ها در مرکز ساخته می‌شود ولی تطبیق آن امر محلی است. در واقع، موفقیت اجرایی آنها در گرو رویکرد ساختارهای محلی می‌باشد. به طور مثال، قانون منع خشونت علیه زنان در حد نظری انواع مختلف خشونت‌ها علیه زنان را وجهه‌ی جرمی بخشیده است و حتی در صورت تناقض میان مواد این قانون و قوانین دیگر ترجیح را به قانون منع خشونت داده شده است، اما در عمل بسیاری از مواد این قانون در سطوح محلی به کرات نقض می‌گردد (کمیسون مستقل حقوق

بشر، ۱۳۹۵: ۶-۹). نمونه دیگر پالیسی عمل ملی برای زنان افغانستان (نیوا)^{۳۲} است که گزارش‌ها نشان می‌دهد که پس سپری شدن ده سال از تطبیق این پالیسی، موفقیت آن در سطح ملی و محلی بسیار ناچیز بوده است (وزارت امور زنان، ۱۳۹۰-۹۳). به طور مثال، یافته‌های تحقیقی که برای ارزیابی وضعیت زنان ولایت هرات براساس شاخص‌های این پالیسی در آخرین سال تطبیق آن انجام گردید نشان می‌دهد که ادارات محلی موفق به دستیابی کامل به هیچ یک از اهداف تعیین‌شده نگردیده است (کاوه، ۱۳۹۶). در کنار سایر عوامل، حضور قدرتمند مردان در مناسب اجرایی و حاکمیت ساختارهای مردانه در ناکامی قوانین و پالیسی‌های مذکور نمی‌تواند نادیده گرفته شود.

این نابرابری جنسیتی و وضعیت بد زندگی زنان امری نوپیدا و جدید نیست بلکه سال‌ها و قرن‌هاست که وجود داشته و تداوم یافته‌است. هنجارهای اجتماعی و فرهنگی دیرپا و ساختارهای اجتماعی حاکم بر جامعه، شرایط زندگی زنان و دختران کشور را زیاد متاثر ساخته است. این هنجارها غالباً مخلوط نامتجانسی از قوانین شرعی، عرف و عنعنات مردم و اقوام مختلف این کشوراند. در نتیجه، رژیم‌های حاکم در این کشور به نیازمندی‌های عملی و استراتژی‌یک زنان رسیدگی نکرده‌اند. حتا در دو دههٔ اخیر که توجه و سرمایه‌گذاری‌های بسیار کلان و بی‌سابقه‌ای برای توانمندسازی زنان افغان شده به نظر می‌رسد بیشتر از لفاظی و استفاده از اصطلاحاتی چون «توانمندسازی جندر» فراتر نرفته و برای بهبود زندگی زنان و دختران افغان، چه از نظر مادی و یا سیاسی، توجهی صورت نگرفته است (D: ۲۰۱۲, AREU & UN Women).

در این چند سال اخیر (بعد از ۲۰۰۱) که توجه و عزم ظاهراً جدی جامعهٔ جهانی و دولت افغانستان و سازمان‌های بین‌المللی و ملی برای توانمندسازی زنان بیشتر بوده، در ابعاد و حوزه‌های مختلف زندگی و توانمندی زنان توجه شده و برنامه‌هایی طراحی و تطبیق گردیده‌اند. گرچه نبود یک استراتژی جامع و حساب‌شده و چالش‌های تطبیق آن تا حد زیادی مؤثریت این برنامه‌ها را کاهش داده است. در پی نگاهی مختصر خواهیم داشت به وضعیت زنان و توانمندی زنان در حوزه‌های مهم اقتصادی، مشارکت، آموزش و صحت در افغانستان.

^{۳۲} National Action Plan for Women of Afghanistan (NAPWA)

جایگاه اقتصادی زنان

اقتصاد یکی از حوزه‌هایی است که برای افزایش توانمندی و جایگاه زنان در جامعه نقش حیاتی و بس مهمی دارد. تجربه تاریخی و جوامع مختلف نشان می‌دهد که زنان به تناسبی که از حوزه کار و تولید و مالکیت به دور بودند به همان اندازه در جامعه ناتوان و از قدرت اجتماعی محروم بودند. حوزه اقتصادی اتفاقاً از آخرین حوزه‌هایی است که زنان در برخی از فرهنگ‌ها و جوامع توانستند خود را تحمیل کنند و برای خود جای پای باز کنند. به استثنای فرهنگ‌های محدودی از جوامع انسانی، تقسیم جنسیتی کار قسمی تنظیم شده که مردان بیشتر مسؤول تولید و کار بیرون و تأمین معیشت و ملکیت‌اند و زنان بیشتر در خانه و حوزه مصرف و به دور از مالکیت و تولید.

توانمندسازی اقتصادی زنان را می‌توان اینگونه تعریف کرد: «توانایی زنان در سهم‌گیری در فعالیت‌های اقتصادی که بتواند تغییرات مثبت را در زندگی و اجتماع زنان به ارمغان بیاورد...» ولی با در نظرداشت شرایط کنونی افغانستان به این تعریف می‌توان موارد دیگر را نیز اضافه نمود: الف: موجودیت فرصت‌های اقتصادی که زنان در آن کار کرده از کار خود عاید و درآمد کسب نمایند؛ ب: مهیا شدن فرصت‌های شغلی از طریق نورم‌های اجتماعی و فرهنگی تا زنان به فرصت‌های اقتصادی دسترسی داشته باشند (۶: ۲۰۱۲، AREU & UN Women). در چند سال اخیر و برنامه‌های توانمندسازی زنان در افغانستان توجه چندانی به بخش تقویت اقتصادی زنان و توانمندسازی آنها در حوزه تولید و تجارت و اقتصاد نشده است. در بسیاری از برنامه‌ها، پروژه‌ها، کنفرانس‌های بین‌المللی و اعلامیه‌های آن کنفرانس‌ها، مسأله زنان تنها در حوزه‌های حقوقی، اجتماعی و حقوق سیاسی خلاصه شده است و موضوع حقوق اقتصادی زنان افغان که یک حق کلیدی و بشری آنان است عموماً در حاشیه قرار گرفته و به عنوان نقطه اتکاء که می‌تواند از حقوق دیگر زنان حمایت کند، مورد توجه قرار نگرفته است. بدین اساس، زنان از سهم‌گیری‌شان در فعالیت‌های اقتصادی منافع کافی کسب نمی‌کنند، چرا که به حقوق اقتصادی‌شان به اندازه کافی رسیدگی نشده است (همان: ۶). در نتیجه پروژه‌هایی که به هدف رسیدگی به ضرورت زنان طرح و تطبیق شده اند به مقایسه دیگر پروژه‌ها منابع کمتری در اختیار داشته اند. طور نمونه، مجموع تمام پروژه‌های که بانک جهانی از سال ۲۰۰۲ الی ۲۰۱۲ میلادی در افغانستان تمویل نموده به ارزش ۴.۵ میلیارد دالر امریکایی بوده که از این جمع فقط ۴.۵۹۷ میلیون دالر آن روی پروژه‌های

مصرف شده که طور خاص برای زنان تطبیق شده است (همان: ۳۰). پروژه‌هایی هم که با هزینه‌های بالا در این زمینه طراحی و اجرا شده‌اند به دلیل فساد بالای اداری و نبود یک استراتژی، شناخت و برنامه‌کاری درست دستاورد قابل توجهی در این زمینه نداشته‌اند که می‌توان به عنوان نمونه به پروژه پروموت با هزینه چند صد ملیونی و دستاوردهایی محدود و مسأله‌دار اشاره کرد (SIGAR, ۲۰۱۸). البته تنها مشکل دولت و جامعه جهانی و برنامه‌ریزان نیست؛ به نظر می‌رسد که عامل اصلی این پیچیدگی و عدم پیشرفت زنان در حوزه اقتصاد، فرهنگ و هنجارها و ساختارهای اجتماعی حاکم باشد. از نظر اجتماعی قوانین سنتی غالباً مانع شناخت و تصدیق توانایی مساویانه زنان برای کسب عاید و درآمد شده‌اند و نقش مردان را به عنوان نان‌آوران خانواده و نقش زنان را منحیث خانم خانه کماکان تثبیت می‌نمایند. بنابراین این قوانین می‌توانند جامعه را از پذیرش اشتغال زنان و دسترسی آنان به فعالیت‌های رسمی اقتصادی، بازدارند (AREU & UN Women, ۲۰۱۲: ۵). تا در مواردی که زنان در فعالیت‌های تولیدی دخیل اند، بنابراین هنجارهای اجتماعی و فرهنگی در افغانستان و به خاطر حفظ احترام به خانواده، هرآنچه که توسط زنان تولید شده و یا به صورت مشترک توسط زنان و مردان تولید می‌شوند، تنها توسط مردان به بازارها برای فروش منتقل می‌شوند و در واقع زنان مستقیماً به آن بازارها دسترسی ندارند. از آنجایی که توانمندسازی اقتصادی زنان به طرز دید و آگاهی مردم از نقش جنسیت ارتباط دارد و از طرف دیگر، چون اجراءات مبنی بر جنسیت در ذات خود شامل اجزای عمده اجتماعی و فرهنگی است، بنابراین چگونگی و میزان سهم‌گیری زنان در فعالیت‌های اقتصادی، به اینکه افراد جامعه به نقش جنسیت چطور نگاه می‌کنند، ارتباط دارد. از یک طرف لازم است تا در مورد ابعاد گوناگون محرومیت زنان و اینکه چگونه این ابعاد با مسایل جندر تعامل می‌نمایند، بیشتر آگاه شد و از طرف دیگر نیاز است تا به هنجارهای اجتماعی و مذهبی قدرت که اشتراک زنان را در فعالیت‌های اقتصادی محدود می‌سازند، رسیدگی کرد (AREU & UN Women, ۲۰۱۲: ۴).

تنها سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی نیستند که توجه چندانی به توانمندی اقتصادی زنان افغان در این چند سال نموده‌اند، توانمندسازی اقتصادی زنان در پالیسی‌ها و استراتژی‌های دولت افغانستان هم در اولویت قرار داده نشده است. زنها در حوزه زراعت و مالداري نقش مهم بازی می‌کنند. زنان سرپرست خانوار، بیوه‌ها و آنهایی که دارای شوهر معلول اند نسبت به زنان دیگر در

فعالیت‌های درآمدزا به عنوان نان‌آور خانواده بیشتر مصروف‌اند. زنان خیلی کم مالک زمین‌اند و اگر هم باشند، در فروش و گرو دادن آن دخالتی ندارند، چون پرداختن به مسایل مربوط به زمین بیشتر کار مردان خانواده است. زنان زراعت‌پیشه به منابع و فرصت‌های ورای زمین مثل حیوان‌ها، وسایل، اعتبارها (قرضه) و اشتغال دسترسی محدودی دارند. زنان افغان در عرصه تجارت و سرمایه به میزان کوچکی فعال‌اند. آنها معمولاً در تجارت‌های کوچک مشغول بوده و در این راه به کمک‌های نهادهای ملی و بین‌المللی نیاز دارند (۲۵: ۲۰۱۲، AREU & UN Women). چالش عمده فراروی زنان تجارت‌پیشه در افغانستان شامل رفتار محافظه کارانه‌ای است که تصمیم‌گیری و مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی بدون مشورت با پدر یا شوهر را مشکل می‌سازد. چالش‌های دیگر عبارت‌اند از تحرک فیزیکی، تعامل به غیر محرم، بی‌امنیتی شدید و فساد. محدودیت‌های دیگر زنان شامل موارد ذیل می‌باشد:

- بی‌سوادی و ندانستن حساب؛
- عدم دسترسی به سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی؛
- مهارت محدود در مدیریت، اعتبار و فهم بازار؛
- دسترسی محدود به مواد خام باکیفیت و تکنالوژی؛
- آگاهی ناقص در ارتباط به ضروریات حقوقی برای تبدیل یک فعالیت‌عایدزا به یک تجارت رسمی؛
- کمبود فضا، تجهیزات، تسهیلات، کنترل کیفیت، بسته‌بندی، معلومات بازار و ترانسپورت برای تولیدات؛
- عدم دسترسی مناسب به بازارهای ملی و بین‌المللی (AREU & UN Women, ۲۰۱۲: ۵)

مشارکت زنان

اطلاعات کامل و دقیقی درباره وضعیت زنان در حوزه‌های مختلف، بویژه در حوزه کار و اشتغال در دست نیست. داده‌های ۲۰۰۷-۲۰۰۸ نشان می‌دهد که مشارکت زنان در نیروی کار حدود ۴۷ درصد است، قسمی که حدود ۹۵ درصد زنان در کارهای آسیب‌پذیر مصروف اند و ۷۸ درصد هم در کار خانه بدون دستمزد. در ده سال اخیر، توجه درخوری به حقوق اقتصادی زنان صورت نگرفته است و به جای آن تمرکز روی آموزش‌های حرفه‌ای و شغل‌های کوچک شده است که ظرفیت بازار مشخصی ندارند (۲۲: ۲۰۱۲، AREU & UN Women).

تعداد مجموعی کارکنان دولت در سال ۱۳۹۷ به تعداد ۴۰۵ هزار و ۶۰۴ نفر گزارش داده شده است، که از آن جمله ۷۹ درصد آن ذکور و ۲۱ درصد آن اناث می‌باشد. (اداره مرکزی احصائیه، ۱۳۹۶: ۱) نتایج دور سوم سروی مشارکت زنان و مردان در تصمیم‌گیری سال ۱۳۹۵ نشان می‌دهد که از جمله ۸۷۹۷ نفر کارمندان خدمات ملکی دولت که در بست‌های رتبه ۳ و بالاتر از آن مصروف کاراند ۸۹.۳ درصد را مردها و ۱۰.۷ درصد را زنان تشکیل می‌دهد (اداره مرکزی احصائیه، ۱۳۹۶: ۲).

جدول ۲: تعداد زنان و مردان در ادارات دولتی بین سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۷

تعداد کارمندان دولت بین سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۷ به تفکیک جنس								
سال	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰
مردان	۲۲۵۰۲۴	۲۱۸۷۷۸	۲۴۹۸۶۳	۲۵۳۱۶۶	۲۶۹۱۸۶	۲۶۲۳۰۵	۲۷۲۲۰۳	۲۸۷۷۷۹
زنان	۵۱۲۳۱	۷۶۳۹۲	۵۵۰۱۸	۵۴۱۲۲	۶۰۷۲۵	۶۶۶۷۲	۶۱۰۵۷	۷۴۹۴۷
مجموع	۲۷۶۲۵۵	۲۹۵۱۷۰	۳۰۴۸۸۱	۳۰۷۲۸۸	۳۲۹۹۱۱	۳۲۸۹۷۷	۳۳۳۲۶۰	۳۶۲۷۲۶۶
سال	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸
مردان	۳۰۰۴۸۷	۲۹۴۳۸۵	۳۰۹۹۲۸	۳۱۲۹۰۲	۳۰۹۷۵۲	۳۱۰۰۴۵	۳۱۸۵۱	.
زنان	۸۱۵۸۹	۹۳۶۷۱	۸۸۲۶۷	۸۷۹۱۰	۸۹۸۲۲	۹۰۳۹۴	۸۷۰۵۳	.
مجموع	۳۸۲۰۷۶	۳۸۸۰۵۶	۳۹۸۱۹۵	۴۰۰۸۱۲	۳۹۹۵۷۴	۴۰۰۴۳۹	۴۰۵۶۰۴	.

منبع: اداره ملی احصائیه و معلومات

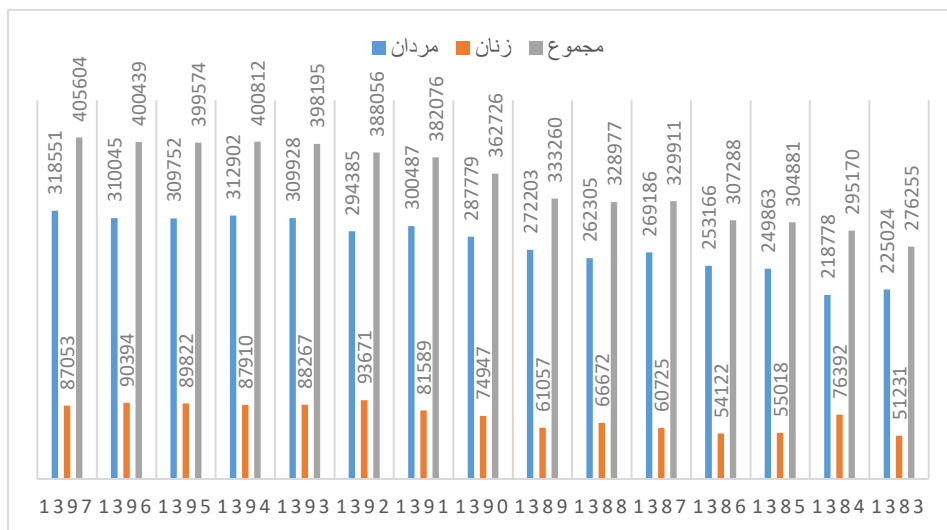
جدول (۳) و نمودار (۱) درصد زنان و مردان شاغل در ادارات دولتی افغانستان بین سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۷ (۱۵ سال اخیر نظام پسا طالبانی) نشان می‌دهد. نکته جالب و بس مهم این آمار و درصد مشارکت زنان در ادارات دولتی در پانزده سال اخیر نوسان ناچیز و ثابت ماندن آن در طول این مدت است. در سال ۱۳۸۳ نزدیک ۱۹ درصد کارمندان ادارات دولتی را زنان تشکیل می‌دادند و پس از ۱۵ سال تلاش‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها و فعالیت‌های زیاد برای افزایش مشارکت زنان در نیروی کار، بویژه در سازمان‌های دولتی (تشکیل واحدهای جندر و ایجاد پالیسی‌های جندر در سطح وزارت‌خانه‌ها و...) فقط شاهد افزایش کمتر از ۳ درصد هستیم. اگر درصد مشارکت زنان در ۱۳۸۴ را در نظر بگیریم (۲۵.۸۸٪)، ما شاهد کاهش ۴ درصدی این مشارکت پس از ۱۴ سال تلاش برای افزایش آن هستیم. این آمار نشان می‌دهد که به نظر می‌رسد، این همه تلاش و سرمایه‌گذاری برای افزایش مشارکت زنان در یک و نیم دهه اخیر، هیچ نتیجه ملموسی نداشته یا نتیجه بسیار ناچیز داشته است؛ چرا که حضور نزدیک ۲۰ درصد زنان در اوایل این دوره حضور طبیعی بوده که ظاهراً موانع سازمانی و فرهنگی جدی در برابر آن وجود نداشته است (مخالفت خانواده‌ها و تبعیض/ آزار یا موانع اداری استخدام)؛ ولی افزایش این مشارکت به موانع فرهنگی (خانواده و جامعه) و سازمانی (در سطح ادارات دولتی) روبرو شده که تلاش‌های یک و نیم دهه اخیر نتوانسته تغییر ملموسی در این وضعیت ایجاد کند و مشارکت همچنان در سطح همان ۲۰ درصد باقی مانده است.

جدول ۲: درصد کارمندان ادارات دولتی به تفکیک جنس بین سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۹۷

درصد زنان و مردان در بخش دولتی بین سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۷								
سال	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰
مردان	۸۱.۴۶	۷۴.۱۲	۸۱.۹۵	۸۲.۳۹	۸۱.۵۹	۷۹.۷۳	۸۱.۶۸	۷۹.۳۴
زنان	۱۸.۵۴	۲۵.۸۸	۱۸.۰۵	۱۷.۶۱	۱۸.۴۱	۲۰.۲۷	۱۸.۳۲	۲۰.۶۶
سال	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸
مردان	۷۸.۶۵	۷۵.۸۶	۷۷.۸۳	۷۸.۰۷	۷۷.۵۲	۷۷.۴۳	۷۸.۵۴	.
زنان	۲۱.۳۵	۲۴.۱۴	۲۲.۱۷	۲۱.۹۳	۲۲.۴۸	۲۲.۵۷	۲۱.۴۶	.

منبع: اداره ملی احصائیه و معلومات

نمودار ۱: آمار کارمندان دولت به تفکیک جنس از ۱۳۸۳ تا سال ۱۳۹۷



منبع: اداره ملی احصائیه و معلومات

در سال ۱۳۹۵ از جمله ۸۹۸۲۲ نفر کارکنان خدماتی ملکی زن بیشترین تعداد در ولایت کابل ۳۸.۲ درصد بوده به تعقیب آن ولایت هرات ۱۰.۶ درصد، بلخ ۹.۴ درصد، بدخشان ۴.۲ درصد، کندز ۴.۲ درصد و تخار ۳.۳ درصد کارکنان زن را دارا می‌باشند (اداره مرکزی احصائیه، ۱۳۹۶: ۱۹). از مجموع ۸۳۷۷ کارمندان دولت در سال ۱۳۹۵ که در بست‌های سوم و بالاتر از آن قرار داشتند ۹۲.۵ درصد آن ذکور و ۷.۵ درصد آنها اناث می‌باشد (اداره مرکزی احصائیه، ۱۳۹۶: ۲۰). یافته‌های سروی ۱۳۹۶ نشان می‌دهد که سهم زنان در سطح تصمیم‌گیری در سطح بسیار پائین قرار دارد، زیرا در بخش دولتی سهم زنان ۱۰.۳ درصد، در سکتور خصوصی ۹.۶ درصد و در بخش سازمان‌های غیر حکومتی نسبتاً بلندتر ۲۰.۳ درصد بوده است.

مشارکت سیاسی زنان با وجود افزایش در سال‌های اخیر، هم‌چنان در سطح پایین قرار دارد، بویژه در سطح ولسوالی‌ها و ولایات. زنان در بسیاری از نهادهای تصمیم‌گیری سطح ملی حضور ندارند. مخالفت و مقابله شدید محافظه‌کاران مذهبی و عدم حمایت همکاران به عنوان فکتورهای این مشارکت پایین گزارش شده است (FAO, ۲۰۱۵; P ۷). حتا مشارکت کمی زنان در مواردی در اعضای شورای ملی، شوراهای ولایتی و اتحادیه‌ها به هدف و درصد تعریف شده نرسیده با وجود

این که این حوزه‌ها سهمیه‌بندی شده و بر اساس قانون سهم و درصد مشخصی به زنان تعریف شده است. کمیت حضور زنان در مشرانو جرگه ۳۱.۸ درصد، در ولسی جرگه ۲۵.۹ فیصد، در اعضای شوراهای ولایتی ۲۰.۹ فیصد، در شوراهای انکشافی محل ۳۸.۷ و در اعضای اتحادیه‌ها ۱۹.۴ درصد زنان می‌باشند که مشرانو جرگه و شوراهای انکشافی محل به هدف تعیین شده ۳۰ درصد افزایش نایل گردیده‌اند (اداره مرکزی احصائیه، ۱۳۹۶: ۲۰).

تعداد کارمندان زن در بخش عدلی و قضائی کشور کم‌رنگ است. در سال ۱۳۹۶ تعداد مجموعی قضات در کشور ۲۱۱۴ نفر بوده که از آن جمله ۲۶۱ نفر یا ۱۲.۳ درصد زنان تشکیل می‌دهد. تعداد سارنوالان ۲۰۲۴ نفر بوده که ۱۰.۱ فیصد آن زنان می‌باشد و تعداد وکلای مدافع در کشور ۱۳۲۲ نفر بوده که ۱۳.۸ درصد آن را زنان تشکیل می‌دهد که در سطح پائین قرار دارند (اداره مرکزی احصائیه، ۱۳۹۶: ۱).

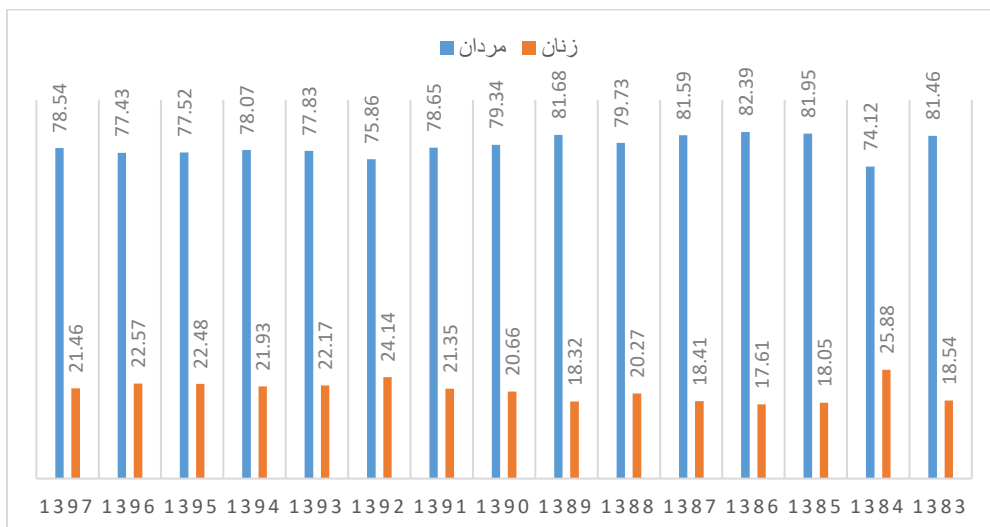
تعداد والیان، معاونین والیان، ولسوالان و مشاورین حقوقی به تفکیک جنس در سال ۱۳۹۶ از جمله ۳۴ نفر والی در کشور نشان داده شده که هیچ زن شامل آن نمی‌باشد. تعداد معاونین والیان جمعاً ۳۴ نفر نشان داده شده که از آن جمله فقط یک نفر آن زن می‌باشد. مجموع ولسوالان در کشور به تعداد ۳۶۰ نفر ارائه گردیده که از آن جمله فقط ۲ نفر آن زن می‌باشد که ۰.۶ درصد مجموع را تشکیل می‌دهد. در مرکز و ولایات کشور مجموعاً به تعداد ۷۳ نفر به حیث مشاورین حقوقی ایفای وظیفه می‌نمایند که ۸ نفر یا ۱۱ درصد زنان اند.

تعداد مجموعی پرسونل پولیس ملی در سال ۱۳۹۶ به ۱۵۰ هزار و ۳۲۸ نفر می‌رسد که از آن جمله ۱۴۷ هزار و ۲۵۷ تن (۹۸ درصد) آن ذکور و ۳۰۷۱ نفر یا ۲ درصد آن را اناث تشکیل می‌دهد. تعداد مجموعی پرسونل اردوی ملی در سال ۱۳۹۶ به ۱۸۴۴۸۹ نفر می‌رسد که از آن جمله ۱۸۳۲۲۴ نفر یا ۹۹.۳ فیصد آن ذکور و ۱۲۶۵ نفر یا ۰.۷ فیصد آن را اناث تشکیل می‌دهد. تعداد افسران و سربازان در اردوی ملی در سال ۱۳۹۵ به ۱۷۴۰۳۲ نفر می‌رسد که از آن جمله ۱۷۲۹۸۰ نفر یا ۹۹.۹۹ فیصد آن ذکور و ۱۰۵۲ نفر یا ۰.۶ فیصد آن را اناث تشکیل می‌دهد. در سال ۱۳۹۴ تعداد مجموعی اردوی ملی ۱۷۰۰۰۱ بوده که در آن سهم مردان ۹۹.۵ فیصد و سهم زنان ۰.۵ فیصد بود. در سال ۱۳۹۵ تعداد مجموعی زنان در اردوی

ملی به ۱۰۵۲ نفر بالغ می‌گردید که به مقایسه سال ۱۳۹۴ به اندازه ۲۹.۶ درصد افزایش را نشان می‌دهد. ارقام مذکور وانمود کننده تعداد ناچیزی از زنان در سهم‌گیری آن‌ها در تأمین امنیت مجموع کشور و بالاخص نفوس زنان است (اداره مرکزی احصائیه، ۱۳۹۶: ۱۱).

به صورت کلی اگر به درصد کارمندان زن در وزارتخانه‌های مختلف کشور در ۱۵ سال اخیر نگاه شود دیده می‌شود که با وجود افزایش کمی تعداد نیروی کار وزارتخانه‌ها (کارمندان زن و مرد) و ایجاد پالیسی‌های جندر در بسیاری از این وزارتخانه‌ها و تعهد برای تطبیق برنامه عمل ملی برای زنان که یکی از ابعادش هم افزایش استخدام و مشارکت زنان در سازمان‌های دولتی وزارت-خانه‌های مختلف است، افزایش و تغییر جدی را نمی‌بینیم. درصد کارمندان زن در وزارتخانه‌ها در این ۱۵ سال بین ۱۷ تا ۲۵ درصد در نوسان است و شاهد تغییر جهت‌دار و افزایشی معنادار و چشم‌گیری نیستیم. نکته جالب این که در سال ۱۳۸۴ بالاترین درصد یعنی ۲۵.۸۸ درصد، در سال ۱۳۸۶ پایین‌ترین درصد (۱۷.۶۱) و در سال ۱۳۹۷ هم ۲۱.۴۶ درصد را شاهدیم که در مقایسه با سال ۱۳۸۳ (۱۸.۵۴) فقط ۳ درصد افزایش را نشان می‌دهد.

نمودار ۲: درصد کارمندان زن و مرد در وزارتخانه‌ها بین سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۷



منبع: اداره ملی احصائیه و معلومات

مشارکت در نیروی کار

ارقام احصائیه سال ۱۳۸۷ نشان می‌دهد که نرخ مشارکت زنان در نیروی کار ۴۷ درصد بوده که تقریباً ۹۵ درصد آنان در شغل‌های آسیب‌پذیر و ۷۸ درصد آن در فعالیت‌های اقتصادی خانوادگی و بدون معاش، مشغول کار بوده‌اند. (وزارت اقتصاد و بانک جهانی، ۲۰۰۸) نتایج سروی دیگر در کشور نشان می‌دهد که نسبت مشارکت زنان نسبت به مردان در سطح بسیار پایین قرار دارد، چنانچه میزان مشارکت مردان در ساحات شهری ۷۵.۳ فیصد، در ساحات دهاتی ۸۲.۷ فیصد، در ساحات کوچی ۸۹.۱ فیصد و به سطح ملی ۸۱ فیصد می‌باشد؛ اما این فیصدی برای زنان در ساحات شهری به اندازه ۲۱.۲ فیصد، دهاتی ۳۰.۷ فیصد، کوچی ۴۸.۴ فیصد و به سطح ملی ۲۹ فیصد است (اداره مرکزی احصائیه، ۱۳۹۶: ۲۲). بیشتر زنان ۷۲.۹ فیصد در کارهای بی‌مزد خانوارها مصروف بوده در حالی که این فیصدی برای مردان ۱۶.۷ فیصد است (اداره مرکزی احصائیه، ۱۳۹۶: ۲۴).

موانع و چالش‌های مشارکت زنان

بر اساس سروی و نظرسنجی که احصائیه مرکزی در سال ۱۳۹۶ راه‌اندازی نموده بود پنج چالش عمده مشارکت زنان در نیروی کار و سیاسی-اجتماعی که توسط پاسخ‌دهنده‌ها مورد تأکید قرار گرفته عبارت اند از:

- اعمال تبعیض‌آمیز در برابر زنان در جامعه (۵۴ درصد)؛
- نبود توانایی‌های تحصیلی کافی (۵۳ درصد)؛
- مراقبت از اطفال و اعضای خانواده (۴۶ درصد)؛
- مسؤولیت‌های خانگی زنان (۴۵ درصد)؛
- نبود مهارت‌های حرفه‌ای برای محیط کاری (۴۶ درصد)

همان طور که لیست بالا نشان می‌دهد، چالش‌ها در دو دسته کلان قابل تقسیم است: تبعیض و توقعات اجتماعی از نقش زنان و نبود ظرفیت زنان برای ورود به زندگی حرفه‌ای و کاری (اداره مرکزی احصائیه، ۱۳۹۶: ۴۰).

زنان و آموزش

آموزش یکی دیگر از حوزه‌های توانمندی زنان است که اغلب زمینه را برای بهبود حوزه‌های دیگر و افزایش مشارکت در نیروی کار، اقتصاد و فعالیت‌های اجتماعی کمک‌کننده است. در حوزه آموزش در افغانستان در نزدیک به دو دهه اخیر سرمایه‌گذاری‌های بسیاری از طرف دولت و سازمان‌های بین‌المللی و جامعه جهانی شده است. بیشترین تمرکز روی آموزش غیر عالی و معارف بوده که برای زیرساخت‌ها و افزایش کمیت و تعداد مکاتب، معلمان و منابع دیگر لازم و ضروری سرمایه‌گذاری شده است. در بخش تحصیلات نیمه‌عالی و عالی هم شاهد سرمایه‌گذاری و رشد سریع کمی بویژه در بخش خصوصی هستیم. از سال ۱۳۸۱ که فقط کمتر از ده دانشگاه دولتی (و هیچ خصوصی) در کشور فعال بود تا سال ۱۳۹۷ شاهد افزایش ده‌ها دانشگاه و مؤسسه تحصیلات عالی دولتی و خصوصی در مرکز کشور و ولایات مختلف هستیم.

هدف چهارم انکشاف پایدار که افغانستان نیز متعهد به آن است حکم می‌نماید که تأمین شمولیت برابر برای همه جهت دسترسی به آموزش باکیفیت و توسعه امکانات برای همه به طور دوامدار مهیا گردد. قانون اساسی ۱۳۸۲ و قانون معارف ۱۳۸۶ نیز آموزش حق همه اطفال به حساب آمده و دولت موظف و متعهد به زمینه‌سازی آن است. به نظر می‌رسد در حوزه آموزش و معارف، نسبت به بسیاری حوزه‌های دیگر توانمندی زنان در دستاوردها و پیشرفت‌های بیشتری به چشم می‌آید. به نظر می‌رسد، نسبت به سایر حوزه‌ها (اقتصاد، مشارکت و...) موانع و چالش‌های جدی اجتماعی و فرهنگی در این زمینه کمتر بوده و این شاید اصلی‌ترین عامل موفقیت در این بخش بوده باشد. با آن‌هم شمولیت و حضور دختران در مکاتب و دانشگاه‌ها بی‌مشکل نبوده و در برخی بخش‌ها و یا بعضی از ولایات کشور دولت افغانستان نتوانسته به هدف‌های تعیین شده نزدیک شود. هنوز هم شکاف جنسیتی در وارد شدن به دوره ابتدایی مکتب و ادامه تعلیم در دوره‌های متوسطه و عالی وجود دارد. در سال‌های اخیر، وارد شدن دختران در آموزش و پرورش رشد چشم‌گیری داشته است. شاخص برابری جنسیتی در آموزش و پرورش از ۰.۴۴ در دوره ابتدایی به ۰.۷۶ افزایش یافته است؛ این رقم در دوره ابتدایی افزایش کمتری داشته و از ۰.۲۱ به ۰.۵۵ تغییر کرده در حالی که در دوره عالی نابرابری جنسیتی همچنان زیاد بوده و در زیر ۰.۳۰ قرار دارد. نرخ سواد زنان هم از خیلی پایین‌تر از مردان باقی‌مانده است. در حالی که حدود ۶۱ درصد از مردان بالای ۱۵ سال

بی‌سواد اند، این آمار در بین زنان حدود ۸۷ درصد است. این آمار در بین ولایت‌های مختلف متفاوت است. (AREU, UN Women [۲۰۱۳], p. ۲۲).

آمارهای سال‌های ۱۳۸۱ (پس از سقوط طالبان) تا ۱۳۹۷ نشان می‌دهد که فیصدی شمولیت و حضور شاگردان در معارف و مکاتب کشور رشد چشم‌گیری داشته است و از ۲۷.۵۲ درصد مجموع شاگردان در دوره‌های مختلف تعلیمی به ۳۸.۸۵ درصد افزایش یافته که بیش از ۱۱ درصد افزایش را نشان می‌دهد که در سکتورهای دیگر این میزان افزایش شمولیت دختران/زنان اتفاق نیفتاده است. جدول شماره (۴) آمار شاگردان مکاتب دوره‌های مختلف (ابتدایی، متوسطه و عالی) بین سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۷ را نشان می‌دهد که به صورت کلی افزایش ۱۱ درصدی دختران در مکاتب را شاهد هستیم.

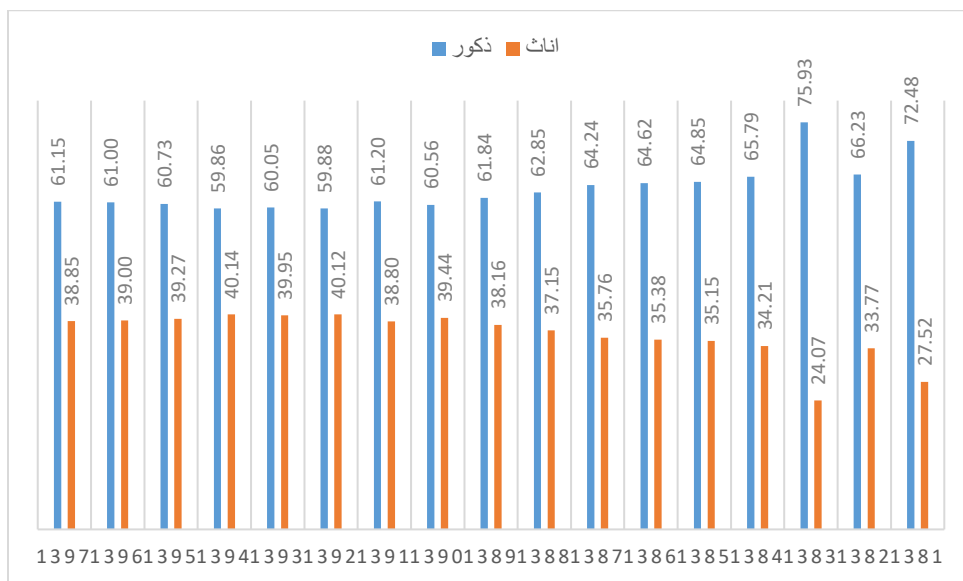
تعداد شاگردان مکاتب کشور بین سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۷ به تفکیک جنس											
سال	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱
پسران	۳۷۰۵۳۳۵	۴۱۸۶۴۹۹	۵۴۲۵۶۶۶	۴۹۲۲۲۱۹	۵۴۷۹۰۴۰	۵۶۷۵۹۵۱	۶۲۰۰۰۰۱	۶۴۱۷۹۱۹	۶۰۰۰۰۰۰	۶۲۰۰۰۰۰	۶۴۱۷۹۱۹
دختران	۲۶۸۵۴۰۴	۲۷۷۲۶۲۶	۴۱۱۹۳۶۱	۳۲۳۸۳۹۲	۳۵۵۲۹۳۲	۳۶۶۷۸۶۲	۳۹۸۳۵۷۴	۴۰۳۳۶۴۳	۳۹۸۳۵۷۴	۳۶۶۷۸۶۲	۳۲۳۸۳۹۲
مجموع	۱۰۱۹۸۳۱	۱۴۱۳۸۷۳	۱۳۰۶۱۰۵	۱۶۸۳۸۲۷	۱۹۲۶۱۰۸	۲۰۰۸۰۸۹	۲۲۱۷۴۲۷	۲۳۸۴۲۷۶	۲۲۱۷۴۲۷	۲۰۰۸۰۸۹	۱۶۸۳۸۲۷
سال	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰
پسران	۷۵۸۵۱۸۹	۸۶۴۳۹۴۴	۸۱۷۳۳۲۱	۸۵۸۸۹۰۳	۸۷۲۶۳۸۷	۸۳۹۵۸۳۶	۸۵۳۳۳۰۳	۸۷۲۶۴۸۴	۸۳۹۵۸۳۶	۸۵۳۳۳۰۳	۸۷۲۶۴۸۴
دختران	۴۵۹۳۵۸۶	۵۲۸۹۹۵۰	۴۸۹۳۴۷۷	۵۱۵۷۹۷۹	۵۲۲۳۴۷۵	۵۰۹۹۱۴۷	۵۰۵۳۹۲	۵۳۳۴۶۵۶	۵۰۹۹۱۴۷	۵۰۵۳۹۲	۵۳۳۴۶۵۶
مجموع	۲۹۹۱۶۰۳	۳۳۵۳۹۹۴	۳۲۷۸۸۴۴	۳۴۳۰۹۲۴	۳۵۰۲۹۱۲	۳۲۹۶۶۸۹	۳۳۲۷۹۱۱	۳۳۸۹۸۲۸	۳۲۹۶۶۸۹	۳۳۲۷۹۱۱	۳۳۸۹۸۲۸

جدول ۴: تعداد شاگردان مکاتب تعلیمات عمومی بین سال‌های ۸۱ تا ۹۷ به تفکیک جنس

فیصدی شاگردان دختر و پسر در مکاتب کشور بین سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۷									
۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۹۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	سال
۶۱.۸۴	۶۲.۸۵	۶۴.۲۴	۶۴.۶۲	۶۴.۸۵	۶۵.۷۹	۷۵.۹۳	۶۶.۲۳	۷۲.۴۸	پسران
۳۸.۱۶	۳۷.۱۵	۳۵.۷۶	۳۵.۳۸	۳۵.۱۵	۳۴.۲۱	۲۴.۰۷	۳۳.۷۷	۲۷.۵۲	دختران
۱۳۹۸	۱۳۹۷	۱۳۹۶	۱۳۹۵	۱۳۹۴	۱۳۹۳	۱۳۹۲	۱۳۹۱	۱۳۹۰	سال
.	۶۱.۱۵	۶۱.۰۰	۶۰.۷۳	۵۹.۸۶	۶۰.۰۵	۵۹.۸۸	۶۱.۲۰	۶۰.۵۶	پسران
.	۳۸.۸۵	۳۹.۰۰	۳۹.۲۷	۴۰.۱۴	۳۹.۹۵	۴۰.۱۲	۳۸.۸۰	۳۹.۴۴	دختران

جدول ۵: فیصدی شاگردان مکاتب تعلیمات عمومی بین سال‌های ۸۱ تا ۹۷ به تفکیک جنس

نمودار ۳: فیصدی شاگردان مکاتب کشور به تفکیک جنس از ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۷



منبع: اداره ملی احصائیه و معلومات

همچنان که جدول شماره (۶) نشان می‌دهد، فیصدی حضور شاگردان دختر در دوره‌های مختلف فرق می‌کند و با بالا رفتن دوره تعلیمی از ابتدایی به متوسطه و از متوسطه به عالی کاهش می‌یابد. در سال ۱۳۹۵ آمار شمولیت دختران در دوره ابتدایی به بیش از ۴۰ درصد می‌رسد در حالی که در همین سال در دوره متوسطه به ۳۶.۹ و در دوره عالی به ۳۶.۳ کاهش می‌یابد.

یکی از اصلی‌ترین حوزه‌های کار بیرون از خانه برای زنان افغانستان کار به عنوان معلم در مکاتب کشور است که فیصدی زیادی از کارمندان زن دولت را تشکیل می‌دهند. این حوزه گرچه ربطی به آموزش دارد ولی بیشتر در بخش مشارکت قرار می‌گیرد و موانع مشارکت زنان که قبلاً آورده شد در این زمینه هم صادق است. یکی از دلایل حضور بیشتر زنان در این حوزه محیط کار زنان (مکاتب دخترانه) است که خانواده‌ها مخالفت کمتری با آن می‌کنند. عامل دوم شاید مدت زمان کار نیمه‌وقت است که باز هم برای زنان یک امتیاز است و می‌توانند همزمان با معلمی به کارهای خانه و پرورش کودکان و فرزندان خود رسیدگی کنند. عامل سوم هم شاید تمایل کمتر مردان به حضور در این صحنه است که به دلیل معاش و امتیازهای پایین این حوزه را کم کم به زنان واگذار

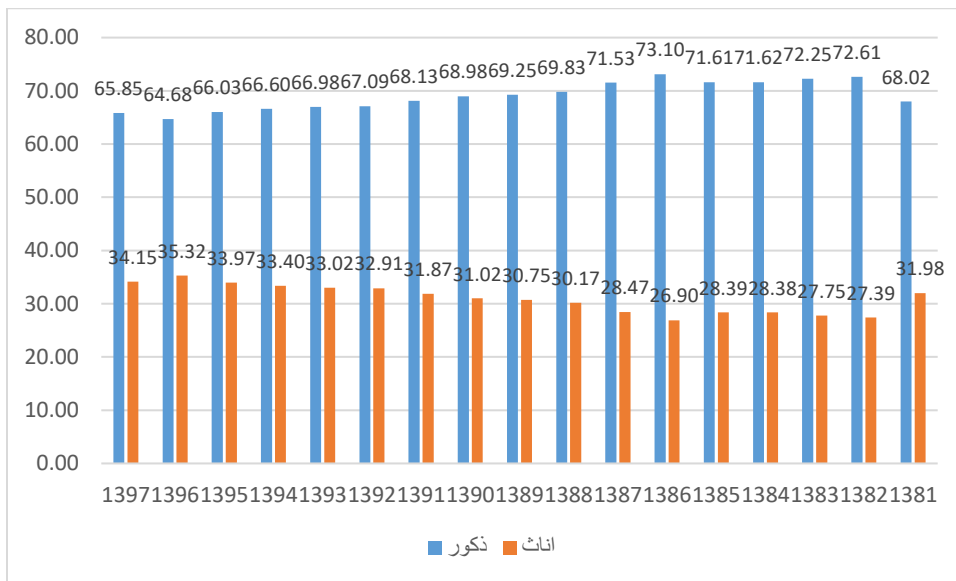
می‌نمایند. با آنهم اگر به فیصدی حضور زنان نسبت به مردان در این حوزه‌ها هم نگاهی بیندازیم دیده می‌شود که در این ۱۷ سال اخیر تغییر بسیار ناچیز کرده و از ۳۱.۹۸ درصد در سال ۱۳۸۱ به ۳۴.۱۵ درصد در سال ۱۳۹۷ افزایش یافته که افزایش کمتر از ۳ درصد را نشان می‌دهد.

جدول ۶: آمار شاگردان مکاتب دولتی در تعلیمات عمومی به تفکیک دوره تعلیمی و جنس

آمار شاگردان مکاتب دولتی در تعلیمات عمومی به تفکیک دوره تعلیمی و جنس در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ - ارقام به هزار							
دوره های تعلیمی	۱۳۹۴			فیصدی دختران نظر به مجموع	۱۳۹۵		
	مجموع	پسران	دختران		مجموع	پسران	دختران
دوره ابتداییه	۶۲۱۳۰	۳۶۱۱۲	۲۶۰۱۸	۴۱.۹	۵۸۴۵۶	۳۴۸۵۳	۲۳۶۳۲
دوره متوسطه	۱۶۱۲۰۹	۱۰۲۲۰۱	۵۹۰۰۸	۳۶.۶	۱۶۵۵۳	۱۰۴۴۰	۶۱۱۱۲
دوره لیسه	۹۰۰۰۵	۵۹۰۰۱	۳۱۰۰۴	۳۴.۵	۸۹۲	۵۶۹۰۹	۳۲۲۰۱
مجموع سه دوره	۸۷۲۶۲	۵۲۳۳۴	۳۵۰۲۰۹	۴۰.۱	۸۳۹۵۰۹	۵۰۹۹۰۲	۳۲۹۶۰۷
فیصدی دختران نظر به مجموع				۴۰.۴			

منبع: اداره ملی احصائیه و معلومات

نمودار ۴: فیصدی معلمان زن و مرد در مکاتب کشور بین سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۷



منبع: اداره ملی احصائیه و معلومات

جدول ۷: فیصدی معلمان زن و مرد در مکاتب کشور بین سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۷

درصد معلمان زن و مرد در مکاتب کشور بین سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۷									
سال	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹
مردان	۶۸.۰۲	۷۲.۶۱	۷۲.۲۵	۷۱.۶۲	۷۱.۶۱	۷۳.۱۰	۷۱.۳۵	۶۹.۳۸	۶۹.۲۵
زنان	۳۱.۹۸	۲۷.۳۹	۲۷.۷۵	۲۸.۳۸	۲۸.۳۹	۲۶.۹۰	۲۸.۴۷	۳۰.۱۷	۳۰.۷۵
سال	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸
مردان	۶۸.۹۸	۶۸.۱۳	۶۷.۰۹	۶۶.۹۸	۶۶.۶۰	۶۶.۰۳	۶۴.۶۸	۶۵.۸۵	.
زنان	۳۱.۰۲	۳۱.۸۷	۳۲.۹۱	۳۳.۰۲	۳۳.۴۰	۳۳.۹۷	۳۵.۳۲	۳۴.۱۵	.

منبع: اداره ملی احصائیه و معلومات

جدول (۷) درصد معلمان زن و مرد کشور را بین سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۷ نشان می‌دهد. نکته جالب توجه در این جدول تغییر بسیار ناچیز و اندک درصد معلمان زن در طول نزدیک به دو دهه در معارف کشور است. این تغییر کمتر از ۳ درصد مشارکت زنان در نیروی کار به عنوان معلمان معارف تقریباً همسان با درصد کلی مشارکت زنان در نیروی کار در سازمان‌های دولتی است که در طول نزدیک به دو دهه اخیر افزایش قابل توجهی نداشته در سطح همان افزایش ۳ درصدی باقی مانده است.

در حوزه تحصیلات عالی هم با وجود رشد کمی زیاد، شاهد تغییر چشمگیر فیصدی حضور زنان نسبت به مردان نیستیم. گرچه، دسترسی برابر زنان و مردان به تحصیلات عالی مسلکی و فنی به شمول دانشگاه‌ها از اهداف توسعه پایدار و تعهد دولت افغانستان به حساب می‌آید. بدون شک افزایش حضور زنان در تحصیلات عالی می‌تواند زمینه‌ساز افزایش مشارکت آن‌ها در نیروی کار متخصص در سازمان‌های دولتی و غیر دولتی و بازار کار باشد.

جدول ۸: تعداد محصلان دانشگاه‌های دولتی کشور بین سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۷ به تفکیک جنس

تعداد محصلان دانشگاه‌های دولتی کشور بین سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۷ به تفکیک جنس										
سال	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	سال
پسران	...	۲۳۵۸۵	۳۱۲۲۴	۳۰۵۴۶	۳۴۱۴۳	۴۰۶۹۲	۴۶۴۳۵	۴۹۱۵۹	۵۱۳۷۲	پسران
دختران	...	۷۲۲۴	۸۲۹۰	۸۸۰۸	۷۷۴۹	۸۶۱۹	۱۰۰۱۶	۱۲۲۱۶	۱۲۴۶۵	دختران
مجموع	۲۲۷۱۷	۳۰۸۰۹	۳۹۵۱۴	۳۹۳۵۴	۴۱۸۹۲	۴۹۳۱۱	۵۶۴۵۱	۶۱۳۷۵	۶۳۸۳۷	مجموع
سال	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	سال
پسران	۶۲۸۴۳	۸۲۱۰۰	۱۰۰۷۲۶	۱۱۸۱۱۹	۱۴۵۲۴۷	۱۴۱۳۰۳	۱۳۹۹۳۰	۱۳۶۹۵۴		پسران
دختران	۱۴۸۱۱	۱۹۲۱۵	۲۴۰۱۵	۲۹۶۶۹	۳۶۳۶۲	۴۱۰۴۱	۴۴۶۹۲	۴۹۰۷۱		دختران
مجموع	۷۷۶۵۴	۱۰۱۳۱۵	۱۲۴۷۴۱	۱۴۷۷۸۸	۱۷۱۶۰۹	۱۸۲۳۴۴	۱۸۴۶۲۲	۱۸۶۰۲۵		مجموع

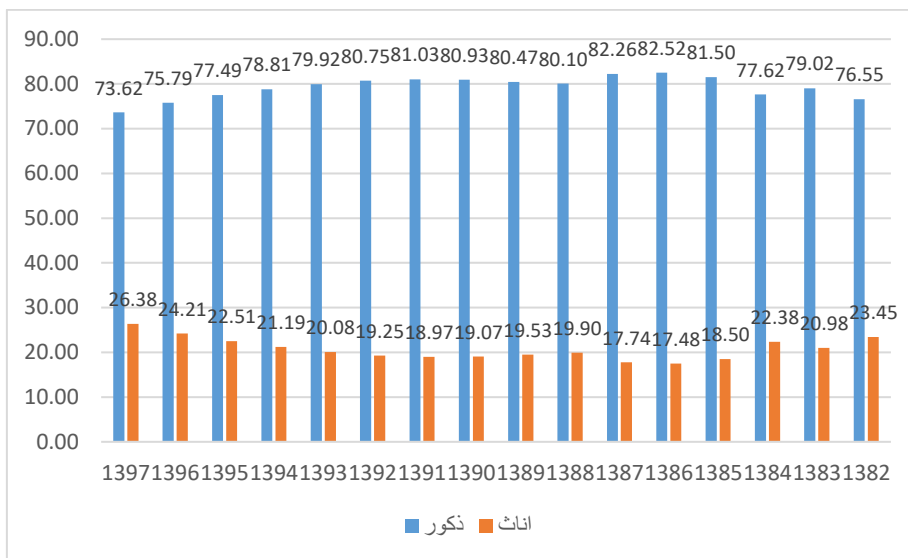
منبع: اداره ملی احصائیه و معلومات

جدول ۹: فیصدی محصلان دختر و پسر در دانشگاه‌ها دولتی کشور بین سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۷

فیصدی محصلان دختر و پسر در دانشگاه‌های دولتی کشور بین سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۷									
سال	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹
پسران	...	۷۶.۵۵	۷۹.۰۲	۷۷.۶۲	۸۱.۵۰	۸۲.۵۲	۸۲.۲۶	۸۰.۱۰	۸۰.۴۷
دختران	...	۲۳.۴۵	۲۰.۹۸	۲۲.۳۸	۱۸.۵۰	۱۷.۴۸	۱۷.۷۴	۱۹.۹۰	۱۹.۵۳
سال	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸
پسران	۸۰.۹۳	۸۱.۰۳	۸۰.۷۵	۷۹.۹۲	۷۸.۸۱	۷۷.۴۹	۷۵.۷۹	۷۳.۶۲	...
دختران	۱۹.۰۷	۱۸.۹۷	۱۹.۲۵	۲۰.۰۸	۲۱.۱۹	۲۲.۵۱	۲۴.۲۱	۲۶.۳۸	...

منبع: اداره ملی احصائیه و معلومات

نمودار ۵: فیصدی محصلان دانشگاه‌های دولتی به تفکیک جنس ۱۳۸۲-۱۳۹۷



منبع: اداره ملی احصائیه و معلومات

جدول ۱۰: تعداد استادان دانشگاه‌های دولتی کشور بین سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۷ به تفکیک جنس

تعداد استادان دانشگاه‌های دولتی کشور بین سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۷ به تفکیک جنس									
سال	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹
مردان	۲۵۶۹	۱۶۶۴	۱۶۱۵	۱۶۷۶	۱۷۷۴	۲۰۳۵	۲۱۸۱	۲۴۲۵	۲۵۶۹
زنان	۴۵۴	۲۵۸	۲۷۱	۳۰۲	۳۱۶	۳۷۳	۳۹۱	۴۱۷	۴۵۴
مجموع	...	۱۹۲۲	۱۸۸۶	۱۹۷۸	۲۰۹۰	۲۴۰۸	۲۵۷۲	۲۸۴۲	۳۰۲۳
سال	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸
مردان	۲۶۸۰	۳۰۳۳	۳۸۵۴	۴۳۶۴	۴۷۵۶	۴۷۰۰	۴۹۳۵	۵۰۶۰	.
زنان	۴۷۹	۵۲۲	۶۴۲	۷۲۶	۷۶۶	۷۷۴	۷۸۵	۸۱۶	.
مجموع	۳۱۵۹	۳۵۵۵	۴۴۹۶	۵۰۹۰	۵۵۲۲	۵۴۷۴	۵۷۲۰	۵۸۷۶	.

منبع: اداره ملی احصائیه و معلومات

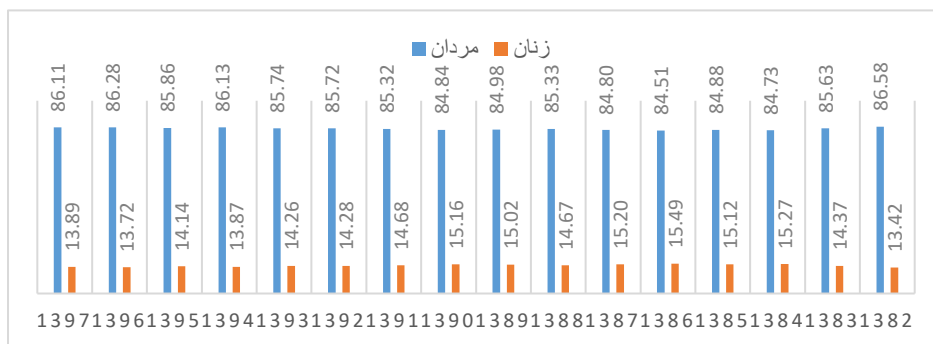
جدول شماره (۱۱) درصد مشارکت زنان و مردان در دانشگاه‌های دولتی کشور بین سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۷ را نشان می‌دهد. نکته جالب در داده‌های این جدول، عدم تغییر میزان یا درصد استادان زن و مرد دانشگاه‌های دولتی و ثابت ماندن در مرز ۱۳ درصد در طول این یک و نیم دهه اخیر است. به نظر می‌رسد که افزایش مشارکت زنان در نیروی کار به عنوان استادان دانشگاه هم به دلیل جذابیت این شغل برای مردان و هم نیازمند بودن به تحصیلات عالی بالاتر (ماستری و دکتورا) و موانع مختلف دیگر که گذشتن از آنها برای زنان مشکل‌تر بوده، در این چند سال تغییری نکرده و حتا ایجاد پالیسی جندر در وزارت تحصیلات عالی و واحدهای جندر در سطح دانشگاه‌ها و حتا قایل شدن امتیاز ویژه برای استخدام زنان در مقررات این وزارت هم نتوانسته تغییری ایجاد کند.

جدول ۱۱: فیصدی استادان زن و مرد در دانشگاه‌های دولتی کشور بین سال‌های ۸۲ تا ۹۷

فیصدی استادان زن و مرد در دانشگاه‌های دولتی کشور بین سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۷									
سال	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹
پسران	...	۸۶.۵۸	۸۵.۶۳	۸۴.۷۳	۸۴.۸۸	۸۴.۵۱	۸۴.۸۰	۸۵.۳۳	۸۴.۹۸
دختران	...	۱۳.۴۲	۱۴.۳۷	۱۵.۲۷	۱۵.۱۲	۱۵.۴۹	۱۵.۲۰	۱۴.۶۷	۱۵.۰۲
سال	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸
پسران	۸۴.۸۴	۸۵.۳۲	۸۵.۷۲	۸۵.۷۴	۸۶.۱۳	۸۵.۸۶	۸۶.۲۸	۸۶.۱۱	...
دختران	۱۵.۱۶	۱۴.۶۸	۱۴.۲۸	۱۴.۲۶	۱۳.۸۷	۱۴.۱۴	۱۳.۷۲	۱۳.۸۹	...

منبع: اداره ملی احصائیه و معلومات

نمودار ۶: فیصدی استادان دانشگاه‌های دولتی به تفکیک جنس ۱۳۸۲-۱۳۹۷



همچنان که جدول شماره (۱۱) و نمودار شماره (۶) نشان می‌دهد، در بیش از یک و نیم دهه اخیر، با وجود افزایش کمی زیاد آمار استادان دانشگاه‌های دولتی و وجود پالیسی جندر در وزارت تحصیلات عالی و در کنار آن برنامه عمل ملی برای زنان که استخدام و مشارکت زنان را در سازمان‌های دولتی ترغیب و تأکید می‌نمودند، شاهد هیچ تغییری در فیصدی حضور زنان به عنوان استاد در دانشگاه‌های دولتی در کشور نیستیم. این امر تا اندازه‌ای شبیه افزایش بسیار محدود (۲.۵ درصدی) معلمان در حوزه معارف و مکاتب کشور است. در حوزه تحصیلات عالی هم به دلیل نیازمندی به سطوح بالاتر تحصیل (ماستری و دکتورا) در استخدام و هم به دلیل معاش، امتیازها و پایگاه برتر این حوزه به نظر می‌رسد رقابت در این حوزه زیاد باشد و مردان تلاش بیشتری برای حفظ میزان حضور خود در این حوزه بنمایند و در نتیجه در این چند سال زنان با حمایت‌های کم و بیش دولت و پالیسی‌های مرتبط حتا نتوانستند یک درصد افزایش در فیصدی حضور در استادان دانشگاه‌های کشور بیاورند. در سال ۱۳۸۲، فقط کمی بیشتر از ۱۳ درصد استادان دانشگاه‌های دولتی را زنان تشکیل می‌دهند و این آمار در سال ۱۳۹۷ هم تغییری نکرده و به همان ۱۳ درصد (۱۳.۸۹) باقی مانده است.

صحت زنان

برای سنجش صحت در یک جامعه شاخص‌های مختلف وجود دارد از جمله امید به زندگی، میزان مرگ‌ومیر مادران و دسترسی به خدمات صحتی و بهداشتی بویژه در زمان ولادت و غیره. در اینجا با استفاده از داده‌های موجود سطح ملی، به شاخص‌های مهم صحت در مورد زنان اشاره می‌کنیم.

امید به زندگی

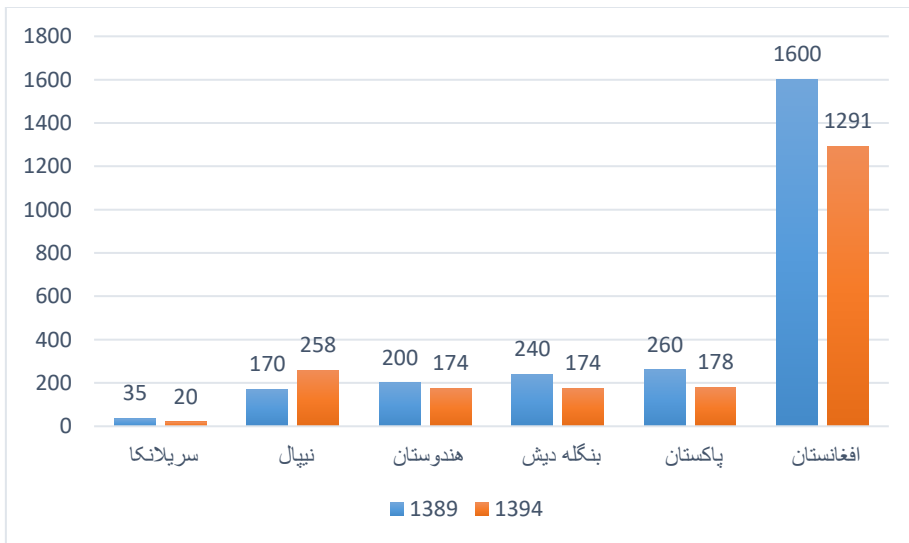
سن امید به زندگی وضعیت زندگی مردم یک کشور را نشان می‌دهد، به هر اندازه که وضعیت زنده‌گی و عرضه خدمات صحتی خوب باشد، میزان مرگ و میر کاهش می‌یابد. بر اساس سنجش سازمان صحتی جهان در سال ۱۳۹۶ سن امید به زندگی برای زنان افغان ۶۳ سال و برای مردان ۶۶ سال تخمین گردیده است. سن امید به زندگی حین تولد در افغانستان پائین‌ترین سطح در بین کشورهای جنوب آسیا تخمین شده است و در درجه-بندی بین‌المللی در بین ۱۸۳ کشور جهان در درجه ۱۶۴ قرار دارد. جاپان در جهان بالاترین سن امید به زندگی را داشته که این سن برای زنان جاپانی ۸۷ سال می‌باشد، که

تقریباً نیم برابر سن امید به زندگی زنان افغان می باشد. در سایر کشورهای جهان اندازه سن امید به زندگی زنان به طور اوسط ۳ تا ۶ سال بلندتر از سن امید به زندگی مردان می باشد، در حالیکه سن امید به زندگی زنان افغان بنا بر وضع صحی نامناسب کمتر از سن امید به زندگی مردان می باشد (اداره ملی احصائیه و معلومات، ۱۳۹۶: ۲۳).

مرگومیر مادران

سروری صحت و دموگرافی که در سال ۱۳۹۵ از طرف اداره مرکزی احصائیه و وزارت صحت عامه انجام شد نشان می دهد که میزان مرگومیر مادری در افغانستان ۱۲۹۱ فی ۱۰۰۰۰۰ یعنی بلندتر از آنچه که تخمین گردیده بوده، می باشد که بلندترین میزان به مقایسه کشورهای جنوب آسیا می باشد (اداره مرکزی احصائیه، ۱۳۹۶: ۲۸).

نمودار ۷: میزان مرگ و میر مادری در جنوب آسیا



منبع: اداره ملی احصائیه و معلومات

این ارقام بلندترین میزان را به مقایسه کشورهای جنوب آسیا نشان می دهد که علل آن را موجودیت ناامنی ها در کشور، عدم دسترسی به خدمات مناسب صحی در اثنای حاملگی و زایمان، افزایش تولدات، کمبود غذای کافی در اثنای حاملگی، تولدات بدون

موجودیت پرسونل ماهر، خشونت علیه زنان، ازدواج‌های قبل از وقت، تولدات پی هم و غیره را میتوان یادآوری نمود. به ملاحظه نمودار ۵،۲ میزان مرگ و میر مادری در سایر کشور های جنوب آسیا به تناسب افغانستان خیلی پائین می‌باشد. در سال ۱۳۹۴ میزان مرگ و میر مادری در سریلانکا ۳۰، در نیپال ۲۵۸، در هندوستان ۱۷۴، در بنگلادیش ۱۷۶ و در پاکستان ۱۷۸ در هر ۱۰۰ هزار تولد زنده می‌باشد. به اساس نتایج سروی صحت و دموگرافی سال ۱۳۹۴ میزان مرگ و میر مادری که به اندازه ۱۲۹۱ فوت در هر ۱۰۰ هزار تولد زنده سنجش گردیده به مقایسه سریلانکا ۴۳ مرتبه، به مقایسه نیپال ۵ مرتبه، به مقایسه هندوستان ۴،۷ مرتبه و به مقایسه بنگلادیش و پاکستان ۳،۷ مرتبه بلندتر است (اداره مرکزی احصائیه، ۱۳۹۶: ۲۶).

ولادت در حضور پرسونل صحتی ماهر

نتایج سروی صحت و دموگرافی ۱۳۹۴ نشان داده که ۵۹ درصد از زنانی که در سنین ۱۵-۴۹ سالگی قرار دارند از مراقبت‌های قبل از ولادت مستفید شده‌اند. تفاوت زیاد ولادت در ساحات شهری و دهاتی در حضور پرسونل ماهر صحتی به مشاهده می‌رسد، طوریکه در ساحات شهری ۷۱،۷ فیصد از زنانی که در سنین ۱۵-۴۹ سالگی قرار دارند از مراقبت‌های صحتی قبل از ولادت در اثنای زایمان استفاده کرده‌اند در حالی که این فیصدی در ساحات دهاتی ۶،۵۴ می‌باشد. نتایج سروی نشان داده که ۱۷ فیصد از تولدات زنانی که در سنین باروری قرار دارند در حضور دکتر، ۳۴ فیصد آن در حضور نرس و قابله‌ها، ۳۳ فیصد در موجودیت دایه‌های محلی و ۱۵ فیصد آن در حضور اقارب صورت گرفته است (اداره مرکزی احصائیه، ۱۳۹۶: ۲۷).

خشونت علیه زنان

معمولاً برای نشان دادن جایگاه و توانمندی زنان در جامعه از شاخص‌هایی چون مشارکت، آموزش، صحت و غیره استفاده می‌شود؛ ولی در افغانستان و با نظر داشت شرایط خاص کشور نگاهی به آمارهای رسمی خشونت علیه زنان نیز می‌تواند به تکمیل نمودن چنین تصویری کمک نماید. به همین منظور در اینجا آمار رسمی موارد خشونت علیه زنان ارایه می‌شود تا نشان دهد که زنان افغانستان بیشتر قربانی چه نوع خشونت‌هایی و با چه میزان‌اند.

خانه‌های امن

در سال ۱۳۹۵ در تمام کشور ۲۸ خانه امن برای نجات زنان و اطفال از شرایط دشوار وجود داشت که به مقایسه سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ هر کدام ۱۲ فیصد و ۴ فیصد افزایش داشته است. ارقام مربوط به زنان و اطفال که در جدول ۲-۳ ارائه گردیده نشان می‌دهد که تعداد مجموعی زنان و اطفال که در سال ۱۳۹۵ در خانه‌های امن زنده‌گی داشتند ۳۸۹۶ نفر بوده که به مقایسه سال ۱۳۹۳ به اندازه ۳.۲۳ فیصد و نظر به سال ۱۳۹۴ به اندازه ۷.۱۷ فیصد افزایش را نشان می‌دهد (اداره مرکزی احصائیه، ۱۳۹۶: ۱۲).

خشونت علیه زنان عبارت از هر عمل خشونت‌آمیز بر اساس جنسیت است که منجر به آسیب جسمی و روانی قربانی گردد. همچنان تهدید به چنین اعمال، اجبار یا محرومیت از آزادی در زندگی اجتماعی یا خصوصی خشونت محسوب می‌گردد. با وجود این که حکومت افغانستان و موسسات غیر حکومتی به منظور محو خشونت علیه زنان تلاش زیاد نموده است ولی با آنهم این پدیده به حیث یک تهدید بزرگ در مقابل زنان هنوز موجود است. به ارقام و احصائیه‌های خشونت علیه زنان که در سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ در وزارت امور زنان ثبت گردیده مجموعاً به ترتیب ۲۷۴۳ و ۲۳۵۱ واقعه می‌رسد که فرار از منزل ناشی از خشونت ۶.۱۴ فیصد، جدائی ۹.۲۷ فیصد و عدم تادیه نفقه ۳.۲ فیصد بیشترین موارد در سال ۱۳۹۶ می‌باشد.

در سال ۱۳۹۶ در تمام کشور ۲۸ خانه امن برای نجات زنان و اطفال از شرایط دشوار وجود داشت که به مقایسه سال ۱۳۹۴ به اندازه ۳.۷ فیصد افزایش داشته است. تعداد مجموعی زنان و اطفال که در سال ۱۳۹۶ در خانه‌های امن زندگی داشتند ۳۷۳۹ نفر بوده که به مقایسه سال ۱۳۹۴ به اندازه ۱۷.۷ درصد افزایش و نظر به سال ۱۳۹۵ به اندازه ۴ فیصد کاهش را نشان می‌دهد (اداره ملی احصائیه و معلومات: ۱۳۹۷: ۷).

جدول ۱۲: آمار خشونت علیه زنان در افغانستان در سال ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶

۱۳۹۶		۱۳۹۵		نوع خشونت
فیصدی	تعداد	فیصدی	تعداد	
۱۰۰.۰	۲۳۵۱	۱۰۰.۰	۲۷۴۳	مجموع
۵.۶	۱۳۲	۱۰.۲	۲۸۰	ازدواج اجباری
۰.۰	۰.۰	۰.۰	۱	سم پاشی
۲۳.۳	۵۴۸	۱.۲	۲۸۰	عدم تادیه نفقه
۳.۳	۷۸	۲.۲	۵۹	تجاوز جنسی
۲.۱	۵۰	۱.۳	۳۵	ازدواج قبل از وقت
۱.۷	۳۹	۱.۲	۳۳	اختطاف
۶.۹	۱۶۳	۳.۷	۱۰۱	قتل
۰.۰	۰.۰	۲۹.۶	۸۱۳	خشونت خانوادگی
۱۴.۶	۳۴۴	۱۰.۴	۲۸۶	فرار از منزل ناشی از خشونت
۶.۸	۱۶۱	۵.۴	۱۴۸	طلاق ناشی از خشونت
۲۷.۹	۶۵۶	۱۸.۴	۵۰۵	جدایی ناشی از خشونت
۵.۷	۱۳۳	۶.۲	۱۷۱	فسخ نامزدی ناشی از خشونت
۱.۱	۲۵	۰.۴	۱۰	خودسوزی ناشی از خشونت
۰.۹	۲۲	۰.۸	۲۱	خودکشی ناشی از خشونت

منبع: اداره ملی احصائیه و معلومات

توانمندی زنان هرات

در این بخش، یافته‌های داده‌های دست دوم و دست اول که از تحقیق اسنادی و پیمایشی درباره وضعیت زنان هرات در حوزه عمومی و خصوصی به دست آمده است ارائه می‌شود. در بخش اول، با استفاده از اطلاعات به دست آمده از سروی‌ها و گزارش‌های احصائیه مرکزی، ریاست امور زنان، آمریت جندر ولایت هرات و سایر منابع چاپی و غیر چاپی درباره وضعیت زنان هرات در حوزه‌های مختلف مثل مشارکت، آموزش، اقتصاد و سایر ابعاد، کوشش شده تا تصویری از توانمندی زنان هرات در حوزه عمومی و جامعه به دست داده شود. در بخش دوم، با استفاده از داده‌های دست اول که از طریق توزیع پرسش‌نامه بین نمونه ۴۵۷ تایی از زنان در ۱۵ ناحیه شهر هرات به دست آمده، وضعیت زنان هرات و جایگاه و توانمندی شان در خانواده تشریح شده است. در آخر و پس از توصیف و تحلیل داده‌های دست دوم و دست اول، نتیجه‌گیری یافته‌های تحقیق برای ارائه تصویر کلی از وضعیت توانمندی زنان هرات ارائه شده است.

معرفی ولایت هرات

ولایت هرات از جمله ولایات بزرگ و مهم افغانستان است که به عنوان ولایت باستانی و قلب صنعتی کشور نیز شناخته می‌شود. ولایت هرات از طرف شمال به ولایت بادغیس و جمهوری ترکمنستان، از طرف جنوب به ولایت فراه، از طرف شرق به ولایت غور و از طرف غرب با جمهوری اسلامی ایران هم‌مرز است. داشتن دو مرز و بندر با کشورهای ایران و ترکمنستان و وصل شدن به راه‌های بین‌المللی این ولایت را یکی از ولایات مهم تجارتي کشور نموده است. ولایت هرات در ارتفاع ۹۲۰ متری از سطح بحر واقع است و مساحت زمین آن ۵۵۸۶۹ کیلومتر مربع است که ۸.۵۶ درصد مساحت افغانستان را تشکیل می‌دهد. مرکز ولایت هرات شهر هرات است که دارای ۱۵ ناحیه می‌باشد. هرات دارای ۱۹ ولسوالی است و برای کشت و تولید زعفران، انگور، پسته، پشم مشهور است. (اداره مرکزی احصائیه، ۱۳۹۵: ۳) نفوس ولایت هرات در سال ۱۳۹۷ حدود ۲۰۵۰۵۱۴ تن برآورد گردیده است؛ طوری که از آن حدود ۵۰.۱٪ را مردان و ۴۹.۹٪ دیگر را زنان شکل می‌دهند. از این میان، ۶۱۲۸۷۷ (۲۹.۸۸٪) تن در شهر زندگی می‌کنند و حدود ۷۰٪ از جمعیت هرات در ولسوالی‌ها و مناطق روستایی زیست دارند (اداره احصائیه مرکزی، ۱۳۹۷: ۳۸). جمعیت هرات در سال‌های پس از جنگ و دو دهه اخیر میزبان ده‌ها هزار مهاجر، عودت‌کننده و

بیجاشده‌گانی است که از کشور ایران و یا ولایات هم‌جوار به این ولایت نقل مکان نموده و برای ادامه زندگی خود در آنجا ساکن شدند. گروه سنی ۱۵-۶۴ که به گروه سنی کار شناخته می‌شود، حدود ۵۳.۱٪ از مجموع نفوس را شکل می‌دهد (سروری اقتصادی و اجتماعی ۱۳۹۵: ۱۵). بر اساس داده‌های همین سروری، تقریباً ۵۴٪ از ساکنان هرات مشغول کشاورزی هستند که ۴۷٪ را مردان و ۷٪ دیگر را زنان رقم می‌زنند.

بخش اول: توانمندی زنان هرات در حوزه عمومی

در این بخش، جایگاه و وضعیت توانمندی زنان هرات با استفاده از اطلاعات و داده‌های آماری در حوزه عمومی در ساحت مشارکت و اقتصاد، آموزش، صحت و ورزش، و خشونت علیه زنان ارایه شده است. کوشش شده تا توصیف وضعیت با در نظرداشت شاخص‌های توانمندی زنان و با استفاده از آخرین آمار و داده‌های موجود، که جمع‌آوری‌شان کار ساده‌ای نبود، صورت گیرد.

فعالیت‌های اقتصادی و مشارکت زنان هرات

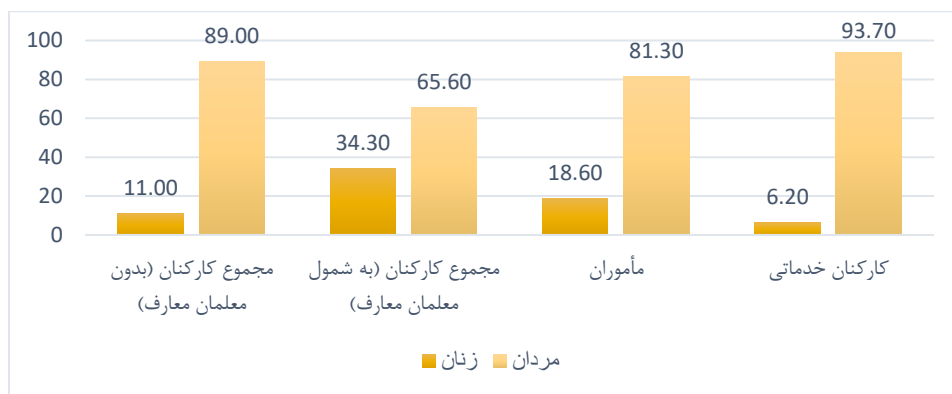
در اقدامات انکشافی، مشارکت قشر محروم جامعه به ویژه زنان یک اصل پنداشته می‌شود؛ طوری که مشارکت همه‌جانبه راهی است برای جبران محرومیت‌ها و درگیر شدن در جریان تصمیم‌گیری-هایی که بر زنان تأثیرگذار اند. از همین‌رو، میزان مشارکت زنان شاخص برابری جنسیتی نیز به حساب می‌آید. علی‌رغم اهمیت مشارکت زنان، رویکرد نظری این پژوهش همسان‌پنداری مشارکت زنان و قدرت‌مندی آنان را به چالش کشید. به عبارتی، داده‌های تجربی متفاوت از جوامع مختلف نشان می‌دهد که مشارکت ضرورتاً به توانمندی منجر نمی‌گردد. بر همین اساس، در این بخش میزان مشارکت و قدرت‌مندی زنان در سکتور دولتی و خصوصی ولایت هرات مورد کنکاش قرار می‌گیرد.

سکتور دولتی

بر اساس داده‌های به‌دست آمده، در ۶۷ اداره دولتی ولایت هرات، تعداد ۸۲۸۷ کارکن خدمات ملکی کار می‌نمایند. از آن جمله، ۴۹۱۰ تن مأمور و ۳۳۷۷ تن کارکن خدماتی می‌باشند. از مجموع مأموران، ۹۱۶ تن (۱۸.۶٪) را زنان و از مجموع کارکنان خدماتی ۲۱۲ تن (۶.۳٪) را زنان شکل می‌دهند. (ریاست اقتصاد، ۱۳۹۷: ۸۸) گراف ذیل به مقایسه آماری این مشارکت می‌پردازد.

طوری که ابتدا مشارکت مجموعی به شمول آموزگاران مکاتب و سپس مجموع کارکنان بدون محاسبه استادان معارف نمایش داده می‌شود. به تعقیب آن، مشارکت زنان به عنوان مأمور و کارکن خدماتی با مردان هم‌کفو مقایسه می‌گردد.

نمودار ۸: کارکنان معارف ولایت هرات در سال ۱۳۹۷



منبع: ریاست منابع بشری ولایت هرات

چنان‌که در نمودار ۸ مشاهده می‌گردد، مشارکت زنان در ادارات دولتی بدون محاسبه کارمندان ریاست معارف (معلمان)، حدود ۱۱ درصد از کل کارکنان را شکل می‌دهند. در حالی که اگر این مشارکت به شمول کارمندان ریاست معارف (معلمان) به بیش از ۳۴ درصد می‌رسد. از طرفی، میزان مشارکت زنان در دوایر دولتی ولایت هرات بسیار ناهمگن و پراکنده است؛ طوری که در بعضی ادارات مانند آمریت تصدی مسافری ملی بس هرات حتی یک زن هم حضور ندارد و در بعضی ادارات دیگر مانند ریاست کار و امور اجتماعی، شهدا و معلولین (۶۷.۵٪) این رقم بسیار افزایش می‌یابد. هرچند چنین اداری بسیار محدود است. درصد کارمندان زن در ادارات دولتی با اضافه شدن آمار معلمان ریاست معارف، از ۱۱ درصد به ۳۴ درصد می‌رسد.

جدول (۱۳) مبین این واقعیت است که علی‌رغم مشارکت چشم‌گیر زنان در ریاست معارف ولایت هرات، هنوز دو نکته بایستی مدنظر گرفته شود: نخست، نقش آموزش در چشم‌انداز فرهنگی حاکم با نقش کلیشه‌ای زنان که از آن به نقش وانمودی نیز یاد می‌گردد، همذات‌پنداری دارد و این

می تواند مشارکت نسبتاً بالای زنان در سکتور آموزش (عمومی) را توجیه نماید. از طرفی، حتی مشارکت زنان در ریاست معارف نیز می تواند جای بحث داشته باشد؛ طوری که این مشارکت شاید نمایانگر رشد آماری و کمی حضور زنان در سکتور باشد، اما حضور کیفی و قدرت مند زنان در این ریاست هنوز کم رنگ است.

جدول ۱۳: معلمان و کارکنان ریاست معارف هرات در سال ۱۳۹۷

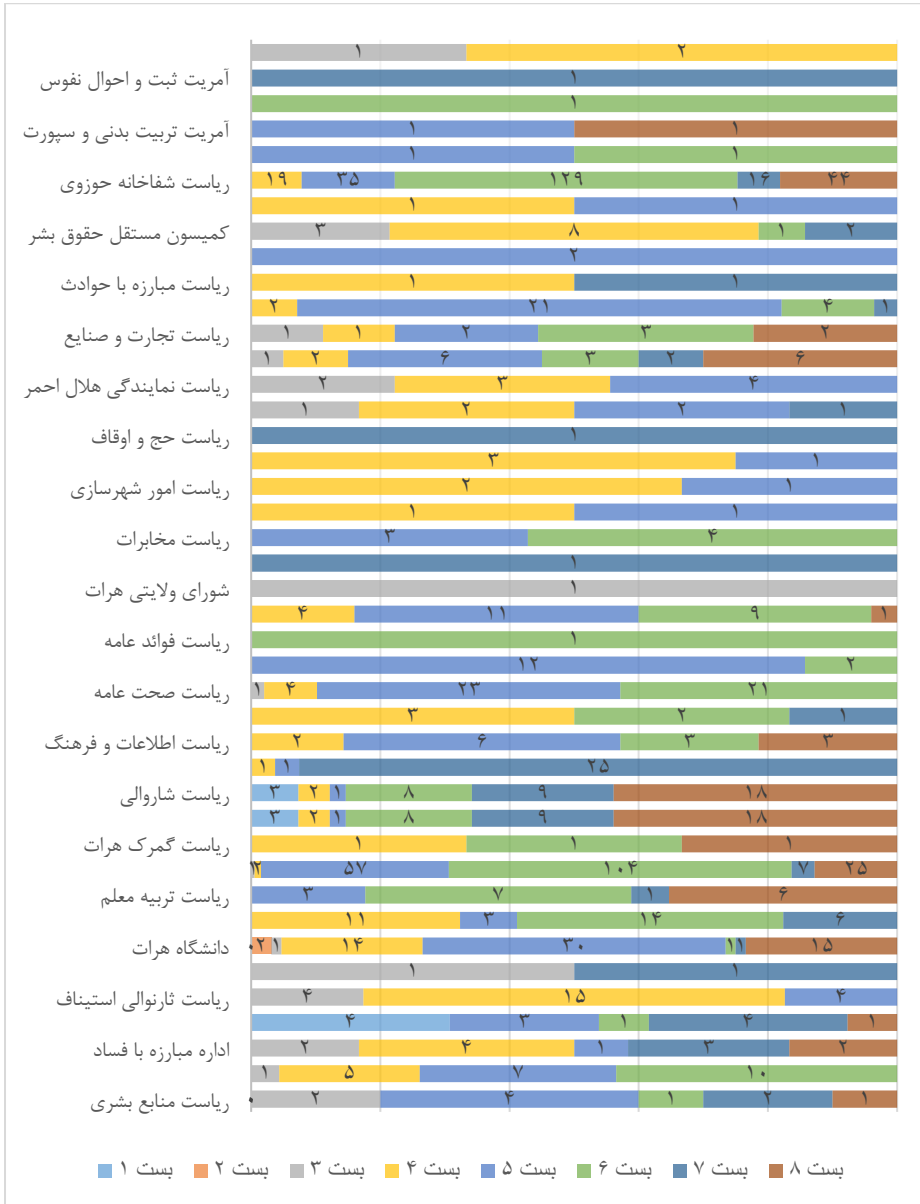
شماره	مشخصات	ذکور	اناث	مجموع
۱	معلمان رسمی	۷۱۷۳	۶۲۲۱	۱۳۳۹۴
۲	اجیران	۴۳۴	۱۹۱	۶۲۵
۳	معلمان حق الزحمه	۱۲۰۱	۱۰۵۲	۲۲۵۳
۴	آمرین مکاتب	۱۳۱	۶۳	۱۹۴
۵	مدیران	۳۴	۶	۴۰
۶	مامورین	۲۱	۶	۲۷
۷	مدیران اجرائیه	۲۱	۲۳	۴۴
۸	آمرین دیپارتمنت	۱۳۵	۱۳۱	۲۶۶
۹	سر معلمان	۷۲۱	۲۸۳	۱۰۰۴
۱۰	اجیران خدماتی	۱۱۷۲	۴۳۳	۱۶۱۵
	مجموعه	۱۱۰۵۳	۸۴۰۹	۱۹۴۶۲

منبع: ریاست معارف ولایت هرات

هرچند بر بنیاد آمارهای فوق مشارکت زنان در ادارات دولتی ولایت هرات، علی رغم فاصله داشتن از هدف تعیین شده (۳۰٪) نسبتاً امیدوار کننده به نظر می رسد، اما پرسش اصلی که همانا به قدرتمندی این مشارکت می پردازد هنوز بی پاسخ مانده است. از همین رو، بایستی این مشارکت را با مراجعه به شاخص های رهبری و نقش آنان در تصمیم گیری به چالش کشید. گراف ذیل حضور زنان در بست های مختلف اداری را در دوایر دولتی ولایت هرات به نمایش می گذارد. از داده های وارد شده در گراف چنین بدست می آید که مشارکت زنان در بست های یک، دو و سه که جزء بست های تصمیم گیری محسوب می شود بسیار کم رنگ است. از همین رو، هنوز نمی تواند وضعیت مشارکت زنان در دوایر دولتی را قدرت مند و قابل قبول ارزیابی نمود.

از طرفی، در ۱۹ ولسوالی ولایت هرات حدود ۱۵۶ کارمند و کارکن اداری در آمریت‌ها و مدیریت‌های مختلف دولتی کار می‌کنند که هیچ زنی در میان آن‌ها نیست، البته بدون در نظر داشت سکتور آموزش (معلمان). این نکته قابل تأمل است که در ولسوالی‌های هرات که حدود ۷۰ درصد از جمعیت شهر در آن‌جا ساکن اند، هیچ زنی در سازمان‌های دولتی کار نمی‌کند. (همان: ۸۹) این موضوع می‌تواند عوامل مختلفی داشته باشد چون کمبود فرصت‌های کاری رسمی در ولسوالی‌ها و رقابت شدید مردان برای تصاحب کرسی‌ها، ضعف فرهنگ کار زنان در محیط‌های مختلط و اداری با مردان، پایین بودن سطح تحصیل و تخصص دختران و زنان غیر شهری به دلیل دسترسی نداشتن به تحصیلات عالی و غیر عوامل ساختاری، سازمانی و فرهنگی.

نمودار ۹: حضور زنان در ادارات دولتی هرات با تفکیک بست‌ها



منبع: کارشناس جندر مقام ولایت هرات

تحقیقات نشان می‌دهد (کاوه: ۱۳۹۷) که عوامل رشد بطنی حضور قدرتمند زنان در ادارات دولتی این ولایت را می‌توان چنین دسته‌بندی نمود:

یک، بست‌های مهم ادارات دولتی براساس سلیقه‌های حزبی و سیاسی اشغال می‌شوند یا بر بنیاد پارتی و فساد معامله می‌شوند؛ طوری که رقابت آزاد و لیاقت در بسیاری موارد با امکان‌های غیردموکراتیک سلاخی می‌گردد. در این گیرودار، زنان معمولاً آسیب‌پذیرتر ظاهر می‌شوند. زیرا از یکسو، پشتوانه سیاسی آنان ضعیف است و از سوی دیگر استقلال اقتصادی ندارد تا بتوانند از رهگذر معامله به پست‌های فوق دست یازند. بی‌باوری به توانایی‌های زنان نیز در این وضعیت از میزان سرمایه‌گذاری سهام‌داران قدرت بر حمایت از زنان می‌کاهد. این وضعیت تنها در مورد حضور زنان در سطوح تصمیم‌گیری مصداق ندارد بلکه در تصدی بست‌های دون‌پایه‌تر نیز این وضعیت صادق است. البته شرایط مردان نیز شباهت‌های با وضعیت زنان در اشغال بست‌ها می‌تواند داشته باشد که در جای خود بحث دارد.

دو، آن تعداد زنانی که بربال موج‌های جریان‌ات سیاسی قدرتمند سوار گردیده، به بست‌های بالای اداری می‌رسند، یا آن‌هایی که در فرایند معاملات اقتصادی مبتنی بر فساد اداری و زدوبند‌های رفاقتی (پارتی) وارد بست‌های تصمیم‌گیری می‌شوند و یا کسانی که با خوش‌اقبالی بر اساس توانایی‌های فردی‌شان طی فرایند قانونی استخدام می‌گردند، به اشکال مختلف در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت داده نمی‌شوند؛ طوری که در اغلب موارد آن‌ها توسط همکاران مردشان عمداً نادیده گرفته می‌شوند و در مواردی نیز خود زنان علی‌رغم داشتن جایگاه اداری بالا در مداخلات شان محتاط عمل می‌نمایند. این محافظه‌کاری‌ها می‌تواند از سه مقوله ناشی گردد: یک، چنانچه گفته شد، بسیاری از زنان از طریق جریان‌های سیاسی مردانه وارد سطوح تصمیم‌گیری می‌شوند. بنابراین، آنها در بسیاری موارد مجبورند براساس خواست‌های حامیان سیاسی شان عمل نموده، قادر به طرح مباحث جنسیتی که در راستای دورنمای حزبی و سمتی شان قرار نمی‌گیرند، نباشند. دو، بعضی از زنان محافظه‌کاری می‌کنند تا مقام شان را از دست ندهند. از همین‌رو، هر قدمی برمی‌دارند قبل از تثبیت جایگاه زنان به عنوان یک کل، استحکام جایگاه شغلی شان اولویت دارد که البته با توجه به مشقت‌هایی که زنان در مسیر بدست آوردن جایگاه‌های منظور تحمل می‌نمایند، این محافظه‌کاری قابل درک می‌باشد. سه، سال‌ها محرومیت و جنس دوم بودن، اعتماد به نفس و

خودباوری زنان را از بین برده است. طوری که بسیاری از زنان کارمند چنان می‌نمایند که گویی در مقایسه با همکاران مردشان ناتوان‌ترند. این قلت اعتماد به نفس از میزان مخاطره زنان می‌کاهد؛ طوری که آنان با ترس از پیامدهای تصمیم‌گیری شان و تهدیدهای احتمالی، از درگیر شدن به فرایند تصمیم‌گیری حذر نموده، این مسئولیت را به دوش همکاران مردشان می‌گذارند. البته باید خاطر نشان نمود که هستند زنانی که با جرأت در تصمیم‌گیری‌ها مداخله نموده و در بسیاری موارد خودشان را بر همکاران مردشان تحمیل می‌نمایند.

سه، فرایند ارتقاء شغلی زنان همواره با چالش‌های جدی مواجه است؛ طوری که فضای مردسالار حاکم بر نظام ارزیابی از عملکرد کارمندان ادارات دولتی و قابلیت ناشی از نگاهی جنسی به زنان، زمینه را برای سوءاستفاده مردان و زیر فشار قرار گرفتن زنان مساعد می‌سازد. در واقع، روایت‌های شفاهی زنان کارمند در ادارات دولتی نشان می‌دهد که عملکرد زنان معمولاً از سوی کارمندان مرد جدی گرفته نمی‌شود و در فرایند ارزیابی نیز بدان‌ها بها داده نمی‌شود. از طرفی، بست‌های بالا معمولاً مستلزم مسافرت‌های کاری در خارج از ولایت و حتی کشور می‌باشد. زنان با توجه به برداشت‌های فرهنگی-کلیشه‌ای از مسافرت زنان و چالش‌های خانه‌داری و بچه‌داری، مناسب چنین جایگاه‌های پنداشته نمی‌شوند و حتی در مواردی دیده شده است که بدون در نظر داشت کارگزاران زن، امتیازات مسافرتی آنها از سوی کارگزاران مرد به مردان دیگر داده شده است و مهم‌ترین توجیه آن بی‌علاقه‌گی زنان به این امتیازات عنوان گردیده است.

سکتور خصوصی

اقتصاد همواره منبعی برای قدرت تلقی می‌گردد (گیدنز، ۱۳۸۹: ۴۱۰). از همین‌رو، توانمندسازی اقتصادی زنان می‌تواند زمینه مشارکت همه‌جانبه زنان را مساعد سازد. متأسفانه داده‌های روشن و قابل اعتبار و اعتمادی در بخش میزان مشارکت زنان و مردان در سکتور خصوصی در دست نیست و داده‌های موجود هم پرتناقض و گاه غیرواقعی به نظر می‌رسد. براساس آمارهای ارائه شده توسط ریاست تجارت و صنایع ولایت هرات، در حال حاضر حدود ۲۵۰۰۰ نیروی کار در فابریکه-های تولیدی در شهرک صنعتی (۳۲۰ فابریکه) استخدام گردیده‌اند و مصروف کاراند که از آن‌ها حدود ۲۵٪ را زنان تشکیل می‌دهند. همچنان در این ریاست ۸۰۰۰ تاجر و سرمایه‌دار ثبت

گردیده‌اند که حدود ۵۸ تن خانم تجارت‌پیشه نیز در این میان ثبت اتاق‌های تجارت و صنایع زنان گردیده‌اند. (ریاست اقتصاد ولایت هرات، ۱۳۹۷: ۶۱) وضعیت مشارکت اقتصادی زنان در ولایت هرات را باید در سطح ابتدایی در نظر گرفت. علی‌رغم نبود آمارهایی که بتوان توانمندی اقتصادی زنان را با مردان مقایسه نمود، برداشت کلی این ریاست عنوان می‌کند که وضعیت تجارت زنان با مردان اصلاً قابل مقایسه نیست. بر اساس داده‌های اتاق تجارت و صنایع زنان ولایت هرات، در کل، ۲۲۰ بانوی تاجر در این ریاست لیست گردیده‌اند که ۳۰ تن آن‌ها جواز از ریاست تجارت و متباقی جواز صنفی، شاروالی، پیشه‌وران، کار و امور اجتماعی و عدلیه دارند. زنان در کارآفرینی نیز فعال می‌باشد؛ طوری که تجارت‌های زنان به صورت متوسط حدود ۱۵-۵۰ نفر را شاغل می‌سازند و شرکت‌های زعفران زنان در مقاطع مشخص حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ بانو به اشتغال می‌کشاند.

علی‌رغم دستاوردهای قابل توجه زنان در سکتور اقتصاد در ولایت هرات (در مقایسه با آغاز نظام جدید ۲۰۰۱)، هنوز تجارت آن‌ها در سطح محلی، ملی و بین‌المللی با چالش‌های جدی مواجه‌اند. براساس داده‌های به دست آمده از کارگزاران اقتصادی زنان، محصولات تولید شده در تشبثات اقتصادی زنان معمولاً به دلیل ناسازگاری با استندردهای بین‌المللی قادر به حضور در بازارهای جهانی نیستند و از همین‌رو، فرصت درخشش در سطح بین‌المللی را از دست می‌دهند. در بازارهای داخلی نیز به دلیل گزاف شدن مواد اولیه، محصولات بانوان قادر به رقابت با محصولات خارجی نیستند و از همین‌رو زنان معمولاً در بازاریابی با چالش‌های زیادی مواجه‌اند. نبود شهرک صنعتی برای تجار زن چالش جدی دیگری است که مشارکت زنان در اقتصاد را تهدید می‌نماید.

به علاوه، در ولایت هرات ۱۵۲ مؤسسه غیردولتی فعال‌اند که از این میان ۱۱۷ مؤسسه داخلی و ۳۴ مؤسسه دیگر خارجی‌اند. در مجموع ۲۶۸۳ تن کارمند مصروف ایفای وظیفه‌اند که از این میان ۱۶۸۳ تن مردان و ۱۰۰۰ تن دیگر زنان می‌باشند (ریاست اقتصاد ولایت هرات، ۱۳۹۷: ۸۰).

آموزش زنان هرات

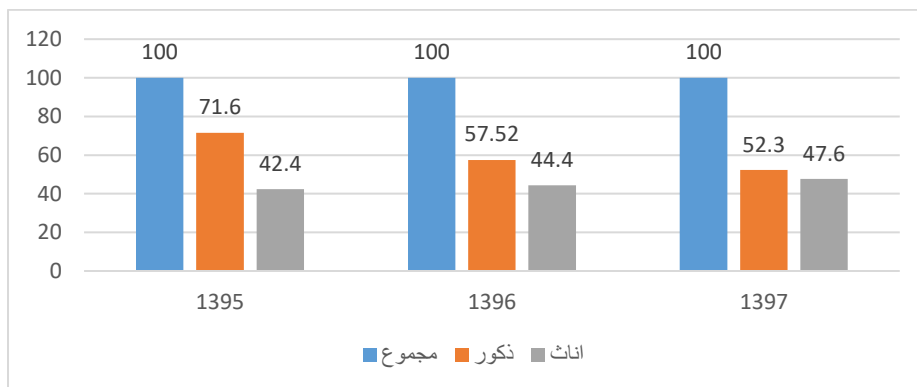
در ولایت هرات، بین کسانی که از ۱۰ سال به بالا‌اند و توانایی نوشتن جملات ساده را دارند، به صورت عمومی ۴۷.۹٪ با سواد هستند که مردان ۵۵.۴٪ و زنان ۴۰.۵٪ را شکل می‌دهند. در واقع، هرات بعد از کابل و کاپیسا سومین ولایت با سطح سواد بالا به حساب می‌آید. در بین افراد ۲۵

ساله و بالاتر، ۷۳.۵٪ بی سواد هستند که زنان ۸۳.۹٪ و مردان ۶۳.۴٪ می باشند. زنان در ولایت هرات در مقایسه با مردان کمتر احتمال داشته که به مکتب بروند. قسمی که ۴ در هر ۵ زن ۲۵ ساله و به بالاتر هیچ صنف یا درجه‌ای را تکمیل نکرده‌اند. تقریباً همه زنان ۲۵ ساله و بالاتر در هشت ولسوالی ولایت هرات به مکتب نرفته‌اند (۹۱.۲٪ در گذره و ۹۸.۶٪ در چشت شریف یا شهر هرات ۷۲.۶٪ و ولسوالی کهسان ۸۸.۸٪) (اداره احصائی مرکزی، ۱۳۹۷).

در این بخش وضعیت زنان در دو وزارت معارف و تحصیلات عالی بررسی می گردد. طوری که ابتدا به وضعیت زنان در تحصیلات عالی، سپس به مشارکت زنان در سکتور معارف در ولایت هرات بررسی می گردد.

بر اساس آمار گرفته شده از دانشگاه هرات و مقایسه میزان حضور دانشجویان طی سال‌های ۱۳۹۵، ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ در دانشگاه دولتی هرات نشان می دهد که رقم دانشجویان دختر در دانشگاه هرات رشد نموده است. طوری که در سال ۱۳۹۵ مجموعاً ۱۵۵۶۱ دانشجو در دانشگاه هرات تحصیل می نمودند که ۶۶۰۹ تن آنان را دختران شکل می داد. در سال ۱۳۹۶ از مجموع ۱۵۲۵۸ دانشجو، ۶۷۷۷ تن را دختران تشکیل می داد. در حالی که در سال ۱۳۹۷ این رقم ۷۳۳۸ تن از ۱۵۳۹۹ دانشجو می باشد. در نمودار زیر تفاوت مورد نظر به فیصدی نشان داده می شود.

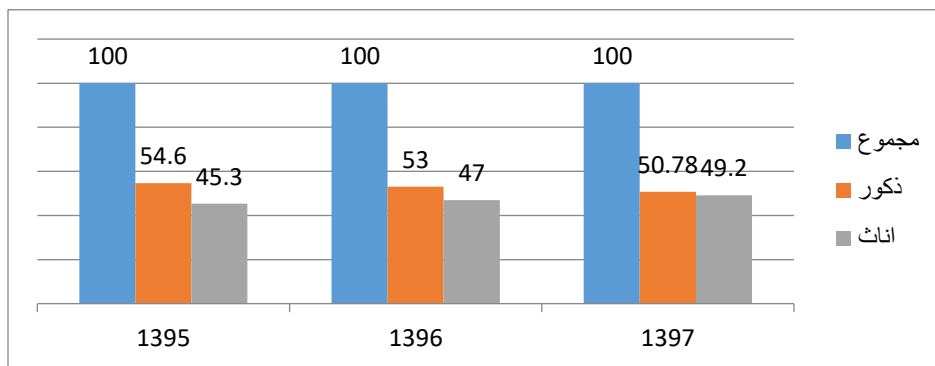
نمودار ۱۰: فیصدی دانشجویان در دانشگاه هرات با تفکیک جنسیت در سالهای ۹۵ تا ۹۷



منبع: دانشگاه هرات

در نرخ دانشجویان جدیدالشمول نیز رشد نسبی مشاهده می‌گردد. به گونه‌ای که در سال ۱۳۹۵ از ۴۲۵۹ دانشجوی جدیدالشمول، ۱۹۳۰ تن دختر گزارش گردیده است. این رقم در سال ۱۳۹۶ از ۴۱۶۱ تن، ۱۹۵۶ است. در سال ۱۳۹۷ تعداد دانشجویان جدیدالشمول دختر ۲۱۳۱ تن از مجموع ۴۳۳۰ بوده است. در جدول ذیل، تغییرها به فیصدی نشان داده می‌شود.

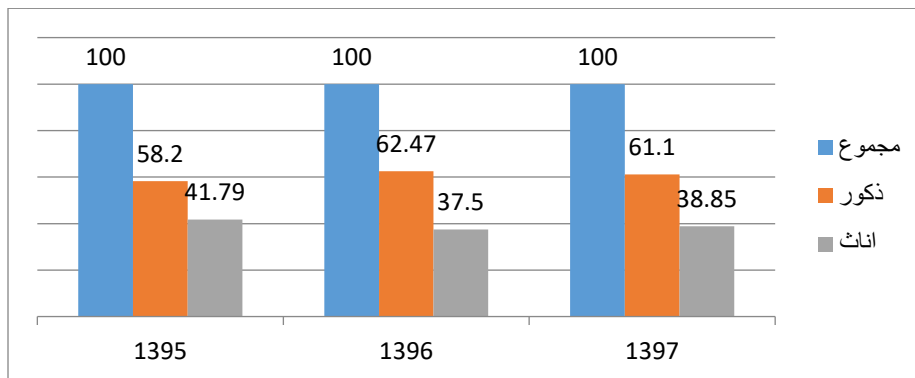
نمودار ۱۱: فیصدی جدیدالشمولان در دانشگاه هرات با تفکیک جنسیت در سالهای ۹۵ تا ۹۷



منبع: دانشگاه هرات

در رقم فارغان سال‌های ۱۳۹۵، ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ از دانشگاه هرات نیز میزان فارغان اناث کاهش نسبت به سال ۱۳۹۵ داشته است. طوری که در سال ۱۳۹۵ مجموعاً ۲۴۱۹ دانشجو فارغ‌التحصیل گردیده است که از آن، ۱۰۱۱ تن را دختران شکل می‌دهد. در سال ۱۳۹۶ این رقم به ۱۰۷۸ تن از ۲۸۷۳ فارغ‌التحصیل می‌رسد. در سال ۱۳۹۷ رقم مذکور ۱۴۲۳ از مجموع ۳۶۶۲ دانش‌آموخته است. در نمودار ذیل، این ارقام به فیصدی نشان داده می‌شود.

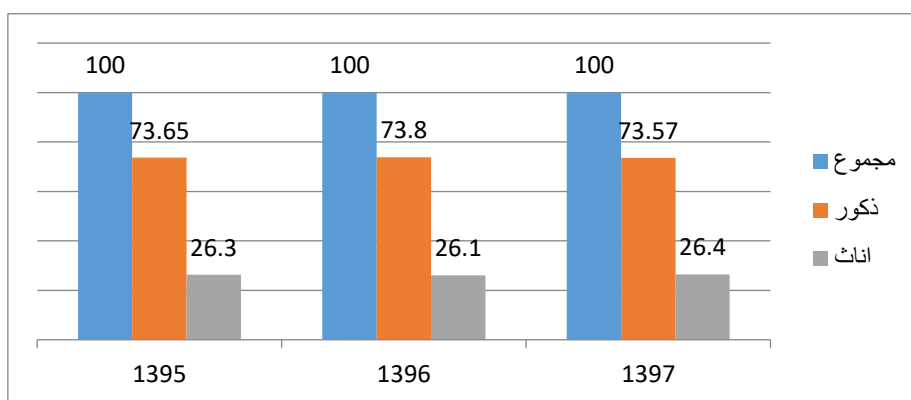
نمودار ۱۲: فیصدی فارغان دانشگاه هرات با تفکیک جنسیت در سالهای ۹۵ تا ۹۷



منبع: دانشگاه هرات

تعداد استادان در دانشگاه هرات اندکی از سطح ملی بالاتر بوده (۲۶ درصد) و طی سالهای ۱۳۹۵، ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ تغییری نکرده است؛ طوری که در سال ۱۳۹۵ از ۴۱۰ استاد ۱۰۸ تن را زنان تشکیل می‌داد. در سال ۱۳۹۶ این رقم علی‌رغم اضافه شدن ۳ استاد، ثابت می‌ماند. در سال ۱۳۹۷ تعداد استادان زن ۱۱۶ تن از مجموع ۴۳۹ استاد را شکل می‌دهند. در نمودار ذیل این ارقام به فیصدی آمده است.

نمودار ۱۳: فیصدی استادان دانشگاه هرات با تفکیک جنسیت



منبع: دانشگاه هرات

در جدول ذیل، با استفاده از آمار سالنامهٔ احصائیه‌وی ۱۳۹۷، تعداد استادان، دانشجویان و دانشجویان جدیدالشمول در موسسات تحصیلات عالی خصوصی در ولایت هرات با تفکیک جنسیت و موسسات درج گردیده است. نکتهٔ قابل تأمل در آمار و درصد دانشجویان اناث دانشگاه‌های خصوصی وجود دارد تفاوت آن با دانشگاه دولتی است. در حالی که در دانشگاه دولتی هرات نزدیک به پنجاه درصد (۴۷٫۶ درصد) را دختران تشکیل می‌دهند در دانشگاه‌های خصوصی فقط نهایتاً تا ۲۷ درصد دختران درس می‌خوانند. یکی از این عوامل را می‌توان به نفس خصوصی بودن و هزینه داشتن دانشگاه‌های خصوصی دید که به نظر می‌رسد خانواده‌ها، به تناسب پسران، کمتر حاضر اند روی تحصیل دختران خود سرمایه‌گذاری نمایند. البته عوامل دیگری هم در این میان دخیل است که نباید نادیده گرفت. در بخش استادان هم این تفاوت دیده می‌شود. در حالی که درصد استادان زن در دانشگاه هرات حدود ۲۶ درصد است، در دانشگاه‌های خصوصی فقط ۱۸ درصد استادان را خانم‌ها تشکیل می‌دهند. شاید یکی از عوامل آن سطح پایین تحصیل بسیاری از خانم‌های تحصیل کرده (لیسانس) باشد و عامل دیگر، رقابت شدیدتر روی بست‌های استادان دانشگاه‌های خصوصی و تمایل مردان به خالی نکردن این میدان به زنان. البته عوامل دیگری هم می‌تواند در این میان دخیل باشد.

جدول ۱۴: مشارکت در دانشگاه‌های خصوصی هرات با تفکیک جنس در سال ۱۳۹۷

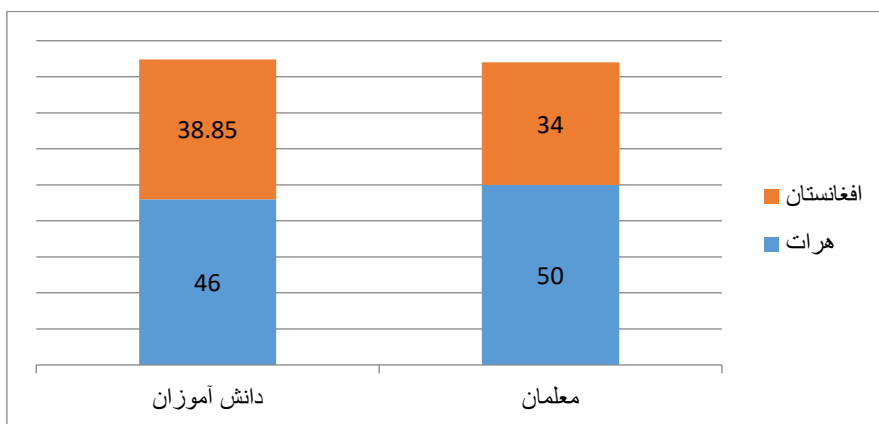
استادان			جدیدالشمولان			محصلان			دانشگاه / موسسه
مجمو	ذکور	اناث	مجمو	ذک	اناث	مجمو	ذکور	اناث	
۱۵۰	۱۲۲	۲۸	۱۰۵۱	۸۰	۲۴۳	۲۷۴۵	۱۹۵	۷۹۳	دانشگاه غالب
۱۲۵	۱۱۳	۱۲	۷۲۸	۶۱	۲۱۱	۲۱۴۲	۱۵۲	۶۲۱	دانشگاه جامی
۱۲۰	۱۰۷	۱۳	۵۵۶	۴۱	۱۴۰	۱۵۲۰	۱۱۳	۳۸۲	کپکشان شرق
۱۳۳	۹۶	۳۷	۲۷۷	۲۰	۶۸	۸۵۵	۶۴۰	۲۱۵	هریوا
۲۴	۲۰	۴	۱۵۳	۱۴	۸	۳۶۶	۳۳۰	۳۶	عاطفی
۷۴	۶۶	۸	۵۵۱	۴۵	۹۵	۱۵۵۰	۱۲۳	۳۱۸	آسیا
۵۲	۵۰	۲	۲۴۲	۲۱	۳۲	۴۷۲	۴۰۲	۷۰	خواجه عبدالله

۳۳	۹۰	۱۲۳	۴۱	۸۱	۱۲۲	۱۲۶	۳۲۱	۴۴۷	الغیث
۲۲	۶۱	۸۳	۱۰۲	۱۵	۲۵۶	۴۵۶	۴۸۲	۹۳۸	اشراق
۱۵۹	۷۲۵	۸۸۴	۹۴۰	۳۰	۳۹۳۶	۳۰۱	۸۰۱	۱۱۰۳	مجموع
۱۸.۰	۸۲.۰		۲۳.	۷۸.		۲۷.	۷۲.۷		درصد

منبع: اداره ملی احصائیه و معلومات

در سال ۱۳۹۷ از مجموع دانش‌آموزان تعلیمات عمومی، ۴۶ درصد را دختران شکل می‌داد. در حالی که فیصدی ملی ۳۸.۸۵ است. بر اساس این آمار، مشارکت در دختران در تعلیمات عمومی بالاتر از نسبت ملی است. از سویی، فیصدی معلمان اناث در ولایت هرات ۵۰ درصد است که از نسبت ملی (=۳۴٪) بالاتر است و می‌توان گفت از نظر صوری به تعادل جنسیتی رسیده است.

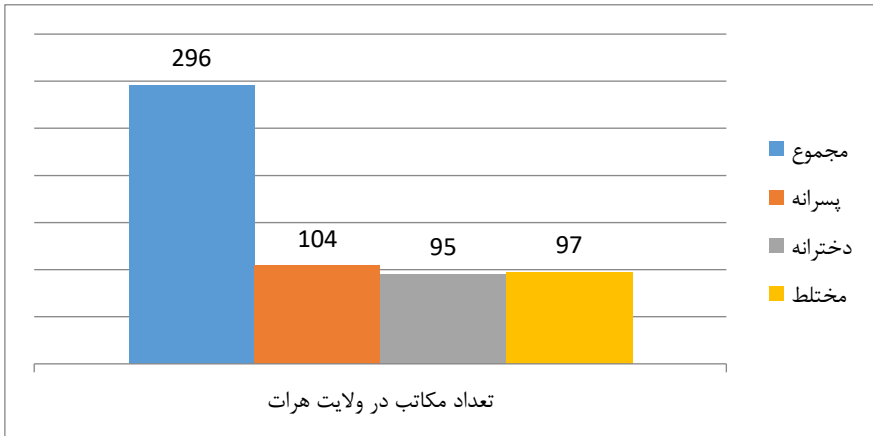
نمودار ۱۵: مقایسه فیصدی دانش‌آموزان و معلمان اناث هرات و افغانستان



منبع: ریاست معارف ولایت هرات

در ولایت هرات ۲۹۶ باب مکتب وجود دارد که از آن جمله، ۱۰۴ مکتب ذکور، ۹۵ مکتب اناث و ۹۷ باب دیگر مختلط (دخترانه و پسرانه) است.

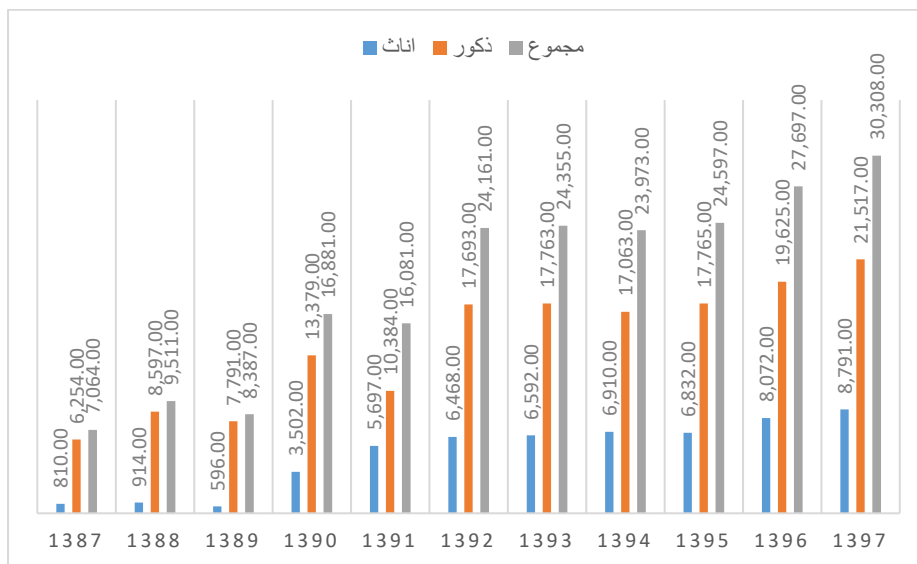
نمودار ۱۶: تعداد مکاتب در هرات



منبع: ریاست معارف ولایت هرات

در گراف ذیل حضور زنان در مدارس دینی ثبت شده در ریاست معارف ولایت هرات نشان داده می شود که شامل دارالعلوم های دولتی و خصوصی، مدارس دینی دولتی و خصوصی می گردد. براساس داده ها، حضور زنان طی سال های ۱۳۸۷-۱۳۹۷ رشد بطنی داشته است؛ طوری که در سال ۱۳۸۷ از مجموع ۷۰۶۴ دانش آموز فقط ۸۱۰ دختران بودند که حدود ۱۱.۴ درصد می گردد. این رقم در سال ۱۳۹۷ ۲۹ درصد می گردد. مسئله دیگر به حضور زنان در مدیریت مدارس راجع می گردد که علی رغم نبود ارقام رسمی، داده های غیررسمی حاکی از عدم حضور زنان در این سطوح می باشد. آماری دقیقی از تعداد آموزگاران مدارس با تفکیک جنسیت در دسترس نیست که این نیز قضاوت درباره جایگاه زنان در سکتور آموزش دینی در این ولایت را به مشکل مواجه می سازد. البته براساس ارقام بدست آمده از ریاست معارف از ۶۰۷ آموزگار مدارس دینی، ۱۵۸ تن زنان هستند. به علاوه، در ولایت هرات مدارس غیررسمی نیز فعالیت دارد که آمار و ارقام قابل اعتماد در مورد مشارکت زنان در این سنخ از مدارس در دسترس نیست.

نمودار ۱۷: تعداد دانش‌آموزان مدارس دینی ولایت هرات



منبع: ریاست معارف ولایت هرات

صحت زنان هرات

براساس آمار ریاست صحت عامه ولایت هرات در سال ۱۳۹۷، ۱۲۳ مرکز صحتی (شامل شفاخانه‌ها و مراکز صحتی ثابت) در مرکز و ولسوالی‌های ولایت هرات وجود دارد که تقریباً ۹۵٪ از جمعیت این ولایت را پوشش می‌دهد.

جدول ۱۵: لیست مراکز صحتی در ولایت هرات

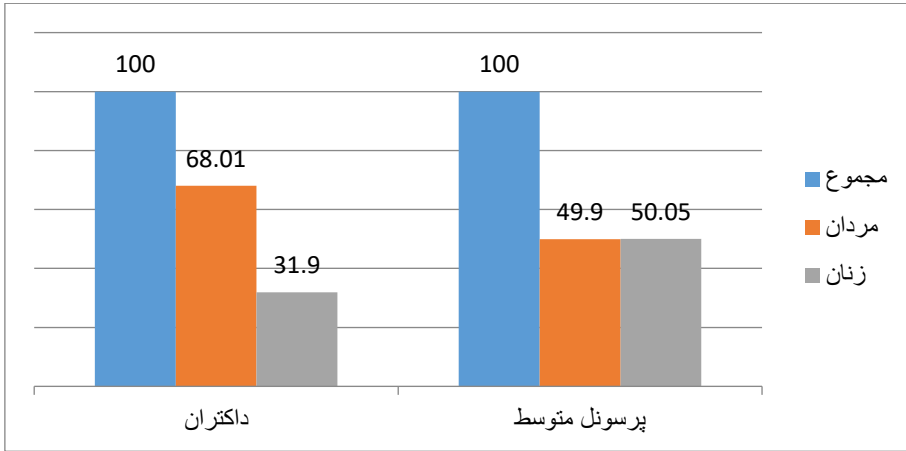
شفاخانه جوزوی	۱
شفاخانه چشم	۱
شفاخانه ولسوالی	۴
مرکز صحتی جامع	۲۸
مرکز صحتی اساسی	۳۶
مرکز صحتی فرعی	۳۲
تیم صحتی سبیل	۷
خانه صحتی روستایی	۹
شفاخانه معتادان، کلینیک صحت	۵
مجموع	۱۲۳

منبع: ریاست صحت عامه ولایت هرات

به علاوه مراکز صحتی، به تعداد ۱۱۴۷ پسته صحتی در سطح ولایت و قریه‌ها فعالیت دارند که هر کدام با داشتن یک مرد و یک زن رضاکار خدمات صحتی را برای مردم قریه ارائه می‌کند (ریاست اقتصاد ولایت هرات، ۱۳۹۷: ۴۴). تعداد مجموعی شفاخانه‌های دولتی و خصوصی ۴۵ باب است که از آن، ۷ شفاخانه دولتی و متباقی خصوصی اند. تعداد زایشگاه‌ها در کل ولایت ۱۲۴ باب است که در این میان، ۱۰۹ زایشگاه دولتی و ۱۵ زایشگاه دیگر خصوصی می‌باشند و در آن‌ها تعداد ۴۱۷ قابله فعالیت می‌کنند.

بر اساس ارقام سال ۱۳۹۷، در شفاخانه حوزه‌وی هرات، ۳۴۷ دکتر وجود دارند که از این رقم تعداد ۲۳۷ تن ذکور و ۱۱۱ تن دیگر اناث می‌باشند. از مجموع ۹۴۵ تن کارمند متوسط ۴۷۲ تن ذکور و ۴۷۳ تن دیگر را زنان شکل می‌دهند. این آمارها نشان می‌دهد که حضور دکتران زن نسبت به دکتران مرد کم است و با توجه به بافت‌های اجتماعی و جمعیت‌شناختی ساکنان هرات و میزان جمعیت روستایی آن (بیش از ۶۰٪)، نبود و کمبود دکتر زن می‌تواند برای وضعیت صحتی زنان خطرآفرین باشد. ضمناً، حضور پررنگ زنان در میان کارمندان متوسط حکایت از این واقعیت دارد که کماکان مردان قدرت بیش‌تر در سکتور صحت دارد و زنان جمعیت بیش‌تر در میان کارمندان متوسط یا کم‌تر قدرتمند حضور دارند.

نمودار ۱۸: فیصدی دکتران و پرسونل صحتی در ولایت هرات با تفکیک جنسیت



منبع: ریاست صحت عامه ولایت هرات

استفاده از روش‌های جلوگیری از باروری نیز در ولایت هرات در بین سال‌های ۱۳۹۵، ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ متحول است. طوری که در سال ۱۳۹۵ حدود ۱۴۱۲۳۸ بار از روش‌های فوق استفاده گردیده است. این رقم در سال ۱۳۹۷ حدود ۱۳۲۴۰۲ مرتبه گزارش گردیده است. در سال ۱۳۹۷ رقم مذکور ۱۲۴۸۴۸ بوده است که ارقام فوق نشانگر کاهش استفاده از روش‌ها طی ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ است. هرچند استفاده از روش‌های ضد بارداری ضرورتاً نشان‌دهنده قدرت زنان نیست. ممکن است مردان علی‌رغم میل زنان به این کار مبادرت ورزند، اما می‌تواند از بهبود وضعیت صحتی زنان حکایت کند. با وجود این، دسترسی محدود روستا نشینان می‌تواند نشان دهد که کاربرد این روش‌ها بیشتر در بین شهرنشینان رایج است؛ در حالی که میزان بالای زاد و ولد در بین روستاییان بیش‌تر مسئله است. در جدول ذیل این تفاوت را می‌دهد.

جدول ۱۶: استفاده از ابزارهای جلوگیری در سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷

۱۳۹۷	۱۳۹۶	۱۳۹۵
۱۲۴۸۴۸	۱۳۲۴۰۲	۱۴۱۲۳۸

منبع: ریاست صحت عامه ولایت هرات

در سال ۱۳۹۷ حدود ۱۴۷۶۳۷ مادر از دو دور واکسین تیتانوس مستفید گردیده‌اند و تعداد ولادت‌های که در حضور کارمند صحت تربیت‌شده صورت گرفته است نیز ۶۸۶۳۴ گزارش شده است. تعداد مراقبت‌های بعد از ولادت ۸۳۴۵۰ مورد و مراقبت‌های قبل از ولادت نیز ۶۱۰۰۸ گزارش گردیده است. این ارقام در مقایسه با جمعیت بیش از سه میلیون ولایت هرات که غالب آنان در روستاها به سر می‌برند، قابل بحث است. در جدول ذیل این ارقام به نمایش درآمده است.

جدول ۱۷: دسترسی مادران به خدمات صحت

مراقبت‌های قبل ولادت	مراقبت‌های بعد ولادت	حضور کارمند صحت تربیت‌شده در هنگام ولادت	دو دور واکسین تیتانوس برای مادران
۶۱۰۰۸	۸۴۳۵۰	۶۸۶۳۴	۱۴۷۶۳۷

منبع: ریاست صحت عامه ولایت هرات

از طرفی، براساس آمارهای ریاست صحت عامه ولایت هرات، ۲۷۳ مأمور ریاست صحت عامه ۴۹ تن را زنان و ۱۸۷ کارمند خدماتی ۵ تن را زنان شکل می‌دهند. در ریاست انستیتوت علوم صحت از ۲۹ مأمور ۱۴ تن را زنان شکل می‌دهند و در میان ۱۲ کارمند خدماتی نیز یک زن دیده می‌شود. در ریاست شفاخانه حوزوی نیز میزان حضور زنان در بین ۶۱۶ مأمور و از ۲۴۵ کارمند خدماتی ۶۵ تن را بانوان شکل می‌دهند. در ریاست مبارزه با مواد مخدر هیچ زنی شاغل نیست. در ریاست حفاظت محیط زیست ۴ زن در میان ۲۵ کارمند و کارکن حضور دارند. از ارقام فوق نیز چنین برمی‌آید در سکتور صحت زنان قدرت کافی ندارند تا بتوانند در روند سیاست‌سازی و تطبیق پالیسی‌ها مداخله کنند.

آمار عمومی ولادت‌ها در حضور پرسونل ماهر صحتی در سطح کشور در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۳ به ترتیب ۴۰ و ۴۵.۲ درصد است در حالی که در ولایت هرات در همین دو سال به ترتیب ۳۳.۱ و ۴۲.۵ است که اندکی از میانگین ملی پایین‌تر است. (اداره مرکزی احصائیه، ۱۳۹۶: ۳۰)

جدول ۱۸: دسترسی مادران به خدمات صحتی در هنگام ولادت

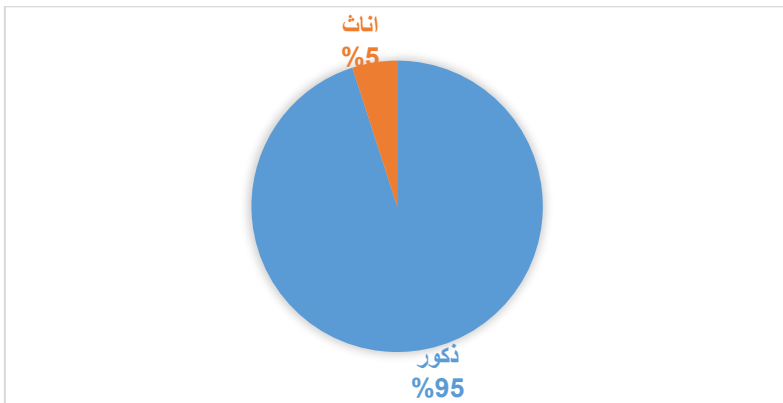
ملی ۱۳۹۳	۱۳۹۳	۱۳۹۱	۱۳۸۷	
۴۶.۴	۴۳.۶	۳۴.۶	۲۳	ولادت‌های انجام شده با حضور قابله‌های ماهر
۶۲.۶	۷۶.۲	۶۴.۹	۳۷.۱	دسترسی به مراقبت‌های مسلکی قبل از ولادت

منبع: اداره ملی احصائیه و معلومات

جدول فوق، گرچه دسترسی به مراقبت‌های صحتی قبل از ولادت در ولایت هرات نسبت به میانگین ملی در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۳ بالاتر است و نشان از بهبود وضعیت می‌باشد، حضور قابله‌های ماهر در هنگام ولادت از میانگین ملی (=۴۶.۴٪) پایین‌تر است (۴۳.۶٪).

در بعد دیگر صحت، حضور زنان در فعالیت‌های صحتی مانند ورزش است؛ طوری که براساس آمارها، در سال ۱۳۹۷ در ولایت هرات ۳۲۱۰۰ ورزشکار حضور دارند که از این رقم، فقط ۱۶۰۰ را زنان شکل می‌دهند و متباقی را مردان. در حالی که از مجموع ۹۰ مربی، هیچ زنی دیده نمی‌شود. از این ارقام نیز بر می‌آید که زنان در ورزش نیز به اندازه کافی قدرت ندارند. نمودار ذیل این تفاوت‌ها را براساس فیصدی نشان می‌دهد.

نمودار ۱۹: تعداد ورزشکاران در ولایت هرات با تفکیک جنسیت



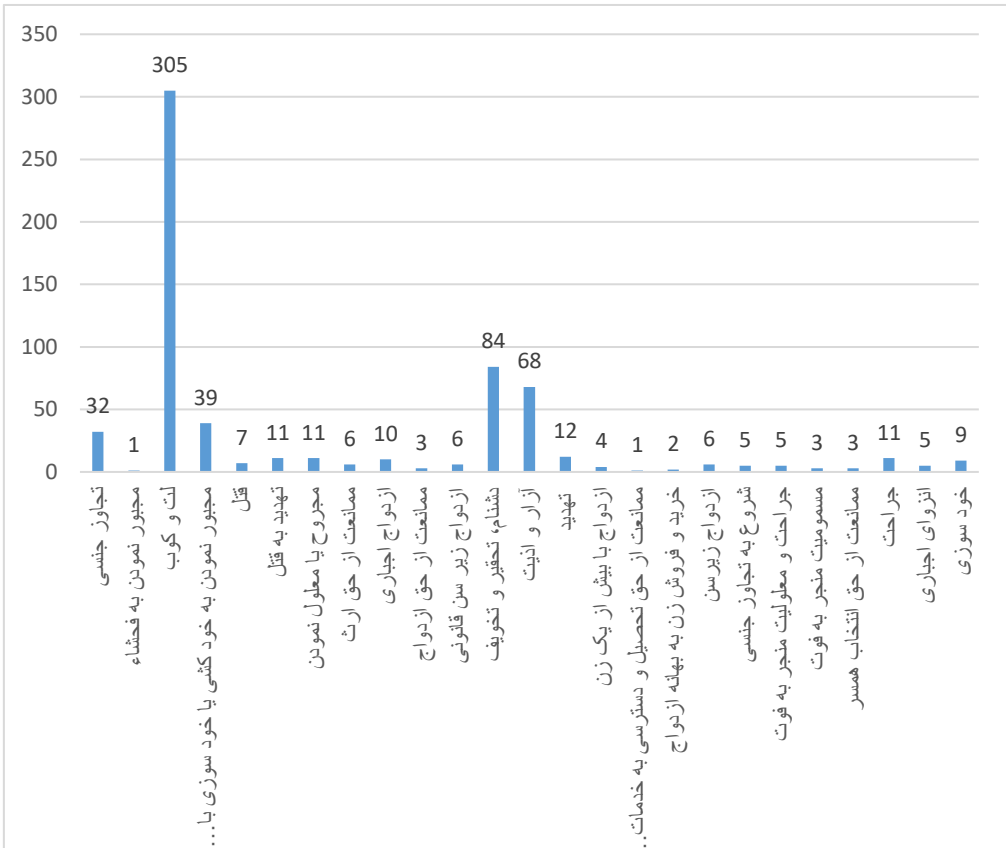
منبع: آمریت ورزشی ولایت هرات

بعد مهم دیگر میزان دسترسی زنان به محیط‌های مناسب برای تفریح و سرگرمی می‌باشد و با توجه به ساختار سنتی اجتماعی-فرهنگی هرات، وجود مکان‌های امن برای تفریح زنان می‌تواند بیان‌گر میزان دسترسی زنان به تفریح باشد؛ طوری که در ولایت هرات تنها دو باغ زنانه وجود دارد: گوهرشاد بیگم و باغ شمیره. این دو باغ بدون تردید نمی‌تواند برای تمام زنان شهر هرات قابل دسترس باشد.

خشونت علیه زنان

در سال ۱۳۹۷ در ولایت هرات ۶۴۰ مورد خشونت در منابع ذی‌ربط ثبت گردیده است که در این میان، ۳۰۵ مورد لت و کوب، ۸۴ مورد دشنام، تحقیر و تخویف، ۶۸ مورد آزار و اذیت، ۳۲ مورد قتل و متباقی را سایر مصداق‌های خشونت علیه زنان شکل می‌داد. این ارقام از آدرس منابع رسمی نشر گردیده است و فقط قضایایی را پوشش می‌دهد که عملاً در مراجع رسمی ثبت گردیده است. در حالی که با توجه به پیچیدگی فرایند ثبت و پیگیری قضایا برای زنان در کنار موانع فرهنگی اجتماعی دیگر، میزان واقعی خشونت علیه زنان را بسیار بالا قابل تصور می‌سازد. در گراف ذیل ارقام مذکور به نمایش درآمده است.

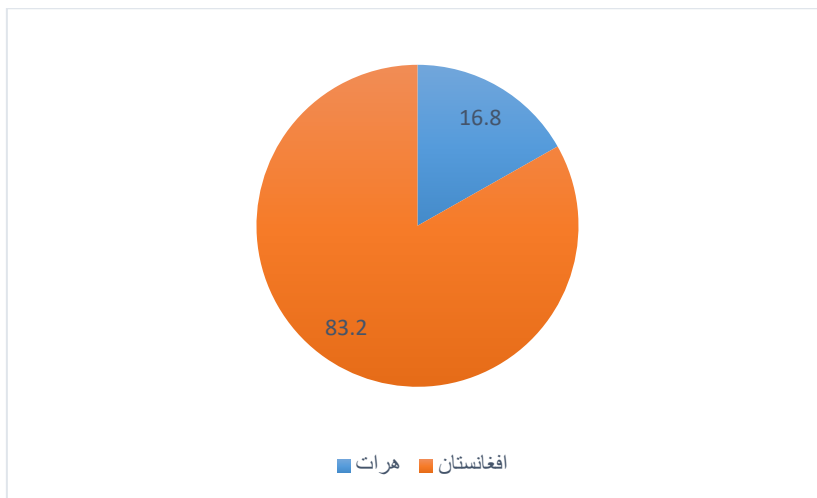
نمودار ۲۰: خشونت علیه زنان در ولایت هرات در سال ۱۳۹۷



منبع: ریاست امور زنان ولایت هرات

در سال ۱۳۹۷ در کل ولایات افغانستان ۳۸۰۶ مورد خشونت به وقوع پیوسته است که در شکل ذیل مقایسه فیصدی آن با ارقام مربوط خشونت در ولایت هرات در نمودار ذیل ارائه می‌گردد. از مقایسه فوق بر می‌آید که ولایت هرات بالاترین رقم خشونت را در بین ولایات کشور دارد. هرچند احتیاط در تحلیل آماری این‌چنینی لازم است.

نمودار ۲۱: مقایسه فیصدی خشونت علیه زنان در هرات و افغانستان در سال ۱۳۹۷



منبع: اداره ملی احصائیه و معلومات

بخش دوم: جایگاه و توانمندی زنان هرات در خانواده

توصیف و تحلیل داده‌های تحقیق پیمایشی

این بخش به توصیف و تحلیل داده‌های به دست آمده از تحقیق کمی پیمایشی می‌پردازد که با استفاده از ۴۵۷ پرسش‌نامه از زنان در نواحی پانزده‌گانه شهر هرات به دست آمده است. در ابتدا به توصیف متغیرهای جمعیت‌شناختی تحقیق پرداخته می‌شود؛ سپس شاخص‌ها و مؤلفه‌های پرسشنامه توصیف می‌گردد و در نهایت با استفاده از آزمون‌هایی آماری مناسب تحلیل‌های استنباطی روی داده‌ها صورت گرفته نتایج آن ارایه می‌شود تا در نهایت پاسخ به پرسش‌های تحقیق ارایه شود.

توصیف متغیرهای جمعیت‌شناختی

چنانچه داده‌های جدول ذیل نشان می‌دهد، حدود ۷۰ درصد از پاسخ‌دهندگان ساکنان اصلی ولایت هرات می‌باشند ۷.۲ درصد از ولایت دایکندی؛ ۴.۱ درصد از ولایت فراه و متباقی از سایر ولایات کشور هستند.

جدول ۱۹: سکونت اصلی پاسخ‌گویان با تفکیک ولایات

ولایات	فراوانی	فیصدی	فیصدی معتبر
هرات	۲۹۴	۶۴.۳	۷۰.۲
دایکندی	۳۰	۶.۶	۷.۲
فراه	۱۷	۳.۷	۴.۱
غور	۱۵	۳.۳	۳.۶
غزنی	۱۳	۲.۸	۳.۱
هلمند	۱۱	۲.۴	۲.۶
کابل	۸	۱.۸	۱.۹
بامیان	۸	۱.۸	۱.۹
قندهار	۶	۱.۳	۱.۴
ولایات دیگر	۱۷	۳.۶	۴
خطا	نامعلوم	۸.۳	
مجموع	۴۵۷	۱۰۰.۰	

منبع: داده‌های تحقیق پیمایشی

در جدول ۲۰ سکونت اصلی پاسخ‌دهنده‌گان بر اساس شهر و ولسوالی نشان داده می‌شود که شامل همهٔ پاسخ‌گویان اصالتاً هراتی و غیر هراتی می‌شود. مطابق آمار، ۲۳ درصد از پاسخ‌دهنده‌گان ساکن اصلی شهر اند و و ۷۶ درصد دیگر ساکنان اصلی ولسوالی‌ها بوده‌اند.

جدول ۲۰: تفکیک پاسخ‌گویان بر اساس سکونت اصلی شهری و غیرشهری

شهر	فراوانی	فیصدی	فیصدی معتبر
شهر	۸۷	۱۹.۰	۲۳.۸
ولسوالی	۲۷۸	۶۰.۸	۷۶.۲
مجموع	۳۶۵	۷۹.۹	۱۰۰.۰
خطا	مبهم	۲۰.۱	
مجموع	۴۵۷	۱۰۰.۰	

منبع: داده‌های تحقیق پیمایشی

جدول ۲۱ پراکندگی پاسخ‌دهنده‌گان را با تفکیک سکونت‌گاه‌های اصلی‌شان در مرکز شهر هرات و یا ولسوالی‌ها نشان می‌دهد؛ طوری که براساس داده‌های جدول، حدود ۲۳ درصد پاسخ‌گویان ساکن اصلی شهر بودند و بقیه (۷۶.۸ درصد) ساکن ولسوالی‌های ولایت هرات که از آن میان نزدیک حدود نیمی از آنها از ولسوالی‌های انجیل (۳۲ درصد) و گذره (۷.۷ درصد) اند و بقیه از ولسوالی‌های دیگر ولایت هرات و یا ولایات دیگراند.

جدول ۲۱ محل زندگی فعلی پاسخ‌دهنده‌گان را برحسب ناحیه‌های پانزده‌گانه شهر هرات نشان می‌دهد؛ طوری که ارقام جدول نشان می‌دهد پاسخ‌دهنده‌گان تقریباً به صورت مساوی در نواحی پانزده‌گانه شهر ساکن اند.

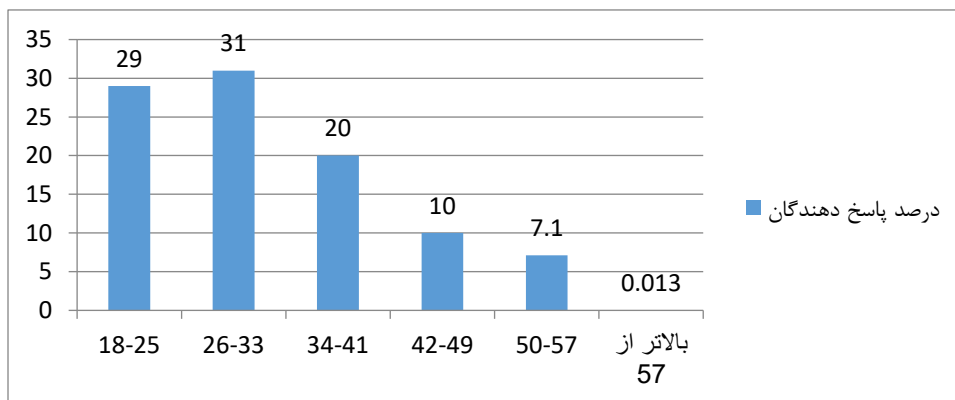
جدول ۲۱: محل سکونت اصلی پاسخ‌دهنده‌گان با تفکیک ولسوالی‌ها و ناحیه‌های شهری

ولسوالی‌ها	فراوانی	فیصدی	ناحیه	فراوانی	فیصدی	فیصدی معتبر
مرکز شهر	۸۵	۱۸.۶	۱	۳۰	۶.۶	۷.۰
انجیل	۱۱۷	۲۵.۶	۲	۲۸	۶.۱	۶.۶
گذره	۲۸	۶.۱	۳	۲۹	۶.۳	۶.۸
زنده جان	۱۰	۲.۲	۴	۲۹	۶.۳	۶.۸
اوبه	۱۰	۲.۲	۵	۳۸	۸.۳	۸.۹
کرخ	۹	۲	۶	۲۹	۶.۳	۶.۸
پشتون زرغون	۹	۲	۷	۲۵	۵.۵	۵.۹
شیندند	۶	۱.۳	۸	۲۹	۶.۳	۶.۸
کشک رباط سنگی	۵	۱.۱	۹	۲۸	۶.۱	۶.۶
غوریان	۴	۰.۹	۱۰	۲۶	۵.۷	۶.۱
گلران	۲	۰.۴	۱۱	۲۷	۵.۹	۶.۳
کشک کهنه	۲	۰.۴	۱۲	۲۹	۶.۳	۶.۸
ادرسکن	۱	۰.۲	۱۳	۲۶	۵.۷	۶.۱
چشت	۱	۰.۲	۱۴	۲۷	۵.۹	۶.۳
بیرون هرات	۷۷	۱۶.۸	۱۵	۲۷	۵.۹	۶.۳

۱۰۰۰	۹۳.۴	۴۲۷	مجموع	۱۰۰۰	۸۰.۱	۳۶۶	مجموع
	۶.۶	۳۰			۱۹.۹	۹۱	نامعلوم
	۱۰۰.۰	۴۵۷			۱۰۰.۰	۴۵۷	

منبع: داده‌های تحقیق پیمایشی

نمودار ۲۲ توزیع پاسخ‌دهندگان را بر اساس متغیر سن نشان می‌دهد؛ طوری که حدود ۲۹ درصد از پاسخ‌دهندگان بین سنین ۱۸ تا ۲۵ سال، ۳۱ درصد بین ۲۶-۳۳ سال، ۲۰ درصد بین ۳۴-۴۱ سال، ۱۰ درصد بین ۴۲-۴۹ سال، ۷.۱ درصد بین ۵۰-۵۷ سال قرار دارند و ۱.۳ درصد هم بالاتر از پنجاه و هفت سال سن داشته‌اند.



نمودار ۲۲: درصد پاسخ‌دهندگان با تفکیک سن

جدول ۲۲ توزیع پاسخ‌دهندگان را با تفکیک حالت مدنی به نمایش می‌گذارد؛ طوری که بر بنیاد ارقام، ۱۴.۶ درصد از پاسخ‌دهندگان مجرد، ۷۹.۶ درصد متأهل، ۱.۱ درصد مطلقه و ۴.۶ درصد دیگر بیوه بوده‌اند.

جدول ۲۲: توزیع پاسخ‌دهندگان بر اساس وضعیت تأهل

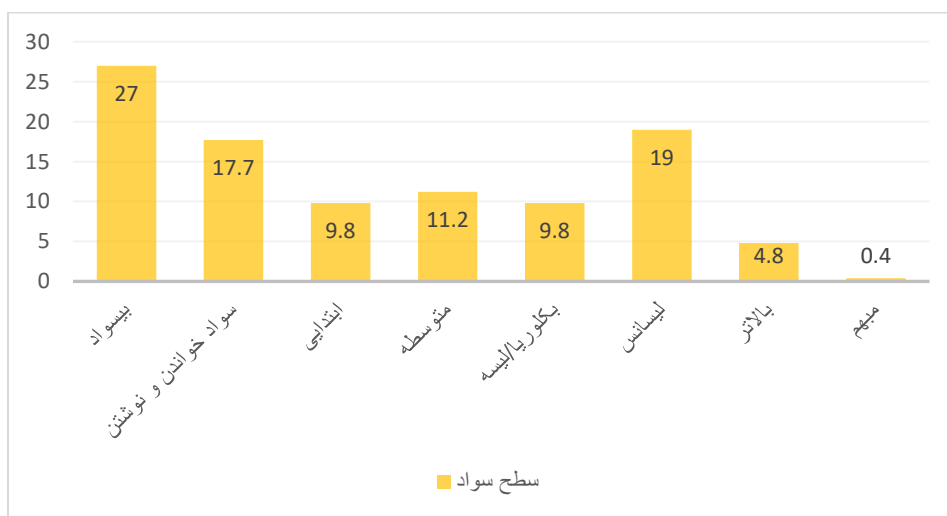
حالت مدنی	فراوانی	فیصدی	فیصدی معتبر
مجرد	۶۶	۱۴.۴	۱۴.۶
متأهل	۳۶۰	۷۸.۸	۷۹.۶
طلاق گرفته	۵	۱.۱	۱.۱

بیوه	۲۱	۴.۶	۴.۶
مجموع	۴۵۲	۹۸.۹	۱۰۰.۰
خطا	۵	۱.۱	
مجموع	۴۵۷	۱۰۰.۰	

منبع: داده‌های تحقیق پیمایشی

نمودار ۲۳ پاسخ‌دهنده‌گان را بر اساس سطح تحصیلات‌شان نشان می‌دهد؛ طوری که براساس ارقام گراف، ۲۷.۱ درصد از پاسخ‌دهنده‌گان بی‌سواد، ۱۷.۷ درصد از پاسخ‌دهنده‌گان قادر به خواندن و نوشتن، ۹.۸ درصد سواد ابتدایی، ۱۱.۲ درصد سواد متوسطه، ۹.۸ درصد بکلوریا/لیسه، ۱۹ درصد لیسانس و ۴.۸ درصد بالاتر از لیسانس بوده‌اند.

نمودار ۲۳: توزیع پاسخ‌دهنده‌گان بر اساس سطح سواد

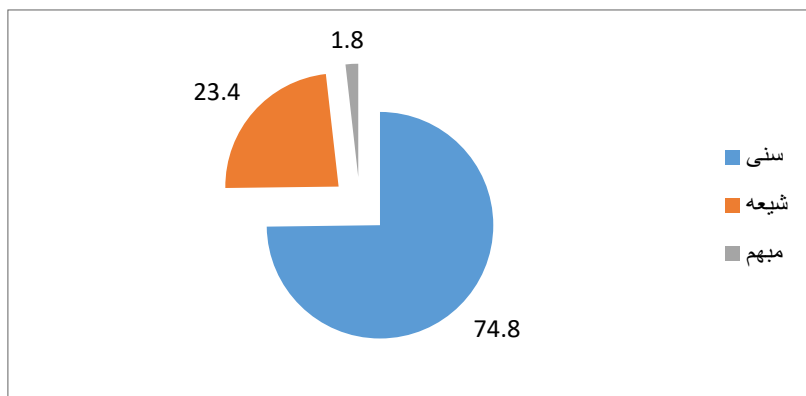


جدول ۲۳ توزیع پاسخ‌دهنده‌گان را براساس قومیت نشان می‌دهد؛ طوری که براساس ارقام جدول فوق، ۱۸.۲ درصد از پاسخ‌دهنده‌گان دارای قومیت پشتون، ۵۳.۸ درصد از پاسخ‌دهنده‌گان تاجیک، ۱۵.۱ درصد هزاره و متباقی از سایر قومیت‌ها می‌باشند.

فیصدی معتبر	فیصدی	فراوانی	قومیت	
۵۳.۹	۵۳.۸	۲۴۶	تاجیک	معتبر
۱۸.۲	۱۸.۲	۸۳	پشتون	
۱۵.۱	۱۵.۱	۶۹	هزاره	
۳.۵	۳.۵	۱۶	ترکمن	
۳.۳	۳.۳	۱۵	ازبک	
۲.۲	۲.۲	۱۰	سادات	
.۹	.۹	۴	عرب	
۲.۹	۲.۸	۱۳	دیگری	
۱۰۰.۰	۹۹.۸	۴۵۶	مجموع	
	.۲	۱	مبهم	
	۱۰۰.۰	۴۵۷	مجموع	

جدول ۲۳: توزیع پاسخ‌دهنده‌گان براساس قومیت منبع: داده‌های تحقیق پیمایشی

نمودار ۲۴ پاسخ‌دهنده‌گان را براساس مذهب توزیع می‌نماید؛ طوری که از مجموع پاسخ‌دهنده‌گان ۷۴.۸ درصد سنی و ۲۳.۴ درصد شیعه می‌باشند.



نمودار ۲۴: درصدی پاسخ‌دهنده‌گان با تفکیک مذهب

جدول ۲۴ پاسخ‌دهنده‌گان را براساس میزان درآمد توزیع می‌نماید؛ طوری که از مجموع پاسخ‌دهنده‌گان ۶۳ درصد فاقد درآمد گزارش گردیده‌اند. پس از آن، بالاترین رقم را میزان ۵۰۰۰ افغانی به خود اختصاص داده است که ۱۴.۷ درصد می‌باشد.

جدول ۲۴: میزان درآمد پاسخ‌گویان

سطح درآمد	فراوانی	فیصدی	فیصدی معتبر	فیصدی مجموعی
فاقد درآمد	۲۸۸	۶۳.۰	۶۳.۴	۶۳.۴
۵۰۰۰-۰	۶۷	۱۴.۷	۱۴.۸	۷۸.۲
۱۰۰۰۰-۶۰۰۰	۴۲	۹.۲	۹.۳	۸۷.۴
۱۵۰۰۰-۱۱۰۰۰	۱۳	۲.۸	۲.۹	۹۰.۳
۲۰۰۰۰-۱۶۰۰۰	۹	۲.۰	۲.۰	۹۲.۳
۲۵۰۰۰-۲۱۰۰۰	۶	۱.۳	۱.۳	۹۳.۶
۳۰۰۰۰-۲۶۰۰۰	۷	۱.۵	۱.۵	۹۵.۲
۳۵۰۰۰-۳۱۰۰۰	۴	.۹	.۹	۹۶.۰
۴۰۰۰۰-۳۶۰۰۰	۱	.۲	.۲	۹۶.۳
۴۰۰۰۰ بالای	۱۷	۳.۷	۳.۷	۱۰۰.۰
مجموع	۴۵۴	۹۹.۳	۱۰۰.۰	
مبهم	۳	.۷		
مجموع	۴۵۷	۱۰۰.۰		

منبع: داده‌های تحقیق پیمایشی

جدول ۲۵ پاسخ‌دهنده‌گان را براساس شغل شان نشان می‌دهد؛ طوری که بیش از ۵۰ درصد پاسخ‌دهنده‌گان بیکار اند. خانم خانه، ۸.۵ درصد معلم، ۷ درصد خیاط، ۶.۱ درصد کارمند در نهادهای غیردولتی و متباقی نیز کارمند دولت، دکتر/ کارمند صحتی و صنایع دستی بیان شده است.

جدول ۳۹: توزیع پاسخ‌دهندگان براساس شغل

مشاغل	فراوانی	فیصدی	فیصدی معتبر
بیکار/خانم خانه	۲۳۴	۵۱.۲	۶۱.۱
معلم	۳۹	۸.۵	۱۰.۲
خیاط	۳۲	۷.۰	۸.۴
کارمند غیردولتی	۲۸	۶.۱	۷.۳
کارمند دولت	۲۱	۴.۶	۵.۵
صنایع دستی	۱۱	۲.۴	۲.۹
صفاکار	۹	۲.۰	۲.۳
کارمند صحتی/دکتر	۹	۲.۰	۲.۳
مجموع	۳۸۳	۸۳.۸	۱۰۰.۰
خطا	۷۴	۱۶.۲	
مجموع	۴۵۷	۱۰۰.۰	

منبع: داده‌های تحقیق پیمایشی

سهام زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده

بسیاری از مطالعات و تحلیل‌های تجربی روی موضوع توانمندی زنان بیشتر روی سطوح فردی و خانوار تمرکز نموده‌اند، حوزه‌ای که برخی (مالوتره، بوندرو و روث شولر، ۱۳۸۹: ۱۹۲) آن را با توجه به مرکزیت خانوار در روابط جنسیتی، سطح تجعی دانسته‌اند که در آن بزرگترین گام‌ها در زمینه سنجش توانمندی زنان صورت گرفته است.

گرچه مطالعات جامعه‌شناسان، جمعیت‌شناسان، اقتصاددانان و سایر پژوهشگران روی ابعاد متفاوت در حوزه فردی و خانوار تمرکز کرده‌اند، به صورت عموم مسایل زیر در بیشترین مطالعات تجربی سنجش توانمندی زنان در حوزه خانوار به عنوان شاخص‌های مهم در نظر گرفته شده است. (مالوتره، بوندرو و روث شولر، ۱۳۸۹: ۱۹۴)

جدول ۲۶ : شاخص‌های توانمندی سطوح فردی/خانوار در مطالعات تجربی که کاربرد بیشتری داشته‌اند

شاخص‌های توانمندی سطوح فردی/خانوار در مطالعات تجربی که کاربرد بیشتری داشته‌اند
<ul style="list-style-type: none">• تصمیم‌گیری خانگی• مسایل مالی، تخصیص منابع، مخارج، هزینه‌ها• مسایل اجتماعی و خانگی (مانند آشپزی)• مسایل مربوط به کودکان (مانند رفاه، تحصیل، بهداشت)• دسترسی یا کنترل منابع• دسترسی به پول نقد، درآمد خانواده، دارایی‌ها، درآمد با‌آورده، دریافتی‌های رفاهی، رفت‌وآمد/آزادی تردد• شاخص‌هایی که کاربرد کمتری داشته‌اند:• مشارکت اقتصادی در خانواده• استفاده/تقسیم زمان کار خانگی• پرهیز از خشونت• مدیریت/دانش• مدیریت مزرعه• دانش حسابداری• کنترل مدیریتی روی وام• مدیریت/دانش• مشارکت سیاسی (مثلاً اعتراضات عمومی، مبارزات سیاسی)• اعتماد در اقدامات اجتماعی• توسعهٔ مجامع اجتماعی و اقتصادی• ادواج/خویشاوندی/حمایت اجتماعی• شبکه‌های حمایتی سنتی• منزلت اجتماعی خانوادهٔ پدری• دارایی‌هایی که هنگام ازدواج همراه زن است

- اختیار در انتخاب همسر
- تعامل زوجین
- ارتباط زوجین
- ارتباط و گفتگو در مورد ارتباط جنسی
- مورد قدردانی واقع شدن در خانواده
- احساس ارزشمند بودن

منبع: مالوتره و شولر

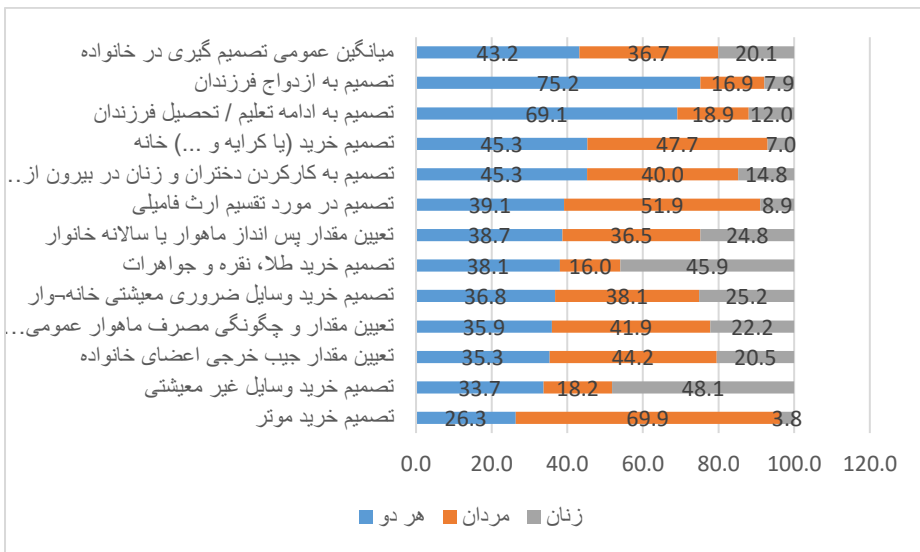
هم‌چنان که نایلا کبیر (۱۳۸۹: ۱۵) توانمندی را معادل "انتخاب‌های سرنوشت‌ساز در زندگی" تعریف کرده بود و تصمیم‌هایی که سیر زندگی فرد را تعیین می‌کند، عده‌ای بر آن شدند تا برای سنجش توانمندی زنان در حوزه فردی/خانوار روی همین تصمیم‌های مهم (ازدواج، تحصیل، اشتغال، فرزندآوری) برای سنجش میزان توانمندی زنان تمرکز کنند. ولی از جایی که این انتخاب-های سرنوشت‌ساز به ندرت در زندگی فرد اتفاق می‌افتد، مطالعه آن‌ها و پیوند دادنشان با مداخلات برنامه‌ای و سیاستی کار مشکلی است. به همان دلیل و البته دلایل دیگر، بیشتر پژوهشگران روی "تصمیم‌گیری در مسایل جزئی" تمرکز کردند. تعدادی از مطالعات هم این را نشان داده‌اند که توانایی در تصمیم‌های سرنوشت‌ساز به توانایی در گرفتن تصمیم‌های کوچک‌تر وابسته است (مالوتره، بوندرو و روث شولر، ۱۳۸۹: ۱۹۶)، گرچه همیشه چنین نیست. گرچه تعیین سرنوشت‌ساز بودن یا اهمیت تصمیم‌ها امر نسبی است و به مسایل مختلفی چون بافت اجتماعی، وضعیت اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی جوامع ربط دارد و در فرهنگ‌های مختلف تفاوت می‌کند.

در این تحقیق کوشش شده مطابق با بافت اجتماعی و واقعیت‌های فرهنگی هرات و محدودیت‌های تحقیق، ۱۲ مورد به عنوان شاخص‌های تصمیم‌گیری مهم و غیر مهم در خانواده انتخاب شود و از زنان پرسیده شود که در خانواده آن‌ها این تصمیم‌ها توسط چه کسی گرفته می‌شود. سه پاسخ محتمل در نظر گرفته شده بود: "زنان به تنهایی"، "مردان به تنهایی" و "زنان و مردان به گونه مشترک". این که تا چه اندازه پاسخ زنان به این شاخص‌ها نشان‌دهنده واقعیت موجود خانواده-هایشان است برمی‌گردد به محدودیت‌های اجرای تحقیق در جامعه افغانستان و عدم برخورد/همکاری حرفه‌ای پاسخ‌گویان/اشتراک‌کنندگان تحقیق با موضوع تحقیق.

مؤلفه‌های شاخص تصمیم‌گیری در خانوار در این تحقیق این‌ها اند:

- تصمیم خرید موتر
- تصمیم خرید (یا کرایه و ...) خانه
- تصمیم خرید وسایل ضروری معیشتی خانه‌وار (آرد، برنج، روغن، مواد ارتزاقی و...)
- تصمیم خرید وسایل غیر معیشتی (فرش، ظرف، وسایل تزئینی خانه)
- تصمیم خرید طلا، نقره و جواهرات
- تصمیم به ازدواج فرزندان (زمان ازدواج، انتخاب و تایید فرد یا خانواده طرف)
- تصمیم به ادامه تعلیم/ تحصیل فرزندان
- تصمیم به کارکردن دختران و زنان در بیرون از خانه
- تصمیم در مورد تقسیم ارث فامیلی
- تعیین مقدار پس انداز ماهوار یا سالانه خانوار
- تعیین مقدار و چگونگی مصرف ماهوار عمومی خانوار
- تعیین مقدار جیب خرجی اعضای خانواده

نمودار ۲۶: سهم مردان و زنان در تصمیم‌گیری های خانواده



چنان که جدول شماره (۲۷) نشان می‌دهد، پاسخ‌گویان این تحقیق اظهار داشتند که به طور کلی، حدود ۴۳ درصد از تصمیم‌های خانواده به صورت مشترک بین زنان و مردان گرفته می‌شود، حدود ۳۷ درصد تصمیم‌ها را مردان می‌گیرند و بقیه ۲۰ درصد دیگر تصمیم‌ها به عهده زنان است. اگر شاخص‌های جزئی و نوع تصمیم‌گیری‌ها را در نظر بگیریم، می‌بینیم که سه نوع اند: تصمیم‌هایی که بیشتر به اشتراک هر دو (زنان و مردان) گرفته می‌شود، دوم تصمیم‌هایی که بیشتر مردان سهم دارند و سوم هم تصمیم‌هایی که زنان در آن‌ها نقش بیشتری دارند. اگر دقت کنیم می‌بینیم که تجلی تقسیم جنسیتی کار خانه و کار بیرون یا به تعبیری، کار زنانه و کار مردانه در نوع تصمیم‌گیری‌ها وجود دارد. از بین ۱۲ مورد، در ۲ مورد به صورت خیلی متفاوت، حدود ۷۰ درصد به صورت مشترک (زنان و مردان) در تصمیم‌گیری سهم دارند و آن موضوع‌هایی درباره آینده فرزندان‌شان است (ازدواج و ادامه تحصیل). مواردی که بیش از ۵۰ درصد یا نزدیک ۵۰ درصد خاص مردان خوانده شده بیشتر مسایلی است که با تقسیم جنسیتی کار خانه و کار بیرون، بیشتر انتظار می‌رود کار مردان باشد (خرید موتر و خانه و تقسیم ارث فامیلی). در ۲ مورد از ۱۲ شاخص، زنان سهم بیشتری در تصمیم‌گیری دارند (نزدیک به ۵۰ درصد) و آن‌ها مواردی که با جنس زنان و تقسیم جنسیتی کار خانه و کار بیرون متناسب به نظر می‌رسد (تصمیم به خرید طلا و جواهرات و وسایل غیر معیشتی یا تزئینی خانه). در بقیه موارد تصمیم‌گیری (۶ مورد دیگر) یا هر دو با هم تصمیم می‌گیرند و یا مردان سهم بیشتری دارند و زنان در همه این موارد سهم ناچیزی (۷ درصد تا نهایت ۲۵ درصد) در تصمیم‌گیری دارند.

سهم مردان و زنان در تصمیم‌گیری در خانواده	هر دو	مردان	زنان
تصمیم خرید موتر	۲۶.۳	۶۹.۹	۳.۸
تصمیم خرید وسایل غیر معیشتی (فرش، ظرف، وسایل تزئینی)	۳۳.۷	۱۸.۲	۴۸.۱
تعیین مقدار جیب خرجی اعضای خانواده	۳۵.۳	۴۴.۲	۲۰.۵
تعیین مقدار و چگونگی مصرف ماهوار عمومی خانوار	۳۵.۹	۴۱.۹	۲۲.۲
تصمیم خرید وسایل ضروری معیشتی خانه‌وار (آرد، برنج، روغن، مواد ارتزاقی و...)	۳۶.۸	۳۸.۱	۲۵.۲
تصمیم خرید طلا، نقره و جواهرات	۳۸.۱	۱۶	۴۵.۹
تعیین مقدار پس انداز ماهوار یا سالانه خانوار	۳۸.۷	۳۶.۵	۲۴.۸

۸.۹	۵۱.۹	۳۹.۱	تصمیم در مورد تقسیم ارث فامیلی
۱۴.۸	۴۰	۴۵.۳	تصمیم به کار کردن دختران و زنان در بیرون از خانه
۷	۴۷.۷	۴۵.۳	تصمیم خرید (یا کرایه و ...) خانه
۱۲	۱۸.۹	۶۹.۱	تصمیم به ادامه تعلیم / تحصیل فرزندان
۷.۹	۱۶.۹	۷۵.۲	تصمیم به ازدواج فرزندان (زمان ازدواج، انتخاب و تایید فرد یا خانواده طرف)
۲۰.۱	۳۶.۷	۴۳.۲	میانگین عمومی تصمیم‌گیری در خانواده

جدول ۲۷: سهم مردان و زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده: منبع: داده‌های تحقیق

توصیف شاخص‌ها

بدنه اصلی پرسشنامه متشکل از دو بخش است. در بخش اول ۱۰ سوال / گویه در دو شاخص جداگانه (سهم‌گیری مردان در کار خانه و خشونت خانوادگی) است که بر اساس طیف ۶ رقمی لیکرت (از خیلی زیاد تا هیچ) تنظیم گردیده بود. بخش دوم، شاخص کلی قدرتمندی زنان است که در ۷ مؤلفه جداگانه و یا شاخص فرعی تنظیم شده است و در نهایت شاخص کلی قدرتمندی زنان از ترکیب از این مؤلفه‌ها ساخته شده است. این شاخص با استفاده از طیف ۵ رقمی لیکرت (خیلی مخالف تا خیلی موافق) ساخته شده است.

جدول ۲۸: میزان روایی شاخص‌های تحقیق

شماره	شاخص	مقدار آلفا
۱	شاخص سهم‌گیری مردان در کار خانه	۰.۸
۲	شاخص خشونت خانوادگی	۰.۶۱
۳	شاخص کلی توانمندی زنان	۰.۸۳

۱. شاخص سهم‌گیری مردان در کارهای خانه

شاخص سهم‌گیری مردان در کار خانه از ۶ گویه شکل گرفته است: «سهم‌گیری مردان در آشپزی»، «همکاری مردان در ظرف‌شستن»، «سهم‌گیری مردان در لباس‌شویی»، «همکاری مردان در پاک‌کاری خانه»، «سهم‌گیری مردان در نگهداری از کودکان»، «انجام کارهای شخصی مردان توسط خودشان». میانگین عمومی شاخص ۱.۲۷ است که با توجه به مسیر کدگذاری از

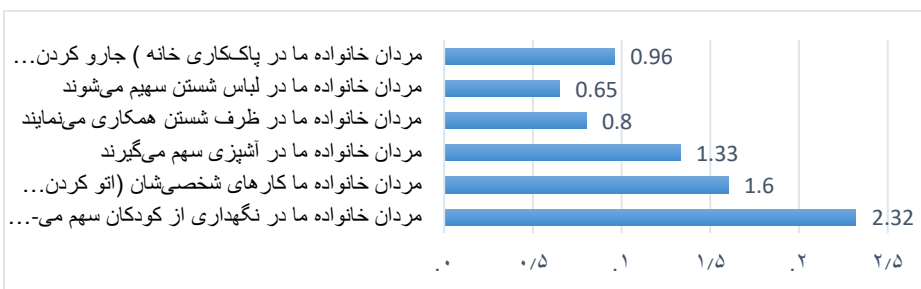
۱ تا ۶، در گزینه «خیلی کم» مایل به "کم" قرار می‌گیرد. اوسط پراکندگی داده‌ها از میانگین ۱.۰۳ است. مقدار چولگی ۰.۸۸۹ است که با توجه به علامت و مقدار آن، می‌توان نتیجه گرفت که بیشتر داده‌ها به سمت شماره‌های کوچک تجمع دارد. ضریب کشیدگی ۰.۲۹۷ است که با توجه به مقدار و علامت آن، شباهت در بین پاسخ زیاد است.

جدول ۲۹: شاخص سهم‌گیری مردان در کار خانه

شاخص سهم‌گیری مردان در کار خانه	
تعداد	۴۵۷
میانگین	۱.۲۷۲۷
انحراف معیار	۱.۰۳۱
چولگی	۰.۸۸۹
کشیدگی	۰.۲۹۷

چنان‌که در نمودار ذیل مشاهده می‌شود، از مجموع گویه‌های شاخص سهم‌گیری مردان در کار خانه، گویه «مردان خانواده ما در نگهداری از کودکان سهم می‌گیرند» با میانگین ۲.۳۲ بیشترین موافقت پاسخ‌دهندگان را به همراه داشته است. گویه «مردان خانواده ما کارهای شخصی‌شان (اتو کردن لباس، رنگ کردن کفش و...) را خودشان انجام می‌دهند» با میانگین ۱.۶، گویه «مردان خانواده ما در آشپزی سهم می‌گیرند» با میانگین ۱.۳۳، گویه «مردان خانواده ما در ظرف شستن همکاری می‌نمایند» با میانگین ۰.۸۰، «مردان خانواده ما در لباس شستن سهم می‌شوند» با میانگین ۰.۶۵ و در نهایت، گویه «مردان خانواده ما در پاک‌کاری خانه (جارو کردن و ...) کمک می‌کنند» با میانگین ۰.۹۶ قرار دارد.

هم‌چنان‌که پاسخ‌ها و داده‌ها نشان می‌دهد، در کل مردان تمایلی به سهم‌گرفتن در کار خانه ندارند و تقریباً "خیلی کم" در کار خانه سهم می‌گیرند. آنجایی هم که سهم می‌گیرند اغلب کارهایی است که جنبه سرگرمی و تفریح را هم در خود دارد مثل نگهداری از کودکان، و یا انجام کارهای شخصی خودشان.



نمودار ۲۷: شاخص سهم‌گیری مردان در کار خانه منبع: داده‌های تحقیق

۲. شاخص خشونت خانوادگی

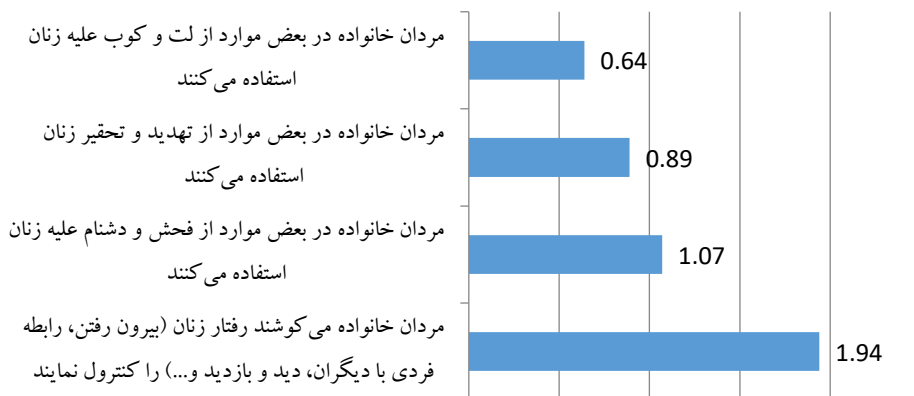
شاخص خشونت خانوادگی از ۴ گویه تشکیل شده است: «مردان خانواده می‌کوشند رفتار زنان (بیرون رفتن، رابطه فردی با دیگران، دید و بازدید و...) را کنترل نمایند»، «مردان خانواده در بعض موارد از تهدید و تحقیر زنان استفاده می‌کنند»، «مردان خانواده در بعض موارد از فحش و دشنام علیه زنان استفاده می‌کنند»، «مردان خانواده در بعض موارد از لت و کوب علیه زنان استفاده می‌کنند». میانگین عمومی شاخص ۱.۳۹ است که با توجه به مسیر کدگذاری از ۱ تا ۶ تقریباً در وسط گزینه‌های "کم" و «خیلی کم» قرار می‌گیرد. اوسط پراکندگی داده‌ها از میانه ۰.۹۳ است. چولگی ۰.۹۷ است که با توجه به مثبت بودن و مقدار آن می‌توان نتیجه گرفت که بیشترین داده به سمت شماره‌های خرد متمرکز است. ضریب کشیدگی ۰.۹۳ است که با توجه به مثبت بودن و مقدار آن می‌توان نتیجه گرفت که شباهت بین پاسخ‌ها زیاد است.

شاخص خشونت خانوادگی	
۴۵۷	تعداد
۱.۳۹	میانگین
۰.۹۲۵۶	انحراف معیار
۰.۹۶۸	چولگی
۰.۹۳	کشیدگی

جدول ۳۰: شاخص خشونت خانوادگی

چنان‌که در نمودار (۲۸) دیده می‌شود، از مجموع چهار گویه‌ی شاخص خشونت خانوادگی، گویه‌ی «مردان خانواده می‌کوشند رفتار زنان (بیرون رفتن، رابطه فردی با دیگران، دید و

بازدید و...) را کنترل نمایند» با میانگین ۱.۹۴ بیشترین موافقت پاسخ‌دهندگان را دارد. گویهی «مردان خانواده در بعض موارد از فحش و دشنام علیه زنان استفاده می‌کنند» با میانگین ۱.۰۷، گویهی «مردان خانواده در بعض موارد از تهدید و تحقیر زنان استفاده می‌کنند» با میانگین ۰.۸۹ و گویهی «مردان خانواده در بعض موارد از لت و کوب علیه زنان استفاده می‌کنند» با میانگین ۰.۶۴ به تعقیب آن قرار می‌گیرد.



منبع: داده‌های تحقیق

نمودار ۲۸: شاخص خشونت خانوادگی

بخش دوم پرسش‌نامه متشکل از ۲۴ پرسش/ گویه در ۷ مؤلفه فرعی شاخص قدرتمندی زنان است. این مؤلفه‌ها که در حقیقت شاخص‌های فرعی مقیاس کلی قدرتمندی زنان اند عبارت اند از «جایگاه و ارزش»، «صحت و بهداشت»، «تبعیض جنسیتی»، «بیرون رفتن و تفریح»، «استقلال مالی»، «آزادی فردی» و «حق انتخاب». در ادامه، ابتدا هر یکی از مؤلفه‌ها یا شاخص‌های فرعی مقیاس کلی قدرتمندی زنان توصیف می‌شود و در آخر شاخص کلی قدرتمندی زنان توصیف می‌گردد.

۳. شاخص فرعی جایگاه و ارزش زنان در خانه

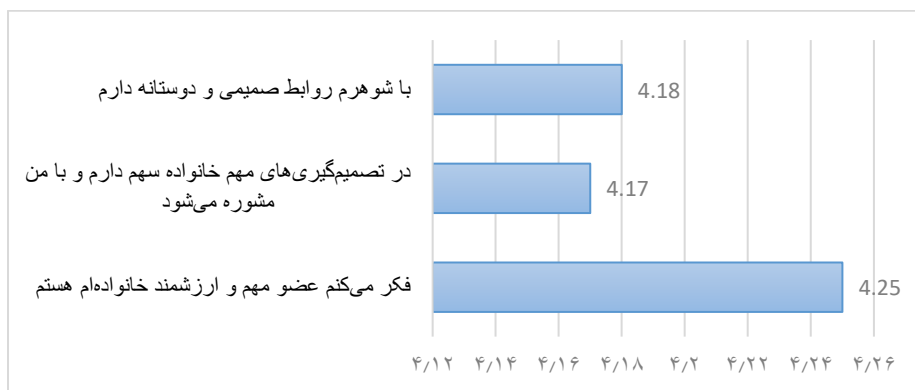
شاخص فرعی جایگاه، ارزش و صمیمیت متشکل از سه گویه است: «احساس ارزش‌مندی و مهم بودن در خانه»، «سهیم بودن در تصمیم‌گیری‌های مهم خانواده» و «داشتن روابط صمیمی و دوستانه با شوهر». میانگین عمومی شاخص ۴.۲ است که با توجه به مسیر کدگذاری از ۱ تا ۵ در

گزینه‌ی «موافق» مایل به «کاملاً موافق» قرار می‌گیرد. انحراف معیار که نمایانگر پراکندگی داده‌ها از میانگین است، ۰.۷۹ می‌باشد. چولگی ۱.۴۱۴- است که با توجه به مقدار و منفی بودن رقم، می‌توان برداشت نمود که بیشتر پاسخ‌دهندگان با گویه موافق بوده‌اند. میزان کشیدگی ۲.۲۵ است که مثبت بودن و مقدار بالای آن نشان‌دهنده شباهت زیاد بین پاسخ‌ها می‌باشد.

شاخص فرعی جایگاه و ارزش زنان	
۴۵۷	تعداد
۴.۲۰۲۴	میانگین
۰.۷۹۳۷۶	انحراف معیار
-۱.۴۱۴	چولگی
۲.۲۵۵	کشیدگی

جدول ۳۱: شاخص جایگاه، ارزش، صمیمیت

چنان‌که نمودار (۲۹) نشان می‌دهد، از میان سه گویه‌ی شاخص جایگاه، ارزش و صمیمیت، بیشتر پاسخ‌دهندگان با گویه‌ی «فکر می‌کنم عضو مهم و ارزشمند خانواده‌ام هستم» (با میانگین ۴.۲۵ یا ۹۰.۷۵ درصد) ابراز موافقت نموده‌اند و پس از آن گویه‌ی «در تصمیم‌گیری‌های مهم خانواده سهم دارم و با من مشوره می‌شود» (با میانگین ۴.۱۸ یا) و بلاخره، گویه‌ی «با شوهرم روابط صمیمی و دوستانه دارم» (با میانگین ۴.۱۷ یا) قرار دارند. میانگین عمومی ۴.۲ است. در نتیجه، اکثر پاسخ‌دهندگان این تحقیق باور دارند که عضو مهم و ارزشمند خانواده‌شان هستند و در تصمیم‌گیری‌های مهم خانواده سهیم‌اند و نیز این که با شوهرانشان روابط صمیمی دارند.



نمودار ۲۹: شاخص جایگاه و ارزش زنان در خانه منبع: داده‌های تحقیق

۴. شاخص فرعی صحت و بهداشت

شاخص فرعی بهداشت متشکل از چهار گویه می‌باشد: «امکان جلوگیری زنان از باردار شدن در صورت ضرورت»، «مراجعه مرتب به دکتر در زمان بارداری»، «امکان مراجعه به دکتر/سونوگرافی مردانه در موقع بیماری» و «توجه برابر به زنان و مردان از نگاه بهداشتی». میانگن عمومی آن ۴.۱۸ می‌باشد که با توجه مسیر کدگذاری از ۱ تا ۵ در گزینه «موافق» مایل به «کاملاً موافق» قرار می‌گیرد. انحراف معیار ۰.۷۹۸ که نشان‌دهنده پراکندگی داده‌ها از مرکز می‌باشد. چولگی ۱-۱ است که با توجه رقم و منفی بودن آن، می‌توان گفت که بیشتر داده‌ها به طرف شماره‌های بالا تجمع نموده است یعنی بیشتر پاسخ‌دهنده‌گان با گویه‌ها موافق بوده‌اند. مقدار کشیدگی ۱ است که با توجه به رقم و مثبت بودن آن، می‌شود نتیجه گرفت که شباهت بین پاسخ‌ها زیاد است.

شاخص فرعی صحت و بهداشت	
۴۵۷	تعداد
۴.۱۸	میانگین
۰.۷۹۸	انحراف معیار
-۱.۱	چولگی
۱	کشیدگی

جدول ۳۲: شاخص فرعی صحت و بهداشت

چنان که در نمودار ۳۰ دیده می‌شود، از میان سه گویه بهداشت، پاسخ‌گویان بیشترین موافقت را با گویه‌ی «توجه برابر به زنان و مردان» (با میانگین ۴.۳۱) بیشترین موافقت را داشته‌اند. پس از آن گویه‌ی «مراجعه مرتب به دکتر در زمان بارداری» (با میانگین ۴.۲۱) و در نهایت گویه‌ی «امکان جلوگیری زنان از بارداری در صورت ضرورت» (با میانگین ۴.۰۵) قرار دارند. میانگین عمومی این شاخص ۴.۱ است که بیش از ۹۰ درصد موافقت پاسخ‌دهنده‌گان را نشان می‌دهد. در نتیجه، با وجود مخالف عده‌ای از پاسخ‌گویان، بیشترشان بر این باور بودند که تبعیض خاصی جنسیتی در مسأله بهداشت و توجه به زنان در برابر مردان در خانواده خود تجربه نکرده‌اند.



نمودار ۳۰: شاخص فرعی صحت و بهداشت منبع: داده‌های تحقیق

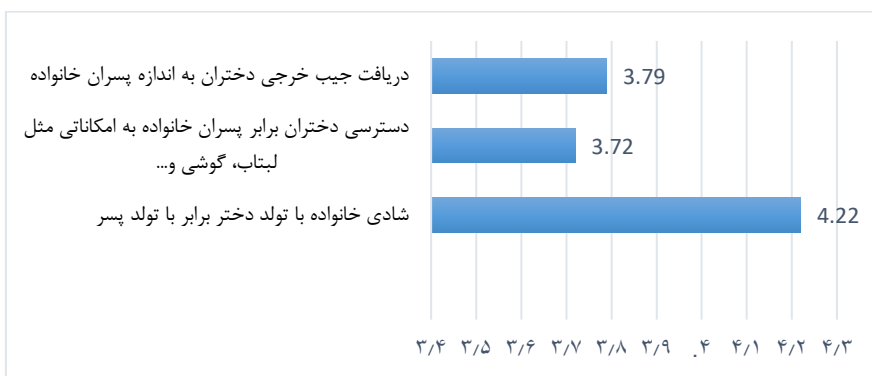
۵. شاخص فرعی تبعیض جنسیتی بین فرزندان

شاخص فرعی تبعیض جنسیتی متشکل از سه گویه می‌باشد: «در خانواده ما، برای تولد طفل دختر برابر با تولد پسر شادی می‌کنند»، «دختران در خانواده برابر با پسران به امکاناتی چون لبتاپ، گوشی، اتاق جداگانه دسترسی دارند» و «در خانواده ما، دختران برابر پسران جیب‌خرچی دریافت می‌کنند». میانگین عمومی این شاخص ۳.۸۴ که با در نظر داشت مسیر کدگذاری، در گزینه «موافق» قرار می‌گیرد. انحراف معیار ۰.۹ که نشان‌دهنده مقدار تقریباً کم پراکندگی داده‌ها از میانگین می‌باشد. رقم چولگی ۰.۷۷- است که با توجه به منفی بودن و مقدار آن می‌توان نتیجه گرفت که غالب داده‌ها به طرف داده‌های بالا (موافق) تجمع نموده است. مقدار کشیدگی نیز ۰.۰۶ است که با توجه به رقم و علامت آن می‌توان نتیجه گرفت که مشابهت پاسخ‌ها بسیار زیاد است.

شاخص فرعی تبعیض جنسیتی	
تعداد	۴۵۷
میانگین	۲۳.۹
انحراف معیار	.۹۴
چولگی	۷-۷
کشیدگی	.۰۶

جدول ۳۳: شاخص فرعی تبعیض جنسیتی بین فرزندان

چنان‌که در نمودار زیر نشان داده شده است، از میان سه گویه‌ی شاخص تبعیض جنسیتی، گویه‌ی «در خانواده ما، برای تولد طفل دختر برابر با تولد پسر شادی می‌کنند» (با میانگین ۴.۲۲ یا) بیشترین موافقان را داشته است. سپس گویه‌ی «در خانواده ما، دختران برابر پسران جیب‌خرجی دریافت می‌کنند» (با میانگین ۳.۷۹ یا)، گویه‌ی «دختران در خانواده برابر با پسران به امکاناتی چون لبتاپ، گوشی، اتاق جداگانه دسترسی دارند» (با میانگین ۴.۴۳ یا) به ترتیب موافقت پاسخ‌دهندگان را به خود اختصاص داده اند.



نمودار ۳۱: شاخص تبعیض جنسیتی منبع: داده‌های تحقیق

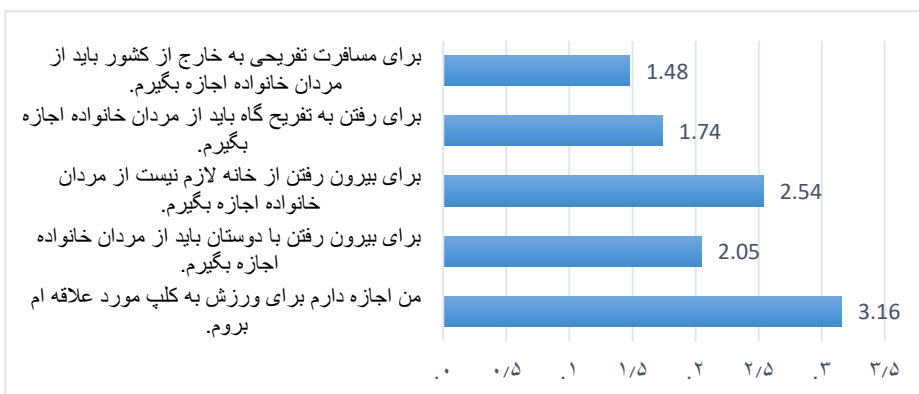
۶. شاخص فرعی اجازه بیرون رفتن و تفریح

شاخص فرعی اجازه بیرون رفتن و تفریح از پنج گویه شکل گرفته است: «اجازه رفتن به کلب ورزشی مورد علاقه»، «الزام اجازه از مردان خانواده برای بیرون رفتن با دوستان»، «اجازه گرفتن از مردان خانواده برای بیرون رفتن از خانه»، «اجازه گرفتن از مردان خانواده برای رفتن به تفریح‌گاه» و «ضرورت اجازه گرفتن از مردان خانواده برای سفر تفریحی به خارج». میانگین عمومی این شاخص ۲.۱۹۵۹ است که با در نظر داشت مسیر کدگذاری از ۱ تا ۵ در گزینه «مخالفم» و متمایل به گزینه «بی نظرم» قرار دارد. انحراف معیار ۰.۸ که مقدار پراکندگی داده‌ها از میانه را نشان می‌دهد. رقم چولگی ۰.۵۵۵ است که با توجه به علامت و مقدار آن، می‌توان نتیجه گرفت که بیشتر داده‌ها به طرف شماره‌های پایین تجمع نموده است. مقدار کشیدگی ۰.۱۹۹- که با توجه به منفی بودن و مقدار آن می‌توان برداشت نمود که شباهت پاسخ‌ها بسیار کم است.

جدول ۳۴: شاخص فرعی بیرون رفتن و تفریح

شاخص فرعی بیرون رفتن و تفریح	
۴۵۷	تعداد
۲.۱۹۵۹	میانگین
۰.۸	انحراف معیار
۰.۵۵۵	چولگی
-۰.۱۹۹	کشیدگی

مطابق به نمودار ۳۲، از پنج گویه شاخص «بیرون رفتن و تفریح»، گویه «من اجازه دارم برای ورزش به کلب مورد علاقه بروم» (با میانگین ۳.۱۶ یا) بیشترین موافقت را داشته است. سپس گویه «برای بیرون رفتن از خانه لازم نیست از مردان خانواده اجازه بگیرم» (با میانگین ۲.۵۴ یا)، گویه «برای بیرون رفتن با دوستان باید از مردان خانواده اجازه بگیرم» (با میانگین ۲.۰۵ یا)، گویه «برای رفتن به تفریح‌گاه باید از مردان خانواده اجازه بگیرم» (با میانگین ۱.۷۴ یا) و «برای مسافرت تفریحی به خارج از کشور باید از مردان خانواده اجازه بگیرم» (با میانگین ۱.۴۸ یا) قرار دارند.



نمودار ۳۲: شاخص فرعی تفریح و بیرون رفتن از خانه منبع: داده‌های تحقیق

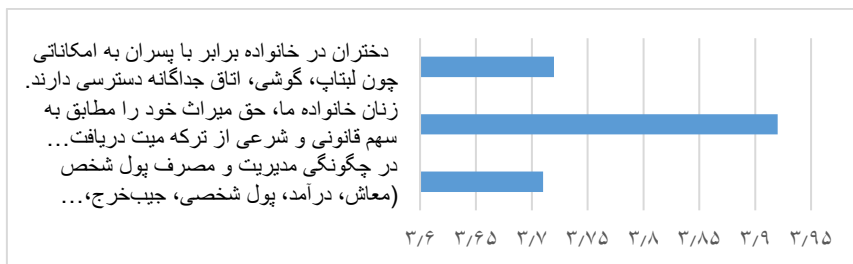
۷. شاخص فرعی استقلال مالی

شاخص فرعی استقلال مالی - میراث شامل دو گویه می‌باشد: «دریافت حق میراث مطابق شرع» و «چگونگی مدیریت و مصرف پول شخص (معاش، درآمد، پول شخصی، جیب‌خرج، میراث و ...).» میانگین عمومی این شاخص ۳.۷۹ است که در نظر داشت مسیر کدگذاری ۱ تا ۵ در گزینه «موافقم» قرار می‌گیرد. انحراف معیار ۱ است که نشان می‌دهد چه مقدار داده‌های نسبت به میانگین پراکنده اند. چولگی ۰.۶۸- است که با توجه به علامت و مقدار آن می‌توان نتیجه گرفت که بیشتر داده‌ها در طرف شماره‌های بالا تجمع نموده است. مقدار کشیدگی ۰.۱۶۸- است که با توجه به علامت آن می‌توان گفت که شباهت بین پاسخ‌ها پایین است.

جدول ۳۵: شاخص فرعی استقلال مالی-میراث

شاخص فرعی استقلال مالی	
۴۵۷	تعداد
۳.۷۹	میانگین
۱	انحراف معیار
-۰.۶۸۸	چولگی
-۰.۶۱	کشیدگی

براساس داده‌های نمودار ۳۳، از گویه‌های سه‌گانه‌ی شاخص «دریافت حق برابر میراث توسط زنان خانواده» (با میانگین ۳.۹۲ از ۵) بیشترین موافقت را داشته است و سپس گویه «داشتن امکانات برابر با مردان» (با میانگین ۳.۷۲ از ۵) و در نهایت گویه «تصمیم‌گیری مدیریت و مصرف پول شخص» (با میانگین ۳.۷۱ از ۵) قرار می‌گیرد.



نمودار ۳۳: شاخص فرعی استقلال مالی - میراث

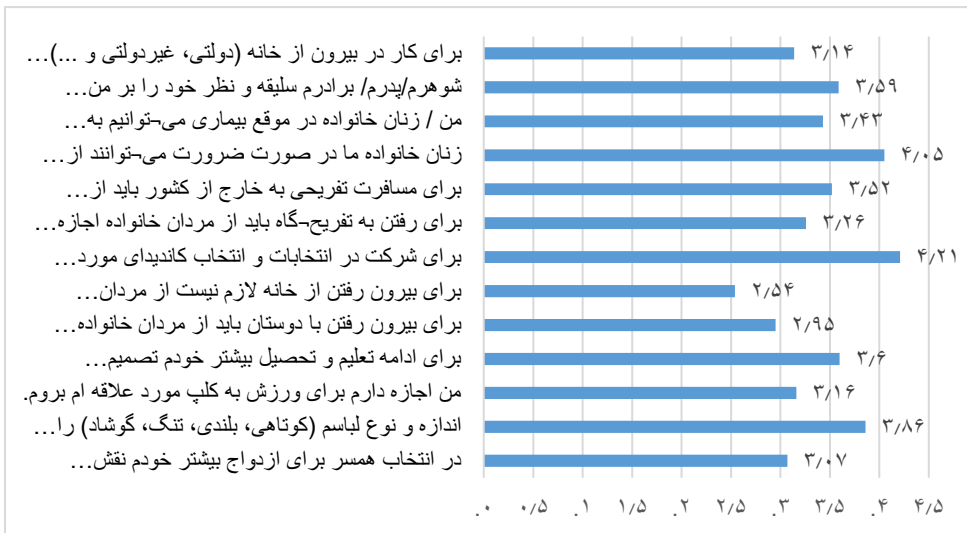
۸. شاخص فرعی آزادی فردی

شاخص فرعی آزادی فردی متشکل از ۱۳ شاخص می‌باشد: «نقش داشتن در انتخاب همسر»، «انتخاب نوع و اندازه لباس»، «اجازه انتخاب کلب مورد علاقه ورزشی»، «تصمیم به ادامه تحصیل»، «ضرورت اجازه گرفتن از مردان برای بیرون رفتن با دوستان»، «عدم لزوم اجازه مردان برای بیرون رفتن از خانه»، «آزادی اشتراک در انتخابات و رای دادن»، «ضرورت اجازه مردان برای رفتن به تفریح‌گاه»، «ضرورت اجازه مردان برای سفر تفریحی به خارج از کشور»، «امکان جلوگیری از باردار شدن در صورت ضرورت»، «امکان مراجعه به سنوگرافی مردانه»، «عدم تحمیل سلیقه مردان بر زنان» و «تصمیم‌گیری مستقل برای کار در بیرون خانه». میانگین عمومی شاخص آزادی فردی ۳.۲۱ است که با توجه به مسیر کدگذاری ۱ تا ۵ در گزینه «بی‌نظرم» مایل به «موافقم» قرار می‌گیرد. انحراف معیار ۰.۶۵ است که پراکندگی داده‌ها از میانگین را نشان می‌دهد. رقم چولگی ۰.۰۲- است که با توجه به منفی بودن و مقدار آن، می‌توان نتیجه گرفت که داده‌ها به طرف شماره‌های بالا قرار دارد. مقدار کشیدگی ۰.۴۲۳- است که با توجه به علامت آن می‌توان برداشت نمود که شباهت پاسخ‌ها کم است.

جدول ۳۶: شاخص فرعی آزادی فردی

شاخص فرعی آزادی فردی	
تعداد	۴۵۷
میانگین	۳.۲۱
انحراف معیار	۰.۶۵۳۳
چولگی	-۰.۰۲
کشیدگی	-۰.۴۲۳

چنان‌که در نمودار ۳۴ دیده می‌شود، از ۱۳ گویه‌ی شاخص آزادی فردی، گویه‌ی «آزادی شرکت در انتخابات» (با میانگین ۴.۲۱ یا) بیشترین موافقت پاسخ‌دهنده‌گان را دارا می‌باشد. سپس گویه‌های «اجازه‌ی زنان برای جلوگیری از باردار شدن در صورت نیاز» (با میانگین ۴.۰۵ یا) قرار دارد. سایر گویه‌ها به تعقیب آنها قرار می‌گیرند. در نهایت گویه‌ی «عدم نیاز به اجازه‌ی خواستن از مردان برای بیرون رفتن از خانه» (با میانگین ۲.۵۴) کمترین موافقت پاسخ‌دهنده‌گان را به خود اختصاص داده است.



منبع: داده‌های تحقیق

نمودار ۳۴: شاخص فرعی آزادی فردی

۹. شاخص فرعی حق انتخاب

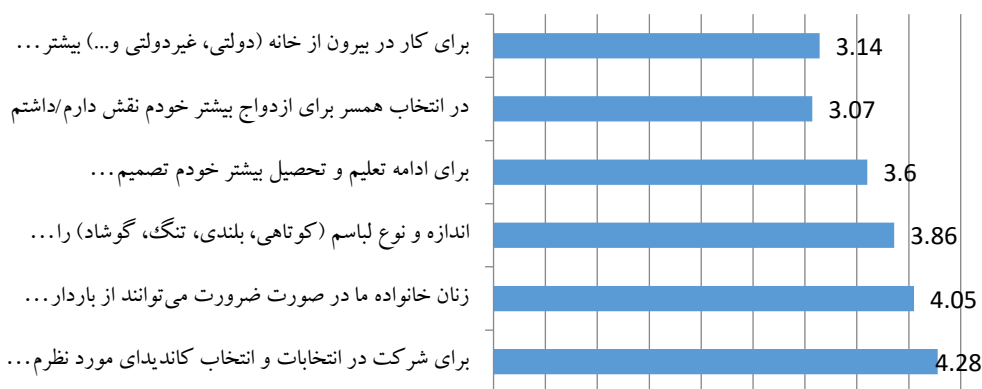
شاخص فرعی حق انتخاب از ۶ گویه تشکیل گردیده است: «در انتخاب همسر برای ازدواج بیشتر خودم نقش دارم/ داشتم»، «اندازه و نوع لباسم (کوتاهی، بلندی، تنگ، گوشاد) را بیشتر خودم انتخاب می‌کنم»، «برای ادامه تعلیم و تحصیل بیشتر خودم تصمیم گرفتم/ می‌گیرم»، «برای شرکت در انتخابات و انتخاب کاندیدای مورد نظرم خودم تصمیم گرفتم/ می‌گیرم»، «زنان خانواده ما در صورت ضرورت می‌توانند از باردار شدن جلوگیری نمایند» و «برای کار در بیرون از خانه (دولتی، غیردولتی و ...) بیشتر خودم تصمیم می‌گیرم». میانگین عمومی شاخص آزادی فردی ۳.۶۵ است که با توجه به مسیر کدگذاری ۱ تا ۵، در گزین «موافقم» قرار می‌گیرد. انحراف معیار ۰.۸۵ است که نمایانگر میزان پراکندگی داده‌ها از میانه می‌باشد. مقدار چولگی ۰.۳۶۷- است که با توجه به مقدار و علامت آن، می‌توان نتیجه‌گیری نمود که بیشتر داده به طرف شماره‌های بالا تجمع نموده است. مقدار کشیدگی ۰.۵۱۹- است که با در نظر داشت علامت آن می‌توان گفت که شباهت بین پاسخ‌های انتخاب‌کنندگان کم است.

جدول ۳۷: شاخص فرعی حق انتخاب

شاخص فرعی حق انتخاب	
۴۵۷	تعداد
۳.۶۵	میانگین
۰.۸۵	انحراف معیار
-۰.۳۶۷	چولگی
-۰.۵۱۹	کشیدگی

چنان‌که در نمودار ۳۵ دیده می‌شود، از مجموع ۶ گویه‌ی شاخص فرعی حق انتخاب، گویه‌ی «برای شرکت در انتخابات و انتخاب کاندیدای مورد نظرم خودم تصمیم گرفتم/ می‌گیرم» با میانگین ۴.۲۸ بیشترین موافقت پاسخ‌دهنده‌گان را کسب کرده است. پس از آن، گویه‌ی «زنان خانواده ما در صورت ضرورت می‌توانند از باردار شدن جلوگیری نمایند» با میانگین ۴.۰۵، گویه‌ی «اندازه و نوع لباسم (کوتاهی، بلندی، تنگ، گوشاد) را بیشتر خودم انتخاب می‌کنم» با میانگین ۳.۸۶، گویه‌ی «برای ادامه تعلیم و تحصیل بیشتر خودم تصمیم گرفتم/ می‌گیرم» با میانگین ۳.۶۰، گویه‌ی «در انتخاب همسر برای ازدواج بیشتر خودم نقش دارم/ داشتم» با میانگین ۳.۰۷

و در نهایت، گویهی «برای کار در بیرون از خانه (دولتی، غیردولتی و...) بیشتر خودم تصمیم می‌گیرم» با میانگین ۳.۱۴ قرار دارند.



منبع: داده‌های تحقیق نمودار ۳۵: شاخص فرعی حق انتخاب

۱۰. شاخص عمومی توان‌مندی زنان

شاخص عمومی قدرت‌مندی از ۲۴ گویه که در ۷ شاخص فرعی جداگانه قبلی آمده بودند ساخته شده و نشان‌دهنده میزان قدرت و توان زنان و نیز جایگاه‌شان در خانواده است که ابعاد مختلف زیر را سنجش می‌نماید. "جایگاه و ارزش زنان"، "آزادی فردی"، "صحت و بهداشت"، "تبعیض جنسیتی"، "استقلال مالی"، "حق انتخاب" و "اجازه بیرون رفتن و تفریح".

جدول ۳۸: شاخص کلی توانمندی زنان هرات

شاخص کلی توانمندی زنان	
۴۵۷	تعداد
۳.۸۳	میانگین
۰.۵۲۲	انحراف معیار
-۰.۲۵۱	چولگی
-۰.۳۷۱	کشیدگی

همچنان که جدول (۳۸) نشان می‌دهد، میانگین کلی این شاخص ۳.۸۳ است که بین گزینه "بی‌نظر" و "موافق" و مایل به طرف "موافق" قرار می‌گیرد. انحراف معیار ۰.۵۲ است که نشان‌دهنده پراکندگی کم داده‌ها از میانگین است. کجی منفی و برابر با ۰.۲۵- است که نشان می‌دهد پاسخ‌گویان بیشتر گزینه‌های بلند (موافق و خیلی موافق) را انتخاب نموده‌اند و کشیدگی منفی و برابر با ۰.۳۷- است که نشان می‌دهد گزینه‌های مختلف انتخاب شده و تجمع داده‌ها در یک جا زیاد نیست بلکه شباهت بین داده‌ها کم است. در نتیجه، زنان شهر هرات، بر اساس شاخص‌های تعریف شده برای توانمندی، از نظر خودشان، نسبتاً قدرت‌مندند و از جایگاه نسبتاً خوبی در خانواده برخوردارند. از جایی که میانگین کلی شاخص در وسط "بی‌نظر" و "موافق" و مایل به طرف "موافق" قرار می‌گیرد، باید در این نتیجه‌گیری احتیاط کرد چون به نظر می‌رسد تعدادی با این امر موافق اند و تعدادی مخالف.

جدول ۳۹: شاخص‌های فرعی و مقیاس کلی توانمندی زنان هرات

شاخص‌های فرعی و مقیاس کلی توانمندی زنان در خانواده							
شاخص‌های فرعی	تعداد	پایین‌ترین	بالا‌ترین	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی
جایگاه، ارزش	۴۵۷	۱	۵	۴.۲۰	۰.۷۹۳۷۶	-۱.۴۱	۲.۲۵۵
صحت و بهداشت	۴۵۶	۱.۳۳	۵	۴.۱۹	۰.۷۹۸۴۱	-۱.۱	۱.۰۰۵
تبعیض جنسیتی	۴۵۷	۱	۱۰.۶	۳.۸۵	۰.۹۰۰۸۲	۰.۴۴	۶.۲۵۳
بیرون رفتن و تفریح	۴۵۷	۱	۴.۸	۲.۱۶	۰.۸۰۴۶۱	۰.۵۵	-۰.۱۹۹
استقلال مالی	۴۵۷	۱	۵	۳.۷۹	۱.۰۳۸۷	-۰.۶۹	-۰.۱۶۱
آزادی فردی	۴۵۷	۱.۵۶	۴.۸۸	۳.۲۲	۰.۶۵۳۳۲	-۰.۰۲	-۰.۴۲۳
حق انتخاب	۴۵۷	۱	۵	۳.۶۶	۰.۸۵۰۹۴	-۰.۳۷	-۰.۵۱۹
مقیاس کلی قدرتمندی	۴۵۷	۲.۲۵	۴.۹۶	۳.۸۳	۰.۵۲۲۴۶	-۰.۲۵	-۰.۳۷۲

همچنان که جدول (۳۹) نشان می‌دهد، از میان شاخص‌های فرعی هفت‌گانه توانمندی زنان، ۲ شاخص "جایگاه و ارزش" و "صحت و بهداشت" با میانگین بالاتر از ۴ بیشترین موافقت پاسخ‌گویان

را با خود داشتند و در حد "موافق" و اندکی مایل به سوی "کاملاً موافق" قرار دارند. در مقابل، "اجازه بیرون رفتن از خانه" با کمترین موافقت در حد "مخالف" در پایین‌ترین حد قرار گرفته است. پس از آن، شاخص "آزادی فردی" قرار دارد که تقریباً در مرز وسط "بی‌نظر" قرار گرفته است. سه شاخص دیگر "حق انتخاب"، "استقلال مالی" و "تبعیض جنسیتی" بین "بی‌نظر" و "موافق" و مایل به "موافق" قرار دارند. میانگین مقیاس کلی قدرت‌مندی (متشکل از ۳۳ گویه و شامل ۷ شاخص فرعی) ۳.۸۳ است که در بین "بی‌نظر" و "موافق" و نزدیک مرز "موافق" قرار می‌گیرد. به این معنا که با در نظرداشتن گویه‌ها و شاخص‌های تعریف شده برای توانمندی زنان، از نظر پاسخ‌گوینان (زنان شرکت‌کننده در این تحقیق) زنان هرات تقریباً و به صورت کلی، توانمند اند و نیروهای ناتوان‌ساز (خشونت، محدودیت‌ها و...) به صورت کل کمتر از فرصت‌ها و توانایی‌ها است.

تحلیل استنباطی داده‌های تحقیق

برای تحلیل اطلاعات و داده‌های به دست آمده از پرسش‌نامه و معلوم شدن میزان معناداری نتایج آزمون‌های به هدف معلوم کردن امکان یا عدم امکان تعمیم یافته‌های نمونه به جامعه آماری از چند آزمون مناسب آماری استنباطی استفاده شده است. آزمون‌هایی مورد استفاده متناسب با نوع اطلاعات موجود در پرسش‌نامه و نیز اهداف و پرسش‌های تحقیق است. بر این اساس، برای تحلیل داده‌ها از چند آزمون آمار استنباطی مثل آزمون‌هایی هم‌بستگی و آزمون‌هایی تفاوت بین متغیرها استفاده شده است. برای به دست آوردن اطلاعات عمیق‌تر و مشخص‌تر از داده‌ها، مقیاس کلی توانمندی زنان که متشکل از ۲۴ گویه/پرسش است با بسیاری از متغیرهای جمعیت‌شناختی متناسب به اهداف تحقیق ارزیابی و بررسی شده است. همچنین شاخص خشونت علیه زنان در خانواده نیز با چند متغیر جمعیت‌شناختی مربوط رابطه‌شناختی شده است.

۱. آزمون رابطه توانمندی با سن زنان

برای معلوم نمودن رابطه همبستگی بین سن و میزان قدرت‌مندی زنان در خانواده از آزمون اسپیرمن (به دلیل توزیع غیر نورمال داده‌ها در یکی از دو متغیر) استفاده شده است. هم‌چنان که جدول (۴۰) نشان می‌دهد، بین سن و میزان توانمندی زنان رابطه مستقیم و ضعیفی وجود دارد؛ به این معنا که با افزایش سن زنان، قدرت‌شان در خانواده بیشتر می‌گردد و با کاهش سن، کمتر.

به نظر می‌رسد، محدودیت‌های ناشی از جنسیت روی نوجوانان و جوانان در خانواده از طرف مردان خانواده بیشتر باشد تا روی میان‌سالان و زنان بزرگسال. با در نظر داشت مقدار آزمون اسپیرمن (۰.۲۶) معلوم می‌شود که رابطه ضعیف است و با در نظر داشت قیمت معناداری یا $\text{sig}=0,288$ می‌توان نتیجه گرفت که این رابطه ضعیف در داده‌ها احتمالاً ناشی از تصادف باشد و معنادار نیست که بتوان آن را به جامعه آماری تعمیم داد.

آزمون اسپیرمن برای سنجش همبستگی توانمندی با سن زنان				
قدرتمندی	سن			
۰.۰۲۶	۱	ضریب همبستگی	سن	آزمون اسپیرمن
۰.۲۸۸	.	Sig. (۱-tailed)		
۴۵۰	۴۵۰	تعداد		
۱	۰.۰۲۶	ضریب همبستگی	قدرتمندی	
.	۰.۲۸۸	Sig. (۱-tailed)		
۴۵۷	۴۵۰	تعداد		

جدول ۴۰: آزمون اسپیرمن برای سنجش میزان همبستگی توانمندی با سن زنان

۲. آزمون همبستگی توانمندی با سطح تحصیل زنان

برای سنجش رابطه همبستگی بین میزان قدرت‌مندی زنان با سطح تحصیل‌شان از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. مقدار آزمون اسپیرمن (۰.۴۱) نشان‌دهنده رابطه مستقیم و متوسط بین میزان قدرت‌مندی زنان با سطح تحصیل‌شان است؛ به این معنا که هرچند سطح تحصیل زنان بالا باشد، قدرت و جایگاه‌شان در خانواده بیشتر است و این رابطه رابطه‌ای از نوع متوسط است. با در نظر داشت مقدار معناداری $\text{Sig}=0,000$ چنین می‌توان نتیجه گرفت که به احتمال ۹۹ درصد اطمینان، یافته‌های نمونه آماری را می‌توان در جامعه آماری (زنان شهر هرات) تعمیم داد. یعنی بین سطح تحصیل زنان و قدرت و جایگاه‌شان رابطه مستقیم و متوسط وجود دارد که با بالا رفتن سطح سواد، قدرت زنان هم در خانواده بیشتر می‌گردد و با پایین آمدنش، کمتر.

جدول ۴۱: آزمون اسپیرمن برای سنجش میزان همبستگی توانمندی و سطح تحصیل زنان

آزمون همبستگی اسپیرمن برای قدرتمندی و سطح تحصیل زنان				
تحصیل	قدرتمندی			
.۴۰۶**	۱	ضریب همبستگی	قدرتمندی	آزمون اسپیرمن
.	.	Sig. (۱-tailed)		
۴۵۵	۴۵۷	تعداد		
۱	.۴۰۶**	ضریب همبستگی	تحصیل	
.	.	Sig. (۱-tailed)		
۴۵۵	۴۵۵	تعداد		
**. همبستگی در سطح ۰.۰۱ (۹۹ درصد) معنادار است.				

۳. آزمون همبستگی بین توانمندی و درآمد زنان

برای معلوم نمودن نوع رابطه بین قدرت‌مندی و میزان درآمد زنان خانواده از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. مقدار آزمون اسپیرمن (۰.۲۵۶) نشان‌دهنده رابطه مستقیم ولی ضعیف بین میزان درآمد زنان با قدرت‌مندی شان در خانواده است؛ به این معنا که با بالا رفتن میزان درآمد زنان، به گونه ضعیفی، جایگاه و قدرت‌شان در خانواده نیز بالا می‌رود و با پایین آمدن درآمدشان، جایگاه‌شان نیز پایین می‌آید. این رابطه ضعیف است ولی بامعنا. مقدار معناداری $Sig=0.00$ نشان می‌دهد که می‌توان با احتمال ۹۹ درصد اطمینان، این رابطه ضعیف بین این دو متغیر که در نمونه آماری دیده شده، به جامعه آماری (زنان شهر هرات) تعمیم داد.

جدول ۴۲: آزمون اسپیرمن برای سنجش میزان همبستگی توانمندی و سطح درآمد زنان

آزمون همبستگی اسپیرمن برای قدرت‌مندی و سطح درآمد زنان				
درآمد	قدرت‌مندی			
.۲۵۶**	۱	ضریب همبستگی	قدرت‌مندی	آزمون اسپیرمن
.	.	Sig. (۱-tailed)		
۴۵۴	۴۵۷	تعداد		
۱	.۲۵۶**	ضریب همبستگی	درآمد	
.	.	Sig. (۱-tailed)		
۴۵۴	۴۵۴	تعداد		
**. همبستگی در سطح ۰.۰۱ (۹۹ درصد) معنادار است.				

۴. مقایسه شاخص کلی توانمندی با متغیرهای جمعیت‌شناختی (شغل، حالت مدنی، سکونت اصلی و مذهب)

از جایی که این تحقیق در شهر هرات اجرا شده و پاسخ‌گویان تحقیق همه ساکن در شهر هرات اند برای فهمیدن رابطه توان‌مندی زنان با محل سکونت (شهر و ولسوالی) به سکونت اصلی پاسخ-گویان مراجعه شده است. هم‌چنان که میانگین‌های دو گروه نشان می‌دهد که زنانی که سکونت اصلی شان شهر بوده ۴.۱۳ اندکی بیشتر از از زنانی که سکونت اصلی شان ولسوالی بوده ۳.۷۵ توانمندی بیشتری دارند. نتیجه آزمون T برای نمونه‌های مستقل نشان می‌دهد که تفاوت مشاهده شده بین میزان قدرت‌مندی زنان با سکونت اصلی شهری با زنانی که سکونت اصلی شان ولسوالی بوده را می‌توان با ۹۹ درصد اطمینان به جامعه آماری این تحقیق (زنان شهر هرات) تعمیم داد.

هم‌چنان که جدول (۴۳) میانگین پاسخ‌گویان مجرد و متأهل در مورد قدرت‌مندی شان نشان می‌دهد، تفاوت چندانی بین میانگین مجردها (۳.۸۷) و متأهل‌ها (۳.۸۲) در نمونه آماری به نظر نمی‌رسد. آزمون T هم این تفاوت را معنادار نشان نمی‌دهد که بشود به جامعه آماری تعمیم داد. در نتیجه، آنچنان که داده‌ها نشان می‌دهد، حالت مدنی زنان (تجرد و تأهل) نمی‌تواند باعث کاهش یا افزایش قدرت‌مندی زنان شود.

با نگاهی به جدول (۴۳) متوجه می‌شویم که بین میانگین سنی‌ها و شیعه‌ها در توانمندی زنان چندان تفاوت جدی معلوم نمی‌شود. ارقام آزمون T هم معناداری تفاوت اندک دیده شده را نشان

نمی‌دهد. در نتیجه، زنان پیرو مذهب تشیع و تسنن در شهر هرات قدرت‌مندی تقریباً یکسانی دارند و مذهب به عنوان یک متغیر تأثیرگذار در مسأله توانمندی زنان نیست.

جدول ۴۳: نتایج آزمون تی برای سنجش میزان همبستگی توانمندی زنان با متغیرهای جمعیتی دیگر

آزمون t		آزمون لوان ^{۳۳}			میانگین توانمندی زنان در خانه	
تفاوت میانگین‌ها	Sig	T	Sig	F		
-.۰۶۳۱۲	.۰۲۸۰	-۱.۰۸۲	.۰۷۹۵	.۰۰۶۸	۳.۸۱۷۵	زنان سنی
-.۰۶۳۱۲	.۲۷۵	-۱.۰۹۴			۳.۸۸۰۶	زنان شیعه
.۰۴۲۸۹	.۵۴۸	.۶۰۱	.۵۹۱	.۲۹۰	۳.۸۷۱۱	زنان مجرد
.۰۴۲۸۹	.۵۴۵	.۶۰۷			۳.۸۲۸۲	زنان متأهل
-.۲۳۹۴۷	.۰۰۰	-۴.۳۳۲	.۷۸۰	.۰۷۸	۳.۷۶۱۰	زنان بدون شغل
-.۲۳۹۴۷	.۰۰۰	-۴.۳۲۸			۴.۰۰۰۵	زنان شاغل
.۳۷۵۱۷	.۰۰۰	۵.۹۳۵	.۱۳۴	۲.۲۵۹	۴.۱۳۱۲	زنان شهری
.۳۷۵۱۷	.۰۰۰	۶.۲۵۵			۳.۷۵۶۰	زنان غیرشهری
-.۰۱۵۹۵	.۷۷۹	۴۱۷	.۵۵۵	.۳۴۸	۳.۸۴۱۱	زنان هراتی
-.۰۱۵۹۵	.۷۷۴	۲۴۶.۶۹۶			۳.۸۵۷۱	زنان غیر هراتی

۵. مقایسه شاخص سهم‌گیری مردان در کار خانه با متغیرهای جمعیت‌شناختی (شغل، سواد و میزان درآمد)

برای مقایسه میزان قدرت‌مندی زنان بین گروه‌ها دوگانه مختلف از آزمون T-test برای برابری میانگین‌های دو نمونه آماری مستقل استفاده شده است. از آزمون T برای مقایسه میانگین متغیرهای مستقل دوگانه استفاده شده است.

برای سنجش نوع رابطه بین شاغل و غیر شاغل بودن زنان و میزان قدرت‌مندی آنان در خانواده از آزمون T برای نمونه‌های مستقل استفاده شده است. همچنان که جدول (۴۴) نشان می‌دهد که

^{۳۳} Levene's Test for Equality of Variance

میانگین زنان شاغل ۴ و از زنان غیر شاغل ۳.۷۶ است به این معنا که زنان شاغل اندکی قدرت-مندتر از زنان غیر شاغل اند. با در نظر داشتن مقدار $\text{sig}=78$ در آزمون لوآن (Levene's Test)، برابر بودن میانگن‌ها رد نشده است از مقدار ذکر شده در سطر دوم در آزمون T استفاده می‌کنیم که در آن $\text{sig}=000$ است. در نتیجه، تفاوت موجود بین میانگین‌های زنان شاغل و زنان غیر شاغل که در نمونه مشاهده شده قابل تعمیم به جامعه آماری تحقیق (زنان شهر هرات) است؛ یعنی به طور کلی، زنان شاغل قدرت و جایگاه برتری در خانواده نسبت به زنان غیر شاغل دارند.

نتیجه آزمون لوآن نشان می‌دهد که میانگین سهم‌گیری مردان در خانواده‌های زنان شاغل و غیر شاغل همسان نیست و اندکی تفاوت دارد $\text{sig}=0056$ و این تفاوت اندک را بر اساس نتیجه آزمون T ($\text{sig}=0001$) می‌توان به جامعه آماری تعمیم داد. نتیجه این که گرچه مردان به صورت عموم در حد خیلی کم در کار خانه سهم می‌گیرند، بین خانواده‌های زنان شاغل و غیر شاغل اندکی تفاوت است و مردان در خانواده‌های زنان غیر شاغل خیلی کمتر از مردان خانواده‌های زنان شاغل در کار خانه سهم می‌گیرند.

مقایسه شاخص سهم‌گیری زنان در کار خانه با متغیر سواد بین زنان باسواد و بی‌سواد نشان می‌دهد که مردان خانواده‌های زنان شاغل اندکی بیشتر (میانگین=۱.۴۱) از مردان خانواده‌های غیر شاغل (میانگین=۰.۹) در کار خانه سهم می‌گیرند. نتایج آزمون لوآن نشان می‌دهد که ادعای برابری میانگین‌ها رد شده $\text{sig}=0001$ و سهم‌گیری دو گروه متفاوت است. نتیجه آزمون T هم با در نظر داشتن ارزش $\text{sig}=000$ نشان می‌دهد که این تفاوت معنادار است و می‌شود در سطح جامعه آماری تعمیم داد.

مقایسه شاخص سهم‌گیری زنان در کار خانه با متغیر معاش بین زنان بامعاش و بی‌معاش نشان می‌دهد که مردان خانواده‌های زنان بامعاش اندکی بیشتر (میانگین=۱.۴۹) از مردان خانواده‌های بی‌معاش (میانگین=۱.۱۴) در کار خانه سهم می‌گیرند. نتایج آزمون لوآن نشان می‌دهد که ادعای برابری میانگین‌ها رد شده $\text{sig}=0010$ و سهم‌گیری دو گروه متفاوت است. نتیجه آزمون T هم با در نظر داشتن ارزش $\text{sig}=001$ نشان می‌دهد که این تفاوت معنادار است و می‌شود در سطح جامعه آماری تعمیم داد.

۶. مقایسه شاخص خشونت خانوادگی با متغیرهای جمعیت‌شناختی (شغل، سواد و میزان درآمد)

مقایسه شاخص خشونت خانوادگی بین گروه‌های مختلف زنان (شاغل و غیر شاغل؛ باسواد و بی-سواد؛ بامعاش و بی‌معاش) نشان‌دهنده تفاوت زیاد و معنادار بین این گروه‌های مختلف زنان نیست و به نظر می‌رسد تجربه زنان نمونه آماری از گروه‌های مختلف اجتماعی و با درنظرداشت متغیرهای ذکر شده، یکسان است و چندان تفاوت معناداری با هم ندارد.

جدول ۴۴: نتایج آزمون تی برای سنجش میزان سهم‌گیری مردان در کار خانه با متغیرهای جمعیتی

آزمون t		آزمون لوان		میانگین سهم‌گیری مردان در کار خانه		
تفاوت میانگین‌ها	sig	T	Sig	F		
-۰.۳۴۶۳۷	.۰۰۱	-۳.۴۸۶	.۰۱۰	۶.۷۴۶	۱.۱۴۸۶	زنان بدون معاش
-۰.۳۴۶۳۷	.۰۰۱	-۳.۳۳۵			۱.۴۹۵۰	زنان بامعاش
-۰.۵۰۷۰۸	.۰۰۰	-۴.۷۷۴	.۰۰۱	۱۲.۰۹۲	.۹۰۵۹	زنان بی‌سواد
-۰.۵۰۷۰۸	.۰۰۰	-۵.۴۱۲			۱.۴۱۳۰	زنان باسواد
-۰.۳۷۹۳۵	.۰۰۰۱	-۳.۴۳۳	.۰۰۵۶	۳.۶۶۳	۱.۱۸۱۱	زنان بدون شغل
-۰.۳۷۹۳۵	.۰۰۰۱	-۳.۳۴۰			۱.۵۶۰۴	زنان شاغل

فصل پنجم

نتیجه‌گیری

هدف کلی این تحقیق که با استفاده از روش‌های پژوهش اسنادی و پیمایشی و سود بردن از داده‌های موجود آماری و داده‌های دست اول کمی صورت گرفته نشان دادن جایگاه و توانمندی زنان هرات در خانواده و جامعه بر اساس شاخص‌های توانمندی زنان، بویژه شاخص شکاف جنسیتی (GGI) است. با در نظر داشت مشکلات متعدد چون نبود داده‌های منسجم در سطح ولایتی و حتا سطح ملی و نیز نبود اطلاعات و تحقیقات پیشینی قابل توجه مرتبط در زمینه، نهایت تلاش شده تا با بهره‌گیری از داده‌های موجود معتبر و نیز جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های لازم دست اول، پاسخ‌های مناسب به پرسش‌های تحقیق (ابعاد و چگونگی توانمندی زنان هرات) ارائه شود. باید به این نکته اذعان نمود که به علت نبود داده‌های جامع در زمینه و نیز تمرکز روی زنان شهری، این تصویر از کل زنان ولایت هرات نمایندگی کرده نمی‌تواند.

تمرکز اصلی تحقیق روی وضعیت زنان هرات است ولی به عنوان پیش‌درآمد و ارایه تصویری کلان‌تر از وضعیت عمومی زنان افغانستان در مقدمه یافته‌های تحقیق اطلاعات و آمار اسنادی درباره وضعیت و جایگاه زنان بر اساس شاخص‌های شکاف جنسیتی (مشارکت، آموزش، اقتصاد، صحت، خشونت) آورده شده است. به دنبال آن، وضعیت و توانمندی زنان هرات بر اساس شاخص‌های شکاف جنسیتی در حوزه عمومی (جامعه) توصیف شده و در نهایت داده‌های پرسش‌نامه کمی پژوهش توصیف و تحلیل شده است.

یافته‌های داده‌های اسنادی درباره میزان توانمندی زنان بر اساس شاخص‌های تحقیق نشان می‌دهد که وضعیت زنان افغانستان در یک و نیم دهه اخیر تغییر چشم‌گیری نکرده و بیشتر ثابت مانده است: (افزایش فقط ۳ درصد زنان در نیروی کار (۲۱ درصد)، افزایش نسبی ۱۰ درصد شاگردان مکاتب (۳۹ درصد)، افزایش فقط ۳ درصدی معلمان اناث (۳۴ درصد)، افزایش فقط ۳ درصدی دانشجویان اناث دانشگاه‌ها (۲۶ درصد)، و عدم تغییر فیصدی استادان اناث دانشگاه‌ها (۱۴ درصد). در حوزه سیاسی (به استثنای پارلمان و شورای ولایتی که سهمیه‌بندی شده، مشارکت زنان بسیار ناچیز است: هیچ والی از ۳۴ ولایت زن نیست و فقط یک معاون والی زن از ۳۴ تن.

یافته‌های تحقیق اسنادی در ولایت هرات نشان می‌دهد که مشارکت زنان در نیروی کار رسمی دولتی شهر هرات خیلی پایین‌تر از سطح مورد انتظار است (کمی بالاتر از ۱۰ درصد) و در بیرون شهر (ولسوالی‌ها) این میزان به صفر میرسد. آنهایی هم که شاغل اند بیشتر در بست‌های پایین (۴ و ۵ و پایین‌تر) قرار دارند و هیچ زنی در بست اول دولتی در هیچ ریاست ولایت هرات قرار ندارد. در مؤسسات غیر دولتی به نظر میرسد حضور زنان بیشتر و قوی‌تر باشد و حدود ۳۷ درصد نیروی کار این بخش را تشکیل می‌دهد. در بخش خصوصی (شرکت‌های تولیدی شهرک صنعتی) حدود ۲۵ درصد زنان مصروف کاراند که اغلب در بخش تولیدی کار می‌کنند. مشارکت زنان در ادارات دولتی قابل بحث به نظر می‌رسد. به عنوان نمونه، در کل حدود ۳۴ درصد از کارمندان و کارکنان خدماتی ادارات دولتی هرات را زنان تشکیل می‌دهند. اما اگر سکتور آموزش (معلمان) را برداریم این رقم به حدود ۱۱ درصد تقلیل پیدا می‌کند. چنان‌که ذکر آن رفت حتی این مشارکت ۱۱ درصدی نیز قدرتمند نیست و تعداد زنان شاغل در بست‌های ۱، ۲ و ۳ بسیار محدود گزارش می‌گردد. صورت جدی‌تر مسئله زمانی تبارز می‌یابد که به ارقام مربوط به مشارکت زنان در ادارات دولتی ولسوالی‌ها توجه شود. اگر سکتور آموزش را برداریم، هیچ کارمند و کارکنی در ادارات مربوط به ولسوالی‌ها حضور ندارد. در حالی که بیش از ۷۰٪ از جمعیت هرات ساکن ولسوالی‌ها است.

در حوزه تجارت و اقتصاد، سهم زنان در مقایسه با مردان بسیار ناچیز است. در تجارت‌های بزرگ هیچ زنی به عنوان مالک و مدیر شرکت‌ها و تجارت‌خانه‌ها حضور ندارد و فقط در بخش تجارت‌های کوچک (صنایع دستی، تولیدی‌های کوچک و زراعتی) تعدادی از زنان متشبهت وارد شده اند که باز هم در مقایسه با مردان حضور بسیار شکننده و کم‌رنگی دارند.

در بخش آموزش حضور دختران و زنان در ولایت هرات در مقایسه با سطح ملی پررنگ‌تر است قسمی که حدود ۵۰ درصد از معلمان و ۴۶ درصد از شاگردان مکاتب را زنان و دختران تشکیل می‌دهند. در سطح تحصیلات عالی هم گرچه حضور دختران به عنوان دانشجوی در مرز ۴۶ درصد رسیده حضور زنان به عنوان استادان دانشگاه همچنان در سطح پایین (۲۶ درصد) قرار دارد و در چند سال اخیر هیچ رشدی نکرده است. این نابرابری شاید در قالب کمبود تعداد زنان واجدالشرايط توجیه گردد، اما واقعیت این است که زنان در این سکتور به اندازه کافی قدرتمند نیستند که بتوانند در طراحی و تطبیق سیاست‌های آموزشی تحصیلات عالی نقش پررنگی داشته باشند. این

وضعیت در مورد معارف نیز مصداق دارد. از طرفی، ارقام حکایت از حضور حداقلی زنان در آموزش - های دینی دارد. طوری که این حضور کم‌رنگ نیز قدرتمندانه نیست. اگر جایگاه دین و آموزش‌های دینی در شکل‌دهی جهان‌بینی ساکنان هرات در نظر گرفته شود، این حضور کم‌رنگ که از قدرت کافی نیز برخوردار نیست، می‌تواند نگران‌کننده باشد. ارقام مربوط به بخش آموزش نشان می‌دهد که میزان بی‌سوادی در بین زنان بیش‌تر از مردان می‌باشد. به طور نمونه، میزان بی‌سوادی در بین زنان ۲۵ سال و بالاتر ۸۳.۹٪ و در بین مردان ۶۳.۴٪ می‌باشد.

ارقام مربوط به سکتور صحت نمایانگر آن است که تقریباً تمام زنان هراتی به خدمات اساسی صحت دسترسی دارند (۹۵٪). البته این فقط از زاویه دید کارگزاران است که با توجه به امکانات و تسهیلات فراهم شده ارزیابی نموده‌اند. تعداد داکتران زن و کارمندان خدمات صحتی در مقایسه با مردان هنوز کم است و به طور ویژه، در سکتور صحت زنان کمی تصمیم‌گیرنده‌اند. رشد کاربرد ابزارهای جلوگیری از یک منظر می‌تواند عامل ضمنی برای توانمندسازی زنان باشد که در هرات رشد نسبی داشته است؛ زیرا فرزندآوری می‌تواند تهدیدهای صحتی، شغلی و آموزشی زنان را افزایش دهد. حتی ممکن است این ارقام نشان‌دهنده افزایش مؤثریت زنان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به باروری باشد. از طرفی، دسترسی مادران به خدمات صحتی ولادی نیز رشد کرده است که می‌تواند نمایانگر قدرتمندی زنان باشد.

میزان خشونت علیه زنان در ولایت هرات در سال ۱۳۹۷ بیش از ۳۰۰۰ مورد گزارش گردیده است که رقم بالایی است. خشونت علیه زنان فاکتور مهمی در تشخیص قدرتمندی زنان می‌تواند باشد. میزان بالای خشونت خانوادگی نشان‌دهنده میزان پایین قدرتمندی زنان در خانواده و جامعه است. از طرفی دیگر، رشد رقم خشونت در هرات رد مقایسه با سایر ولایت کشور، می‌تواند نمایانگر این واقعیت هم باشد که زنان توانایی به چالش کشیدن وضعیت موجود را پیدا نموده‌اند؛ زیرا ثبت قضایا در نهادهای رسمی نیازمند مقدمه‌ای است که توانایی مواجهه با چالش‌ها را می‌طلبد. اما باید در نظر داشته باشیم که این ارقام بیش‌تر مربوط به قربانیان شهری است و احتمال این‌که واقعیت بسیی از این آمارها باشد، وجود دارد. زیرا تسهیلات و آگاهی ثبت قضایا در روستاها بسیار کم است.

در کل، آمار مشارکت و حضور زنان در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، آموزشی و صحتی نشان می‌دهد که علی‌رغم بهتر بودن وضعیت نسبی زنان ولایت هرات در مقایسه با میانگین ملی، به طور کلی در مقایسه با کشورهای منطقه و جهان و نیز شاخص‌هایی شکاف و نابرابری جنسیتی، وضعیت مطلوبی نیست و زنان هرات به گونه‌ی کلی با درنظرداشت این شاخص‌ها کم‌توان و کم-قدرت‌اند.

در بخش پیمایشی این پژوهش تعداد ۴۵۷ پرسش‌نامه کامل و قابل قبول برای توصیف و تحلیل وارد برنامه SPSS گردید. پرسش‌نامه تحقیق متشکل از سه بخش (غیر از مشخصات جمعیت-شناختی پاسخ‌گویان) جداگانه بود. در بخش اول، میزان سهم زنان و مردان در تصمیم‌های مختل (مهم و غیر مهم) در خانواده از نظر خود زنان پرسیده شده بود. بر اساس پاسخ زنان، به طور کلی، حدود ۴۳ درصد از تصمیم‌های خانواده به صورت مشترک بین زنان و مردان گرفته می‌شود، حدود ۳۷ درصد تصمیم‌ها را مردان می‌گیرند و بقیه ۲۰ درصد دیگر تصمیم‌ها به عهده زنان است. نکته مهم در این میان نوع تصمیم‌هاست که از مردان بیشتر جنبه بیرونی و یا پراهمیت دارد و از زنان بیشتر مربوط به داخل خانه و یا مسایل خاص زنان و یا هم غیر مهم به نظر می‌رسد.

بخش دوم پرسش‌نامه متشکل از ۱۰ سوال/گویه در دو شاخص جداگانه (سهم‌گیری مردان در کار خانه و خشونت خانوادگی) بود که بر اساس طیف ۶ رقمی لیکرت (از خیلی زیاد تا هیچ) تنظیم گردیده بود. یافته‌های پرسش‌نامه از نظر پاسخ‌گویان این تحقیق نشان می‌دهد که مردان به طور کلی "خیلی کم" در کار خانه سهم می‌گیرند، گرچه این امر در خانواده‌هایی که زنان شاغل‌اند، یا سطح سواد بالاتر دارند و یا هم درآمد، با زنان بی‌سواد، بیکار، و بی‌درآمد فرق می‌کند و به نظر می‌رسد مردان در خانواده‌های گروه دوم، خیلی کمتر از مردان خانواده‌های گروه اول در کار خانه سهم می‌گیرند. شاخص دوم این بخش میزان خشونت خانوادگی مردان علیه زنان از نظر خود زنان بود که بر اساس یافته‌های پرسش‌نامه، زنان اظهار کردند که مردان در حد "کم" یا "خیلی کم" از انواع خشونت فیزیکی، کلامی، روانی و تهدید علیه آن‌ها استفاده می‌کنند. نکته جالب این که خلاف شاخص "سهم‌گیری مردان در کار خانه" این امر (خشونت خانوادگی) در بین گروه‌های مختلف اجتماعی (شغل، درآمد، سطح تحصیل ...) تقریباً یکسان است و بیشترشان اظهار داشتند که در حد "کم" یا "خیلی کم" از طرف مردان خانواده مورد خشونت واقع می‌شوند.

بخش سوم پرسش‌نامه متشکل از ۲۴ پرسش/گویه در ۷ شاخص جداگانه در مورد ابعاد مختلف توانمندی زنان در خانواده طراحی شده بود. این ۷ شاخص فرعی که با استفاده از مدل نظری و شاخص‌های شکاف و نابرابری جنسیتی و شاخص‌های توانمندی زنان با در نظر داشت شرایط فرهنگی اجتماعی جامعه ما به صورت ترکیبی ساخته شده‌اند عبارت‌اند از "جایگاه و ارزش زنان"، "آزادی فردی"، "صحت و بهداشت"، "تبعیض جنسیتی"، "استقلال مالی"، "حق انتخاب" و "اجازه بیرون رفتن و تفریح". از میان شاخص‌های فرعی هفت‌گانه توانمندی زنان، ۲ شاخص "جایگاه و ارزش" و "صحت و بهداشت" با میانگین بالاتر از ۴ بیشترین موافقت پاسخ‌گویان را با خود داشتند و در حد "موافق" و اندکی مایل به سوی "کاملاً موافق" قرار دارند. در مقابل، "اجازه بیرون رفتن از خانه" با کمترین موافقت در حد "مخالف" در پایین‌ترین حد قرار گرفته است. پس از آن، شاخص "آزادی فردی" قرار دارد که تقریباً در مرز وسط "بی‌نظر" قرار گرفته است. سه شاخص دیگر "حق انتخاب"، "استقلال مالی" و "تبعیض جنسیتی" بین "بی‌نظر" و "موافق" و مایل به "موافق" قرار دارند. میانگین مقیاس کلی قدرت‌مندی (متشکل از ۳۳ گویه و شامل ۷ شاخص فرعی) ۳.۸۳ است که در بین "بی‌نظر" و "موافق" و نزدیک مرز "موافق" قرار می‌گیرد. به این معنا که با در نظر داشت گویه‌ها و شاخص‌های تعریف شده برای توانمندی زنان، از نظر پاسخ‌گویان (زنان شرکت‌کننده در این تحقیق) زنان هرات تقریباً و به صورت کلی، توانمندند و نیروهای ناتوان‌ساز (خشونت، محدودیت‌ها و...) به صورت کل کمتر از فرصت‌ها و توانایی‌ها است.

در بخش تحلیل استنباطی، آزمون یافته‌های تحقیق با متغیرهای مختلف جمعیت‌شناسی یافته‌های بیشتری در مورد وضعیت توانمندی گروه‌های مختلف زنان نسبت به سن، سطح سواد، میزان درآمد، نوع شغل و... به دست می‌دهد.

ارزیابی رابطه بین میزان قدرت‌مندی و سن‌شان نشان می‌دهد که رابطه مستقیم و ضعیفی بین سن زنان و میزان توانمندی‌شان در خانواده دیده می‌شود؛ به این معنا که هر قدر سن زنان بالاتر باشد، میزان قدرت‌شان در خانواده بیشتر می‌شود، گرچه این رابطه ضعیف است. چنین رابطه‌ای بین میزان درآمد و قدرت‌مندی زنان نیز مشاهده شده است. رابطه بین این دو (میزان درآمد و قدرت‌مندی) رابطه مستقیم ولی ضعیف است. یعنی با بالا رفتن میزان درآمد زنان، قدرت‌شان در

خانواده بیشتر می‌شود. این رابطه هم در سطح ضعیف قرار دارد. علت آن شاید تعداد کم زنان دارای درآمد در میان نمونه آماری باشد.

آزمون رابطه قدرت‌مندی زنان با سطح تحصیل نشان می‌دهد که رابطه مستقیم و در حد متوسط بین این دو وجود دارد. هرچه سطح تحصیل زنان بالاتر باشد، میزان قدرت‌شان در خانواده بیشتر است و به تناسب پایین بودن سطح تحصیل زنان، میزان قدرت‌شان نیز پایین است.

آزمون مقایسه بین میزان قدرت‌مندی زنان شاغل و غیر شاغل نشان می‌دهد که به طور کلی، زنان شاغل قدرت و جایگاه برتری در خانواده نسبت به زنان غیر شاغل دارند و این نتیجه را می‌توان به جامعه آماری (زنان هرات) تعمیم داد.

گرچه نمونه آماری این تحقیق زنان ساکن شهر هرات بودند ولی سکونت اصلی حدود ۶۰ درصد این زنان ولسوالی‌ها یا بیرون شهر هرات بود. آزمون مقایسه بین توانمندی زنان ساکن اصلی شهر و زنانی که سکونت اصلی شان ولسوالی‌ها بوده نشان داد که به طور کلی، میزان توانمندی زنان با اصلیت شهری بیشتر از زنان با اصلیت غیر شهری است و این تفاوت را می‌توان به جامعه آماری هم تعمیم داد.

یافته‌های تحقیق درباره مقایسه قدرت‌مندی زنان مجرد و متأهل نشان‌دهنده تفاوت چندانی نیست و آن تفاوت کوچک را نمی‌توان در جامعه آماری تعمیم داد. یعنی زنان مجرد و متأهل به طور متوسط از قدرت‌مندی یکسانی برخوردار اند.

آزمون مقایسه قدرت‌مندی زنان پیرو مذاهب تسنن و تشیع هم نشان داد که مذهب نمی‌تواند متغیر جدی در این میان باشد و زنان پیر هر دو مذهب از قدرتمندی تقریباً یکسانی برخوردارند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که به صورت کلی، مردان "خیلی کم" به کار خانه سهم می‌گیرند. مقایسه شاخص سهم‌گیری مردان خانواده با متغیرهای جمعیت‌شناختی نشان داد که به طور کلی مردان خانواده‌های زنان شاغل و باسواد با درآمد در کار خانه سهم‌گیری اندکی بیشتر از مردان خانواده‌های زنان غیر شاغل و بی‌سود و بدون درآمد دارند.

از دید زنان پاسخ‌گو، زنان تجربه کمی از خشونت خانوادگی دارند و بسیاری‌شان ادعا داشتند که در حد کم و خیلی کم در خانواده مورد خشونت واقع شده‌اند. مقایسه شاخص خشونت خانوادگی

بین گروه‌های مختلف زنان (شاغل و غیر شاغل؛ باسواد و بی‌سواد؛ بامعاش و بی‌معاش) نشان‌دهنده تفاوت زیاد و معنادار بین این گروه‌های مختلف زنان نیست و به نظر می‌رسد تجربه زنان نمونه آماری از گروه‌های مختلف اجتماعی و با در نظر داشت متغیرهای ذکر شده، یکسان است و چندان تفاوت معناداری با هم ندارد.

به طور کلی، آمارهای حوزه مشارکت، آموزش، صحت و خشونت علیه زنان در سطح جامعه و داده‌های شاخص‌های قدرتمندی زنان، تصمیم‌گیری در خانواده و سهم‌گیری مردان در کار خانه نشان‌دهنده وضعیت‌های متفاوتی از توانمندی زنان هرات بر اساس شاخص‌های توانمندی زنان دارند و این توانمندی اغلب بین گروه‌های مختلف بر اساس متغیرهای مختلف، متفاوت است و به طور کلی، زنان تحصیل‌کرده، شاغل و با درآمد نسبت به زنان بی‌سواد، بیکار و بدون معاش در خانواده و جامعه قدرتمندتر به نظر می‌رسند.

سفارشات

گرچه این تحقیق در پی توصیف وضعیت کلی توانمندی زنان هرات بود نه تبیین و شرح عوامل آن، باز هم، یافته‌های تحقیق نشان‌دهنده رابطه مثبت یا منفی (مستقیم یا معکوس) تعدادی از متغیرها با میزان توانمندی زنان هرات است. بر اساس این یافته‌ها و شواهد دیگر این تحقیق، سفارشات زیر برای افزایش توانمندی زنان هرات پیشنهاد می‌گردد.

۱. کم‌قدرتی عمومی زنان هرات و افغانستان: با توجه به آمار و داده‌های اسنادی، میزان مشارکت زنان در حوزه عمومی (سیاست، اقتصاد، اشتغال و آموزش) در مقایسه با کشورهای منطقه و جهان و نیز شاخص‌های شکاف و نابرابری جنسیتی هنوز خیلی پایین است. انتظار می‌رود دولت افغانستان و سازمان‌های ملی و بین‌المللی فعال در این زمینه برای توانمندساختن بیشتر زنان بویژه در حوزه‌هایی مثل اقتصاد و سیاست که خیلی کم‌قدرت‌اند، تلاش بیشتری نمایند و برنامه و استراتژی‌های درازمدتی مبتنی بر شرایط واقعی و فرهنگی جامعه اتخاذ نمایند.

۲. توجه به آموزش و تحصیل: یافته‌های این تحقیق پیمایشی و تحقیقات زیاد دیگر نشان می‌دهد که آموزش رابطه مستقیمی با میزان قدرتمندی زنان در خانه و جامعه دارد؛ یعنی به تناسب بالا رفتن سطح تحصیل زنان، جایگاه و قدرت‌شان در خانواده و جامعه بیشتر می‌شود؛ لذا، انتظار

می‌رود، مسؤولان و پالیسی‌سازان حوزه زنان در افغانستان، توجه ویژه و جدی به زمینه‌سازی حضور بیشتر دختران و زنان در مکاتب و دانشگاه‌ها و افزایش سطح تعلیم و تحصیل شان داشته باشند.

۳. زمینه‌سازی کار و اشتغال زنان: یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که زنان شاغل و بادرآمد قدرت و جایگاه بهتری در خانه دارند و میزان خشونت کمتری تجربه می‌کنند. این موضوع را داده‌های آماری بسیاری از تحقیقات دیگر در سایر مناطق جهان هم تقویت می‌کند. بدون شک قدرت اقتصادی زنان و استقلال مالی آن‌ها جایگاه‌شان در خانه و جامعه را تقویت می‌نماید و خشونت علیه آن‌ها را کاهش می‌دهد. انتظار می‌رود که پالیسی‌سازان حوزه زنان در کشور برنامه‌های ویژه‌ای برای افزایش حضور زنان در بازار کار و برداشتن یا کاهش موانع اشتغال زنان در سازمان‌های دولتی و غیر دولتی و خصوصی داشته باشند تا از این طریق شاهد کاهش خشونت علیه زنان و افزایش جایگاه و توانمندی شان در خانه و جامعه باشیم. از جایی که برای این امر (اشتغال زنان) علاقه-مندی زنان اغلب وجود دارد ولی موانعی در راه است که باید برداشته شود (مثل تبعیض در استخدام، آزاروآذیت‌های محیط کار، مخالفت‌های خانواده‌ها و گاه تحصیلات تخصصی پایین برخی از زنان) پس باید تمرکز روی کاهش این محدودیت‌ها باشد.

۴. از جایی که یکی از عوامل فرودستی زنان تقسیم جنسیتی کار خانه و کار بیرون است و مردان هیچ سهمی یا سهم بسیار ناچیزی در کار خانه دارند و یافته‌های این تحقیق هم این را نشان می‌دهد، برای تغییر این مناسبات و به چالش کشیدن تقسیم جنسیتی کار خانه (زنان) و کار بیرون (مردان)، باید تلاش شود تا فرهنگ نگاه به کار خانه مخصوص زنان تغییر کند و مردان هم بخشی از مسؤولیت کار خانه و پرورش کودکان را به عهده گیرند. اینچنین هم زنان وقت بیشتری پیدا می‌کنند برای رسیدگی به تعلیم و تحصیل و اشتغال و هم مردان از تجربه و فشار کار خانه بدون مزد آگاه می‌شوند که بدون شک در تغییر نگاه کلیشه‌ای به زنان و زنانه‌گی مؤثر است.

۵. این تحقیق گرچه کوشیده تا وضعیت زنان هرات در خانه و جامعه را توصیف کند ولی با محدودیت‌هایی که موجود بود، امکان بررسی عمیق وضعیت زندگی زنان هرات، میسر نبود و جامعه و نمونه آماری زنان ساکن در نواحی مختلف شهر هرات بودند. از جایی که بیشترین جمعیت افغانستان (زنان و مردان) بیرون از شهرها و در قریه‌ها و ولسوالی‌ها زندگی می‌کنند، پیشنهاد می‌گردد تحقیق گسترده‌تری متمرکز بر وضعیت زنان غیر شهری در ولایت هرات صورت گیرد تا تجربه آنها از زندگی و میزان توانمندی شان بررسی شود.

۶. این تحقیق بیشتر با استفاده از روش کمی پهنانگر صورت گرفته بود که امکان عمیق شدن به زوایا و تجربه خاص زنان از موقعیت‌های مختلف را میسر نمی‌سازد، در حالی که برای شناخت دقیق‌تر موضوع، باید نگاهی از نزدیک به تجربه زیسته زنان در حوزه‌های مختلف داشت. پیشنهاد می‌گردد تا تحقیقاتی کیفی و عمیق‌نگر برای شناخت تجربه زندگی زنان هرات راه‌اندازی شود و تمرکز خاصی روی اقشاری که در حوزه عمومی اطلاعات زیادی درباره زندگی شان نداریم صورت گیرد مثلاً زنان روستایی، غیرشهری و مناطق دورافتاده‌تر که نه تجربه آموزش و تعلیم دارند و نه اشتغال و کار با مزد و از طرفی احتمالاً بیشتر از زنان شهری تحصیل کرده و شاغل در معرض تبعیض‌ها و آزارها و خشونت‌ها باشند.

منابع

۱. اداره احصائیه مرکزی (۱۳۹۳). سروی وضعیت زندگی در افغانستان: ارزیابی ملی خطرات و آسیب‌پذیری.
۲. _____ (۱۳۹۶). وضعیت زنان و مردان در افغانستان - ۱۳۹۵
۳. _____ (۱۳۹۷). وضعیت زنان و مردان در افغانستان - ۱۳۹۶
۴. _____ (۱۳۹۵). سروی اقتصادی-اجتماعی و دموگرافیکی ۱۳۹۵ هرات
۵. _____ (۱۳۹۷). برآورد نفوس کشور ۱۳۹۷
۶. _____ (۱۳۹۳). گزارش سروی مشارکت زنان و مردان در تصمیم‌گیری - ۱۳۹۲ (مرحله دوم)
۷. _____ (۱۳۹۵). افغانستان. سروی صحت و دموگرافی ۱۳۹۴
۸. اداره ملی احصائیه و معلومات. (۱۳۹۷). سالنامه احصائیه‌وی ۱۳۹۷
۹. انجمن خدمات اجتماعی زنان (WASSA). (۱۳۹۷). بررسی نیازها و اولویت‌های زنان. «تشخیص و اولویت‌بندی نیازهای اساسی زنان در ۱۵ ولسوالی ولایت هرات». گزارش چاپ‌نشده
۱۰. بربریچ، هنری دوک و همکاران (۱۳۹۵). افغانستان در ۱۶ سال: سروی مردم افغانستان. کابل: بنیاد آسیا
۱۱. بیسلی، کریس. (۱۳۸۵). چپستی فمینیسم: درآمدی بر نظریه فمینیستی. ترجمه محمد رضا زمردی. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان
۱۲. تانگ، رزمی. (۱۳۸۷). نقد و نظر: درآمدی جامع بر نظریه‌های فمینیستی. ترجمه منیژه نجم عراقی. تهران: نشر نی
۱۳. جعفری، فاطمه. (۱۳۹۵). مشارکت سیاسی زنان در افغانستان. انتشارات دانشمند
۱۴. دوبووار، سیمین. (۱۳۸۴). جنس دوم. ترجمه قاسم صعوی. چاپ ششم. تهران: انتشارات توس
۱۵. دیپارتمنت جامعه‌شناسی دانشگاه هرات و ریاست امور زنان ولایت هرات (۱۳۹۷). بررسی تأثیر پروژه‌های توانمندی زنان بر وضعیت زنان ولایت هرات در سال ۱۳۹۷.

۱۶. دیپارتمنت جامعه‌شناسی دانشگاه هرات و ریاست امور زنان ولایت هرات. (۱۳۹۷). بررسی وضعیت مشارکت زنان در ادارات دولتی ولایت هرات - قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و چالش‌ها
۱۷. رضایی، صدیقه (۱۳۹۵). زنان افغانستان؛ مشارکت و توسعه. ویرایش جدید. کابل. انتشارات خراسان قدیم
۱۸. رضایی، صدیقه. (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی اجتماعی زنان افغانستان. ویرایش جدید. کابل انتشارات خراسان قدیم
۱۹. ریاست اقتصاد ولایت هرات. (۱۳۹۷). پروفایل ولایتی هرات
۲۰. ریتزر، جورج. (۱۳۸۲) نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی. چاپ هفتم. تهران. انتشارات علمی
۲۱. ریتزر، جورج و گودمن، داگلاس، جی. (۱۳۹۰). نظریه جامعه‌شناسی مدرن. ترجمه خلیل میرزایی و عباس لطفی‌زاده. تهران. انتشارات جامعه‌شناسان
۲۲. سفیری، خدیجه و ایمانیان، سارا. (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی جنسیت. تهران. انتشارات جامعه‌شناسان
۲۳. شکوری، علی. رفعت‌جاه، مریم و جعفری، معصومه. (۱۳۸۶). مؤلفه‌های توانمندسازی زنان و تبیین عوامل مؤثر بر آنها. پژوهش زنان، دوره ۶، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۸۶، ۱-۲۶
۲۴. غبار، میر غلام محمد. (۱۳۸۳). افغانستان در مسیر تاریخ. چاپ هفتم. تهران. انتشارات جمهوری
۲۵. کاظم، سید عبدالله. (۲۰۰۵). زنان افغان زیر فشار عنعنه و تجدد (یک بررسی تحلیلی تاریخی). کابل. انتشارات میوند.
۲۶. کاوه، علی احمد. (۱۳۹۷). بررسی وضعیت زنان ولایت هرات بر اساس پلان علمی ملی برای زنان افغانستان (NAPWA). اندیشه. فصل‌نامه علمی-تحقیق علوم اجتماعی دانشگاه هرات. سال هفدهم نشراتی. سلسله هشتاد و دوم. شماره اول. بهار ۱۳۹۷. ص ۸۹-۱۰۸
۲۷. کبیر، نایلا (۱۳۸۹). تأملی در سنجش قدرتمند شدن زنان: منابع، عاملیت، دستاورد. مجموعه مقالات توانمندی زنان: نقدی بر رویکردهای رایج توسعه. ترجمه فاطمه صادقی و دیگران. تهران. نشر آگه
۲۸. کمیسیون مستقل حقوق بشر (۱۳۹۵). گزارش وضعیت حقوق بشر. کابل: کمیسیون مستقل حقوق بشر.

۲۹. فرهنگ، میر محمد صدیق. (۱۳۷۱). افغانستان در پنج قرن اخیر. جلد دوم. قم.
۳۰. مالوتره، آنجو؛ بوندرا، کارول و شولر، سیدنی روٹ. (۱۳۸۹). سنجش توانمندی زنان به عنوان یک متغیر در توسعه بین‌المللی. مجموعه مقالات توانمندی زنان: نقدی بر رویکردهای رایج توسعه. ترجمه هما مداح و فاطمه محمدی و دیگران. تهران. نشر آگه
۳۱. میشل، آندره. (۱۳۸۳). جنبش زنان «فمنیسم». ترجمه دکتر هما زنجانی‌زاده. مشهد. نشر نیکا
۳۲. نولان، پاتریک و لنسکی، گرهارد. (۱۳۸۶). جامعه‌های انسانی. ترجمه ناصر موفقیان. چاپ سوم. تهران. نشر نی
۳۳. واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU)، اداره سازمان ملل متحد برای تساوی جنسیت و برابری زنان (UN Women). (۲۰۱۲). توانمندسازی اقتصادی زنان افغانستان (۲۰۰۲ - ۲۰۱۲). جمع‌آوری معلومات، تحلیل و بررسی وضعیت. دکتر لینا گنش، مسعوده کوهستانی و رحیم اعظمی
۳۴. وزارت اقتصاد و بانک جهانی. (۲۰۰۸) وضعیت فقر در افغانستان: تحلیل بر اساس ارزیابی خطر و آسیب‌پذیری ملی ۲۰۰۸/۲۰۰۷
۳۵. وزارت امور زنان (۱۳۹۱). نخستین گزارش از تطبیق نیوا. کابل: وزارت امور زنان.
۳۶. _____ (۱۳۹۲). گزارش تحلیلی از تطبیق نیوا. کابل: وزارت امور زنان.
۳۷. _____ (۱۳۹۳). سومین گزارش از تطبیق نیوا. کابل: وزارت امور زنان.
۳۸. وزارت صحت عامه (۱۳۹۲). سروی مرگ و میر افغانستان ۲۰۱۰. کابل: وزارت صحت عامه.
۳۹. وی، ویویان و شهید، فریدا (۱۳۸۹). قدرتمندشدن زنان در جوامع مسلمان: جنسیت، فقر و دموکراتیزه شدن از درون. مجموعه مقالات توانمندی زنان: نقدی بر رویکردهای رایج توسعه. ترجمه اعظم خاتم و دیگران. تهران. نشر آگه
۴۰. هورنالی، کارن (۱۳۸۴). روان‌شناسی زنان. ترجمه سهیل سُمی. تهران. نشر ققنوس

Demetriades, Justina. (۲۰۰۹) GENDER EQUALITY INDICATORS: WHAT, WHY AND HOW? DAC Network on Gender Equality. based on BRIDGE's Gender and Indicators Cutting Edge Pack (۲۰۰۷). http://www.bridge.ids.ac.uk/reports_gend_CEP.html#Indicators

Eagly, Alice H. (۱۹۹۵). The Science and politics of comparing women and men. *American Psychologist*, ۵۰:۱۴۵-۵۸
<https://psycnet.apa.org/record/۱۹۹۵-۲۱۱۴۱-۰۰۱>

Follette, Robert M.La (۲۰۱۳). Women's Empowerment Indicators in Developing Nations. University of Wisconsin-Madison.

<https://lafollette.wisc.edu/images/publications/workshops/۲۰۱۳-women.pdf>

Jager, Ulrike and Rohwer, Anja (۲۰۰۹). Women's empowerment: gender-related indices - as a guide for policy.

<https://www.ifo.de/DocDL/dicereport۴۰۹-rr۲.pdf>

Klasen, S and Schüler, D. (۲۰۰۹) 'Reforming the Gender-Related Development Index (GDI) and the Gender Empowerment Measure (GEM): Some Specific Proposals', Goettingen: Georg-August-Universität Göttingen
<http://www۲.vwl.wiso.unigoettingen.de/ibero/papers/DB۱۸۶.pdf>

Hawkesworth, Mary. (۱۹۹۷). "Confounding Gender". The University of Chicago Press. Vol. ۲۲, No. ۳ (Spring, ۱۹۹۷), pp. ۶۴۹-۶۸۵
<https://www.jstor.org/stable/۱۳۵۸۹۳۶>

Ministry of Foreign Affairs. (۲۰۱۶). PROGRESS REPORT ON WOMEN'S STATUS AND EMPOWERMENT AND NATIONAL ACTION PLAN (NAP ۱۳۲۵) Kabul.
<https://mowa.gov.af/sites/default/files/۲۰۱۹-۰۸/NAPWA%۲۰Assessment%۲۰Final%۲۰and%۲۰Approved.pdf>

Oxfam GB. (Lombardini, Simone .Bowman, Kimberly Garwood, Rosa). (۲۰۱۷). 'HOW TO' GUIDE TO MEASURING WOMEN'S EMPOWERMENT; Sharing experience from Oxfam's impact evaluations.

<https://oxfamilibrary.openrepository.com/bitstream/handle/۱۰۰۴۶/۶۲۰۲۷۱/gt-measuring-womens-empowerment-۲۰۰۰۱۷-en.pdf?sequence=۴>

Special Inspector General for Afghanistan Reconstruction (SIGAR). (۲۰۱۸). Promoting Gender Equity in National Priority Programs (Promote): USAID Needs to Assess This \$۲۱۶ Million Program's Achievements and the Afghan Government's Ability to Sustain Them. SIGAR ۱۸-۶۹ Audit Report. SEPTEMBER ۲۰۱۸. <https://www.sigar.mil/pdf/audits/SIGAR-۱۸-۶۹-AR.pdf>

The Fourth World Conference (۱۹۹۰). Beijing Declaration and Platform for Action. <https://www.un.org/en/events/pastevents/pdfs/BeijingDeclarationandPlatformforAction.pdf>

The Guardian. (۲۰۱۱). Afghanistan worst place in the world for women, but India in top five. Retrived from: <http://www.theguardian.com/world/۲۰۱۱/jun/۱۰/worst-place-women-afghanistan-india>

UNDP. (۲۰۱۸). Human Development Indices and Indicators: ۲۰۱۸ Statistical Updte: Afghanistan <http://undp.org/en/content/human-development-indices-indicators-۲۰۱۸-statistical-update+%&cd=۶&hl=en&ct=clnk&gl=af>

World Bank. (۲۰۰۲). Measuring Women's Empowerment as a Variable in International Development. Prepared by Anju Malhotra, PhD; Sidney Ruth Schuler, PhD; Carol Boender. <http://documents.worldbank.org/curated/en/۳۳۳۴۸۱۰۰۰۳۸۰۶۷۷۸۸۶/pdf/WPS۸۱۴۸.pdf>

پیوست‌ها

پرسش‌نامه مطالعه‌ی وضعیت زنان در ولایت هرات

پاسخ‌گوی گرامی!

این تحقیق از طرف انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان به هدف شناسایی وضعیت زنان ولایت هرات راه‌اندازی شده است. از شما خانم محترم تقاضا می‌کنیم با همکاری بی‌شائبه خود با تیم تحقیق، به شناخت وضعیت زنان شهر خود کمک نمایید تا باشد این تحقیق بتواند قدمی – هرچند کوتاه- در راستای شناخت و بهبود وضعیت زنان ولایت هرات باشد. انستیتوت و تیم تحقیق اش پیشاپیش از همکاری تان کمال امتنان و سپاسگزاری را دارد و تعهد خویش مبنی بر رعایت حقوق پاسخ‌گویان و اخلاق تحقیق ابراز می‌دارد.

بخش ۱: لطفاً مشخص نمایید فعالیت‌های زیر در خانواده شما بیشتر به دوش چه کسانی است. مردان؟ زنان؟ یا هر دو؟

کد	مردان	زنان	گویه‌ها	شماره
	مردان	زنان	تصمیم خرید (یا کرایه و ...) خانه	۱
	مردان	زنان	تصمیم خرید موتر	۲
	مردان	زنان	تصمیم خرید وسایل ضروری معیشتی خانه‌وار (آرد، برنج، روغن، مواد ارتزاقی و...)	۳
	مردان	زنان	تصمیم خرید وسایل غیر معیشتی (فرش، ظرف، وسایل تزئینی خانه)	۴
	مردان	زنان	تصمیم خرید طلا، نقره و جواهرات	۵
	مردان	زنان	تعیین مقدار و چگونگی مصرف ماهوار عمومی خانوار	۶

	۷	تعیین مقدار جیب خرجی اعضای خانواده	زن	مردان	هر دو
	۸	تعیین مقدار پس انداز ماهوار یا سالانه خانوار	زن	مردان	هر دو
	۹	تصمیم به ازدواج فرزندان (زمان ازدواج، انتخاب و تایید فرد یا خانواده طرف)	زن	مردان	هر دو
	۱۰	تصمیم به ادامه تعلیم / تحصیل فرزندان	زن	مردان	هر دو
	۱۱	تصمیم به کار کردن دختران و زنان در بیرون از خانه	زن	مردان	هر دو
	۱۲	تصمیم در مورد تقسیم ارث فامیلی	زن	مردان	هر دو

بخش ۲: لطفاً با توجه به گویه‌های زیر مقدار «خیلی زیاد» تا «هیچ» را در مورد مردان خانواده خود انتخاب نمایید.

کد	هیچ	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	گویه‌ها	شماره
	هیچ	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	مردان خانواده ما در آشپزی سهم می‌گیرند.	۱۳
	هیچ	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	مردان خانواده ما در ظرف شستن همکاری می‌نمایند.	۱۴
	هیچ	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	مردان خانواده در بعض موارد از لت و کوب علیه زنان استفاده می‌کنند.	۱۵
	هیچ	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	مردان خانواده ما در لباس شستن سهیم می‌شوند.	۱۶
	هیچ	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	مردان خانواده ما در پاک‌کاری خانه (جارو کردن و ...) کمک می‌کنند.	۱۷

		هیچ	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	مردان خانواده در بعض موارد از فحش و دشنام علیه زنان استفاده می‌کنند.	۱۸
		هیچ	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	مردان خانواده ما در نگهداری از کودکان سهم می‌گیرند	۱۹
		هیچ	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	مردان خانواده ما کارهای شخصی-شان (اتو کردن لباس، رنگ کردن کفش و ...) را خودشان انجام می‌دهند.	۲۰
		هیچ	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	مردان خانواده در بعض موارد از تهدید و تحقیر زنان استفاده می‌کنند	۲۱
		هیچ	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	مردان خانواده می‌کوشند رفتار زنان (بیرون رفتن، رابطه فردی با دیگران، دید و بازدید و ...) را کنترل نمایند	۲۲

بخش ۳: لطفاً میزان موافقت یا مخالفت خود را با گویه‌های زیر مشخص نمایید. سوال - های که مربوط شما نمی‌شود، پاسخ ندهید.

کد	کاملاً مخالفم	مخالفم	بی نظرم	موافقم	کاملاً موافقم	گویه‌ها	شماره
	کاملاً مخالفم	مخالفم	بی نظرم	موافقم	کاملاً موافقم	در انتخاب همسر برای ازدواج بیشتر خودم نقش دارم/داشتم.	۲۳
	کاملاً مخالفم	مخالفم	بی نظرم	موافقم	کاملاً موافقم	فکر می‌کنم عضو مهم و ارزشمند خانواده‌ام هستم.	۲۴
	کاملاً مخالفم	مخالفم	بی نظرم	موافقم	کاملاً موافقم	در تصمیم‌گیری‌های مهم خانواده سهم دارم و با من مشوره می‌شود.	۲۵

	کاملاً مخالفم	بی نظرم	موافقم	کاملاً موافقم	اندازه و نوع لباسم (کوتاهی، بلندی، تنگ، گوشاد) را بیشتر خودم انتخاب می کنم	۲۶
	کاملاً مخالفم	بی نظرم	موافقم	کاملاً موافقم	من اجازه دارم برای ورزش به کلب مورد علاقه ام بروم.	۲۷
	کاملاً مخالفم	بی نظرم	موافقم	کاملاً موافقم	برای ادامه تعلیم و تحصیل بیشتر خودم تصمیم گرفتم/می گیرم.	۲۸
	کاملاً مخالفم	بی نظرم	موافقم	کاملاً موافقم	برای بیرون رفتن با دوستان باید از مردان خانواده اجازه بگیرم.	۲۹
	کاملاً مخالفم	بی نظرم	موافقم	کاملاً موافقم	برای بیرون رفتن از خانه لازم نیست از مردان خانواده اجازه بگیرم.	۳۰
	کاملاً مخالفم	بی نظرم	موافقم	کاملاً موافقم	در خانواده ما، دختران برابر پسران جیب-خرجی دریافت می کنند.	۳۱
	کاملاً مخالفم	بی نظرم	موافقم	کاملاً موافقم	در چگونگی مدیریت و مصرف پول شخصی (معاش، درآمد، پول شخصی، جیب خرج، میراث و ...) بیشتر خودم تصمیم می گیرم.	۳۲
	کاملاً مخالفم	بی نظرم	موافقم	کاملاً موافقم	دختران در خانواده برابر با پسران به امکاناتی چون لبتاپ، گوشی، اتاق جداگانه دسترسی دارند.	۳۳
	کاملاً مخالفم	بی نظرم	موافقم	کاملاً موافقم	برای شرکت در انتخابات و انتخاب کاندیدای مورد نظرم خودم تصمیم گرفتم/می گیرم.	۳۴
	کاملاً مخالفم	بی نظرم	موافقم	کاملاً موافقم	برای رفتن به تفریح گاه باید از مردان خانواده اجازه بگیرم.	۳۵
	کاملاً مخالفم	بی نظرم	موافقم	کاملاً موافقم	برای مسافرت تفریحی به خارج از کشور باید از مردان خانواده اجازه بگیرم.	۳۶

	کاملاً مخالفم	مخالفم	بی نظرم	موافقم	کاملاً موافقم	در خانواده ما، برای تولد طفل دختر برابر با تولد پسر شادی می کنند.	۳۷
	کاملاً مخالفم	مخالفم	بی نظرم	موافقم	کاملاً موافقم	در خانواده ما، از ادامه تحصیل دختران در دانشگاه‌های خصوصی به اندازه پسران حمایت می شود	۳۸
	کاملاً مخالفم	مخالفم	بی نظرم	موافقم	کاملاً موافقم	زنان خانواده ما، حق میراث خود را مطابق به سهم قانونی و شرعی از ترکه میت دریافت می کنند.	۳۹
	کاملاً مخالفم	مخالفم	بی نظرم	موافقم	کاملاً موافقم	زنان خانواده ما در صورت ضرورت می - توانند از باردار شدن جلوگیری نمایند.	۴۰
	کاملاً مخالفم	مخالفم	بی نظرم	موافقم	کاملاً موافقم	من / زنان خانواده در دوران بارداری به گونه مرتب به دکتر زنانه مراجعه می کنیم.	۴۱
	کاملاً مخالفم	مخالفم	بی نظرم	موافقم	کاملاً موافقم	من / زنان خانواده در موقع بیماری می - توانیم به دکتر سونوگرافی مردانه مراجعه نماییم.	۴۲
	کاملاً مخالفم	مخالفم	بی نظرم	موافقم	کاملاً موافقم	من / زنان خانواده در موقع بیماری مثل مردان مورد توجه ویژه خانواده (بردن به دکتر، تغذیه مناسب، معافیت از کار و ...) قرار می گیریم.	۴۳
	کاملاً مخالفم	مخالفم	بی نظرم	موافقم	کاملاً موافقم	شوهرم (مردان خانواده) در زندگی و روابط خانوادگی نمی کوشند تا سلیقه و نظر خود را بر من (زنان خانواده) تحمیل کنند.	۴۴

پرسش های مشروط: اگر گویه های ذیل در مورد شما صدق می کند لطفاً پاسخ دهید.

شماره	گویه‌ها	کاملاً موافقم	موافقم	بی‌نظرم	مخالفم	کاملاً مخالفم	کد
۴۵	با شوهرم روابط صمیمی و دوستانه دارم.	کاملاً موافقم	موافقم	بی‌نظرم	مخالفم	کاملاً مخالفم	
۴۶	برای کار در بیرون از خانه (دولتی، غیردولتی و ...) بیشتر خودم تصمیم می‌گیرم.	کاملاً موافقم	موافقم	بی‌نظرم	مخالفم	کاملاً مخالفم	

بخش ۴: اطلاعات جمعیت‌شناختی

۴۷. سن: ()
۴۸. حالت مدنی: ۱. مجرد () ۲. متأهل () ۳. طلاق گرفته () ۴. بیوه () ۵. دیگر ()
۴۹. سطح تحصیل: ۱. بی‌سواد () ۲. سواد خواندن و نوشتن () ۳. ابتدایی () ۴. متوسطه () ۵. لیسه/بکلوریا () ۶. محصل/لیسانس () ۷. بالاتر از لیسانس ()
۵۰. قومیت: ۱. پشتون () ۲. تاجیک () ۳. هزاره () ۴. ازبیک () ۵. دیگری ()
۵۱. مذهب: ۱. حنفی () ۲. جعفری () ۳. دیگری ()
۵۲. میزان درآمد: ۱. هیچ () ۲. ۰-۵ هزار () ۳. ۶-۱۰ هزار () ۴. ۱۱-۱۵ هزار () ۵. ۱۶-۲۰ هزار () ۶. ۲۱-۲۵ هزار () ۷. ۲۶-۳۰ هزار () ۸. ۳۱-۳۵ هزار () ۹. ۳۶-۴۰ هزار () ۱۰. بالاتر از ۴۰ هزار ()
۵۳. شغل ()
۵۴. سکونت فعلی: ناحیه ()
۵۵. سکونت اصلی: ولایت () ولسوالی ()

درباره نویسنده

علی احمد کاوه، پژوهشگر همکار انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان، متولد ۱۳۵۹ خورشیدی در ولایت هرات است که پس از ختم دوره لیسانس در رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه هرات، دوره ماستری را در دانشگاه یونای هندوستان در سال ۱۳۸۷ در رشته جامعه‌شناسی به پایان رساند. پس از آن در سال ۱۳۹۰ دیپارتمنت جامعه‌شناسی را در دانشگاه هرات تأسیس نموده مصروف تدریس در این رشته شد. هم‌زمان با تدریس و تحقیق در این مدت، با استفاده از فیلوشیپ‌ها و برنامه‌های آموزشی، دوره‌های کوتاه‌مدت آموزشی را در چند دانشگاه و انستیتوت‌های اروپا و امریکا (دانشگاه پادووا در ایتالیا، دانشگاه کمبریا و استراکلاید در انگلستان، سازمان کوسیرو انترنشنل در امریکا) ادامه داد. در ده سال اخیر، چندین پروژه پژوهشی اجتماعی را با همکاری پژوهگران داخلی و خارجی بویژه در حوزه مسایل زنان در افغانستان و بویژه هرات به انجام رسانده که گزارش‌های تحقیق به صورت مستقل یا در ژورنال‌های علمی ملی و بین‌المللی به چاپ رسیده‌اند. پوهندوی علی احمد کاوه در حال حاضر استاد دیپارتمنت جامعه‌شناسی دانشگاه هرات و دانشجوی دوره دکتورای جامعه‌شناسی در دانشگاه شانک‌های کشور چین است.

